

تقدیم به باورمندان انسان و انسانیت

# حق برای رشد

نویسنده: دکتر زهرا ارزجانی

چاپ دوم

هانوفر، ژانویه ۲۰۱۸

# پیشگفتار

کتاب حاضر دنباله ی کوششها و نوشته های پیشینم است و مجموعه ای از ۵ بخش جداگانه از اسناد و شواهد نقض حقوق بشر در ایران است که بطور نمونه و تنها از خبرگزاری ها و رسانه های داخلی مورد تأیید دولت جمهوری اسلامی ایران انتخاب گردیده است .

با وجود مدت زمان کوتاهی که از چاپ اثر گذشته، با حمایت و پشتیبانی تبلیغی بسیاری از فعالین حقوق بشر و علاقمندان در کمتر از چهار ماه برای چاپ دوم آماده کرده و امید که بتوانم در ابتدای سال ۲۰۱۸ با کمک یارانم، آن را به چاپ برسانم.

در چاپ دوم این کتاب، نسبت به چاپ اول، تغییراتی از لحاظ محتوا اعمال شده است. به عنوان نمونه یکی از دغدغه های اخیر، جنبش اعتراضی مردم ایران که توسط حاکمیت به شدیدترین و خشن ترین شیوه ها مورد سرکوب قرارمیگیرد، اما به شکل های مختلف خود را نشان می دهد به محتوای کتاب اضافه شده است .

اخیرا آنچه که در ایران می گذرد به روشنی به ما چنین می گویند که: برای درمان دیکتاتور زدگی، فقر، خشونت، جنگ، آوارگی و... مردم ایران دو علاج بیشتر وجود ندارد،

یکی آزادی اندیشه و عقیده و عدم دخالت شان در اداره ی دولت ، و دیگری پذیرش حقوق ذاتی و حق شهروندی همه ی اقشار مردم در ایران می باشد .

ما نباید فراموش کنیم که شادی، عشق، آزادی و حق ذاتی انسانی مهمترین موهبت هایی هستند که انسان پیشرفته به شناخت پیوند درونی آنها رسیده، و به خوبی می داند که بدون هر کدام از اینها، زندگی اش گرفتار رنج ها و کمبودهای بی شمار خواهد شد.

به همین دلیل است که این مفاهیم هر مستبدی را می ترساند، چرا که هر کدام از آنها مانند سدی در مقابل سرکوب، خشونت، بی عدالتی، تبعیض و... عمل خواهد کرد.

هم چون همیشه قدردان همکاران در کانون دفاع از حقوق بشر هستیم که اگر حمایتها و ترغیبهای مستمر کانون دفاع از حقوق بشر در ایران نبود این نوشتار در این روزگار انجام نمی یافت.

دکتر زهرا ارزجانی

ژانویه ۲۰۱۸

## فهرست مطالب

مقدمه.....	۱۰
گزارشات نقض حقوق کودک و نوجوان .....	۲۲
وجود ۲۴۱ هزار کودک بی‌سواد در کشور.....	۲۳
۱۰ دختر در ۷ شهر خراسان رضوی در زیر ۱۰ سال ازدواج کرده‌اند .....	۲۴
کودکان کار در میان خشونت خیابان‌ها .....	۲۶
چوب معلمی ” که دیگر گل نیست! .....	۳۰
بسیاری از ناظران اعدام‌ها کودکان هستند؛ .....	۳۶
شیوع اعتیاد و مصرف روانگردان‌ها در بین دانش‌آموزان دبیرستانی .....	۴۱
۹۰ درصد کودکان کار ایران مورد آزار جنسی قرار می‌گیرند.....	۴۲
۸۷ درصد اعدام‌های جهان در چهار کشور از جمله در ایران .....	۴۴
افزایش بیماری روانی مزمن در افراد زیر ۱۵ سال .....	۴۵
روزی یک وعده غذای گرم، سوء تغذیه کودکان در لرستان .....	۵۰
مجرم متهم به قتل ستایش قریشی دختر بچه افغانستانی اعدام شد.....	۵۲
وضعیت دانش‌آموزان بازداشت شده اعتراضات سراسری اخیر.....	۵۴
به کارگیری کودکان در کارگاه‌های تفکیک زباله توسط پیمانکاران شهرداری.....	۵۶
زاهدی: مواجهه لایحه بودجه ۸۰ آموزش و پرورش و آموزش عالی با کسری جدی.....	۵۸
نماینده مجلس ایران: خودکشی حداقل ۱۱ نفر بعد از زلزله کرمانشاه .....	۵۹
گزارشات نقض حقوق جوان و دانشجو.....	۶۱

- ۶۲..... موج جدید اخراج دانشجویان بهایی از دانشگاه‌ها.
- ۶۶..... تعلیم یا توهین و تهدید!
- ۶۷..... تعلیق ۴ تشکل دانشجویی
- ۶۸..... فارغ التحصیلان بیکار
- ۶۹..... تصویب حذف "سنوات تحصیلی" یا مشوقی برای خروج مغزها؟
- ۷۲..... دریافت جریمه یک میلیون تومانی از دانشجوی روزانه شریف!
- ۷۵..... ممانعت از تجمع هواداران محمدعلی طاهری مقابل دانشگاه تهران
- ۷۷..... بازداشت چهار تن از اعضای شوراهای صنفی دانشجویان دانشگاه تهران
- ۷۹..... مرگ یک زندانی پس از ضرب و شتم در زندان بیرجند
- ۸۰..... نامه شوراهای صنفی ۰۱ دانشگاه کشور به وزیر علوم در خصوص دانشجویان
- ۸۳..... استفاده از زور بیش از حد علیه راهپیمایان رامتوقف کنید
- ۸۷..... بازداشت ۳ تن از فعالان عرفان حلقه در تهران
- ۸۸..... حکم اعدام محمد علی طاهری برای دومین بار نقض شد
- ۹۱..... دیگر سکوت جایز نیست
- ۹۵..... بازداشت نزدیک به دو هزار نفر در اعتراضات سراسری اخیر
- ۹۷..... ایران همچنان در فهرست ۱۰ کشور ناقض آزادی مذاهب قرار دارد
- ۹۹..... تشکیل جلسه اضطراری در شورای امنیت در خصوص تظاهرات
- ۱۰۱..... گزارشات نقض حقوق زنان
- ۱۰۲..... روایتی تلخ از درد زنان سرپرست خانوار
- ۱۰۸..... آمار اعتیاد در میان زنان زندانی
- ۱۱۰..... زنان و کودکان از ابتدایی‌ترین قوانین حمایتی برخوردار نیستند
- ۱۱۲..... تهدید درمان‌های خودسرانه در کمین معتادان زن

- ۱۲۱ ..... رشد ۲ برابری زنان زندانی در جرایم غیر عمد
- ۱۲۷ ..... سیستان و بلوچستان اعتیاد، ازدواج زودرس دختران، بیکاری و فقر
- ۱۳۴ ..... شیطنتهای رسانه‌ای دلیل عدم حضور زنان در ورزشگاه‌ها
- ۱۳۷ ..... زنان ۶۴ درصد جمعیت سالمندان تحت پوشش کمیته امداد را تشکیل می‌دهند
- ۱۳۸ ..... زنان بیشتر خودکشی می‌کنند
- ۱۴۰ ..... به خاطر حجاب از تیم ملی اخراج شد به تیم ملی آمریکا پیوست
- ۱۴۱ ..... تولد ناشهروندان بی شناسنامه؛ پیامد ممنوعیت انتقال تابعیت از مادر به فرزند
- ۱۴۵ ..... بازداشت مجدد لیلا میرغفاری از سوی نیروهای امنیتی
- ۱۴۶ ..... انتقال ملیکا کاوندی و زهرا شفیعی دهقانی
- ۱۴۷ ..... زنانگی یک فرهنگ است/ نسبت احراز پست سیاسی توسط زنان با توسعه
- ۱۵۷ ..... برنامه دولت برای مقابله با بدحجابی در دستگاه‌های خصوصی
- ۱۵۷ ..... صدور حکم شلاق و حبس برای دو شهروند در ایلام و سقز
- ۱۵۹ ..... ناگفته‌های ورود زنان به ورزشگاه
- ۱۶۲ ..... شیرین عبادی: «این اعتراضها فراگیرتر از جنبش سبز در سال ۷۷»
- ۱۶۴ ..... حقوق بشر، اعلامیه جهانی، اعلامیه اسلامی
- ۱۶۸ ..... گزارشات نقض حقوق محیط زیست
- ۱۶۹ ..... دریاچه ارومیه محل تخلیه زباله کارخانجات صنعتی
- ۱۷۰ ..... نقش سازمان ملل متحد در قرن بیست و یکم
- ۱۷۷ ..... بزرگترین اعتراض زیست محیطی تاریخ ایران
- ۱۷۷ ..... حمایت فعالان محیط زیست از انرژی اتمی
- ۱۸۰ ..... دریاچه ارومیه را نجات دهید
- ۱۸۱ ..... مخاطرات ناشی از فرونشست

- مشکل زیست محیطی "ریزگرها" در ایران ..... ۱۸۲
- بحران محیط زیست در ایران ۲ برابر جهان ..... ۱۸۶
- منشا آلودگی هوای سیستان و بلوچستان ..... ۱۸۸
- دستگیری چهار متهم به شکار حیوانات وحشی ..... ۱۸۹
- آلودگی سواحل دریای خزر ..... ۱۹۱
- تلف شدن آبزیان در تالاب هورالعظیم به دلیل کم‌آبی ..... ۱۹۲
- متخلف قطع درخت به غرس ۱۰۰ اصله نهال محکوم شد ..... ۱۹۳
- ۹۴ درصد مساحت کشور تحت تاثیر خشکسالی بلند مدت ..... ۱۹۴
- معضل گرد و غبار و آلودگی هوا در اکثر استانهای کشور ..... ۱۹۷
- جیره بندی آب در ایذه ..... ۱۹۸
- طرح گردشگری در تالاب استیل متوقف شده است ..... ۲۰۰
- دستگیری عاملان خرید و فروش حیات وحش در ایلام ..... ۲۰۳
- بحران غبارنمکی در تهران و قم با خشک شدن دریاچه‌نمک ..... ۲۰۳
- کاهش ۱۱ میلیون هکتاری سطح جنگلی کشور ..... ۲۰۷
- دستگیری هفت شکارچی و آسیب زنده به حیات وحش ..... ۲۰۸
- عامل شکار بز وحشی در ارتفاعات تفت دستگیر شد ..... ۲۰۹
- توافقنامه پاریس؛ تهدید یا فرصت ..... ۲۱۱
- آتش‌سوزی شاهواز طریق مانور سپاه ..... ۲۱۳
- تلخی «نیشکر» زیر دندان کارگران هفت‌تپه ..... ۲۱۵
- سقوط ۲۲ پله‌ای محیط زیست ایران در دو سال گذشته ..... ۲۲۳
- قطع ۲۳ اصله درخت در یکی از روستاهای ملارد ..... ۲۲۵
- ماجرای ساخت سد گتوند و موزه عبرت محیط زیست ..... ۲۲۶

- همه ۸۰ میلیون ایرانی باید محیط بان شوند ..... ۲۲۸
- تالاب دائمی قم در آستانه خشکی ..... ۲۳۰
- معضل پسماند بر آب و خاک گیلان ..... ۲۳۲
- دولت در این سال‌ها برای دریاچه ارومیه کاری نکرده است ..... ۲۳۳
- خشکسالی تالاب‌های شادگان و چغاخور ..... ۲۳۵
- تلاش اهالی ۱۴ روستا برای ادامه حیات سیاهرود ..... ۲۳۶
- گرد و غبار در اهواز بیش از ۸ برابر حد مجاز ..... ۲۳۸
- مرگ دسته‌جمعی در مزارع پرورش میگوی چابهار ..... ۲۴۰
- دوگونگ‌ها در ایران وضعیت مناسبی ندارند ..... ۲۴۳
- بحران آب همه سلائق را دور هم جمع کرد ..... ۲۴۶
- آینده ایران در خطر؛ خشکسالی‌های طولانی‌تر و سیل‌های بیشتر ..... ۲۴۸
- سازمان محیط زیست یک سازمان ضعیف و مستضعف است ..... ۲۵۲
- سیرکان، تنها شهر بدون آب در ایران / اینجا تشنگی بیداد می‌کند ..... ۲۵۷
- زهکش نیشکر هفت تپه سلامت روستاییان را تهدید می‌کند ..... ۲۵۷
- زاینده رود خشک شاهد سازوکارهای بی‌نتیجه ..... ۲۵۹
- مجوزهای غیر اصولی عامل خشکی زاینده رود ..... ۲۵۹
- تعطیلی و ورشکستگی ۶۰ درصد از مزارع پرورش ماهی کشور ..... ۲۶۲
- مشروح بخش دوم نشست مشکلات و چالش‌های صنعت آبریزی کشور: ..... ۲۶۵
- کتمان حقیقت تخلف است ..... ۲۸۷
- عرضه غیر قانونی پرنده‌گان مهاجر در بازار لنگرود ..... ۲۸۸
- قاچاق خاک ایران ..... ۲۸۹
- معضل ریزگردها، خشک شدن تالابها و نابودی جنگلهای زاگرس ..... ۲۹۰

- تالاب انزلی قربانی تل بلند زباله..... ۲۹۲
- بررسی مشکلات زیست محیطی شرکت نفت و گاز مارون..... ۲۹۶
- تعریف الگوی مصرف منابع آبی بر اساس منابع دینی ..... ۲۹۸
- تولید سالانه یک میلیارد متر مکعب پساب..... ۳۰۰
- تولید سالانه ۷ میلیون تن پسماند خطرناک..... ۳۰۲
- خشک شدن ۱۰ درصد دریاچه ارومیه..... ۳۰۳
- مصرف ۱۲ میلیون لیتر بنزین روزانه در تهران..... ۳۰۸
- مقالات نقض حقوق بشری ..... ۳۱۰
- بررسی زیست محیطی طرح انتقال آب دریای خزر و خلیج فارس به فلات مرکزی ایران..... ۳۱۱
- رابطه محیط زیست و حقوق بشر ..... ۳۱۷
- زنان کارآفرین و بازار مردانه ی کار ..... ۳۱۹
- آلودگی های زیست محیطی ناشی از پیشروی پساب نیشکر در زمین های کشاورزی خرمشهر ..... ۳۲۲
- تحلیلی بر بحران های زیست محیطی استان خوزستان ..... ۳۲۴
- علل خشکسالی و گسترش بیابان..... ۳۲۶
- شرح ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر و مطابقت آن با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ..... ۳۲۸
- فقر و نابرابری جغرافیای اقتصادی ایران ..... ۳۳۶
- دلایل گسترش حاشیه نشینی در ایران..... ۳۴۰
- علل ازدواج زودهنگام کودکان در خراسان شمالی و رضوی..... ۳۴۲
- بحران آب و سراب مدیریت ..... ۳۴۷
- بحران آب و بیکاری ، مهاجرت..... ۳۵۲
- شرح ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر و مطابقت آن با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ..... ۳۵۷
- فرصتها و چالش های دریانوردی در ایران ..... ۳۶۱



- ۳۶۵.....وضعیت زندگی و مشکلات محیط بانان
- ۳۶۸.....ارزیابی عملکرد و معضل خرید و فروش پایان نامه در دانشگاه آزاد اسلامی
- ۳۷۱.....زن؛ خیابان؛ دستفروشی
- ۳۷۵.....جنگل خواری بجای جنگل کاری
- ۳۷۸.....بررسی وضعیت رفاهی، فرهنگی و اجتماعی دانشجویان
- ۳۸۳.....نگاهی به خشونت زنان
- ۳۸۶.....چالش آینده، امنیت غذایی
- ۳۸۸.....آلودگی هوای تهران ، مرگ تدریجی حیات شهروندان
- ۳۹۳.....تخریب بناهای تاریخی و مدیریت ناکارآمد

## مقدمه

حقوق بشر، از بنیادی ترین حق های انسانی است که نگاهداشت آن، دست کم برای زندگی کرامت مدار انسانی لازم است. حقوقی که برای بهره مندی از آن، تولد کافی است. مطابق اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر اسناد بین‌المللی این حقوق ویژگی‌هایی همچون جهان شمول بودن، سلب ناشدنی، انتقال ناپذیری، تفکیک‌ناپذیری، عدم تبعیض و برابری طلبی، به هم پیوستگی و در هم تنیدگی را دارا است. از این رو به تمامی افراد در هر جایی از جهان تعلق دارد و هیچ کس را نمی‌توان به صرف منطقه جغرافیایی که در آن زیست می‌کند، از حقوق بشر محروم کرد. ضمن اینکه همه افراد فارغ از عواملی چون نژاد، ملیت، جنسیت و غیره در برخورداری از این حقوق با هم برابر و یکسانند و در این خصوص کسی را بر دیگری برتری نیست.

اما ما در کشوری زندگی می‌کنیم که بسیاری از نهادهای رسمی نه تنها حقوق بشر را در زمینه‌های گوناگون نقض می‌کنند بلکه این سیاست به نام مذهب، سنت و یا مبارزه علیه غرب توجیه هم می‌شود. در کشوری که افراطی‌گری، خشونت آشکار، تبعیض، کینه، دخالت گسترده در حوزه خصوصی زندگی مردم و نگاه به گذشته بخش مهمی از زندگی روزمره مردم از نظام آموزشی تا رسانه‌های رسمی را در برمی‌گیرد. بنابراین فرهنگ‌سازی برای حقوق بشر و نگاه انتقادی به بازنماها و باورهایی که برای افکار عمومی گاه امری بدیهی به شمار می‌روند، کار آسانی نیست. اما شکل‌گیری تدریجی نوعی فرهنگ حقوق بشری در دل جامعه، امری ضروری است.

کتابی که تحت عنوان «حق برای رشد» اکنون پیش روی شماست، مجموعه‌ای از ۵ بخش جداگانه از اسناد و شواهد نقض حقوق بشر در کشورمان ایران است که بطور نمونه و تنها از خبرگزاری‌ها و رسانه‌های داخلی مورد تأیید جمهوری اسلامی انتخاب گردیده است.

باور ما اینست که : همه دارای حق و حقوق برابر هستند. فرقی نمی کند که جنسیت شما چه باشد، اهل کدام کشور باشید، دین شما چه باشد، رنگ پوست شما چه باشد یا فقیر و یا غنی باشید. همه باید از حق و حقوق برابر برخوردار باشند. زیرا هیچکس نمیتواند این حق را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد .

یکی از نکات قابل تأمل در بخش یک کتاب ،نقض حقوق کودکان در ایران را میتوان اشاره کرد. به طوریکه به کودک به عنوان یک موجود مستقل نگاه نمی شود و حتی ساده ترین حقوق آنان نادیده گرفته می شود. حقوق کودکان معمولاً با مسئولیت پذیری آنها همراه میشود اما حق، چیزی نیست که شخص آنرا در اثر انجام وظیفه کسب کند، حق، امری ذاتی و مستقل است و ما نمیتوانیم حقوق کودکی را به خاطر ناخشنودی از بعضی رفتارهای وی، نادیده گرفته و کودک را از آن محروم نماییم .

تمام کودکان حق دارند که نیازهای اساسی آنها برآورده شود، که نه تنها شامل نیازهای لازم برای بقا و امنیت که شامل حقوقی است که به آنها امکان دهد تا حد توانایی خود به رشد جسمی و ذهنی رسیده و با توجه به سن و میزان رشد خود به عنوان عضوی از جامعه عمل نمایند و به یک شهروند بزرگسال مسئول و علاقمند به امور جامعه تبدیل شوند. اولین و مهمترین حق هر کودک، حق بقاست که به معنای برطرف نمودن نیازهای او به غذا، سرپناه، امنیت و مراقبت از سلامتی اوست .

کنوانسیون حقوق کودکان در بیستم نوامبر ۱۹۸۹ طی قطعنامه ای در ۵۴ ماده به تصویب مجمع عمومی رسید. کنوانسیون حقوق کودکان دارای ویژگی های خاصی است که آن را از سایر پیمان های بین المللی متمایز می سازد، اولین و مهمترین ویژگی کنوانسیون این است که تمامی کشور های جهان (به استثنای چند کشور) علی رغم وجود تفاوت در زمینه های مختلف آن - فرهنگی، اجتماعی، آموزشی، بهداشتی، قضایی، ایمنی و رفاهی- به علت اهمیت فوق العاده دوران کودکی در رشد و پرورش انسان ها و نقش کودکان در توسعه و پیشرفت آینده جوامع بشری و آگاهی نسبی دولت ها به این امر، این پیمان نامه را پذیرفته اند. از ویژگی های دیگر این کنوانسیون گستردگی مخاطبان آن می باشد که دلیل این امر هم

قرار گرفتن افراد زیر ۱۸ سال طبق ماده ۱ این پیمان نامه می باشد، که بیشترین تعداد جمعیت به ویژه در کشور های جهان سوم به این گروه سنی تعلق دارد. یکی دیگر از ویژگی های این کنوانسیون انعطاف پذیری آن است، زیرا این پیمان نامه با وجود تفاوت های فرهنگی، اجتماعی و... در تمامی کشور های جهان قابلیت اجرایی دارد. جامعیت کنوانسیون از ویژگی های دیگر این کنوانسیون است، زیرا این پیمان نامه تمام جنبه های رشد و زندگی کودک اعم از رشد جسمی، ذهنی، عاطفی، روانی و اجتماعی را مورد توجه قرار داده است. دولت جمهوری اسلامی ایران کنوانسیون حقوق کودک را به صورت مشروط پذیرفته است، ثانیاً: مواردی مغایر با این کنوانسیون در قانون مدنی خود به آن افزوده است، که این قوانین در بسیاری از موارد ساده ترین حقوق کودک را نادیده می گیرد. ثالثاً: دولت به وظایف خود در همان حدی که خود پذیرفته و در قوانین داخلی اش آورده، عمل نمی کند، از جمله آموزش کودکان و خانواده ها، پذیرفتن کودک به عنوان یک موجود مستقل، توجه به نهاد خانواده و حق کودکان پناهنده، کمک به کودکان معلول، حق برخورداری از بالاترین استاندارد و زندگی مناسب، حق آموزش و تحصیل و همچنین عدم توجه به بعضی از حقوق ابتدایی کودکان از جمله "حق تفریح و بازی"، عملاً اجرای کنوانسیون حقوق کودک را در ایران با مشکل روبرو کرده است.

همچنین کنوانسیون حقوق کودک در ایران با وجود تغییرات زیاد از جانب دولت ایران، که باعث از دست رفتن صورت اولیه و اصلی آن شده است، همچنان آن طور که باید و شاید اجرا نمی شود و آمار نشان می دهد که در حدود ۱۰ درصد از کودکان (۴٪ شهری و ۶٪ روستایی) به مدرسه نمی روند، ۸۰۰۰ کودک در ایران بدون شناسنامه هستند، ۱۰۰۰۰ کودک بی سرپرست در تهران به سر می برند، ۲۰۰۰۰ کودک کار در تهران ثبت گردیده است و ازدواج های زودرس کودکان، به ویژه کودکان دختر و... باید بدانیم که کودکان نه اموال والدینند و نه ابزاری جهت کمک و اعانه، بلکه آنان بشرند و مستحق برخورداری از حقوقشان می باشند. باید به کودک به عنوان یک عضو خانواده و جامعه نگریسته شود که از حقوق و وظایف مناسب سن خود متأثر می باشد.

متأسفانه ۹۰ درصد از کودکان کار مورد آزار و اذیت جنسی قرار می‌گیرند. از آنجا که پدر و جد پدری، ولی و به نوعی صاحب کودک شمرده می‌شود، قوانین ایران درباره کودک آزاری و خشونت خانوادگی علیه کودکان دچار مشکل هستند. همچنین قوانین خاصی برای پیشگیری از کودک‌آزاری در ایران وجود ندارد و خشونت علیه کودکان جزو موارد عمومی است. بر اساس ماده ۲۲ قانون جزای اسلامی، اگر پدر یا جد پدری فرزند خود را بکشد قصاص نمی‌شود و تنها به پرداخت دیه و تعزیر محکوم می‌شود اما در شرایط مشابه مادر به قصاص محکوم خواهد شد.

آمار بالای کودکانی که پیش از رسیدن به بلوغ فکری و ذهنی ازدواج می‌کنند در آینده بر سلامت خانواده‌های ایرانی تاثیر منفی خواهد گذاشت و تا مشخص شدن سنی قطعی و قانونی برای ازدواج تاکید می‌شود و تا مشخص نشدن الزامات قانونی نمی‌توان از این پدیده جلوگیری کرد. بر همین اساس آمارها نشان می‌دهند که در سال ۹۰، ۲۲۰ کودک؛ سال ۹۱، ۱۸۷، کودک؛ سال ۹۲، ۲۰۱ کودک؛ سال ۹۳، ۱۷۶ کودک و در سال ۹۴، ۱۷۹ کودک زیر ۱۰ سال تن به ازدواج داده‌اند؛ این در حالیست که آمارهای رسمی تنها محدود به ازدواج‌های ثبت شده در دفاتر رسمی است و چه بسا این تعداد بدلیل عدم ثبت ازدواج کودکان بدون شناسنامه و یا عدم ثبت رسمی و قانونی ازدواج‌های چند همسری تغییر یابد.

در هر سال ۸۰۰ دختر ۱۰ تا ۱۴ سال و ۱۵ هزار دختر ۱۵ تا ۱۹ سال در ایران طلاق گرفته‌اند. فقر مادی و باورهای سنتی علت این ازدواج‌های زودهنگام است. در بیشتر موارد خانواده داماد به خانواده عروس که اغلب فقیر هستند پولی پرداخت می‌کنند. از پیامدهای ازدواج زودهنگام می‌توان به افزایش بی‌سوادی و کم‌سوادی در میان زنان، چندزنی، پدیده فرار از خانه و همسرکشی اشاره کرد. دولت‌ها به منظور تعیین حداقل سن برای ازدواج، که در هر حال نباید کمتر از ۱۵ سال باشد، باید اقدام قانونی کنند. طی سالهای گذشته آموزش و پرورش در زمینه انتقال مفهوم کودکی و حقوق کودکان بسیار ضعیف عمل کرده است و گاهی خود چالش ساز بوده است. باید تلاش کرد که گام‌های اصلاحی از آموزش و پرورش شروع شود. به عبارت دیگر حقوق کودک باید در مفاهیم و سر فصل‌های درسی گنجانده شود تا دانش‌آموزان با حقوق‌شان آشنا شوند و منتقل‌کننده این مباحث به خانواده‌هایشان

باشند. بنابراین آگاهی و فرهنگ سازی در مورد حقوق کودکان و زمینه سازی برای تغییرات اجتماعی، تدقیق قوانین و ارتقاء شعور جمعی یک جامعه، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در بخش دوم گوشه ایی از گزارشات نقض حقوق دانشجویان و اساتید دانشگاه را در بر می گیرد. زیرا دانشجویان و اساتید دانشگاه به خاطر عقاید، جنسیت، مذهب و قومیت خود، کماکان با نقض روزمره و فراگیر حقوق خود مواجه هستند. مقامات ایران مشخصا پیروان آیین بهایی را مورد هدف قرار داده و آنها را، تنها به خاطر عقاید مذهبی شان، از ادامه تحصیل در مقطع آموزش عالی محروم می کنند. اساس این کار مقررات مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی است که اعتقاد به اسلام یا یکی از ادیان مورد شناسایی رسمی حکومت را، که شامل آیین بهایی نیست، به عنوان شرط تحصیل در دانشگاه ها تعیین کرده است

همچنین، تبعیض علیه زنان در سیستم آموزش عالی ایران افزایش یافته است. جداسازی جنسیتی که اخیرا در برخی دانشگاه به اجرا گذاشته شده است این سوال را پیش می آورد که آیا، به شرط وجود ظرفیت و آنگونه که قوانین بین المللی مقرر کرده اند، زنان و مردان به آموزش عالی با کیفیت یکسان دسترسی برابر خواهند داشت یا خیر. گزارشات مبنی بر اعمال سهمیه هایی از جانب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری که پذیرش زنان در برخی از رشته های تحصیلی دانشگاهی را محدود می کنند، حاکی از آن است که زنان برای استفاده از حق خود مبنی بر دسترسی بدون تبعیض به آموزش عالی، با محدودیت های فزاینده ای روبه رو هستند. به نظر می رسد این سهمیه ها به منظور افزایش نسبت تعداد دانشجویان پسر پذیرفته شده در دانشگاه ها و کاهش دسترسی زنان به برخی رشته های تحصیلی مشخص، طراحی گردیده است. این گونه محدودیت ها بر امکان انتخاب تحصیلی زنان، اصل ممنوعیت تبعیض و نیز تعهدات ایران تحت قوانین بین المللی را نقض می کند. امروزه زنان به عنوان نیمی از سرمایه های انسانی این کشور در جامعه حضور دارند اما همواره شاهد وجود نابرابری ها و تزییع حقوق آنان در جامعه هستیم.

طبق آمار رسمی ارائه شده سالانه حدود ۹۰۰ هزار دانشجو فارغ التحصیل می شود که حدود ۶۵۰ هزار نفر از این تعداد متقاضی جدید کار هستند. علاوه بر این طی ۵ سال آینده، سالانه حدود ۲۵۰ هزار نفر افراد فاقد تحصیلات دانشگاهی به جمعیت جویای کار اضافه می شوند...

نکته قابل تأمل اینکه، جمعیت متقاضی شغل در بین فارغ‌التحصیلان حدود ۳ برابر سایر متقاضیان بازار کار است و این، مسأله اصلی دولت شده، یعنی "اشتغالزایی با اولویت فارغ‌التحصیلان دانشگاهی". «همچنین؛ عضو هیئت علمی دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی مشکل را صنعت و دانشگاه نمی‌داند.

اخبار تجمع و تحسن در سه دانشگاه برتر کشور و اعتراض دانشجویان به حذف "سنوات" و "وضعیت خوابگاه‌ها" که چندین تیر خبرگزاری‌های مختلف گردیده طی یک فرآیند چند ساله سبب خروج افرادی میشود که فاقد توانائی‌های لازم برای ادامه تحصیل، کسب علم و دانش هستند، آنان را خواسته یا ناخواسته مجبور به ترک کشور خواهد کرد تا بتوانند از امکانات بهتر و برتر برخوردار گردند.

براستی اگر تلاش شورای عالی آموزش در راستای ارتقا امکانات و سطح آموزش دانشجویان کشور است تا آنان هرچه کمتر به فکر خروج از کشور باشند و بمانند تا به ملت و کشور خود خدمت کنند، اینگونه مصوبات مسئولان دانشگاه هر روز شرایط را برای دانشجویان سخت تر می‌سازد و در نتیجه دانشجوی مستاصل عطای تحصیل در کشور را به لقایش خواهد بخشید و راهی خارج از کشور می‌شود چرا که هم امکانات تحصیلی بهتری برایش فراهم است و هم پول و حقوق خوبی دریافت می‌کند.

خبر بد اینکه در مقابل این اعتراضات و خواسته‌ها، مسئولان همچنان بر اقدامات خویش پافشاری میکنند و طبق روال گذشته با وعده و وعید اینکه « این مبالغ را تخفیف می‌دهیم، تقسیط می‌کنیم، یا اگر شما به دلیل مشکلات به دانشگاه درخواست بدهید، شاید هم ببخشیم » در صدد خاموش کردن صدای اعتراض آنان هستند. و این علامت سؤال بزرگ که : از کجا ببخشید؟ چه ببخشید و چرا ببخشید؟ مگر نه اینکه اصل ۳۰ قانون اساسی تاکید بر رایگان بودن خدمات آموزشی دارد؟

دربخش سوم اختصاص به گزارشات نقض حقوق زنان داده شده ، زیرا ۶۶ درصد زنان ایران از آغاز زندگی مشترک تا کنون، حداقل یکبار مورد خشونت قرار گرفته اند، و این آخرین آمار ارائه شده خشونت علیه زنان « در ۲۸ مرکز استان » توسط پژوهشگران ایران است، اما گزارش

های خبری نشان میدهد که آمار منتشره منطبق با یک هزارم واقعیت، حتی در محدود خانواده ها نیز، نمی باشد. برخی از قوانین و مقرراتی که منجر به اعمال تبعیض جنسیتی علیه زنان و افزایش میزان ارتکاب خشونت علیه زنان در کشور ایران می شود، اینگونه برشمرده می شود: مفاد قانون مجازات اسلامی در مورد شهادت زنان و میزان دیه زنان، مفاد قانون مدنی در خصوص جواز ازدواج دختران سیزده سال، و قانون حمایت از خانواده که ازدواج موقت و ازدواج مجدد را جایز دانسته است.

زن آزاری در جمهوری اسلامی مساله ای خانوادگی نیست، بلکه یک امر اجتماعی، قانونی و نهادینه شده است، تجاوز به دختران خردسال تحت نام ازدواج نوعی ازین خشونت قانونی است، محروم نمودن زنان، دختران و حتی دختر بچه ها از بازی، ورزش، رقص و فعالیتهای هنری- فرهنگی بخش دیگری از خشونت سیستماتیک علیه زنان است محروم کردن زنان از حق کار، حق طلاق، حق سفر، حجاب اجباری، شلاق، سنگسار، قتلهای ناموسی به جرم "بی عفتی"، اسید پاشی بصورت زنان بدحجاب، تحقیر و توهین های سیستماتیک علیه بانوان ایران توسط نیروهای بسیج، گشت ارشاد، تریبونهای مختلف از منبر و محراب و یا رسانه های دولتی، ... از مصادیق خشونت دولتی و قانونی است.

بانوان کارگر در جامعه کنونی ایران با تبعیض های چندگانه فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و قانونی روبرو هستند، در مقابل بحران های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران هم جزو اولین قربانیان محسوب میشوند زنان کارگر، علاوه بر مشاغل کم در آمد و پرزحمت با ساعات کار طولانی و غیرقانونی، در شرایط کار مساوی با مردان نیز دستمزد کمتری دریافت می کنند، آنان پیوسته در صف اول اخراج از محل کار قرار دارند که متأسفانه افزایش نرخ بیکاری زنان نشانگر این واقعیت تلخ است و این قالب های جنسیتی در تمام زوایای زندگی زنان و در بسیاری از موارد بطور خشونت آمیزی خود را بر می کشد. چه در عرصه "خصوصی" و چه در حوزه عمومی و اجتماعی. در آمارهای رسمی زنان کارگر کمتر از پنج درصد کل کارگران را تشکیل می دهند زیرا اکثراً در بخش غیررسمی شاغل هستند بنابراین در آمار جایی ندارند هر چند در بخش رسمی نیز از حقوق اولیه قانونی خود کمتر بهره مند بوده و طبق قانون کار امتیازاتی که ظاهراً برای کمک به زنان کارگر در نظر گرفته شده موجب گردیده تا کارفرمایان



به استخدام زنان کارگر، تمایلی نشان نداده و برای فرار از قانون مرخصی زایمان، حق شیردادن، ایجاد شیرخوارگاه و مهدکودک، از استخدام زنان کارگر سرباز زنند.

در طی این سالها بسیاری از زنان به دلیل مخالفت با سیاست های مرد سالارانه ، مقاومت در برابر تهاجم به حقوقشان، اعتراض به بی عدالتی و ستم و سرکوب یا دفاع از حقوق شهروندی متحمل زندان و رنج و شکنجه شده‌اند. اما هیچ زنی در قطار کابینه تدبیر و امید برای تصدی پست وزارت، به مجلس معرفی نشد. که مجموعه این مطالبات و نباید ها وضعیتی بسیار دشوار برای اکثریت زنان ایران بوجود آورده است، به عبارتی یکی از میدان های اصلی کارزار و مبارزاتی جامعه زنان ایران در کسب حقوق نادیده گرفته شده آنان است.

زنان ایران بخش مهمی از نیروی فعال جامعه هستند و باید از مطالبات و منافع یکسان نیز برخوردار باشند زیرا وجود این فصل مشترک بیش از هر عامل دیگری یک جامعه فعال به هم پیوند می زند اما قوانین و تبعیضات اتخاذ شده علیه زنان ضمن اینکه در تضاد با روح زمانه مورد مخالفت و بیزاری آنان و محل توسعه و پیشرفت زنان ایرانی است ناقض ماده ۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر هم هست.

### **ماده ۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر :**

همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بدون تبعیض و باسویه از حمایت قانون برخوردار شوند. همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقض اعلامیه حاضر باشد و بر علیه هر تحریکی که برای چنین تبعیضی بعمل آید بطور تساوی از حمایت قانون بهره‌مند شوند.

با عنایت به اینکه اعلامیه جهانی حقوق بشر اصل قابل قبول نبودن تبعیض را تأیید نموده، اعلام می‌دارد که کلیه افراد بشر آزاد به دنیا آمده و از نظر منزلت و حقوق یکسان بوده و بدون هیچگونه تمایزی، از جمله تمایزات مبتنی بر جنسیت، حق دارند از کلیه حقوق و آزادیهای مندرج در این اعلامیه بهره‌مند شوند،

با توجه به اینکه دول عضو میثاقهای بین‌المللی حقوق بشر متعهد به تضمین حقوق برابر زنان و مردان در بهره‌مندی از کلیه حقوق اساسی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و سیاسی می‌باشند، با در نظر گرفتن کنوانسیونهای بین‌المللی که تحت نظر سازمان ملل متحد و سازمانهای

تخصصی به منظور پیشبرد تساوی حقوق زنان و مردان منعقد گردیده‌اند، همچنین با عنایت به قطعنامه‌ها، اعلامیه‌ها و توصیه‌هایی که توسط ملل متحد و سازمانهای تخصصی برای پیشبرد تساوی حقوق زنان و مردان تصویب شده است، در عین حال، با نگرانی از اینکه به رغم این اسناد متعدد، تبعیضات علیه زنان همچنان به طور گسترده ادامه دارد،

با یادآوری اینکه تبعیض علیه زنان ناقض اصول برابری حقوق و احترام به کرامت انسانی است و مانع شرکت زنان در شرایط مساوی با مردان در زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور و نیز گسترش سعادت جامعه و خانواده شده و شکوفایی کامل قابلیت‌ها و استعدادهای زنان در خدمت به کشور و بشریت را دشوارتر می‌نماید، با نگرانی از اینکه در شرایط فقر و تنگدستی زنان از حداقل امکان دسترسی به مواد غذایی، بهداشت، تعلیم و تربیت و فرصتهای شغلی و سایر نیازها برخوردارند، با اعتقاد بر اینکه تأسیس نظام نوین اقتصاد بین‌الملل بر اساس مساوات و عدالت در تحقق پیشبرد برابری بین مردان و زنان نقش مهمی را ایفاء می‌نماید،

با تأکید بر اینکه ریشه‌کن کردن آپارتاید، اشکال مختلف نژادپرستی، تبعیض نژادی، استعمار، استعمارنو، تجاوز، اشغال و سلطه و دخالت خارجی در امور داخلی دولتها مستلزم تحقق کامل حقوق مردان و زنان می‌باشد، با تأیید بر اینکه تحکیم صلح و امنیت بین‌المللی، تشنج‌زدایی بین‌المللی، همکاری‌های متقابل دول صرف نظر از نظام‌های اجتماعی و اقتصادی آنان، خلع سلاح کامل و عمومی و بویژه خلع سلاح اتمی تحت نظارت و کنترل دقیق و مؤثر بین‌المللی، تأکید بر اصول عدالت، مساوات و منافع متقابل در روابط بین کشورها و احقاق حق مردم تحت سلطه استعمار و بیگانه و اشغال خارجی به دستیابی به حق تعیین سرنوشت و استقلال و همچنین احترام به حاکمیت ملی و تمامیت ارضی باعث توسعه و پیشرفت اجتماعی خواهد شد و در نتیجه به دستیابی به مساوات کامل بین مردان و زنان کمک خواهد کرد، با اعتقاد بر اینکه توسعه تمام و کمال یک کشور، رفاه جهانی و برقراری صلح مستلزم شرکت یکپارچه زنان در تمام زمینه‌ها در شرایط مساوی با مردان است،

یکی از دغدغه‌های دیگر در بخش چهارم کتاب، نقض حقوق محیط زیست در ایران را میتوان اشاره کرد، حق به محیط زیست به عنوان یک حق مستقل حقوق بشری برای داشتن محیط زیست با کیفیت است. حق به محیط زیست هم منعکس کننده ارزش‌های متعالی و پایه‌ای

همانند حق به حیات، حق سلامتی، حق به زندگی با استاندارد است و هم با پیش نیازهای تداوم حیات نسل کنونی و نسل های آتی همانند توسعه پایدار ارتباط تنگاتنگ و ارگانیک دارد.

در سال ۱۹۷۲ سازمان ملل متحد کنفرانسی را با حضور ۱۱۳ کشور جهان در پایتخت سوئد برگزار کرد، که با تصویب ۲۶ اصل، دولت ها را برای همکاری در حفظ و تقویت محیط زیست طبیعی از طریق پیشگیری از آلودگی، ترویج آموزش و برنامه ریزی و شهرسازی عقلانی فرا خواند. این کنفرانس نشان دهنده نگرانی زمینیان از مشکلات و معضلاتی بود که محیط زیست آنان را تهدید می کرد. ۲۰ سال بعد در ریودوژانیرو، کنفرانس سران زمین تشکیل شد. در این کنفرانس دستور کار قرن بیست و یکم تصویب شد. فراگیرترین معضل زیست محیطی، گرم شدن زمین و تغییرات جوی مربوط به آن بود. ادامه کنفرانس سران زمین، انعقاد کنوانسیون تغییرات جوی بود. آیا برای دستیابی به زمین پاک و بدون آلاینده و قابل سکونت باید همگی بکوشیم؟ پیمان کیوتو برای این منظور انگشت اشاره خود را تنها به سوی کشورهای در حال توسعه که یک چهارم از آلاینده های کره زمین را تولید می کنند، نشانه می رود. اما تنها از طریق مکانیسم خاصی، آن هم با توافق طرفین (کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته) عملی خواهد شد. دغدغه های طبیعی و زیست محیطی گستردگی به پهنای تمامی جهان را دارد و در صورت بروز نارسایی و خلل در سلامت محیط زیست، جان و مال تمامی افراد به مخاطره می افتد، زیرا همگان در این بستر طبیعی و جغرافیایی زندگی کرده و از همین آب، هوا و منابع طبیعی استفاده می کنند.

در این مجموعه گزارشات و مقالات یادآوری شده ، که ایران مانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه دارای منابع طبیعی سرشاری هست، اما از روشی برای توسعه استفاده کرده ، که بر منابع تجدید پذیرش فشار آورده است. با شیوه کنونی مدیریت منابع طبیعی، ایران با آینده ای داغ تر و خشک تر مواجه شده و امنیت محیط زیست در این جغرافیا به چالش کشیده شده است. به طور کلی پنج تهدید زیست محیطی اصلی ایران ،امنیت انسانی را به مخاطره می اندازد و باید به صورت یک مجموعه ی پیوسته به این مسئله نگرینست تمامی این تفکرها؛

امنیت غذایی، امنیت آبی، امنیت انرژی، امنیت اقتصادی و ... باید با تعامل با یکدیگر کار نمایند تا به هدف نهایی یعنی امنیت انسانی دست یافت.

مادر کشوری زندگی می‌نماییم که زمان پیک مصرف با زمان پیک بارش متفاوت است ( ۷۵ درصد از بارندگی زمانی اتفاق می‌افتد که ما به آن نیاز چندانی نداریم) و ۷۵ درصد بارندگی در ۲۵ درصد از سطح کشور می‌بارد. به‌طور کلی آب بزرگ‌ترین محدودیت منابع در ایران و بزرگ‌ترین خطر محیط زیست ایران در درازمدت است. با از دست رفتن منابع آب زیرزمینی، بسیاری از بخش‌های کشور غیرقابل سکونت خواهد شد و پیامدهای آن ویرانگر خواهد بود.

آسیب‌دیدگی و فرسایش خاک از ۲ منبع بیابان‌زایی و جنگل‌زدایی نشأت می‌گیرد. خاک زراعی ایران با سرعت ۲۰ برابر سریع‌تر از آنچه تشکیل می‌شود، از دست می‌رود که نتیجه آن بیابان‌زایی و جنگل‌زدایی است. سرعت گسترش این معضل آنقدر نگران‌کننده است که می‌تواند بخش بزرگی از ایران را غیر قابل سکونت کند.

ایران بیش از ۱۱۳۰ گونه جانور مهره‌دار و ۷۶۰۰ گونه گیاهی دارد و زیستگاه پستانداران بزرگ مانند یوزپلنگ آسیایی، گوزن زرد ایرانی و ... بوده؛ اما انقراض انواع و گونه‌های گیاهی و جانوری در ایران شدت یافته و هم‌اکنون ۱۰ درصد جمعیت جانوری و ۲ درصد گونه گیاهی در لیست قرمز سازمان ملل قرار دارند.

طرفداری از حفاظت محیط زیست از حقوق حقه تمامی انسان هاست، حفاظت از محیط زیست به معنی حمایت از تک تک انسان‌هاست و اگر ما از محیط زیست حمایت و حفاظت کنیم از خودمان حمایت کرده و به سلامت زندگی خود کمک کرده ایم. باید بدانیم ما هم مسئولیم و هم می‌توانیم در این راستا بسیار تاثیرگذار باشیم. باید فرهنگسازی زیست محیطی که مستلزم آن آموزش است صورت بگیرد. این فرهنگ سازی از مدت ها پیش در بیشتر کشورهای دنیا شروع شده و آنها از طریق رسانه، مدارس و دانشگاه ها در این زمینه فعالیت می کنند. کشورهایی که از نظر منابع طبیعی به مراتب جایگاه پایین تری از ما را دارا هستند. اما با مدیریت و فرهنگسازی سعی می کنند، همان منابع اندکی که دارند را حفظ دارند و برای نسل های آینده بگذارند. مثلا کشورهای اروپایی شاید خیلی بیشتر از ما در معرض

خشکسالی باشند اما با استفاده درست از آب این معضل را مدیریت می کنند. حل معضلات زیست محیطی در کشور مستلزم چند گام اساسی است: نخست شناخت محیط زیست که چندان صورت نگرفته، دوم حفاظت که هنوز به درستی اعمال نمی شود، سوم درمان زخم های عمیق از طریق بهسازی محیط زیست.

پرداختن به حقوق انسانی گروه های آسیب پذیر، امروزه باید در همه مناطق جهان اولویت داشته باشد. و ساختن دنیایی بدون خشونت، آسیب و تبعیض فقط باید چیزی در وجدان جمعی ما عوض شود و نوعی دگردیسی فرهنگی شکل گیرد، تا فرصت برابر بهره مندی از امکانات و منابع جهت رشد و آگاهی و تکامل برای همه ی آحاد انسانی فراهم شود.

امید من از این کتاب ، فراهم آوردن امکاناتی که گروههای نوعاً آسیب پذیر را در دستیابی به این حقوق بنیادین آگاهی رسانی و روشنگری کند ، زیرا گرد آوری، افشا و انتشار اسناد و مدارک مبتنی بر نقض حقوق جامعه ایرانی گامی است بسیار ارزشمند که از شما خواننده گرامی نیز درخواست میکنیم دست نیاز و مددجویانه ما را برای رسیدن بدین هدف پاسخگو باشید.

نگارنده بر خود واجب میدانند از راهنماییها و مشاوره های رئیس هیات مدیره محترم کانون دفاع از حقوق بشر در ایران جناب آقای منوچهر شفایی کمال امتنان و تشکر را داشته باشد.

ژانویه ۲۰۱۸

دکتر زهرا ارزجانی

# بخش یک

گزارشات نقض حقوق کودک و نوجوان



## وجود ۲۴۱ هزار کودک بی سواد در کشور

جداول سرشماری مرکز آمار ایران نشان می‌دهد در ایران ۲۴۱ هزار دختر و پسر شش تا ۹ ساله بی سواد زندگی می‌کنند. اطلاعات مرکز آمار ایران حاکی از آن است که در کل کشور، هشت میلیون و ۷۹۵ هزار و ۵۶۲ نفر بی سواد هستند.

در میان جمعیت بی سواد کل کشور ۵ میلیون و ۵۶۹ هزار و ۴۴ نفر زنان هستند که از این میزان ۴ میلیون و ۸۹۲ هزار و ۶۸۰ نفر سن بالای ۳۵ سال دارند. گفتنی است؛ از تعداد زنان بی سواد ۱۱۷ هزار و ۸۶۷ نفر بین شش تا ۹ سال هستند و ۳۷ هزار و ۹۱۵ نفر ۱۰ تا ۱۴ سال سن دارند. زنان بی سواد ۱۵ تا ۱۹ سال نیز ۵۸ هزار و ۱۶۳ نفر هستند. همچنین زنان بی سواد ۹۵ تا ۹۹ ساله هشت هزار و ۷۱۹ نفر و تعداد زنان بی سواد ۱۰۰ ساله و بیشتر ۳ هزار و ۱۹۳ نفر هستند. در کل کشور حدود ۳ میلیون و ۲۲۶ هزار و ۵۱۸ مرد بی سواد داریم که از این میان دو میلیون و ۶۵۲ هزار و ۲۰۸ مرد ۳۵ سال به بالا بی سواد هستند. در کل کشور ۱۲۳ هزار و ۱۴۷ مرد بی سواد شش تا ۹ سال و ۳۶ هزار و ۴۸۳ مرد ۱۰ تا ۱۴ ساله بی سواد داریم. اطلاعات مرکز آمار نشان می‌دهد در ایران ۲۴۱ هزار و ۱۴ کودک شش تا ۹ ساله (زن و مرد)، بی سواد

داریم



## **ثبت احوال: ۱۰ دختر در هفت شهر خراسان رضوی در سن زیر ۱۰ سال**

### **ازدواج کرده‌اند**

خبرگزاری هرانا -مدیرکل دفتر امور زنان و خانواده استانداری خراسان رضوی گفت "به گزارش ثبت احوال تنها ۱۰ دختر در هفت شهر خراسان رضوی در سن زیر ۱۰ سال ازدواج کرده‌اند و ازدواج ۲۷ پسر زیر ۱۵ سال نیز ثبت شده است که باید تلاش شود این آسیب‌ها به حداقل برسد." وی افزود "بر اساس یک پژوهش در هفت استان کشور در حوزه ازدواج کودکان، خراسان رضوی در بین آن‌ها بدترین شرایط را دارد."

به گزارش خبرگزاری هرانا به نقل از ایسنا، فرشته سلجوقی امروز، ۲۲ تیرماه، در سمینار تخصصی «آسیب‌شناسی ازدواج کودکان در مشهد»، با اشاره به اینکه آمارهای ارائه شده در کودک‌آزاری بسیار غیر واقعی است، عنوان کرد: "بر اساس آمار بهزیستی میزان کودک‌آزاری در سال گذشته ۹۴ مورد است، اما آیا ۹۴ مورد کودک‌آزاری در یک سال بیانگر واقعیت‌های حوزه کودکان است؟ قطعاً نیست البته در همین آمار خشونت علیه دختران، دو برابر پسران است."

وی خاطرنشان کرد: "به گزارش ثبت احوال تنها ۱۰ دختر در هفت شهر خراسان رضوی در سن زیر ۱۰ سال ازدواج کرده‌اند و ازدواج ۲۷ پسر زیر ۱۵ سال نیز ثبت شده است که باید



تلاش شود این آسیب‌ها به حداقل برسد."مدیرکل دفتر امور زنان و خانواده استانداری خراسان رضوی با بیان اینکه در سال‌های گذشته گام‌های موثری در راستای احقاق حقوق کودکان برداشته شده است، اظهار کرد: "امیدواریم که واقعه دردناک ستایش‌ها، آتناها و کیاناها که وجدان جامعه را زخمی کرده آنچنان به حرکت درآورد که دیگر شاهد چنین فجایی در حوزه کودکان نباشیم".

با بیان اینکه آسیب‌های اجتماعی آتشی است که خشک و تر را با هم می‌سوزاند، تصریح کرد: "اگر همه ما تصمیم گرفته و در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی با هم همکاری کنیم و به این مسئله ایمان داشته باشیم بدون تردید می‌توانیم گام‌های موثری در این زمینه برداریم بنابراین باید همه بخش‌ها به ویژه دولتی شرایط را برای حضور و فعالیت بخش خصوصی و غیردولتی در این امور تسهیل کنند."وی با اشاره به مهم‌ترین مشکلات موجود در موضوع ازدواج کودکان، خاطرنشان کرد: "محرمانه محسوب شدن بسیاری از آمارهای موردنیاز در حوزه کودکان در بخش‌های حاکمیتی یکی از معضلات و چالش‌های جدی است در این حوزه است"



مدیرکل دفتر امور زنان و خانواده استانداری خراسان افزود: "ممکن است بسیاری از آمارها را برای جلوگیری از تشویش اذهان رسانه‌ای نکنیم، اما چرا نباید اطلاعات در اختیار بخش‌های مرتبط دولتی و خصوصی فعال در این حوزه قرار گیرد و تشکلهایی که به خوبی در این زمینه

فعالیت می‌کنند از این آمارها محروم باشند؟” بسیاری از حوزه‌هایی که برای اقدام و کاهش این آسیب‌ها نیازمند آمار، اطلاعات صحیح و واقعی هستند از این آمار محرومند و محدودیت‌ها به حدی است که بعضی آمارها در اختیار ما به عنوان متولی و بخش حاکمیتی نیز قرار نمی‌گیرد.” معضل بزرگتر را عدم آشنایی مدیران دستگاه‌های اجرایی و سازمان‌های دولتی در خصوص وظایف و مسئولیت‌هایشان در حوزه کودکان برشمرد و گفت: “ازدواج امری مقدس است، اما وقتی برای کودکان رخ می‌دهد نه تنها تقدس خود را از دست می‌دهد بلکه تبدیل به آسیبی خطرناک می‌شود.” وی افزود: “بر اساس یک پژوهش در هفت استان کشور در حوزه ازدواج کودکان، خراسان رضوی در بین آن‌ها بدترین شرایط را دارد.”

## **کودکان کار در میان خشونت خیابان‌ها**

به طور معمول هویت و شخصیت انسان در دوران کودکی و تا زمان رسیدن به بلوغ- شکل می‌گیرد و سال‌هاست که طبق اصول علمی، ریشه‌ی مشکلات انسان‌ها را در کودکی آن‌ها جستجو می‌کنند. خشونت علیه کودکان و هر نوع آزاری می‌تواند به عنوان یکی از شدیدترین انواع خشونت قلمداد شود که می‌تواند جراحاتی پایدار را پدید آورد. کودکانی که در میان خیابان‌ها، محروم از سرپرست و محیط آموزشی مناسب و همراه با فشارها و محدودیت‌های فراوان رشد می‌کنند، جزو آسیب‌پذیرترین کودکان هستند؛ این کودکان -چه پسر و چه دختر- که این روزها در بسیاری از مناطق باید با سرما و فشارهای شدیدتر جسمی نیز مقابله کنند، در معرض انواع و اقسام آسیب‌ها و حتی آزارها و خشونت‌های جنسی قرار دارند و تا به این‌جا هنوز نتوانسته‌ایم کار زیادی برای حل این مشکلات انجام دهیم.



هر چند آمار ثابت و دقیقی وجود ندارد اما جدیدترین آمارهای رسمی که توسط مراکز آمار ایران و نهادهای مسئول یا مرتبط یعنی بهزیستی، شهرداری و شورای شهر و غیره اعلام شده است، وجود بین هفت تا بیست هزار کودک کار در تهران را تایید کرده‌اند. این در حالی است که ان.جی.او.ها، جمعیت‌ها و مراکز غیردولتی فعال در زمینه‌ی کودکان کار از تعداد بالاتری خبر می‌دهند که البته متفاوت بودن فاکتورهای آماری، یکی از علل این اختلاف است. اما خشونت چیست؟ خشونت می‌تواند به شکل‌های ملموسی نظیر سیلی زدن یا وادار کردن کودک به انجام هر کاری همراه با زور و ارباب و یا در شکل‌های دیگر و پنهانی خشونت، نظیر: تحقیر، بی‌توجهی، گرسنگی دادن و غیره اعمال شود که هر چند عوارض نوع دوم مانند خشونت و برخورد مستقیم فیزیکی، قابل مشاهده نیست اما اثر مشابهی در روح و روان کودک دارد. گاهی مشاهده می‌شود که برخی از مردم، به عنوان مثال بعضی رانندگان یا مغازه داران و اهل کسب که از یک طرف این کودکان را مزاحم کسب و کار و زندگی خود می‌بینند و از طرف دیگر به این نکته علم دارند که این کودکان از پشتیبانی قانونی و حقوقی برخوردار نیستند، به راحتی این کودکان را مورد توهین، تحقیر، خشونت فیزیکی و یا حتی تحقیر یا آزار جنسی قرار می‌دهند. در موارد دیگر این کودکان توسط افرادی که به مشکلات و ناهنجاری‌های

جنسی و روحی مبتلا هستند، مورد سوءاستفاده و یا تجاوز قرار می‌گیرند، بدون آن که راهی برای پیگرد وجود داشته باشد؛ خصوصاً که غالب این موارد گزارش و ثبت نمی‌شوند.

حتی امکان دارد که کودک به علت عدم بلوغ یا عدم شناخت نسبت به ماهیت اتفاقی که تجربه کرده است و یا حتی برای جلوگیری از به خطر افتادن و از دست ندادن جایگاهش در میان جمع کودکان همسن یا بزرگ‌تر که در کنار او کار می‌کنند، و یا از ترس تنبیه و موردی از این دست، از ابراز و بیان آن هم خودداری کند. مسلماً می‌دانید که تاخیر در افشا شدن آزارها و سوءاستفاده‌های جنسی در مورد کودکانی که در شرایط معمول‌تری قرار دارند نیز مسئله‌ای طبیعی محسوب می‌شود. در این جا باید توجه داشت که وقتی گفته می‌شود “آزار جنسی” یا “سوءاستفاده‌ی جنسی”، لزوماً به معنای تجاوز نیست و می‌تواند به شیوه‌های مختلفی دیده شود. آزار جنسی به هر رفتار و عملی گفته می‌شود که با ماهیت غیر انسانی و همراه با ضربه زدن به جسم یا شخصیت قربانی و در شکل روابط و رفتارهای جنسی باشد. تحقیر و آزار جنسی ممکن است تنها به شکل کلامی باشد یا به هر شکل دیگر که تعریف و توضیح آن‌ها طولانی و تخصصی است. در هر صورت اثر هر نوع آزار جنسی در کودکان بسیار عمیق خواهد بود. کودکان بی سرپرست و بدسرپرستی که در خیابان‌ها کار می‌کنند، مجبور هستند که بسیار زودتر از دیگر همسن و سالان خود بزرگ شوند! خشونت علیه این کودکان تا حدی عادی شده است و خود من نیز شخصاً شاهد موارد زیادی بوده‌ام که یک راننده، یا مغازه‌دار، یک رهگذر و حتی کارتن خواب یا دستفروشی بزرگسال به دلایل مختلف، به عنوان مثال بعد از سماجت این کودکان در فروش اجناسشان یا پاک کردن شیشه‌ی یک خودرو یا حتی به علت نشستن در محلی نامناسب و مشاهده‌ی دعواهای کودکانه و شنیدن سر و صدای

بلند این کودکان، به راحتی کودکی را مورد فحاشی‌های رکیک یا حتی ضرب و شتم قرار می‌دهند؛ و بعضاً اتفاق می‌افتد که کودک بزرگ‌تر یا کسی که سرپرست کودکان است و می‌خواهد آن‌ها را به خانه یا محل استراحتشان ببرد، ناگهان می‌گوید “یکی از دخترها نیست!”... فاجعه به همین راحتی اتفاق می‌افتد و شاهد مواردی بودم که برادر که خود نیز مشغول کار و دستفروشی بوده، سراسیمه دنبال خواهرش می‌گردد. بعد از چند ساعت و یا گاهی پس از چند روز دختر گمشده باز می‌گردد اما صحبتی از آن‌چه گذشته نمی‌کند. در موارد دیگر، راننده سعی در سوار کردن دختر بچه می‌کند اما پس از بلند شدن صدای جیغ و گریه‌ی آن دختر بچه و حضور پسرهای بزرگ‌تر، منصرف می‌شود و محل را ترک می‌کند. از طرف دیگر در موردهایی وحشتناک‌تر خانواده یا اطرافیان کودک، عمداً و به قصد درآمد بالاتر کودک را تحت سوءاستفاده قرار می‌دهند. مشاهدات و اتفاقات ناگوار زیاد است اما بیان همه‌ی آن‌ها نه دردی را دوا و نه از تکرار این‌گونه مسائل جلوگیری می‌کند.

حل هر معضل اجتماعی نیاز به تصمیم و حمایت جمعی و اقدام دارد. این که چند درصد این کودکان ایرانی هستند و چند درصد مهاجر یا از اتباع غیرقانونی هم، تغییری در صورت مسئله ایجاد نمی‌کند و نمی‌تواند هویت انسانی و حقوق این کودکان را زیر سوال ببرد. این‌جاست که باید از مردم و از مجموعه‌ها و نهادهای مسئول درخواست یاری نموده و توقع پاسخ مثبت داشته باشیم. اهدای پول نقد به یک کودک بدسرپرست، کمکی به زندگی او نمی‌کند و حتی می‌تواند شرایطش را بدتر کرده یا باعث ترویج کار کودک شود، اما لااقل می‌توانیم همه‌ی کودکان را برابر بدانیم و با رفتاری مناسب در کنار آن‌ها باشیم.

هر شهروندی که قصد کمک به این کودکان را داشته باشد، می‌تواند از راه یک تحقیق مختصر یا جستجوی اینترنتی با سازمان‌ها و جمعیت‌های فعال در این زمینه و مراکز بهزیستی آشنا شود و بدون این‌که زمان زیادی صرف کند، وظیفه‌ی انسانی خود را انجام دهد و سهم مهمی در این حرکت جمعی داشته باشد.

در پایان باید خاطر نشان کرد که حرکات سمبلیک و سطحی که از سر ترحم و توسط برخی افراد و جمعیت‌ها انجام می‌شود نیز می‌تواند باعث ادامه یافتن این معضلات شود. مبارزه‌ی ریشه‌ای با این معضل، خصوصاً از طریق آموزش و فرهنگ سازی چیزی است که نیاز امروز ما است. همین‌طور باید در نظر داشت که آموزش مسائل جنسی و اجتماعی به کودکانی که بیش‌تر در معرض فشار و آسیب قرار دارند، می‌تواند مانع بسیاری از اتفاقات شود. زمان زیادی برای نجات یک کودک خیابانی وجود ندارد؛ پس از آن‌که خشونت خیابان‌ها او را به جنون برساند یا به بیماری‌های سخت و پیشرفته‌ی روحی و جسمی دچار شود، کار ما بسیار سخت و یا حتی غیرممکن می‌گردد. پس همین حالا شروع کنید؛ وظیفه‌ی شما بسیار آسان خواهد بود.



## چوب معلمی " که دیگر گل نیست!

این روزها شاید کم‌تر هفته‌ای باشد که عکس و فیلم و خبر مربوط به تنبیه بدنی یک دانش آموز به شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها راه نیابد. درز خبر و فیلم تنبیه بدنی، آن هم عموماً دانش آموزان پسر، تکذیب اولیه مسئولان مدرسه، پیگیری و مصاحبه و ارائه‌ی مدارک و شواهد بیش‌تر، پس گرفتن تکذیب، خبر از برخورد با معلم یا عوامل مدرسه یا کسب رضایت والدین دانش آموز، زنجیره‌ای تکراری است که معمولاً پس از هر خبر "تنبیه بدنی" کم و بیش تکرار می‌شود. نتیجه‌گیری دم دستی افرادی که از دور دستی بر آتش سوزان نهاد "مدرسه" دارند معمولاً این‌گونه صورت بندی می‌شود که گسترش خشونت در جامعه و فراگیر شدن آن همه شئونات و از جمله نهاد آموزش را دربر گرفته است. اما آیا به راستی تنبیه بدنی در مدارس کشور نسبت به چند سال گذشته افزایش داشته است؟ اگر نه پس این همه فیلم و خبر و عکس نشان از کدام وضعیت بحرانی در نهاد آموزش و پرورش دارد؟ شاید کم‌تر معلمی بشود پیدا کرد -دست کم در مدارس پسرانه‌ی کشور- که در طول سال‌های تدریس خود، با سر و صورت خونین و مالین دانش آموزی مواجه نشده باشد که یا توسط هم‌کلاسی و هم‌مدرسه‌ای او مضروب شده و یا در اثر تنبیه بدنی توسط یکی از معلمان یا کادر اجرایی مدرسه به چنان روزی افتاده. خشونت‌ی که از سطح مدارس گزارش می‌شود، تافته‌ی جدایی از کلیت جامعه‌ای نیست که در سطوح مختلف دچار خشونت‌ی گاه عنان گسیخته است. شاید در بخش‌هایی از جامعه، با بالا و پایین رفتن شاخص‌های توسعه و اقتصاد حجم و میزان خشونت هم افزایش و

کاهش پیدا کند اما به نظر نمی‌رسد که خشونت در مدارس از چنین شاخص‌هایی تبعیت کند. برخلاف نظر عمومی و اخبار منتشر شده، به نظر نمی‌رسد معلمان با این گزاره که “میزان تنبیه بدنی دانش آموزان در مدارس افزایش پیدا کرده”، موافق باشند. آن چیزی که سبب شده است اخبار تنبیه بدنی بیش‌تر از گذشته در اخبار و رسانه‌ها منعکس شود و مقامات دولتی را به واکنش وادارد، تغییرات گسترده‌ای است که دسترسی به شبکه‌های اجتماعی در سطح جامعه ایجاد کرده است. اگر چه شاید نتوان با ارائه‌ی دلایلی ثابت کرد که میزان تنبیه بدنی در مدارس کشور کاهش داشته است اما بدون شک “میزان پوشش و انعکاس اخبار تنبیه بدنی” در سطح جامعه افزایش یافته است. “دانش آموزان موبایل به دستی که کلاس‌های درس را به کلاس‌های شیشه‌ای تبدیل کرده‌اند تا کوچک‌ترین رفتار و سخن معلمشان را در فاصله‌ای کوتاه‌تر از زنگ تفریح مدارس در سراسر کشور پخش کنند، پدری که در حساب توییت‌ش عکس صورت سیلی خورده‌ی پسرش را که بیماری آسم دارد، منتشر کرده و بلافاصله با سیل پیام‌های خبرنگاران مواجه می‌شود و خواهی که عکس و فیلم برادرش را در اکانت اینستاگرامش منتشر می‌کند که بدنش کبود است”؛ همه از تحولی اساسی در مناسبات حاکم بر روابط اجتماعی خبر می‌دهند که ساختار فرسوده‌ی نهاد آموزش ایران هنوز نمی‌تواند این تغییر را به رسمیت بشناسد و بنابراین به شیوه‌ی مألوف قدیم از در تکذیب و تطمیع و تهدید در می‌آید. غافل از این که هر کدام از این‌ها خود سوژه‌ی یک پست و کامنت و خبر جدید در شبکه‌های اجتماعی هستند که اتفاقاً خیلی هم “لایک خور” اند. وضعیت جهانی تنبیه بدنی واقعیت غیرقابل تکذیب نهاد مدرسه در ایران است. “میراث ماندگار” شیوه‌ی آموزشی سنتی در مکتب‌خانه‌ها که توانست جایگاه محوری خود را در تاسیس نهاد مدرن آموزش نیز حفظ کند و



همزاد و ملازم همیشگی کلاس و درس و مدرسه باقی بماند. اما این فقط ایران نبوده و نیست که با مشکلی به نام تنبیه بدنی در مدارس روبه‌رو است. در گزارش نهایی ششمین «کنگره‌ی جهانی خشونت در مدارس و سیاست‌گذاری‌های عمومی» که سال ۲۰۱۵ در پرو برگزار شد، آمده است که تا ماه می ۲۰۱۵، تنبیه بدنی در ۱۲۵ کشور غیرقانونی شد که از این میان، ۴۶ کشور، آن را در تمامی اشکال، حتی در خانه نیز ممنوع کرده‌اند، با این حال بنابر این گزارش هنوز ۷۴ کشور در دنیا وجود دارند که تنبیه بدنی را در موسسات آموزشی خود به طور کامل لغو نکرده‌اند. نکته‌ی جالب این‌جا است که ایران از جمله کشورهایی است که سال‌هاست تنبیه بدنی را به صورت مطلق ممنوع کرده اما در عمل موفق به لغو تنبیه بدنی در مدارس نشده است. تنبیه بدنی در قوانین ایران طبق ماده‌ی ۷۷ آیین‌نامه‌ی اجرایی مدارس (مصوب سال ۱۳۷۹)، «هر گونه تنبیه دیگر از قبیل اهانت، تنبیه بدنی و تعیین تکلیف درس به منظور تنبیه ممنوع است» و تنبیه دانش آموز فقط به موارد ذیل محدود شده است:

۱. تذکر و اخطار شفاهی به طور خصوصی

۲. تذکر و اخطار شفاهی در حضور دانش آموزان کلاس مربوطه

۳. تغییر کلاس در صورت وجود کلاس‌های متعدد در پایه، با اطلاع اولیای دانش آموز

۴. اخطار کتبی و اطلاع به ولی دانش آموز

۵. اخراج موقت از مدرسه با اطلاع قبلی ولی دانش آموز حداکثر برای سه روز

۶. انتقال به مدرسه‌ی دیگر

طبق گفته‌ی معاون پارلمانی وزارت آموزش و پرورش در سال تحصیلی ۹۴-۹۵، چهل پرونده با موضوع تنبیه بدنی در هیات‌های بدوی رسیدگی به تخلفات اداری مطرح شده و به صدور رای

انجامیده است. این چهل پرونده، بخش کوچکی از صدها تنبیه بدنی است که یا به شکایت نمی‌انجامد و در مدارس با کسب رضایت حل و فصل می‌شود و یا این‌که اساساً شکایتی از تنبیه بدنی وجود ندارد و حتی والدین هم مشکلی با تنبیه بدنی فرزندان خود ندارند. در کشوری که تنبیه بدنی نه تنها ممنوع و غیرقانونی است، بلکه اعمال آن مستوجب توبیخ و تذکر و برخورد انضباطی و دادگاهی نیز هست، چرا کماکان بخش بزرگی از مدارس به شکل غیرقانونی به تنبیه بدنی دانش‌آموزان مبادرت می‌ورزند؟ چرا با این‌که از نظر قانونی تنبیه ممنوع است اما هنوز هم در بسیاری از مدارس کشور (دست‌کم پسرانه)، شلنگ یکی از مهم‌ترین ابزار کمک آموزشی به حساب می‌آید؟ مشکل کجاست؟ ذکر این نکته ضروری است که در سطح مدارس، سطوح مختلفی از خشونت وجود دارد که یکی از انواع آن “تنبیه بدنی” است که از سوی کادر آموزشی علیه دانش‌آموزان اعمال می‌شود. برخلاف بسیاری از جوه خشونت در جامعه، دولت و حکومت در برابر کاربرد تنبیه بدنی به لحاظ حقوقی و اجرایی مخالفت می‌کند و برای کنترل آن تلاش می‌کند، اما بخشی از جامعه (معلمان و گاه والدین) حاضر به همراهی با دولت نیست و در برابر اجرای قانون مقاومت می‌کنند. تنبیه بدنی علیه دانش‌آموزان از جمله شاخص‌ها و نمادهایی است که می‌تواند نشان دهد که جامعه‌ی ما چقدر در برابر کاربرد خشونت علیه گروه‌های اجتماعی آسیب‌پذیر از جمله کودکان و نوجوانان حساسیت دارد. اما فروکاستن خشونت در مدارس به دلایل “ذات‌گرایانه” و گرفتن نتایج سراسر اجتماعی و فرهنگی از آن، به نظر نمی‌رسد که دقیق و معتبر باشد. مجموعه‌ای از عوامل ساختاری و اجرایی در کنار کمبودهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری در مدارس کشور، چرخه‌ی خشونت را در مدارس ایجاد کرده است که تنبیه بدنی تنها یکی از زنجیره‌های آن است. خشونت دانش‌آموزان علیه

همدیگر و خشونت کلامی و رفتاری “دانش آموزان علیه معلمان و کادر مدرسه” دیگر زنجیره‌های این چرخه‌ی خشونت هستند که قوانین و آیین‌نامه‌های دستوری آموزش و پرورش توانایی مقابله با این چرخه را ندارند. تاکید یک جانبه بر اعمال خشونت علیه دانش آموزان برجسته کردن تنبیه بدنی اگر چه به درستی انجام می‌گیرد و انگشت اشاره به یک معضل مهم اجتماعی در نهاد آموزش است، اما بدون در نظر گرفتن سایر وجوه این خشونت در مدارس راه به جایی نخواهد برد. کم‌تر پیش می‌آید که اخبار ضرب و شتم معلمان توسط دانش آموزان منتشر شود اما واقعیت این است که این نوع خشونت در سطوح مختلف در مدارس کشور اتفاق می‌افتد. مرگ محسن خشخاشی معلم فیزیک بجنوردی در اثر ضربه‌ی چاقوی دانش آموزش، نمونه‌ی خوبی برای بررسی میزان و سطح خشونت موجود در برخی از مدارس کشور است که متأسفانه چندان هم نادر و استثنایی نیستند. مقصر کیست؟ بدون شک معلمان و کادر اجرایی مدارس مقصران اصلی وجود و ادامه‌ی تنبیه بدنی علیه دانش آموزان هستند. درست است که درصد کمی از معلمان خودشان دست به تنبیه بدنی می‌زنند، و در بیش‌تر مواقع آن را به عوامل اجرایی مدرسه می‌سپارند. اما انتقاد وارد بر اکثریت معلمان سکوت در برابر این اعمال صریح خشونت در نهاد مدرسه و در مقابل دیدگان آن‌هاست. در ده سال سابقه‌ی حضور در مدارس مختلف برخوردار تا محروم در ۴ استان کشور، شاید به جرات می‌توانم بگویم حتی یک مورد هم مخالفت علنی با کاربرد خشونت در مدارس و تنبیه بدنی از سوی معلمان ندیده‌ام. حداکثر چیزی که دیدم اعتراض به شدت خشونت به کار رفته در تنبیه بدنی دانش آموزان بوده است. اما در کنار معلمان، والدین دانش آموزان هم جزو متهمان اصلی رواج تنبیه بدنی در مدارس هستند. در طول ده سال تدریسم موارد بسیار کمی از والدین

دانش آموزان را دیده بودم که معترض به تنبیه بدنی فرزندانشان در مدرسه بوده باشند. سهم مدیران و مسئولان آموزش و پرورش در بازتولید و استمرار این چرخه‌ی خشونت اما از جنسی دیگر است. اگر چه به ظاهر آنان مخالف هر گونه تنبیه بدنی هستند و خود را در جایگاه مخالفان تنبیه بدنی در مدارس می‌دانند، اما در عمل با سیاستگذاری غلط و اجرای نادرست سیاست‌های آموزشی و تربیتی، عملاً زمینه را برای استمرار خشونت در مدارس فراهم می‌کنند. فراهم نکردن حداقل شرایط لازم برای پرهیز از اعمال خشونت مانند تراکم تعداد دانش آموزان در کلاس‌ها، عدم حضور مشاوران به اندازه‌ی کافی در مدارس، عدم توجه به سلامت بهداشت روانی در محیط کار برای معلمان و دانش آموزان در کنار ترویج تئوریک خشونت در قالب متون درسی و فعالیت‌های فوق برنامه‌ی مدارس از جمله تبلیغ و ترویج مناسبات خارج از شئون آموزشی مانند نظامی‌گری در محیط‌های آموزشی، از جمله مواردی است که زمینه را برای استمرار خشونت علیه کودکان در نهاد آموزش فراهم آورده است.



**بسیاری از ناظران اعدام‌ها کودکان هستند؛**

هادی شریعتی در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا؛ درباره ریشه‌های خودکشی در میان کودکان و نوجوانان با بیان اینکه فراگیر شدن خودکشی کودکان و نوجوانان نتیجه همه چالش‌ها و مسایل حل نشده حقوق کودک در ایران است، گفت: اگر خودکشی‌های یک ساله اخیر را بررسی کنیم مساله روشن‌تر می‌شود زیرا علت این خودکشی‌ها آسیب‌هایی بوده که سال‌ها فعالان حقوق کودک درباره آن تذکر می‌دادند و خواهان رفع آنها بودند. وی ادامه داد: یکی از مواردی که در خودکشی‌ها نمود بیشتری دارد خودکشی ناشی از فشار آموزشی - مثل نمره گرایی در مدارس - است، همچنین فقر، عدم عدالت، توزیع نابرابر ثروت و امکانات بویژه در شهرستان‌های مرزی همچون سیستان و بلوچستان از علل مهم خودکشی در میان کودکان و نوجوانان است.

**خودکشی کودک به علت اجبار به ازدواج**- شریعتی با اشاره به اینکه داربازی یا بازی اعدام از دیگر علل خودکشی کودکان است، گفت: در آمار می‌بینیم چند مورد از مرگ کودکان به دلیل تقلید صحنه اعدامی بوده است که در خیابان یا صداوسیما شاهد آن بوده‌اند.

این حقوقدان با تاکید بر شدت گرفتن خشونت طی سال‌های اخیر در جامعه و وجود خشونت پیدا و پنهان در لایه‌های مختلف اجتماعی اظهار کرد: آخرین مورد خودکشی دو هفته پیش اتفاق افتاد که دختری یازده ساله در شهرستان کامیاران به دلیل اجبار در ازدواج آن هم با فرد معلول ۲۵ ساله اقدام به خودکشی کرد. وی با ابراز تاسف از اینکه تنها خبر خودکشی‌ها منتشر شده و خوانده می‌شود اما هیچ اراده‌ای برای پیشگیری از این پدیده در سطح کلان جامعه وجود ندارد، خاطرنشان کرد: در اغلب خودکشی‌هایی که در رسانه منتشر شده قسمت دانش‌آموز بودن فرد پررنگ شده است. اگرچه آموزش و پرورش نقش موثری دارد و می‌تواند در پیشگیری خودکشی مهم باشد اما صرفاً مسائل مرتبط با مدرسه در چنین اقدامی موثر نیست.

این فعال حقوق کودک با تاکید بر اینکه خودکشی ریشه در مسایل اجتماعی دارد، ادامه داد: عدم آموزش فرزندپروری در خانواده مشکلی اساسی است که فرد را دچار سرگشتگی می‌کند همچنین آمار بالای طلاق در این پدیده موثر است و بچه‌های طلاق دچار مشکلات عاطفی هستند.

**بیشتر بینندگان صحنه اعدام کودک بودند--** شریعتی با اشاره به انجام اعدام در ملا عام در شهرستان سنقر گفت: بسیاری از افرادی که نظاره‌گر این صحنه بودند کودکان و نوجوانان بوده‌اند و طبیعی است وقتی به کودک خشونت می‌دهیم به غیر از خشونت هم نمی‌توانیم از او بخواهیم. وی تصریح کرد: این خشونت در نهایت یا معطوف به کودک و انتحار می‌شود یا متوجه جامعه می‌شود که در نتیجه کودک دست به قتل زده و بزه‌کار می‌شود.



این حقوقدان با اشاره به نقش صداوسیما در پیشگیری از خودکشی و خشونت اظهار کرد: متأسفانه این نهاد به حوزه کودکان نگاه علمی نداشته و به این حوزه نمی‌پردازد. با ضعیف شده صداوسیما و کم شدن مخاطبان آن این نهاد صحنه را به رقیب خود که همان شبکه‌های برون مرزی هستند واگذار می‌کند و این شبکه‌ها نیز چیزی جز خشونت و خیانت را به جامعه منتقل نمی‌کنند در نتیجه کودکان و نوجوانان که دنبال الگو و هنجار هستند؛ دچار نوعی بی‌هنجاری

می‌شوند. شریعتی با تاکید بر اهمیت قوانین در پیشگیری از خودکشی گفت: اصولاً در قانون ایران خودکشی جرم نیست و تنها در ماده ۱۴ قانون جرایم رایانه‌ای معاونت در خودکشی جرم اعلام شده است. به معنای دیگر فردی که به وسیله رسانه‌های مجازی تشویق و ترغیب به خودکشی کند؛ مجرم شناخته می‌شود.

**گاهی قوانین خشونت‌زا هستند-وی با بیان اینکه گاهی قوانین خشونت‌زا هستند، ادامه داد:**  
ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی به پدر و مادر اجازه تنبیه کودک را می‌دهد و معیار تنبیه را حد عرف می‌داند اما برای عرف تعریفی ارائه نمی‌دهد همچنین ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی را عقد نکاح را برای دختر پیش از رسیدن به ۱۳ سال تمام به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح مجاز می‌داند.



این فعال حقوق کودک افزود: مشخص نیست این چه مصلحتی است که می‌توان یک کودک را به عقد کسی درآورد متأسفانه این قوانین جنبه پیشگیری نداشته و کودک را در وضعیت دشواری قرار می‌دهد. وی با انتقاد از اینکه تصویب لایحه حمایت کودکان و نوجوانان سالهاست معطل تصویب مانده است، اظهار کرد: این لایحه قانون مدرنی است که در آن وضعیت

مخاطره‌آمیز کودکان تعریف شده و اگر این وضعیت به اثبات برسد قانون می‌تواند دخالت کند. در این لایحه برای کودکانی که در وضعیت مخاطره‌آمیز قرار دارند سیستم حمایتی تعریف شده است.

شریعتی اضافه کرد: در ماده ۱۴ این لایحه به خودکشی نوجوانان اشاره شده که باز هم ترغیب و تشویق به خودکشی جرم بوده و مجازات آن حبس و جزای نقدی است.

این فعال حقوق کودک با تاکید بر اینکه ضروری است قوانین همچون لایحه حمایت کودکان هرچه زودتر به تصویب برسد، خاطرنشان کرد: سالهاست که فعالان حقوق کودک اصرار می‌کنند در مدارس به روی مددکاران باز شود که متأسفانه یک مقاومت غیرمنطقی در برابر این موضوع وجود دارد و از هیچ مددکار و مشاوره در مدارس استفاده نمی‌شود.

وی خاطرنشان کرد: تدریس استاندارد مهارت‌های زندگی در مدارس از راهکارهایی است که می‌تواند به کودکان آموزش دهد که در زمان بحرانی مساله را حل کند همچنین باید به سیستم مدارس که نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت نوجوان دارد؛ پرداخته شود.

خودکشی به دلیل ترس اخراج از مدرسه-این حقوقدان با بیان اینکه چند مورد از خودکشی‌ها مربوط به ترس از اخراج از مدرسه و مسایل آموزشی بوده است، به آیین نامه اجرایی مدارس مصوب ۱۳۷۹ اشاره کرد و گفت: نه تنها در این آیین نامه تنبیه بدنی نداریم بلکه اخراج هم به صورت موقت انجام می‌شود و انتقال به مدرسه دیگر نیز زمانی اتفاق می‌افتد که والدین مدرسه به هیچ راه حل تربیتی برای کودک نرسند. شریعتی تصریح کرد: در حال حاضر با کوچکترین مورد دانش آموز تهدید به اخراج می‌شود یا در مواردی به دلیل عدم پرداخت شهریه به ویژه در



قشر ضعیف دانش آموز تهدید به اخراج می‌شود. این فعال حقوق کودک با تاکید بر اینکه مساله خودکشی کودکان به مرز هشدار رسیده است، یادآور شد: ۱۹ شهریور روز جهانی پیشگیری از خودکشی است و قرار است از دهم تا ۱۹ شهریورماه تیمی متشکل از متخصصان رشته‌های مختلف در حوزه کودکان از جمله روانشناس، مددکار و ... به صورت یک تیم سیار نسبت به آگاهی‌رسانی خیابان و مجازی درباره وضعیت‌های مخاطره‌آمیز که می‌تواند منجر به خودکشی کودک شود اقدام کند. وی در پایان اظهار کرد: اگر مدیران مدرسه به این نتیجه برسند که چنین آموزش‌هایی نیاز است ما این آمادگی را داریم که گروه مذکور را به مدارس اعزام کنیم.



## **شیوع اعتیاد و مصرف روانگردان ها در بین دانش آموزان دبیرستانی**

خبرگزاری هرانا - مدیر کل دفتر تحقیقات و آموزش ستاد مبارزه با مواد مخدر کشور گفت که ۲,۱ دانش آموزان دبیرستانی به مواد مخدر اعتیاد دارند و ۵ درصد دانش آموزانی که پدر یا مادر معتاد دارند درگیر مصرف مواد مخدر هستند.

به گزارش خبرگزاری هرانا به نقل از میزان، حمید صرامی مدیر کل دفتر تحقیقات و آموزش ستاد مبارزه با مواد مخدر کشور در کارگاه طرح برگزاری طرح توانمند سازی پیشگیری از

اعتیادتوانمند سازی پیشگیری از اعتیاد ویژه معلمان مقطع متوسطه دوم خراسان رضوی در مشهد گفت: "هزار و ۷۷۰ معلم در ۱۳ استان کشور تا کنون در این دوره‌ها شرکت کرده اند."

صرامی افزود: "این معلمان تا کنون ۵۰۰ هزار دانش آموز را در کشور برای پیشگیری از اعتیاد آموزش داده اند." وی گفت: "دو و یک دهم درصد دانش آموزان مقطع متوسطه دوم کشور به مصرف مواد مخدر آلوده هستند و ۵ درصد دانش آموزانی که پدر یا مادر معتاد دارند درگیر مصرف مواد مخدر هستند." مدیر کل دفتر تحقیقات و آموزش ستاد مبارزه با مواد مخدر کشور افزود: "بر اساس بررسی‌ها دانش آموزان معتاد بیشتر انواع مواد روان گردان، ماده مخدر گل، حشیش و کریستال مصرف می‌کنند." آشنا کردن دانش آموزان با خطر مصرف مواد مخدر، بیان روش‌های پیشگیری و درمان، از مباحث این دوره‌های آموزشی برای معلمان است.



## **۹۰ درصد کودکان کار ایران مورد آزار جنسی قرار می‌گیرند**

مدیرعامل سازمان خدمات اجتماعی شهرداری تهران می‌گوید ۹۰ درصد کودکان کار مورد آزار جنسی قرار می‌گیرند. رضا قدیمی در دفاع از طرح جمع‌آوری کودکان کار و خیابان گفت:

«نباید احساسی در این مورد صحبت و عمل کنیم، چرا که نود درصد این کودکان مورد آزار جنسی قرار می‌گیرند.

به گفته این مسئول ارشد شهرداری تهران، تاکنون ۴۱۶ کودک در جریان این طرح جمع‌آوری شده‌اند که ۳۵۵ نفر از آنها ایرانی نیستند. رضا قدیمی ادامه داد که «این طرح نیست بلکه اجرای قانون است و اسم آن حمایت از کودکان آسیب‌پذیر و بدسرپرست است و نه دستگیری، جمع‌آوری و بازداشت. اوایل مهر ماه الهام فخاری، عضو شورای شهر تهران از شهرداری خواسته بود تا با طرح جمع‌آوری کودکان کار همکاری نکند.

طرح «جذب و ساماندهی کودکان کار خیابان» از مرداد سال جاری آغاز شد، اما ساعتی پس از آغاز این طرح موجی از انتقادات به نحوه جمع‌آوری به فرمانداری وارد شد تا جایی که وزارت کار، بهزیستی، اعضای شورای شهر و NGO های فعال در حوزه کودک بارها از اجرای این طرح اظهار نگرانی کرده و نسبت به این طرح نقدهایی داشتند. آنها بارها اعلام کردند که جمع‌آوری کودکان باید مطابق با آیین‌نامه ساماندهی کودکان خیابانی مصوب ۱۳۸۴ هیات دولت انجام گیرد، نه اینکه جمع‌آوری کودکان همراه با طرح جمع‌آوری متکدیان و معتادان اجرایی شود.

طی اجرای این طرح، کودکان کار و خیابان نیز دستگیر شده و به مراکز نگهداری منتقل شدند. پس از این اقدامات، وزیر کار اجرای این طرح را مشکل‌دار توصیف کرد. همچنین مدیر کل دفتر امور آسیب‌های اجتماعی این وزارتخانه نیز در هفته گذشته اعلام کرد که کودکان کار و خیابان باید از شمول مصوبه جمع‌آوری فوریت‌های خدمات اجتماعی تهران خارج شوند.

آیین‌نامه ساماندهی کودکان خیابانی که در سال ۸۴ به تصویب هیات دولت رسید اما تاکنون به طور کامل اجرایی نشده است.



## دبیرکل سازمان ملل: ۸۷ درصد اعدام‌های جهان در چهار کشور

### از جمله در ایران

دبیرکل سازمان ملل در سخنانی که به مناسبت روز جهانی مبارزه در راه لغو اعدام ایراد کرد، از کشورهایی که هنوز مجازات اعدام را اعمال می‌کنند خواست که به ۱۷۰ کشوری که مجازات اعدام را متوقف کرده‌اند بپیوندند. او گفت در قرن بیست و یکم مجازات اعدام جایی ندارد. ماه گذشته ماداگاسکار و گامبیا مجازات اعدام را لغو کردند و به ۱۷۰ عضو دیگر سازمان ملل متحد پیوستند. آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل در اجلاسی که سه‌شنبه ۱۰ اکتبر به مناسبت روز جهانی مبارزه در راه لغو اعدام در نیویورک برگزار شد اعلام کرد که تنها چهار کشور، مسئول ۸۷ درصد اعدام‌ها در سراسر جهان‌اند. این چهار کشور عبارت‌اند از ایران، چین، عربستان سعودی و عراق.

آنتونیو گوترش خطاب به کشورهای که همچنان مجازات اعدام را اعمال می کنند گفت: «من می خواهم از تمام کشورهای که به این اقدام وحشیانه ادامه می دهند بخواهم که اعدام ها را متوقف کنند. به نظرم اعدام کمک ناچیزی به قربانیان و یا بازدارندگی از جرایم می کند».

سازمان حقوق بشر ایران به مناسبت «روز جهانی مبارزه در راه لغو اعدام» اعلام کرده است که از ابتدای سال ۲۰۱۷، ۴۳۵ نفر در ایران اعدام شده اند. رسانه های داخلی اما از این تعداد فقط ۸۳ اعدام را اعلام کرده اند. به گفته آنتونیو گوترش برخی از دولت ها اعدام ها را پنهان می کنند و یک سیستم پیچیده برای پنهان کردن اعدامی ها و علت اعدام آنها به وجود آورده اند. دبیرکل سازمان ملل خواستار شفافیت کشورهای می شد که در آنها مجازات اعدام قانونی است و از آنها خواست تا به وکلا اجازه دهند کارشان را انجام دهند.



پیش از این گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر ایران اعلام کرده بود که در سال ۲۰۱۴، ۹۶۶ نفر در ایران اعدام شده بودند. این تعداد بالاترین رقم اعدامی ها در ایران در ۲۰ سال گذشته بوده است. سازمان حقوق بشر ایران گزارش داده بود که در سال ۹۵ در مجموع ۶۷۱ زندانی اعدام شده اند. تخمین زده می شود که از آغاز انقلاب اسلامی تاکنون بیش از ۶۱ هزار نفر در ایران اعدام شده اند.

## افزایش بیماری روانی مزمن در افراد زیر ۱۵ سال / زنان بیشتر از مردان

### دچار این بیماری می‌شوند

مدیرکل دفتر مراقبتی و توان‌بخشی بهزیستی کشور گفت: علی‌رغم اینکه سن بیماری روانی را برای ارائه خدمات، ۱۵ تا ۶۴ سال تعیین کرده‌اند، اما اخیراً دچار افزایش بیماری روانی مزمن در افراد زیر ۱۵ سال هستیم.

به گزارش ایسنا، رامین رضایی در همایش مدیران و فعالان حوزه درمان و توان‌بخشی بیماران اعصاب و روان که در هتل میثاق برگزار شد، با بیان اینکه سن بیماری روانی برای ارائه خدمات بهزیستی ۱۵ تا ۶۴ سال تعیین شده است، اظهار کرد: افراد ۱۵ تا ۶۴ سال، جزو گروه نان‌آوران خانواده یعنی پدر و مادر هستند و با تمام مشکلات اقتصادی که در جامعه وجود دارد و اگر نان‌آور خانواده هم دچار بیماری اختلال روانی شود، خانواده هم دچار آسیب خواهند شد و آسیب اقتصادی می‌تواند به آسیب اجتماعی منجر شود.

وی گفت: بر اساس پیمایش ملی سلامت روان وزارت بهداشت، ۲۳٫۶ درصد افراد ۱۵ تا ۶۴ سال کشور دچار یک تا چند اختلال هستند. در یک گزارش دیگر هم داریم که ۵۴ درصد جامعه ایران به نحوی مشکل روانی دارند. بنابراین باید گفت که هر کدام از ما در طول زندگی دچار بیماری جسمی، ذهنی و ... خواهیم شد و نباید از این آمارها بترسیم و هیچ تفاوتی بین بیماری روانی و جسمی نیست و هر کدام از این بیماری‌ها درمان خاص خود را دارند.

رضایی خاطرنشان کرد: شاید بهترین درمان برای بیماران روانی مداخلات دارویی باشد. توصیه روان پزشکان این است که در ابتدای شروع بیماری از دارو استفاده شود. اگر بیماری در بدن بیمار کهنه شود، ماندگاری بیشتری خواهد داشت.

مدیرکل دفتر مراقبتی و توان بخشی بهزیستی کشور بیان کرد: بر اساس مطالعات و تجربیات، یک درصد افراد کشور دچار اسکیزوفرنی، بیماری های افسردگی و توهم شدید یا دوقطبی هستند که با توجه به جمعیت حدود ۸۰ میلیونی در نتیجه باید ۷۵۰ الی ۸۰۰ هزار نفر بیمار روانی مزمن داشته باشیم. وی خاطرنشان کرد: براساس پیمایش ملی سلامت روان، زنان بیشتر از مردان، افراد بیکار بیشتر از افراد شاغل، افراد دارای وضعیت اقتصادی پایین نسبت به افراد دارای وضعیت اقتصادی بالا و افراد شهری نسبت به افراد روستایی بیشتر دچار بیماری روانی می شوند .

رضایی تصریح کرد: از مجموع یک میلیون و ۳۰۰ هزار نفر جمعیت پرونده دار در بهزیستی کشور، ۷,۶ درصد، معادل ۹۸ هزار و ۶۷۰ نفر دچار بیماری روانی مزمن هستند.مدیرکل دفتر مراقبتی و توان بخشی بهزیستی کشور با تاکید بر اینکه اصلا راغب نیستیم که بیماران روانی مزمن به صورت طولانی مدت در سازمان بهزیستی نگهداری شوند، افزود: امروز توصیه علمای علم توان بخشی به نگهداری موقت است.

وی خاطرنشان کرد: از مجموع ۷۹۱ مرکز شبانه روزی بهزیستی که ۴۸ هزار و ۷۱۹ نفر را تحت پوشش قرار می دهد ۱۷۴ مرکز مختص بیماران روانی مزمن است. در این مراکز ۱۱ هزار و ۴۴۱ نفر نگهداری می شوند که نگهداری این تعداد از بیماران در مراکز شبانه روزی بسیار زیاد

است و در هیچ جای دنیا پیدا نمی‌کنید که ۱۱ هزار بیمار روانی مزمن را در مراکز خود نگهداری کنند.

رضایی با بیان اینکه بحث‌های نگرشی به عنوان بزرگترین مانع و سد برای بیماران روانی است و تاکنون موفق نشده‌ایم ۵ تا ۱۰ درصد بیماران را که سال‌ها در مراکز نگهداری می‌شوند به جامعه برگردانیم، ادامه داد: به محض ترخیص بیماران روانی از مراکز نگهداری به دلیل نداشتن برنامه‌های مدون و دقیق، آنها فقط دو ماه در جامعه و خانواده به سر خواهند برد و سپس به این مراکز برمی‌گردند.

مدیرکل دفتر مراقبتی و توان‌بخشی بهزیستی کشور تصریح کرد: بسیاری از سازمان‌ها باید دست به دست هم دهند تا انسان پایدار و تثبیت شده بیمار روانی مزمن بتواند در جامعه زندگی کند. در کشور ایتالیا یک مرکز شبانه‌روزی برای بیماران روانی مزمن وجود ندارد. وی با اشاره به خدمات ویزیت در منزل عنوان کرد: خدمات در مراکز شبانه‌روزی، نیمه تخصصی و نیمه مهارتی است، اما خدمات مراکز ویزیت در منزل تخصصی و مهارتی هستند. به طوریکه پزشک، مددکار، روانشناس و... به منزل مددجویان اعزام می‌شوند و خدمات می‌دهند. این خدمات علاوه بر اینکه بخش عظیمی از نیازهای ضروری مددجویان را پاسخ می‌دهد؛ اما باید طرح‌های جدیدی را در نظر بگیریم. امیدوار هستیم طرح مراقبت در منزل توسعه پیدا کند زیرا در پایدار کردن و الحاق دوباره مددجویان و بیماران به جامعه نقش بسیاری دارد.

**بزرگترین مشکل بیماران روانی مزمن تامین دارو است-رضایی بزرگترین مشکل بیماران روانی مزمن را تامین دارو و حمایت‌های دارویی دانست و عنوان کرد: با توجه به اینکه بیماران**



روانی مزمن به سختی دارو می‌خورند و مقاوت می‌کنند یا اصلاً دارو نمی‌خورند بیماری عود می‌کند و بر می‌گردد. اگر مراقب خانگی فقط بتواند داروهای بیمار روانی مزمن را به او بدهد برای ما کفایت می‌کند. درست است که مراقب خانگی باید خدمات دیگری را هم ارائه کند اما اینکه او بتواند نقش خود را در دارو دادن به بیماران به خوبی ایفا کند اهمیت بسیاری دارد.

مدیرکل دفتر مراقبتی و توان‌بخشی بهزیستی کشور خاطرنشان کرد: با توجه به اینکه در بازگشت بیماران روانی مزمن به جامعه مقاوت‌هایی از جانب خانواده و جامعه وجود دارد خانه‌های نیمه راهی ایجاد شده است. پناهگاهی برای بیماران ترخیص شده از مراکز؛ همچنین در این مکان بحث‌های مربوط به اشتغال و ... پیگیری می‌شود. اشتغال از معضلات جامعه و در خصوص جامعه هدف بهزیستی از مشکلات وسیع است. عدم پوشش بیمه‌ای هم از دیگر مشکلات است. وی با انتقاد از عدم مشارکت خیرین در تاسیس مراکز بیماران روانی مزمن گفت: خیران کمتر به سمت بیماران روانی مزمن می‌آیند؛ باید کار فرهنگی بزرگی در این زمینه انجام شود.

رضایی با اشاره به اینکه نقش ما در قبال بیماران روانی چیست؟ عنوان کرد: آیا می‌خواهیم جامعه را از آسیب‌های که احتمالاً از سمت بیماران روانی وارد می‌شود و یا بیماران روانی را از آسیب‌ها و نگرش‌های که جامعه به آنها تحمیل خواهد کرد، محفوظ بداریم؟

مدیرکل دفتر مراقبتی و توان‌بخشی بهزیستی کشور بیماران روانی را قشر کاملاً تحت ستم دانست و افزود: آیا جامعه امنی برای بیماران روانی فراهم کرده‌ایم؟ ما به بیماران روانی انگ‌هایی می‌زنیم و آنها را از مواهب اجتماعی محروم می‌کنیم.

وی خاطرنشان کرد: آیا مشکل حقوق برابر بیماران روانی مزمن فقط در اجتماع وجود دارد یا در خانواده هم دیده می‌شود؟ خانواده همان رفتاری را با بیمار روانی مزمن دارد که با سایر افراد خانواده دارند؟ مکرراً مشاهده می‌کنیم علی‌رغم دلسوزی‌هایی که خانواده‌ها دارند نگرش منفی به بیماران روانی از خانواده آغاز شده و سپس در سطح جامعه، مسئولان و متخصصان رواج پیدا می‌کند. رضایی با اشاره به آزار و سوء استفاده از بیماران روانی، عنوان کرد: نگرش‌های منفی به بیماران روانی زاییده تفکر امروزی ما نیست بلکه براساس انگ‌ها و باورهای غلطی است که از گذشته در خصوص بیماران روانی مزمن وجود داشته است. اگرچه تاکنون اصلاحات اثربخشی در این زمینه انجام شده اما باز هم موضوع سوء استفاده از بیماران روانی را مشاهده می‌کنیم.

مدیرکل دفتر مراقبتی و توان‌بخشی بهزیستی کشور با اشاره به بحث فراموشی و یا بی‌توجهی به نیازهای درمانی، آموزشی، بهداشتی، تغذیه و ... بیماران روانی تصریح کرد: بیماران روانی مدت کوتاهی دچار هیجان‌ات و رفتارها هستند اما پس از آن در ثبات جسمی و روحی قرار می‌گیرند. آنها در مدتی که زندگی عادی انجام می‌دهند از بسیاری از مواهب دیگر بی‌بهره هستند و به نیازهای طبیعی آنها همچون آموزش توجه نمی‌شود. مدیرکل دفتر مراقبتی و توان‌بخشی بهزیستی کشور با اشاره به مشکلات اقتصادی، اجتماعی، تعاملی و بهره‌مندی از حقوق برابر بیماران روانی عنوان کرد: ما مدیران و متولیان نقش سنگینی در قبال بیماران روانی و خانواده آنها داریم.



## **روزی یک وعده غذای گرم برای مقابله با بیش از ۵ هزار مورد سوء تغذیه کودکان**

### **در لرستان**

خبرگزاری هرانا - مدیر کل بهداشتی لرستان با اشاره به اینکه یکی از مشکلات کودکان در مناطق محروم و حاشیه‌ای سوء تغذیه آنان است، افزود "به منظور پیشگیری از اثر سوء تغذیه روی رشد و یادگیری این کودکان، یک وعده غذای گرم به ۵۳۷۷ نفر داده می‌شود."

به گزارش خبرگزاری هرانا به نقل از ایسنا، دکتر اسدالله حیدری با بیان اینکه در استان، ۸۱ مهدکودک شهری، ۲۱۴ روستایی و ۱۹ مهد در حاشیه شهرها وجود دارد، اظهار کرد: "در مجموع ۳۰۳ مهد فعال در استان وجود دارد که ۱۵ هزار کودک را تحت پوشش خود دارند. از این جمعیت مذکور، ۷۵۷۰ نفر در مناطق محروم و روستایی هستند. همچنین تعداد کودکان خدمت‌گیرنده سه دهک پایین جامعه در استان ۹۷۵ نفر بوده و خدماتی که از سوی بهداشتی لرستان به آنها داده می‌شود نسبت به سال گذشته ۵۰ درصد افزایش داشته است."

مدیرکل بهداشتی لرستان تصریح کرد: "در مناطق حاشیه‌ای استان وضعیت به گونه‌ای است که مجبوریم خدمات را به آنجا ببریم تا هم کودکان از خانواده فاصله بگیرند و هم به لحاظ

تربیتی، تغذیه‌ای، رشد و تکامل همه جانبه تحت حمایت قرار گیرد؛ همچنین به این قشر به مدت ۱۳۰ روز یک وعده غذای گرم داده می‌شود. ”وی گفت: “همه شهریه مهدهای حاشیه‌ای و روستا مهدها را بهزیستی استان تقبل می‌کند اما در مناطق عادی فقط ۵۰ درصد هزینه کودکان تحت حمایت این سازمان را پرداخت می‌کنیم.

حیدری اضافه کرد: “در بحث مهارت‌های زندگی، بهداشتی، تغذیه‌ای و دینی و مذهبی کلاس‌هایی برای تقویت و ارتقای سطح آگاهی والدین کودکان برگزار شده چرا که در مهدهای کودک حاشیه‌ای خیلی از خانواده‌های این کودکان آسیب دیده یا در معرض آسیب هستند، علاوه بر تولید محتوا، برای مهدهای تحت حمایت، اولیا را نیز آموزش می‌دهیم.”

مدیر کل بهزیستی لرستان از ارائه خدمات مشاوره‌ای برای رفع مشکلات کودک و خانواده خبر داد و گفت: “برای رفع مشکلات کودک و خانواده، طرح‌هایی را که UN ابلاغ کرده در قالب خدماتی برای مهدهای حاشیه‌ای و پیشگیری از آسیب‌ها ارائه شدند.”



**مجرم متهم به قتل ستایش قریشی دختر بچه افغانستانی اعدام شد**



غلامحسین اسماعیلی رئیس کل دادگستری استان تهران گفت که متهم به “قتل” ستایش قریشی دختر بچه افغانستانی که سال گذشته به قتل رسیده بود، صبح امروز اعدام شد. به گزارش خبرگزاری هرانا به نقل از تسنیم، غلامحسین اسماعیلی رئیس کل دادگستری استان تهران اظهار داشت: “با توجه به درخواست و تأکید خانواده ستایش قریشی دختر بچه افغانستانی که سال گذشته به قتل رسیده بود، تمام مراحل اجرای حکم سپری شد. ”وی ادامه داد: “با توجه به تکمیل مراحل، صبح امروز حکم اعدام اجرا شد. ”به گزارش تسنیم، ۲۳ فروردین سال گذشته بود که گزارشی مبنی بر وقوع قتل یک دختر بچه ۶ ساله افغانستانی در روستای خیرآباد ورامین تحویل مراجع قضایی شد. گزارش حاکی از آن بود که ستایش قریشی که به گفته پدر او یکشنبه ۲۲ فروردین برای خرید بستنی از منزل خارج شده، دیگر به خانه بازنگشته است.

در تحقیقات اولیه مشخص شد که پسر ۱۷ ساله همسایه که دچار وسوسه شیطانی شده بود، او را ربوده و پس از تجاوز به قتل رسانده است. با اعلام این گزارش، دادستانی ورامین بر رسیدگی ویژه و خارج از نوبت پرونده تأکید کرد و از نخستین لحظات وقوع این جنایت، رسیدگی به این

پرونده به طور ویژه و خارج از نوبت در دستور کار دستگاه قضایی قرار گرفت تا اینکه پس از صدور قرار مجرمیت و کیفرخواست، شعبه هفتم دادگاه کیفری یک استان تهران، قاتل ستایش را بابت ارتکاب قتل به اعدام، تجاوز به عنف به اعدام و بابت جنایت بر میت به دیه محکوم کرد و این حکم ۲۰ دی سال ۹۵ در شعبه ۳۲ دیوان عالی کشور تأیید شد.

### وضعیت دانش آموزان بازداشت شده اعتراضات سراسری اخیر



- معاون امنیتی وزیر کشور: ۹۰ درصد بازداشت شدگان اعتراضات اخیر، جوان و نوجوان بوده و زیر ۲۵ سال هستند
- شهیندخت مولوردی: به شدت پیگیر وضعیت دانش آموزان بازداشتی هستیم.

فاطمه سعیدی نماینده مجلس: در حال جمع آوری اطلاعات دانش آموزان

بازداشتی هستیم.

در پی بازداشت‌های گسترده معترضین اعتراضات سراسری اخیر، نگرانی‌ها از وضعیت بازداشت‌شدگان و تکرار فجایعی مانند بازداشتگاه کهریزک در سال ۸۸ افزایش یافته است. در این میان نگرانی‌ها از وضعیت دانش آموزان بازداشت شده به دلیل زیر سن بودن آنها نیز بیشتر است. پیش‌تر حسین ذوالفقاری، معاون امنیتی وزارت کشور اعلام کرده بود که بیش از ۹۰ درصد بازداشت‌شدگان اعتراضات اخیر جوان و نوجوان بوده و میانگین سنی شان زیر ۲۵ سال است. در استان مرکزی نیز رییس دادگستری این استان خبر از شرکت دانش آموزان و افراد کم سن و سال در تجمعات در این استان داده بود. روز گذشته نیز محمد بطحایی، وزیر آموزش و پرورش با انتشار متنی در صفحه توئیتر خود از کشته شدن دو دانش آموز در اعتراضات سراسری اخیر خبر داده بود.

در قوانین ایران افراد زیر ۱۸ سال نابالغ محسوب شده و رسیدگی به جرایم ارتكابی آنها شرایط ویژه ای را می‌طلبد. با این حال تجربه اعتراضات سال ۸۸ نشان می‌دهد در موارد اینچنینی این نوجوانان نیز قربانی خشونت فزاینده ماموران امنیتی و دستگاه قضایی ایران می‌شوند. در همین زمینه شهیندخت مولوردی، دستیار ویژه رییس جمهوری در امور حقوق شهروندی از پیگیری وضعیت دانش آموزان بازداشت شده خبر داده است.

فاطمه سعیدی، نماینده مجلس و عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس نیز که پیش‌تر در توئیتر خود از وضعیت دانش آموزان و افراد کم سن و سال بازداشتی ابراز نگرانی کرده بود، به

روزنامه شرق گفته: «به صورت جدی پیگیر وضعیت دانش آموزان بازداشتی هستیم و در حال حاضر با کمک وزارت آموزش و پرورش و پیگیری‌هایی که وزیر محترم انجام داده اند در حال جمع‌آوری اطلاعات دانش آموزان بازداشتی هستیم و باید بدانیم آنها کجا نگهداری می‌شوند و در چه شهرهایی دانش آموز بازداشتی داشته‌ایم.»

این نماینده مجلس همچنین ابراز امیدواری کرده با رایزنی با مقامات قضایی شرایط آزادی دانش آموزان بازداشت شده فراهم شود. «تیم‌هایی در زندان مستقر شده اند و در حال پالایش افراد بازداشت شده در حوادث روزهای اخیر هستند تا افراد بی‌گناه هرچه زودتر آزاد شوند». همچنین روزنامه دنیای اقتصاد به نقل از منابع آگاه خبر داده که دانش آموزان بازداشتی و افراد زیر ۲۰ سال بازداشت شده تا روز پنجشنبه ۱۴ دی ماه آزاد خواهند شد.

با این وجود مادر یک دانش آموز ۱۵ ساله بازداشت شده به روزنامه شرق گفته هیچ اطلاعی از محل نگهداری و یا زمان بازداشت فرزند خود نداشته و او تنها در یک تماس تلفنی عنوان کرده که بازداشت شده و به زودی آزاد می‌شود. مادر این دانش‌آموز گفته: «افشین شاگرد درس خوانی است و چون دو روز در این هفته مدارس تعطیل بود، روزها به کتابخانه می‌رفت و درس می‌خواند، خانه ما در خیابان ایتالیا واقع شده و احتمالاً در همین رفت و آمد او را هم بازداشت کرده‌اند.»

**به‌کارگیری کودکان در کارگاه‌های تفکیک زباله توسط پیمانکاران شهرداری**



خبرگزاری هرانا - عضو هیات ریسه کمیسیون اجتماعی مجلس گفت که متأسفانه شاهد به کارگیری کودکان در کارگاه های تفکیک زباله از سوی برخی پیمانکاران سودجوی شهرداری پایتخت هستیم. به گزارش خبرگزاری هرانا، روح الله بابایی صالح در گفت و گو با خبرنگار خبرگزاری خانه ملت، با بیان اینکه بخشنامه های ممنوعیت به کارگیری کودکان در کارگاه های تفکیک زباله باید ضمانت اجرایی داشته باشند، گفت: "بر اساس اظهارات مسئولان، سازمان مدیریت پسماند بخشنامه ای را به مناطق مختلف ارسال کرد که اگر پیمانکاری بخواهد رسمی و غیررسمی از کودکان استفاده کند مشمول جریمه های سنگین خواهد شد و در کنار این قرارداد آنها باطل و این افراد در بلک لیست قرار می گیرند تا دیگر با آنها قراردادی منعقد نشود".

نماینده مردم بویین زهرا در مجلس شورای اسلامی، افزود: "در حالی که کار کودکان زیر ۱۵ سال ممنوع است و انواع بیماری های عفونی کودکان زباله گرد را تهدید می کند اما متأسفانه همچنان شاهد به کارگیری کودکان در کارگاه های تفکیک زباله از سوی برخی پیمانکاران سودجوی شهرداری پایتخت هستیم بنابراین ضمانت اجرایی بخشنامه ها بسیار مهم است زیرا با بخشنامه شعاری، بدون دستورالعمل و ضمانت اجرایی نمی توان وضعیت کودکان زباله گرد را سامان داد." وی فقر اقتصادی، مشکلات خانوادگی، بدسرپرستی و بی سرپرستی را از عوامل موثر در زباله گردی کودکان دانست و افزود: "وزارت بهداشت، سازمان محیط زیست و همچنین دستگاه قضایی برای رفع مشکل زباله گردی کودکان برای پیمانکاران باید به صورت قاطع با افرادی که از کودکان برای پیشبرد اهداف و منفعت طلبی خود استفاده و سلامت کودکان و جامعه را به خطر می اندازند به صورت قاطع و جدی برخورد کنند".

نماینده مردم بویین زهرا در مجلس دهم، کار کودکان را بزرگترین و دردناک ترین معضل و آسیب اجتماعی کشور دانست و افزود: «این معضل در پایتخت نمود بیشتری دارد و تامین معیشت علت حضور بیش از ۵۰ درصد کودکان کار و زباله گرد است».



عضو هیات ریسه کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی، با تاکید بر اینکه اگر برای جمع آوری و ساماندهی کودکان زباله گرد خلاء قانونی وجود دارد دولت لایحه به مجلس ارائه کند، تصریح کرد: «به طور قطع تمامی نمایندگان مجلس با تصویب این لایحه موافقت خواهند کرد زیرا کودکان مهمترین سرمایه های ملی کشور هستند و نباید نسبت به وضعیت آنها غافل بود».

**زاهدی: مواجهه لایحه بودجه ۹۷ آموزش و پرورش و آموزش عالی را با کسری جدی**



رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس گفت: لایحه بودجه ۹۷ اشکالات جدی دارد و به نظر من بدترین لایحه بودجه‌ای است که از زمان پس از انقلاب تاکنون از سوی دولت ارائه شده است. به گزارش ایسنا، محمدمهدی زاهدی در ارزیابی لایحه بودجه سال ۹۷ دولت اظهار داشت: یکی از دلایل مهم ضعف این لایحه این است که امکان تحقق منابع درآمد بودجه‌ای که در این لایحه پیش‌بینی شده بسیار ضعیف است. زاهدی تصریح کرد: بودجه تعیین شده، آموزش و پرورش و آموزش عالی را با کسری جدی مواجه می‌کند.

**نماینده مجلس ایران: خودکشی حداقل ۲۰ نفر بعد از زلزله کرمانشاه**



یک نماینده مجلس ایران از عدم رسیدگی به مشکلات زلزله‌زدگان کرمانشاه انتقاد کرده و گفته است مردم مناطق روستایی در شرایط بسیار سختی هستند و قول‌های مقام‌های مسئول به مردم عملی نشده است.

شهاب نادری، نماینده پاوه، جوانرود، ثلاث باباجانی و روانسر در گفت‌وگو با خانه ملت، خبرگزاری مجلس ایران از حداقل ۲۰ مورد اقدام به خودکشی بعد از زلزله اخیر خبر داده و گفته است این آمارها روز به روز افزایش پیدا می‌کند.

این در حالی است که مدیرکل پزشکی قانونی استان کرمانشاه به خبرگزاری تسنیم گفته است پس از زلزله کرمانشاه، هیچ فوت ناشی از خودکشی ثبت نشده است.

آرتین کمالی گفته است “اگر منظور این نماینده مجلس، صرفاً اقدام به خودکشی و ناکام‌ماندن این اقدام بوده، دانشگاه علوم پزشکی استان باید درباره آن نظر بدهد اما اگر منظور، فوت این افراد است بنده این موضوع را تکذیب می‌کنم”. آقای نادری توضیح چندانی در مورد اقدام به خودکشی در مناطق زلزله‌زده نداده است.

آقای نادری در مصاحبه خود همچنین گفته است که تا کنون ۴ مرگ ناشی از سرمازدگی در مناطق زلزله‌زده گزارش شده است. نماینده مجلس ایران گفت مردم این منطقه هنوز منتظر

عملی شدن قول مسئولان هستند اما تحمل این انتظاراتها برای مردم “بسیار دشوار” است. او همچنین از انجام ۳۰ زایمان در مناطق زلزله‌زده خبر داده و گفته این نوزادان در شرایط خوبی قرار ندارند و به دلیل نبود امکانات در حال فوت هستند.

- حسن روحانی: دولت اجاره زلزله زدگان را پرداخت می‌کند
- رهبر ایران به مناطق زلزله‌زده در استان کرمانشاه رفت
- قول مجازات سازندگان ساختمان های فروریخته در زلزله

آقای نادری گفته است حداقل انتظار، “ساماندهی اسکان موقت” زلزله‌زدگان بوده است. او گفته است “کدام وجدان بیدار قبول می‌کند دانش‌آموزان ابتدایی زیر چادر تحصیل کنند؟”

بیش از یک ماه از زلزله هفت و سه دهمی در استان کرمانشاه می‌گذرد و هنوز تعداد زیادی از خانواده‌ها زیر چادر زندگی می‌کنند و از کمبود امکانات رنج می‌برند.

## بخش دوم

# گزارشات نقض حقوق جوان و دانشجو



موج جدید اخراج دانشجویان بهایی از دانشگاه‌ها: محرومیت از تحصیل

به دلیل اعتقادات مذهبی

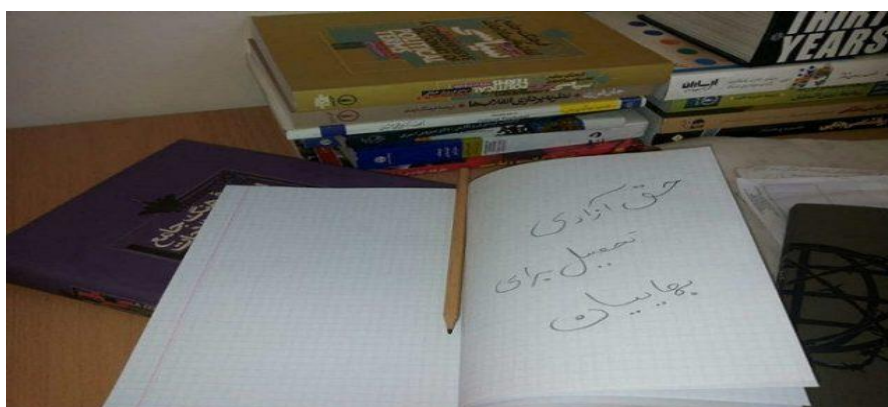
نیما ایقانیان دانشجوی رشته عمران از دانشگاه علم و صنعت که در کنکور سراسری با رتبه ۱۵۵ مشغول تحصیل بود به دلیل اعتقاد به آیین بهایی از دانشگاه اخراج شد



یکی از شش دانشجو بهایی که طی هفته‌های اخیر به دلیل بهایی بودن از دانشگاه آزاد رودهن اخراج شده است به کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران گفت: «حدود سه هفته پیش من به همراه سه پسر و دو دختر بهایی که در مقطع کاردانی و کارشناسی رشته‌های معماری و عمران تحصیل می‌کردند توسط حراست دانشگاه اخراج شدیم. اخراج همگی ماه طی روند مشابهی با کمی تفاوت در جزئیات اتفاق افتاد.» این شهروند بهایی که به دلیل تبعات امنیتی، خواست نامش فاش نشود در توضیح چگونگی روند اخراجش از دانشگاه آزاد رودهن به کمپین گفت: «پنج هفته پیش طی تماسی به من گفته شد که پرونده تحصیلم ناقص است و باید به بایگانی مراجعه کنم. اما در دفتر بایگانی به من گفته شد باید به حراست بروم، حراست هم مرا به رییس آموزش دانشگاه ارجاع داد و در آنجا شخصی که مسئول بود گفت شما مسلمان هستید؟ گفتم من برای کنکور امتحان معارف اسلامی دادم اما بهایی هستم. گفت پس بیا روی فرمت

بنویس که بهایی هستی. من هم نوشتم. اما الان فکر می‌کنم در واقع با نوشتنم مدرک برای اخراجم به آنها دادم. چند روز بعد وقتی وارد سایت دانشگاه شدم، دیدم درس‌هایی که برای ترم جدید انتخاب کرده‌بودم، حذف شده‌است. این اتفاق برای بقیه دوستان بهاییم نیز افتاد. در

مراجعه به بخش آموزشی دانشگاه به ما گفته شد شما انصراف از دانشگاه داده‌اید. در واقع خودشان ما را حذف کردند و گزینه انصراف را انتخاب کرده بودند تا گفته نشود که اخراج شدیم. در واقع این دردناک‌ترین و عجیب‌ترین و غیرقانونی‌ترین حرکت مسئولان دانشگاه است.» این دانشجوی بهایی اخراج شده در ادامه به ملاقات با رئیس حراست دانشگاه نیز اشاره کرد و گفت: «رئیس حراست از همه ما خواست تا قبل از رفتن به اتاقش گوشی‌های تلفن‌مان را خاموش کنیم. در اتاق هم به قدری آرام حرف می‌زد که صدایش قابل شنیدن نبود. به نظر من فکر می‌کرد داریم صدایش را ضبط می‌کنیم. ما مرتب دلیل اخراج مان را می‌پرسیدیم اما جواب صریحی نمی‌داد و می‌گفت خودتان دلیلش را می‌دانید، از روز اول نباید ثبت نام می‌کردید. گفت از ورود مجددتان به دانشگاه جلوگیری می‌کنم و پیگیری به مراجع هم برایتان فایده ای ندارد. گفت خیلی لطف کردیم که وسط ترم و پس از اخذ شهریه اخراج‌تان نکردیم. وقتی پرسیدیم منظورتان این است که چون بهایی هستیم؟ سرش را تکان داد و گفت خودتان می‌دانید. حتی وقتی خواستیم تا مدرک دیپلم‌مان را که به دانشگاه سپرده بودیم بگیریم، گفت مدرک دیپلم هم به ما تحویل داده نشود.»





این دانشجوی بهایی که در آستانه ورود به ترم چهارم از دانشگاه اخراج شده درباره اینکه چطور مسئولان دانشگاه متوجه بهایی بودن او و بقیه دانشجویان دیگر شده اند، به کمپین گفت: «در فرم دانشگاه گزینه مذهب وجود ندارد. فقط گزینه‌ای است که از متقاضی می پرسد مایل است سئوال‌های دینی مربوط به کدام مذهب را پاسخ دهد. بهاییانی که در کنکور شرکت می کنند همگی می نویسند معارف اسلامی چون درسی است که در مدرسه خوانده‌اند. من و بقیه گزینه معارف اسلامی را زدیم تا از این طریق وارد دانشگاه شویم. من نمی دانم چطور متوجه شدند اما تشخیص آن هم سخت نیست.»

این دانشجو با اظهار اینکه شکایتش نسبت به اخراج از دانشگاه به جایی ختم نمی شود، گفت: «هر ساله سازمان سنجش وقتی متوجه شود دانشجویی بهایی است با گزینه‌هایی شبیه نقص پرونده او را از دانشگاه اخراج می کند. دانشجویان اخراجی بهایی به جاهای مختلفی مانند مجلس، بیت رهبری، دفتر ریاست جمهوری، وزارت علوم و سازمان سنجش و هر نهاد دیگری که فکر کردند می تواند پاسخگوی این بی عدالتی باشد مراجعه کرده اند اما فایده‌ای نداشته است. این روندی است که در طی سی و هفت ساله گذشته ادامه داشته است. من هم به نوبه خود شکایت خواهم کرد تا به خودم حداقل بدهکار نباشم اما می دانم از همین حالا که شکایتم راه به جایی نخواهد برد.» مرتضی اسماعیل پور، سردبیر سایت بهایی نیوز در گفتگو با کمپین نیز گفت که به غیر از اخراج شش دانشجو بهایی از دانشگاه آزاد رودهن، ۹ نفر از دانشجویان بهایی دیگر نیز طی هفته‌های اخیر از دانشگاه‌های صنعتی اصفهان، دانشگاه غیرانتفاعی ارم شیراز، دانشگاه فنی و حرفه ای بیرجند و دانشگاه علم و صنعت تهران نیز اخراج شده اند.

مدیر سایت بهایی نیوز به کمپین گفت که ۲۱۹ شهروند بهایی پس از کنکور سال ۱۳۹۵ با گزینه «نقص پرونده» از ورود به دانشگاه محروم شدند. همچنین ۴۰ نفر در طی سالجاری (۹۵) پس از ورود به دانشگاه در ترم‌های مختلف به دلیل اعتقاد به دیانت بهایی اخراج شده‌اند.

به گفته آقای اسماعیل پور از جمله این دانشجویان نیما ایقانیان است که با رتبه ۱۵۵ کنکور سراسری، در روزهای آغازین ترم اول دانشگاه اخراج شد. همچنین مائده سادات حسینی‌راد از رشته آمار دانشگاه صنعتی اصفهان و درنا اسماعیلی از رشته گرافیک در ترم هفت مقطع کارشناسی از دانشگاه غیرانتفاعی ارم شیراز، و فریناز مختاری از دانشگاه دخترانه فنی و حرفه ای بیرجند اخراج شدند. ثنا هوربخت و جهانگیر هدایتی دو نفر از دانشجویان اخراج‌شده دانشگاه آزاد رودهن هستند. این تعداد کسانی هستند که طی هفته های اخیر از دانشگاه‌های مختلف در ایران اخراج شده و مایل به رسانه‌ای شدن نام خود بوده‌اند، اما بسیاری از دانشجویان اخراج شده مایل به رسانه ای شدن نام خود نیستند.

به گفته مدیر سایت بهایی نیوز جهانگیر هدایتی، یکی از دانشجویان بهایی اخراج شده در رشته مهندسی کامپیوتر نرم افزار از دانشگاه رودهن، پیش از اخراج در تاریخ هفتم دی ماه امسال (۹۵) از سوی مدیر گروه کامپیوتر و رییس بخش فنی مهندسی دانشگاه و در حضور نماینده ولی فقیه و نماینده ولی فقیه در دانشگاه به عنوان دانشجوی نمونه مورد تقدیر قرار گرفته بود. بر اساس بند سوم مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب شده در اسفند ماه ۱۳۶۹ که به تایید علی خامنه ای، رهبر ایران رسیده، آمده است: «در دانشگاه ها چه در ورود و چه در حین تحصیل چنانچه احراز شد بهایی اند از دانشگاه محروم شوند.» ممانعت از تحصیل پس از کنکور و یا اخراج پس از ورود به دانشگاه که از سوی حراست دانشگاه ها و

سازمان سنجش اتفاق می افتد به پشتوانه این مصوبه که به امضای رهبری رسیده است اتفاق می افتد. در سوم اسفند ماه ۱۳۹۱ کمپین بین‌المللی حقوق بشر در ایران به همراه تعداد دیگری از سازمان‌های حقوق بشری بیانیه‌ای مشترک در مورد حق تحصیل و آزادی علمی در ایران منتشر کردند و با انتقاد از مصوبه شورای عالی فرهنگی برای محرومیت از تحصیل بهایان فقط به دلیل اعتقاد مذهبی اظهار کردند حتی در سال ۲۰۱۱، مقامات ایرانی به موسسه آموزش عالی بهایان (BIHE)، که به عنوان یک دانشگاه مکاتبه‌ای آنلاین در سال ۱۹۸۷ تاسیس شده، یورش بردند و سی مدرس آن را بازداشت و زندانی کردند. در این بیانیه آمده است که حداقل نه تن از این مدرسین با اتهاماتی مرتبط با استفاده مسالمت آمیز از آزادی بیان، تشکل و گردهم‌آیی، محکوم شدند.

## **تعلیم یا توهین و تهدید!**

سالها گمان میکردیم افزایش دانش و سواد آکادمیک شخص، رابطه‌ی مستقیمی با بالارفتن فهم و شعور او در اجتماع دارد. اما زهی خیال باطل. گویا برخی و تاکید میکنیم برخی از اساتید با بالا رفتن سواد و دانششان، تنها زورگویی و قلدرمآبی در فضای مقدس دانشگاه را آموخته‌اند و مسئولیتی که به امانت به آنها سپرده شده است را همچون چماقی برای خرد کردن شخصیت دانشجویان به کار می‌برند. باخبر شدیم فردی که شرم داریم نام مقدس استاد رابه او اطلاق کنیم، در واکنش به مطلب طنز یکی از دانشجویان در یکی از گروه‌های تلگرامی، اقدام به توهین و تهدید این دانشجو کرده و با تهمت زدن به این دانشجو، مطلب طنزی که هیچگونه توهین و تخریبی علیه هیچ شخص خاصی نبود را به یکی دیگر از اساتید نسبت میدهد. در

ادامه هنگامی که این استاد با توضیحات دانشجو در مورد اینکه مطلبش اشاره به هیچ شخص خاصی نداشته و

تنها جنبه طنز دارد، روبه رو میشود، با وقاحت تمام میگوید: کاری میکنم که فریاد نزده ات به عرش برسه و آوازه این تنبیه تا ابد در این دانشگاه ماندگار بشود. متأسفانه گستاخی برخی از این دست استاد نماها به حدی رسیده است که هم شاکی میشوند، هم قاضی میشوند و هم حکم را اجرا میکنند و انگار نه انگار که رسیدگی به تخلفات مرجع مشخصی دارد و وظیفه ی استاد تدریس است و حق سوء استفاده از جایگاهش را ندارد. شورای صنفی دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل به عنوان تنها نهاد مدافع حقوق دانشجویان این دانشگاه، اعلام میدارد که به جد، پیگیر برخورد با این قبیل رفتار های زشت و زننده خواهد بود و از مسئولین ذی ربط خواستار است تا با برخورد قاطع با فرد خاطی از تکرار این اتفاقات جلوگیری کند. بدون شک حرمت و آبروی اشخاص از هرچیزی مهمتر است و در صورت تکرار این موضوع، خاطره ی ۲۹ اردیبهشت سال قبل را با انسجام هرچه بیشتر تکرار خواهیم کرد»

## **تعلیق ۴ شکل دانشجویی**

در یک ماه اخیر شاهد حکم های سنگین هیات نظارت دانشگاه ها بر تشکلات دانشجویی بوده ایم. حکم هایی چون تعلیق شکل ها و رد صلاحیت هیات های موسس در دانشگاه های سمنان، علامه، اصفهان، شهید رجایی و تعداد دیگری از دانشگاه ها با توجه به اینکه کمتر از پنج ماه تا انتخابات ریاست جمهوری دوره دوازدهم مانده است پیش بینی می شود فشار بر تشکل های سیاسی بیش از پیش وارد شود و طی یک فرآیند سیستماتیک فعالیت دانشگاه ها را به

بهانه های متفاوت متوقف کنند. حق داشتن برتشکل های آزاد طبق ماده ۲۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر و همینطور کنوانسیون شماره ۸۷ سازمان بین المللی کار تاکید شده است. اما دولت جمهوری اسلامی نه تنها برخلاف چنین مواردی بلکه برخلاف قانون اساسی خود این حق مسلم را از شهروندان بخصوص دانشجویان سلب کرده است.



## فارغ التحصیلان بیکار

طبق آمار رسمی ارائه شده سالانه حدود ۹۰۰ هزار دانشجو فارغ التحصیل می شود که حدود ۶۵۰ هزار نفر از این تعداد متقاضی جدید کار هستند. علاوه بر این طی ۵ سال آینده، سالانه حدود ۲۵۰ هزار نفر افراد فاقد تحصیلات دانشگاهی به جمعیت جویای کار اضافه می شوند... نکته قابل تأمل اینکه، جمعیت متقاضی شغل در بین فارغ التحصیلان حدود ۳ برابر سایر متقاضیان بازار کار است و این، مسأله اصلی دولت شده، یعنی "اشتغالزایی با اولویت فارغ التحصیلان دانشگاهی". «همچنین؛ عضو هیئت علمی دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی

مشکل را صنعت و دانشگاه نمی داند و به خبرنگار ما می گوید: مشکل بازار کار است، اگر سیستم عرضه و تقاضا در کشور درست و سیاست دولت منطقی باشد، خود به خود کارخانه ها راه می افتند و احتیاج به استخدام افراد تحصیلکرده و غیر تحصیلکرده دارند.

## **تصویب حذف "سنوات تحصیلی" یا مشوقی برای خروج مغزها؟**

اخبار تجمع و تحصن در سه دانشگاه برتر کشور و اعتراض دانشجویان به حذف "سنوات" و "وضعیت خوابگاه‌ها" که چندین تیر خبرگزاری های مختلف گردیده طی یک فرآیند چند ساله سبب خروج افرادی میشود که فاقد توانائی های لازم برای ادامه تحصیل، کسب علم و دانش هستند، آنان را خواسته یا ناخواسته مجبور به ترک کشور خواهد کرد تا بتوانند از امکانات بهتر و برتر برخوردار گردند.

براستی اگر تلاش شورای عالی آموزش در راستای ارتقا امکانات و سطح آموزش دانشجویان کشور است تا آنان هرچه کمتر به فکر خروج از کشور باشند و بمانند تا به ملت و کشور خود خدمت کنند، اینگونه مصوبات مسئولان دانشگاه هر روز شرایط را برای دانشجویان سخت تر می سازد و در نتیجه دانشجوی مستاصل عطای تحصیل در کشور را به لقایش خواهد بخشید و راهی خارج از کشور می شود چرا که هم امکانات تحصیلی بهتری برایش فراهم است و هم پول و حقوق خوبی دریافت می کند.

خبر بد اینکه در مقابل این اعتراضات و خواسته ها، مسئولان همچنان بر اقدامات خویش پافشاری میکنند و طبق روال گذشته با وعده و وعید اینکه « این مبالغ را تخفیف می دهیم، تقسیط می کنیم، یا اگر شما به دلیل مشکلات به دانشگاه درخواست بدهید، شاید هم ببخشیم » در صدد خاموش کردن صدای اعتراض آنان هستند. و این علامت سؤال بزرگ که : از کجا

ببخشید؟ چه ببخشید و چرا ببخشید؟ مگر نه اینکه اصل ۳۰ قانون اساسی تاکید بر رایگان بودن خدمات آموزشی دارد؟

روز گذشته حدود ۶۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه شریف در اعتراض به هزینه‌های سنوات مقابل درب اصلی دانشگاه اعتراض و تجمع کردند که اعتراض این دانشجویان از ساعت ۱۲ ظهر شروع شد و چند ساعتی در مقابل دفتر ریاست دانشگاه و درب اصلی دانشگاه ادامه داشت. در دانشگاه امیرکبیر هم وضعیت به همین منوال است و دانشجویان نسبت به حذف هزینه‌های سنوات معترض هستند و بر این باورند که درحالی که وزارت علوم تحصیل رایگان در ترم پنجم کارشناسی ارشد را مجاز می‌داند، اما دانشگاه صنعتی امیرکبیر تصمیم به اخذ هزینه از دانشجویان جهت تحصیل در ترم پنجم می‌گیرد.

برمبنای آئین نامه جدید شورای عالی برنامه‌ریزی آموزشی که برای دوره‌های کاردانی و کارشناسی (پیوسته و ناپیوسته) تصویب شده است، مدت سنوات مجاز تحصیلی برای دوره کارشناسی ۸ نیم‌سال تعیین شده است. این در حالی است که تعداد دانشجویانی که مدت زمان تحصیل‌شان ۹ یا ۱۰ نیم‌سال به طول می‌انجامد، رقم کوچکی نیست. نکته‌ی دیگری که در آیین‌نامه قابل توجه و مورد اعتراض دانشجویان قرار دارد آنست که این آئین نامه در اسفند ۹۳ تصویب شده است اما در کمال تعجب در ماده‌ی ۳۳ آیین‌نامه قید شده است که «برای دانشجویان ورودی سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ و پس از آن و نیز تمامی دانشجویانی که در زمان ابلاغ این آیین‌نامه، شاغل به تحصیل هستند، به شرطی که خللی در تحصیل ایشان ایجاد نکند، لازم‌الاجرا است» در حالیکه هیچ معیاری برای «خلل در تحصیل» مشخص نشده است. آیا

اجرای چنین آیین‌نامه ای آنهم برای ورودی‌های سال ۹۳ و ماقبل از آن هیچ‌گونه خللی ایجاد نخواهد کرد؟

در بخشی از بیانیه دانشجویان امیرکبیر آمده است: در حال حاضر این قانون با کمی تغییر در دانشگاه ما اجرا می‌شود؛ اینگونه که سنوات مجاز «آموزشی» کارشناسی تا ۹ نیم‌سال در نظر گرفته شده است اما همچنان هزینه خوابگاه و سلف دانشگاه به صورت مضاعف محاسبه می‌شود. علی‌اکبر مومنی ملک شاه، دبیر شورای صنفی دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف در اینباره به خبرنگار ایلنا می‌گوید: وقتی شما با فشارهای علمی (بخصوص در دانشگاه صنعتی شریف که در سختگیری‌های علمی زبازد عام و خاص است) روبرو میشوید که به من دانشجوی وارد می‌شود، ناخواسته زمان تحصیل به ترم پنجم کشیده می‌شود، برخی از هیات علمی‌ها حتی دانشجوی را مجبور می‌کنند که ۵ ترمه بشود. از طرفی این فشارها را به دانشجوی وارد می‌کنند بعد از طرف دیگر اجبار می‌کنند که باید تحصیل را ۴ ترمه به پایان برسانی. این کارها با یکدیگر متناقض است و همین تناقض رفتارها باعث بلند شدن صدای اعتراض دانشجویان شده است. آقای مومنی می‌گوید: بسیاری از دانشجویان از سویی توان پرداخت چنین پولهایی را ندارند و از سوی دیگر بر این باورند که این پول و جریمه اجباری، پول زوری است که از دانشجویان مطالبه می‌شود؛ چرا که کاملاً برخلاف اصل ۳۰ قانون اساسی است. این درحالیست که دانشگاه اعلام می‌کند که این مبالغ در مقابل ارائه خدمات مطالبه می‌شود، در مورد خدمات رفاهی این حرف تا حدی پذیرفتنی است، اما در قبال خدمات آموزشی که قانون تاکید بر رایگان بودن آن دارد، اقدامی غیرمنطقی و نامعقول است، نکته جالب و البته تامل برانگیز این است که پولی که برای ترم پنجم دریافت می‌شود صرفاً جریمه سنوات است و اگر من



دانشجوی ترم ۵ ارشد بخوایم، مدرکم را آزاد کنم، باید دوباره پول ترم ۵ را به حساب وزارت علوم پرداخت کنم.

وی در ادامه افزود: سال گذشته تجمعی برگزار شد که حدود ۱۵۰-۲۰۰ نفر در آن شرکت داشتند. که شورا در آن زمان حمایتی نکرد و این تحصن با بدقولی‌های معاون آموزشی دانشگاه که اکنون هم در همین پست مشغول به فعالیت است، شکست خورد. امسال اما کمپینی ایجاد شده که حدود ۱۵۰۰ دانشجو عضو آن هستند و در رابطه با همین سنوات آموزشی و هم سنوات رفاهی فعالیت می‌کند، چرا که حق همه دانشجویان کشور، بخصوص دانشجوی دانشگاه شریف است که از حقوق تحصیلی خود برخوردار باشد.

یکی از دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی که در این تجمع حضور دارد، به خبرنگار ایلنا، می‌گوید: امسال دانشگاه شهید بهشتی مزاد بر ظرفیت داوطلبان راپذیرش کرده است اما به این دانشجویان گفته شده که از ۱۰ مهر به بعد خوابگاه به آنها تعلق می‌گیرد و در حال حاضر دانشجویانی که از شهرستان به تهران آمده‌اند، سرگردان هستند. از طرفی خوابگاه‌هایی که برای دانشجویان جدید ورود در نظر گرفته شده، حدود ۲ ساعت با دانشگاه فاصله دارد. این دانشجوی معترض می‌گوید که خواسته دانشجویان این است، حداقل خوابگاه‌هایی نزدیک به دانشگاه به آنها داده شود. در حال حاضر حدود ۲۰۰ دانشجو از شهرستان‌های مختلف در این تجمع حضور دارند که محلی برای اسکان ندارند.

**دریافت جریمه یک میلیون تومانی از دانشجوی روزانه شریف!**

در ادامه تجمع روزهای گذشته دانشجویان دانشگاه های صنعتی ارومیه، اصفهان و تربیت مدرس امروز نیز دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر به اجرای قانون سنوات اعتراض کردند. براساس ماده ۱۵ آیین نامه تحصیل در دوره های کارشناسی وزارت علوم، سنوات مجاز تحصیل در مقطع کارشناسی پیوسته ۴ سال است که بنا بر تشخیص دانشگاه، می تواند تا دو نیمسال افزایش یابد. در ماده ۱۳ آیین نامه مصوب سال ۹۱ هیات امنای دانشگاه شریف هم آمده است که حداکثر مدت مجاز تحصیل در دوره های کاردانی و کارشناسی ناپیوسته ۲ سال و در دوره کارشناسی پیوسته ۵ سال است اما این قوانین در برخی دانشگاه ها بر مبنای تبصره و ماده هائی که بدان افزوده گردیده نقض شده است؛ به طور مثال در دانشگاه شریف، مسئولان تصمیم گرفته اند؛ ترم پنجم کارشناسی ارشد و دکتری را از مدت سنوات مجاز حذف کنند و با اعمال جرائمی مثل کاهش نمره، افزایش هزینه اسکان، اخذ شهریه آنها را تحت فشار قرار دهند! و به همین دلیل دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر (پلی تکنیک سابق) از صبح امروز و در مقابل زمین چمن این دانشگاه تجمع کرده اند و دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف نیز ساعت ۱۲ ظهر امروز در مقابل سلف این دانشگاه اعتراض خود را درخصوص اجرای قانون سنوات به مسئولان این دانشگاه اعلام خواهند کرد. این دانشجویان اعلام میدارند که در بسیاری از موارد، تمام کردن دوره کارشناسی در چهار سال و دوره کارشناسی ارشد طی دو سال امکان پذیر نیست زیرا معمولاً برخی از دروس تنها یک بار در سال ارائه می شوند و تحقیق یک دانشجوی ممکن است طول بکشد، و یا دانشجو به دلیل برخی مشکلات نتواند در طول دوره مشخص شده در همه دروس قبول شود. دانشجویان همچنین به اقدام عجیب دیگری که از سوی مسئولان دانشگاه صورت گرفته اعتراض دارند. امسال دانشگاه صنعتی شریف ثبت نام دانشجویی

را که تحصیلش به ترم ۵ کشیده شده است را به شرطی انجام میدهد که او رقم جریمه‌ای معادل یک میلیون تومان به پردازد؛ یعنی دانشجو ابتدا باید آن جریمه را پرداخت نماید تا بتواند در ترم جدید ثبت‌نام کند. آنهم در شرایطی که دانشجوی مورد نظر، دانشجوی روزانه " دانشگاه دولتی " صنعتی شریف است! یعنی درخواستی متضاد با ماده ۱۵ آیین‌نامه تحصیل در دوره‌های کارشناسی وزارت علوم. از اینرو و بر اساس همین شرایط ایجاد شده است که گروهی از دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر (پلی تکنیک سابق) و نیز دانشگاه شریف دست به اعتراض و تجمع زده‌اند. دانشجویان شهید بهشتی نیز روز گذشته در اعتراض به معضلات خوابگاه تجمع کردند، در شرایطی که متأسفانه بسیاری از دانشجویان این دانشگاه بدون اسکان و در تهران سرگردانند! آقای معتمدی رئیس دانشگاه صنعتی امیرکبیر میگوید دانشجویان در دوره کارشناسی می‌توانند حتی تا ۱۰ ترم در دانشگاه بمانند و اخراج نشوند، اما دانشجویی که دوره تحصیلش بیش از موعد مقرر طول می‌کشد، باید هزینه‌هایش را خودش پردازد. ایشان در ادامه این پرسش را مطرح میکنند که: "در بحث خوابگاه‌ها کدام یک از اولویت برخوردارند؟ کسانی که امسال وارد دانشگاه می‌شوند و یا کسانی که ۹ ترم در تهران بوده‌اند؟ و سپس در مقام پاسخ به پرسش خود می‌افزایند: اگر بخواهیم حقی قائل شویم، افرادی که ورودی جدید هستند واجب‌ترند. اما نمی‌توانیم مدت زیادی خوابگاه در اختیار آنها قرار دهیم." این سخنان در حالی بیان میشود که دانشجویان طی بیانیه‌ای ضمن برشمردن مشکلات خود نسبت به « رواج مدرک‌گرایی » هشدار داده و اعلام میدارند: در حالی که دانشجو با پرداخت هزینه‌های پروژه و هزینه دوبرابری خوابگاه و تغذیه نیز با مشکل کمبود بودجه دست به گریبان است، تبدیل دانشگاه به یک بنگاه اقتصادی باعث عقب‌نشینی دانشجویان از موضع علمی خود شده، رواج

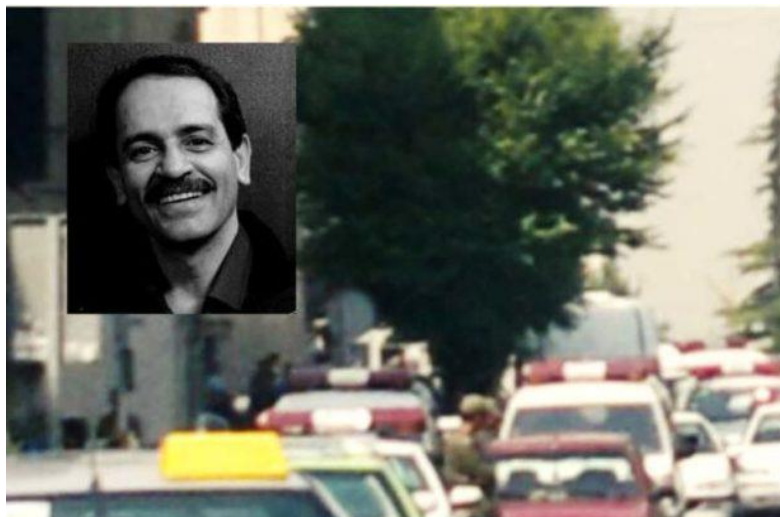
مدرک‌گرایی را سبب می‌گردد تا بتواند زمان تحصیل خود را کاهش دهند. آقای محمد رضانیک بین، مسئول خوابگاه‌های دانشگاه شهید بهشتی نیز ضمن برشماری مشکلات خویش می‌گوید: در سال تحصیلی ۹۴-۹۵ امکان واگذاری خوابگاه متاهلی به هیچ یک از مقاطع مقدور نیست! امسال هیچگونه خوابگاهی به دانشجویان دختر در مقطع کارشناسی ارشد و دکترا تعلق نمی‌گیرد! خوابگاه فقط به داوطلبان گروه‌های ریاضی و علوم انسانی و زبان در سهمیه منطقه یک به پذیرفته شده‌گان تا رتبه ۲ هزار و در سهمیه‌ها سایر مناطق تا رتبه هزار تعلق می‌گیرد. در گروه تجربی در کلیه سهمیه‌ها به پذیرفته شده‌گان تا رتبه زیر هفت هزار ۵۰۰ خوابگاه تخصیص می‌یابد! با افزایش پذیرش دانشجو در سال‌های اخیر هم با مشکل خوابگاه مواجه هستیم! ناگفته نماند که تجمعات دانشجویی در اعتراض به قانون سنوات از دانشگاه تربیت مدرس آغاز شد؛ ماه گذشته بود که دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس در بیانیه‌ای اعلام کردند پیرو اجرای بی سابقه و شتابزده قوانین سنواتی و فشار جریمه‌های مالی اعتراض دارند.

این دانشجویان از مسئولان خواستند که دانشجویان ترم پنجم کارشناسی ارشد و ترم نهم دکتری را مشمول قوانین سنواتی ندانند و جریمه‌های سنواتی را از ترم ششم کارشناسی ارشد و ترم دهم دکترا اعمال کنند زیرا تنها دانشجویان در به تعویق افتادن دفاع از رساله پژوهشی مقصر نیستند بلکه عواملی به ویژه کمبود منابع کتابخانه‌ای آزمایشگاهی و فراهم نبودن امکانات لازم برای دفاع لازم از رساله و پایان نامه نیز در این امر دخیل‌اند.

**ممانعت نیروهای امنیتی از تجمع هواداران محمدعلی طاهری مقابل**

**دانشگاه تهران**

تجمع امروز شاگردان محمدعلی طاهری، بنیان گذار عرفان حلقه، جنب دانشگاه تهران، با ممانعت نیروهای امنیتی مواجه شد.



به گزارش تارنگار حقوق بشر در ایران، بنا بر اطلاع قبلی قرار بود هواداران محمدعلی طاهری روز یکشنبه سوم مردادماه، در مقابل دانشگاه تهران دست به تجمع بزنند؛ اما نیروهای امنیتی – انتظامی با حضور در این محل از شکل‌گیری تجمع جلوگیری کردند. گفتنی است که طی ماه‌های گذشته تعداد زیادی از هواداران عرفان در پی حضور در تجمعات مسالمت‌آمیز بازداشت شده‌اند. محمدعلی طاهری، مؤسس «عرفان حلقه»، ۶۰ ساله و متولد کرمانشاه است. او در سال ۱۳۸۰ موسسه‌ای به نام «عرفان حلقه» با تمرکز فرا درمانی و طب مکمل در تهران تأسیس کرد. آقای طاهری چندین کتاب نوشته که از سوی وزارت ارشاد مجوز گرفته‌اند و همچنین چند دوره کلاس در دانشگاه تهران و دانشگاه علوم پزشکی تهران در خصوص طب مکمل داشته است. دانشگاه طب سنتی ارمنستان در اردیبهشت سال ۱۳۹۰، به محمدعلی طاهری دکترای افتخاری اعطا کرد. او در سال ۱۳۸۹ برای اولین بار به اتهام اقدام علیه امنیت کشور از سوی نیروهای وزارت اطلاعات دستگیر و برای ۶۷ روز در زندان اوین تحت بازجویی قرار گرفت. او پس از آن با قرار وثیقه آزاد شد اما مجدداً در تاریخ ۱۴ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۰

بازداشت شد و به اتهام توهین به مقدسات، اتهام فعل حرام و رابطه نامشروع به دلیل «تماس با  
مچ دست زن نامحرم در زمان

عمل فرا درمانی» و به اتهام دخالت در امر پزشکی، تحصیل مال نامشروع و توزیع آثار سمعی-  
بصری و استفاده غیرمجاز عناوین علمی پزشکی جمعاً به ۵ سال حبس، ۷۴ ضربه شلاق و ۹۰۰  
میلیون تومان جریمه نقدی محکوم شد. اما آقای طاهری در تابستان ۱۳۹۳ مجدداً برای اتهام  
مفسد فی الارض که قبلاً در پرونده‌اش بررسی شده بود، بازجویی شد. دادگاه او در اسفندماه  
۱۳۹۳ برگزار شد و در نهایت در خردادماه ۱۳۹۴ به اتهام فساد فی الارض از طریق منحرف  
کردن افراد به اعدام محکوم شد. با اعتراض وکلای آقای طاهری، پرونده او برای بررسی مجدد  
به دیوان عالی کشور فرستاده شد. خواهر محمدعلی طاهری، مؤسس «عرفان حلقه» اظهار کرده  
بود حکم اعدام او از سوی شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور لغو شده و پرونده برای رسیدگی مجدد  
به شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب فرستاده شده است

## **بازداشت چهار تن از اعضای شوراهای صنفی دانشجویان دانشگاه تهران به دلیل پیگیری وضعیت معترضان دستگیر شده**



چهار تن از اعضای شوراهای صنفی دانشجویان دانشگاه تهران در پی پیگیری وضعیت دانشجویان دستگیرشده در جریان اعتراضات روزهای اخیر بازداشت شدند.

به گزارش تارنگار حقوق بشر در ایران، روز یکشنبه ۱۱ دی ماه لیلا حسینزاده و سه تن دیگر از اعضای شوراهای صنفی دانشجویان دانشگاه تهران پس از جلسه با ریاست دانشگاه در خصوص پی پیگیری وضعیت دانشجویان دستگیرشده در جریان تظاهرات اخیر، بازداشت شدند.

شورای صنفی دانشجویان کشور با انتشار بیانیه‌ای کوتاه ضمن اعلام همبستگی با مطالبات مردم معترض اعلام کرده است: «مسئولیت هرگونه برخورد امنیتی با دانشجویان و ساحت دانشگاه را بر عهده وزیر علوم دانسته و قاطعانه خواستار اعلام حمایت بدون قید و شرط از طرف وزارت علوم و پیگیری برای توقف عاجل این بی‌حرمتی و بی‌قانونی هستیم. بسیاری از شهرهای کوچک و بزرگ ایران از روز هفتم دی ماه تاکنون صحنه اعتراضات مردم به نظام حاکم بر کشور بوده است. دانشجویان دانشگاه تهران نیز نهم دی ماه به این اعتراضات پیوستند و شماری از آنان در پی یورش نیروهای امنیتی بازداشت شدند.

اعتراضات از خراسان و شهر مشهد با شعار «نه به گرانی» آغاز شد و با شعارهای سیاسی به سایر شهرهای ایران سرایت کرد. شعارهای معترضان در نفی وضعیت موجود و علیه سران جمهوری اسلامی از جمله آیت‌الله علی خامنه‌ای، حسن روحانی و به طور کلی نهاد روحانیت حاکم بر کشور بوده است. بسیاری از شعارها نیز در ستایش از رضا شاه، بنیان‌گذار حکومت پادشاهی پهلوی، و «پشیمانی» از انقلاب سال ۵۷ بوده است.

## مرگ یک زندانی پس از ضرب و شتم در زندان بیرجند / شکستگی دست زندانی دیگر



خبرگزاری هرانا - یک زندانی به نام عبدالرحمان نارویی در بیرجند پس از مضروب شدن توسط ماموران زندان بوسیله شوکر برقی، جان خود را از دست داد، پیکر او برای کالبدشکافی به پزشکی قانونی تحویل داده شد. همزمان در زندان رجایی شهر کرج یک زندانی به نام بهرام تاجیک توسط ماموران زندان به شدت مضروب شد، دست این زندانی از چند ناحیه شکسته است.

به گزارش خبرگزاری هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، روز نهم دیماه زندانی به نام "عبدالرحمان نارویی" در زندان بیرجند از توابع خراسان جنوبی پس از درگیری با چند زندانی به اتاق افسر نگهبانی برده شد، در آنجا مضروب شد و جان خود را از دست داد. یکی از اعضای خانواده نارویی که نخواست هویتش فاش شود به گزارشگر هرانا اطلاع داد، روز نهم دیماه عبدالرحمان با هم بندی های خودش درگیر شده است. ماموران زندان سپس او را به اتاق افسر نگهبانی منتقل کردند و در آنجا ضرب و شتم کردند. این منبع مطلع اشاره کرد



سه تن از ماموران بوسیله شوکر برقی به سر و قفسه سینه عبدالرحمان ضربه زده اند که این ضربات باعث مرگ عبدالرحمان نارویی شده است.

این زندانی از محکومان جرایم مواد مخدر بود که محکومیت ۱۵ ساله خود را از ۹ سال پیش در بند ۱۰۵ این زندان تحمل می کرد. به گفته خانواده این زندانی، او مشکل پزشکی و سابقه قبلی بیماری نداشته است. در حال حاضر خانواده نارویی شکایتی از عوامل جان باختن این زندانی در مرجع قضایی ثبت کرده اند. پیکر آقای نارویی برای کالبدشکافی به پزشکی قانونی سپرده شده است. از سوی دیگر گزارش می شود مورخ ۱۰ دیماه، بهرام تاجیک زندانی محکوم به اعدام در زندان رجایی شهر کرج بدلیل خودداری از انتقال به بند دیگری توسط مسئولین زندان مورد ضرب و شتم شدید قرار گرفته است. زندانی بهرام تاجیک، ۲۸ ساله، محکوم به اعدام، محبوس در سالن ۱۲ بند ۷ در زندان رجایی شهر کرج است. این زندانی پس از خودداری از پذیرش دستور بند مورد ضرب و شتم شدید قرار گرفته است، گزارش می شود دست چپ او از حداقل سه ناحیه دچار شکستگی شده است با اینحال و حتی علیرغم گذشت چند روز بدون مداوای پزشکی از سالن ۱۲ بند ۷ زندان رجایی شهر کرج به اندرزگاه ۵ منتقل شده است.

**نامه شوراهاى صنفى ۳۰ دانشگاه کشور به وزیر علوم در خصوص دانشجویان  
بازداشت شده در روزهای اخیر**

خبرگزاری هرانا - شوراهاى صنفى دانشجویان ۳۰ دانشگاه کشور با انتشار نامه اى سرگشاده خطاب به وزیر علوم، تحقیقات و فناوری نسبت به بازداشت دانشجویان دانشگاههاى مختلف در پی حوادث اخیر کشور واکنش نشان داد. این شورا از وزیر علوم که پیش تر مدعى عدم بازداشت دانشجویان شده بود خواست برای آزاد کردن هر چه زودتر دانشجویان اقدام کند.



به گزارش خبرگزاری هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، جمعی از دانشجویان، پس از برگزاری جلسه مشترک شوراهاى صنفى دانشجویان دانشگاه تهران با ریاست دانشگاه که به منظور پیگیری آزادی دانشجویانی که در روزهاى نخست وقایع اخیر کشور بازداشت شده بودند توسط نیروهاى امنیتی بازداشت شدند. شوراهاى صنفى دانشجویان دانشگاههاى کشور خطاب به وزیر علوم در خصوص موضوع دانشجویان بازداشت شده در روزهاى اخیر نامه اى نوشت و خواستار آزادی دانشجویان دربند شد.

متن کامل این نامه به شرح ذیل است: وزیر محترم علوم، تحقیقات و فناوری، جناب دکتر غلامی

ریاست محترم سازمان امور دانشجویان کشور، جناب آقای دکتر صدیقی  
با عرض سلام؛ احتراماً همانگونه که مستحضر می باشید، در پی اعتراضات مردمی در باب مسائل

صنفي از جمله مشكلات اقتصادي و معيشتي در روزهاي اخير، اين اعتراضات به صورت كاملا مسالمت آميز و به دور از هر گونه تنش و درگيري و اغتشاش در برخي از دانشگاهها و توسط دانشجويان گرامي به عنوان قشر فرهيخته کشور صورت پذيرفت که مطابق با ماده ۱۲ منشور حقوق دانشجويي اجتماعات و اعتراضات مسالمت آميز در دانشگاهها آزاد و بلامانع مي باشد و همچنين مطابق حق آزادي بيان و همچنين حق انتقاد و مطالبه گري مذکور در منشور حقوق دانشجويي تعارضي با قوانين ندارد. اما در کمال تاسف مطلع شديم در برخي دانشگاهها اين تجمعات با دخالت نيروهاي امنيتي روبرو و به بازداشت تعدادي از فعالين دانشجويي در فضاي خارج از اجتماعات به اتهامات واهي و خلاف واقع ختم شده است بطوري که برخي از اين افراد هيچ گونه ارتباطي با تجمعات نيز نداشته اند، که اين امر باعث تشويش اذهان دانشجويان در سراسر کشور گرديده است. با توجه به مسئوليت وزارت علوم، تحقيقات و فناوري در قبال دانشجويان اين مرز و بوم، شوراي صنفی دانشجويان دانشگاه های ذيل خواهان آزادي بدون قيد و شرط دانشجويان نام برده در زير و همچنين عدم تکرار چنين اتفاقاتي در آينده مي باشد.

اسامي دانشجويان به شرح زير مي باشد:

**دانشگاه علامه طباطبائي:** فائزه عبيدي پور / مجيد مسافر / محمد خاني / سياوش امجدي

/ محسن شاهسون / سينا غفاري

**دانشگاه تهران:** ليلا حسين زاده / سينا ربيعي / محسن حق شناس / ميكائيل قلي راد / پدرام

پذيره / محمد محمديان / علي مظفري / مهدي وهابي ثاني / سهيل موحدان / آرش آوري

/دانیال ایمان / امیر حسین علم طلب / مجید اکبری / محسن ترابی / کسری نوری / عارف

فتحی / محسن میر محسنی / محمد جواهری

## دیده بان حقوق بشر به ایران: استفاده از زور بیش از حد علیه راهپیمایان را متوقف کنید



خبرگزاری هرانا - سازمان دیده بان حقوق بشر که مقر آن در آمریکا است امروز با صدور بیانیه ای گفت که مقامات ایرانی باید استفاده از زور بیش از حد علیه معترضین را متوقف کنند و لازم است "اعتیادشان به سرکوب" را تغییر دهند و به مردم اجازه ی سخن گفتن و تظاهرات بدهند.

متن کامل بیانیه سازمان دیده بان حقوق بشر درباره وقایع اخیر ایران در ادامه می آید:

سازمان دیده‌بان حقوق بشر امروز با صدور بیانیه ای گفت که مقامات ایرانی از استفاده از زور بیش از حد علیه معترضین را متوقف کند و باید اعتیادشان به سرکوب را تغییر دهند و به مردم اجازه‌ی سخن گفتن و تظاهرات بدهد .

دیده‌بان حقوق بشر امروز گفت که مقامات ایران باید از کاربرد زور بیش از حد اجتناب کنند، مرگ‌های اتفاق افتاده در اعتراض‌های کنونی در کشور را مورد بررسی قرار دهند، و محدودیت‌های خودسرانه بر دسترسی به اینترنت را لغو کنند.

تا اینجا، کانال‌های خبری رسمی صدا و سیمای ایران مرگ حداقل ۲۱ نفر از جمله دو مأمور امنیتی را در اعتراض‌ها و درگیری‌ها با مقامات امنیتی در طول پنج روز گذشته تأیید کرده‌اند. اعتراض‌ها در ۲۹ دسامبر ۲۰۱۷ در شهر مشهد آغاز شدند و به بیش از ده شهر دیگر گسترش یافته‌اند.

سارا لی ویتسون، مدیر بخش خاورمیانه‌ی دیده‌بان حقوق بشر، گفت: “افزایش تعداد کشته‌شده‌ها آینده‌ی روشنی برای ایرانیانی نوید نمی‌دهد که شجاعت کشاندن اعتراض‌های خود به خیابان‌ها داشته‌اند.” او افزود: “مقامات باید به جای تهدیدهای نه چندان پوشیده علیه معترضان این مرگ‌ها را مورد بررسی قرار دهند، حقوق همه‌ی بازداشت‌شدگان را تضمین کنند، و ضمانت کنند که مردم می‌توانند آزادانه و مسالمت‌آمیز اعتراض کنند.”

در روز ۲ ژانویه، کانال خبری صدا و سیما مرگ ۹ نفر از جمله دو مأمور امنیتی در اعتراض‌ها و درگیری‌های رخ داده در روز قبل در استان اصفهان را تأیید کرد. پیشتر نیز صدا و سیما مرگ ۱۰ نفر را در روز ۳۱ دسامبر تأیید کرده بود. مقامات ضمناً مرگ دو نفر در دورود در استان لرستان در ۳۰ دسامبر را تأیید کرده بودند.

پلیس بازداشت بیش از ۵۵۰ نفر در استان‌های تهران، خراسان رضوی، و مرکزی را تأیید کرده است. مقامات امنیتی همچنین در روزهای گذشته تعدادی از فعالان را بازداشت کرده‌اند.

گزارش‌های رسانه‌های دولتی و فیلم‌های موجود در شبکه‌های اجتماعی حاکی از این است که در بعضی از شهرها درگیری‌هایی بین معترضان و مأموران پلیس رخ داده است و اموال عمومی تخریب شده‌اند. بعضی از ویدیوها که به شکلی گسترده در کانال‌های شبکه‌های اجتماعی فارسی‌زبان منتشر شده‌اند ظاهراً نشان می‌دهند که نیروها از شدت عملی بالقوه کشنده علیه معترضان استفاده کرده‌اند، اما دیده‌بان حقوق بشر موفق به تأیید این فیلم‌ها نشده است.

در ۱ ژانویه، ماشالله نعمتی، فرماندار دورود، شهری در استان لرستان، مرگ چهار نفر از اهالی این شهر در درگیری‌های واقع شده در ۲۹ و ۳۰ دسامبر را تأیید کرد. او همچنین اتفاقی در ۳۰ دسامبر را شرح داد که به ادعای او یک پسر ۱۲ ساله و پدرش در اثر برخورد یک ماشین آتش‌نشانی تحت کنترل شورشیان با ماشین آنها برخورد کرد. او گفت که شورشیان بعداً ماشین آتش‌نشانی را رها کردند.

در همان روز، هدایت‌الله خادمی، نماینده‌ی مجلس از شهر ایذه در استان خوزستان به خبرگزاری نیمه‌رسمی ایلنا گفت که دو نفر در “ناآرامی” در شهر در ۳۱ دسامبر مرده‌اند، اما علت مرگ آنها را تأیید نکرد. خادمی ضمناً این ادعاهای شبکه‌های اجتماعی را تکذیب کرد که مردم ساختمان‌های دولتی را تصرف کرده‌بوده‌اند. حساب‌های شبکه‌های اجتماعی گفتند که پلیس به مسعود کیانی قلعه‌سردی، یک معترض در شهر ایذه، شلیک کرد و او را به قتل رساند.

دیده‌بان حقوق موفق به تأیید این گزارش‌ها نشده است. سعید شاهرخی، معاون سیاسی استاندار همدان به صدا و سیما گفت که سه معترض در شهر تویسرکان کشته شده‌اند.

در ۲۹ دسامبر، حسن حیدری، معاون دادستان شهر مشهد اعلام کرد که ۵۲ نفر برای «تخریب اموال عمومی» بازداشت شده‌اند. روزنامه‌ی شرق، نزدیک به اصلاح‌طلبان در ایران، گزارش داد که در روز ۳۰ دسامبر مقامات ۲۰۰ نفر را در تهران و ۱۰۰ نفر را در شهر اراک در استان مرکزی بازداشت کرده‌اند. در ۲ ژانویه، علی اصغر ناصرخت، معاون سیاسی استانداری تهران، بازداشت ۲۰۰ نفر در تهران در ۳۰ دسامبر را تأیید کرد و اضافه کرد که ۱۵۰ نفر در ۳۱ دسامبر و ۱۰۰ نفر دیگر در ۱ ژانویه بازداشت شده‌اند.

در ۳۰ دسامبر، خبرگزاری هرانا که توسط فعالان حقوق بشری گردانده می‌شود گزارش داد که مقاماتی از واحد اطلاعات سپاه پاسداران فائزه عبدی‌پور، کسری نوری، محمد شریفی مقدم، ظفرعلی مقیمی، و محمدضا درویش را بازداشت و به زندان اوین منتقل کرده‌اند. همه فعالان محلی جامعه‌ی دراویش گنابادی هستند که یک سلسله‌ی صوفی روبه‌رو با تبعیض دولت بوده‌است. در یک ژانویه، شورای صنفی دانشجویان گزارش داد که چهار نفر از اعضای شورای مرکزی آن که در دیداری با رییس دانشگاه تهران با هدف آزادی دانشجویان بازداشت‌شده در اعتراضات ۳۱ دسامبر شرکت کرده‌بودند، برای مدتی کودتاه بازداشت شده بوده‌اند.

در ۳۰ دسامبر، آذری جهرمی، وزیر ارتباطات به تلگرام و توئیتر گفت که کانال‌های خبری‌ای را ببندند که او مدعی شد دست به انتشار مطالبی برای تحریک به خشونت زده‌اند. چند ساعت بعد، پاول دوروف، مدیرعامل تلگرام، اعلام کرد که تلگرام کانال آمدنیوز را به خاطر دعوت فالوئرهایش به استفاده از کوکتل مولوتف علیه پلیس به حالت تعلیق در آورده است. اما چند

ساعت خبرگزاری صدا و سیما اعلام کرد که مقامات به شکل موقتی اپلیکیشن‌های محبوب شبکه‌های اجتماعی تلگرام و اینستاگرام را بلوکه خواهند کرد.

در سال ۲۰۰۹ مقامات ایران با خشونت معترضان را سرکوب کردند که به خیابان‌ها آمده بودند تا به نتیجه‌ی انتخابات ریاست جمهوری اعتراض کنند و آن برخورد منجر به مرگ ده‌ها نفر در خیابان‌ها و مراکز بازداشت شد. مقامات ایران همچنین صدها فعال را بازداشت و بعد از محاکماتی ناعادلانه به احکام طولانی مدت زندان محکوم کردند.

دیده‌بان حقوق بشر گفت که مقامات ایران مسئول این هستند که نه تنها امنیت عمومی را تضمین کنند، بلکه حق مردم برای تجمع مسالمت‌آمیز و دسترسی آزاد به اطلاعات را ضمانت کنند. وی‌تسون گفت: “بستن اپلیکیشن‌های محبوب تلگرام و اینستاگرام پاسخی شدیدتر از حد لزوم به افرادی است که نارضایتی‌های خود از فساد نظام‌مند و سرکوب را مطرح می‌کنند.” وی افزود: “مقامات ایرانی باید اعتیادشان به سرکوب را تغییر دهند و به مردم اجازه‌ی سخن گفتن و تظاهرات بدهند.”

**بازداشت ۳ تن از فعالان عرفان حلقه در تهران**





خبرگزاری هرانا - مهدی سپهر، شهریار سپهر و علی معماریان سه تن از فعالان عرفان حلقه توسط نیروهای امنیتی در تهران دستگیر شدند.

به گزارش خبرگزاری هرانا به نقل از تسنیم، صبح امروز طی اقدامی از سوی نیروهای امنیتی تعدادی از "فعالان و عناصر مؤثر در فعالیت عرفان حلقه" در تهران بازداشت شدند.

مهدی سپهر، شهریار سپهر و علی معماریان هویت سه بازداشت شده مذکور است که توسط تسنیم اعلام و همزمان متهم به مشارکت در کمپین های حقوق بشری و کارزار بین المللی شده اند. دادگاه انقلاب آقای طاهری را به "اتهام فساد فی الارض" به اعدام محکوم کرده است.

شماری از هواداران او در هفته های اخیر در واکنش به ادامه بازداشت او دست به اعتراض زده اند.

### **حکم اعدام محمد علی طاهری برای دومین بار نقض شد**

خبرگزاری هرانا - روز چهارشنبه گذشته حکم اعدام محمد علی طاهری در شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور به ریاست قاضی نیازی نقض شد. به گزارش خبرگزاری هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، زینب طاهری وکیل مدافع محمد علی طاهری با اعلام این خبر به

گزارشگر هرانا گفت: "روز چهارشنبه گذشته حکم اعدام موکلم آقای طاهری در شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور به ریاست قاضی نیازی نقض شد."

این وکیل دادگستری در ادامه اظهار کرد: "پرونده جهت رسیدگی ماهیتی به شعبه دیگری غیر از شعبه ۲۶ ارجاع میشود و در آن شعبه پرونده مجددا رسیدگی میگردد."

وی افزود: "اتهاماتی که مجازات آن اعدام است بقرار بازداشت نمیتوان بیشتر از دو سال باشد، دو سال بازداشت آقای طاهری بهمن ۹۶ تمام میشود و نسبت به آن در شعبه هم عرض بایستی تعیین تکلیف شود، قرار بازداشت تبدیل به قرار وثیقه گردد."

این وکیل دادگستری در انتها افزود: "با توجه به این که دیوان نمی تواند رسیدگی ماهیتی نماید پرونده را جهت رسیدگی ماهیتی به شعبه هم عرض ارسال نمود."

گفتنی است که پیشتر محمود علیزاده طباطبایی دیگر وکیل مدافع محمدعلی طاهری در تاریخ ۵ شهریور ماه، از ابلاغ حکم اعدام موکلش خبر داده بود. سازمان عفو بین الملل نیز مورخ ۱۴ تیرماه با صدور بیانیه ای نسبت به محکومیت مجدد محمدعلی طاهری به اعدام ابراز نگرانی کرده بود. به گفته این سازمان یک هفته قبل از برگزاری جلسه رسیدگی به اتهامات این زندانی عقیدتی در اسفندماه سال گذشته، صدا و سیمای ایران با انتشار برنامه ای تحت عنوان "حلقه شیطان"، محمدعلی طاهری را رهبر این "فرقه منحرف" خواند. این برنامه ادعا می کرد که آموزه های این زندانی عقیدتی، مردم را به شک درباره باورها و فعالیت های اسلامی خود وامی دارد و باعث ایجاد اضطراب، پریشانی و اختلال در سلامت روان می شود. در انتهای این برنامه، افرادی که خود را "بازماندگان" معرفی می کنند، خواهان مجازات محمدعلی طاهری

می شوند. در پی انتشار این برنامه از صدا و سیما، پیروان این زندانی عقیدتی قویا این برنامه را محکوم کردند.



در بیانیه عفوبین الملل همچنین آمده است، این سومین بار است که محمدعلی طاهری به اتهام افساد فی الارض، محاکمه می شود. این زندانی عقیدتی، اولین بار در سال ۱۳۹۰ به "توهین به مقدسات" و "افساد فی الارض" متهم و بابت اتهام اول به پنج سال حبس تعزیری محکوم شد، اما در رابطه با اتهام دوم؛ "افساد فی الارض" حکمی صادر نشد و در دادگاه اعلام شد که صدور حکم به تحقیقات بیشتری نیاز دارد. طی چهار سال بعد، وی در سلول های انفرادی بند دو-الف زندان اوین به بهانه ادامه بازجویی ها نگهداری شد.

محکومیت این زندانی عقیدتی، از بابت حبس دی ماه ۱۳۹۵، به پایان رسید. از طرفی دیگر او بار دیگر به اتهام "افساد فی الارض" در سال ۱۳۹۴ به اعدام محکوم شد که این حکم نیز در سال ۱۳۹۵ نقض شد.

این زندانی پس از اتمام دوران محکومیت ۵ ساله خود از زندان آزاد نشد و مجدداً با اتهام "افساد فی الارض" به دلیل فعالیت های مشابهی که پیشتر در سال ۱۳۹۰ بابت آنها، محکوم شده بود، متهم شد. به گفته سازمان عفو بین الملل محمدعلی طاهری برای اولین بار در ۱۳۸۹

بازداشت و پس از دوماه آزاد شد. وی مجدداً در ۱۳۹۰ بازداشت و به “توهین به مقدسات” و “افساد فی الارض” از طریق تاسیس گروه حلقه عرفان متهم شد. وی در مهر ۱۳۹۰ از سوی شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ۵ سال حبس تعزیری بابت اتهام اول محکوم شد و گفته شد که تحقیقات بیشتری برای صدور حکم اتهام دوم نیاز است. این مسله باعث شد که مسئولین به بهانه بازجویی، از انتقال وی به بندهای عمومی، امتناع ورزند و وی را در سلول های انفرادی بند دو-الف نگهداری کنند. این زندانی کماکان در سلول انفرادی به سر می برد.

در روزهای اخیر محمد علی طاهری برای پاسخگویی به سئوالات قضات دیوان عالی کشور به شهر قم منتقل شده بود.

**دیگر سکوت جایز نیست**



هفدهم آذرماه، نیروهای امنیتی و یگان‌های سرکوب دولت جمهوری اسلامی، مانع برگزاری یادبود محمد مختاری و محمدجعفر پوینده شدند و دبیران و اعضای کانون نویسندگان را که به بزرگداشت این عزیزان روشن‌اندیش و مبارز – کسانی که حتی به‌روایت (“قضایی”) این دولت نیز قربانی جنایت و سرکوب‌اند – فراخوان داده بودند، را بازداشت کردند. چرا صدای دادگری و آزادیخواهی محکوم به سکوت است؟ ده روز پیش، ربابه رضایی، همسر کارگر زندانی رضا شهابی، که به دادخواهی به وزارتخانه‌ی (سرکوب) کار و کارگر مراجعه کرده بود، همراه با گروه کوچکی که به یاری و پشت گرمی او گرد آمده بودند، مورد اهانت و ضرب و تعدی یگان‌های سرکوب این دولت قرار گرفتند و بازداشت شدند. تصویری که از حمله‌ی ماموران به یکی از شرکت‌کنندگان در این جمع در رسانه‌ها منتشر شده بود، گواهی جگرخراش بر درنده‌خویی و خشونت‌ی است که بر دادخواهان روا می‌شود. چرا صدای دادخواهی، حق‌طلبی و آزادیخواهی محکوم به سکوت است؟ انفجار جنبش مردمی علیه رژیم فقر و فشار و سرکوب، سکوت را شکست. انفجاری با غریوی چنان رعدآسا که بانگش بی‌درنگ هزاران فرسنگ دورتر از کانونش شنیده شد و شعله‌ای چنان دامن‌گستر که در چشم بهم زدنی، به هر سامان و شهر و شهرک رسید. بدیهی است که همیشه‌ای خشک، آماده‌ی جرقه‌ای کوچک بود. آشکار است که این، رعدی در آسمان بی‌ابر نبود. تحلیل‌ها، تفسیرها و یادداشتهای سیاسی این چند روزه، و برخی از آنها بادقت و ژرف‌نگری درخور، زنجیره‌ی رویدادها و رد و اثرهایی را که زمینه‌های مادی و عینی این انفجارند، نشان داده‌اند که دیگر سکوت جایز نیست. درست است که این انفجار رعدی در آسمان بی‌ابر نبود، اما بانگ رسایش سکوت را شکست. صدای متهورانه‌ی اعتراض و آزادیخواهی هیچگاه خاموش نبوده است؛ دو نمونه‌ی ویژه بیان گردید. اما

آیا انبوه مردم خشمگین و جان بر لب رسیده‌ای که در توپسرکان، ملایر، ایذه، قهدریجان و... به خیابان ریختند، از سرکوب بزرگداشت مختاری و پوینده، چهار هفته‌ی پیش، یا دستگیری همسر شهابی و عزیزان همراهش، ده روز پیش، خبر داشتند؟ جنبش و خروش دیمه، با ریشه‌هایش در اعماق، این سکوت مرگبار را شکست و گرده‌ی خیزش علیه فقر و ستم را به دست طوفان داد. سالها پیش، خیابان شعار «نترسید، نترسید؛ ما همه با هم هستیم» را در تنش بین شوق و دلهره آفرید: به نوجوان و جوانی که خود را در برابر چهره‌ی عبوس اوباش برگماشته، تنها می‌دید و دلش می‌رفت تا تسخیر هراس شود، نهیب می‌زد: «نترس، نترس؛ ما همه با هم هستیم». خیابان به خود قوت قلب می‌داد. امروز نیز این شعار تکرار می‌شود؛ با یک فرق اساسی. شعار «نترسید، نترسید؛ ما همه با هم هستیم» در گوش حاکمان «بترسید، بترسید؛ ما همه با هم هستیم» شنیده می‌شود؛ و آنکس که در خیابان با این شعار به‌خود و همراهانش نهیب تهور می‌زند، شاید نداند که دولتمردان نیز به‌نجوا و در خلوت ترسهای خود، این شعار را تکرار می‌کنند: نجوایی که، در پیامهای سران نظامی این دولت و سیاستمداران دور و نزدیک به یکدیگر و در پیامهای اصولگرایان به اصلاح‌طلبان و برعکس، شنیده می‌شود؛ آنها هم به‌هم دلداری می‌دهند: «نترسیم، نترسیم؛ ما همه با هم هستیم! خودداری نسبی دولت جمهوری اسلامی از سرکوب گسترده و شدید در دو روزه‌ی نخست جنبش، که با خوشبینی به ناتوانی یا سراسیمگی این دولت تعبیر شد، آرزو را جایگزین واقعیت می‌کرد. بی‌تردید توان ساختاری و ایدئولوژیک دستگاههای سرکوب دولت جمهوری اسلامی، به مراتب بزرگتر از اینهاست و این دولت از بکار بستنش، آنجا که موجودیتش به‌طور واقعی به‌خطر افتد، کوچکترین ابایی ندارد. این شیوه‌ی سرکوب می‌تواند جمع‌های کوچک تظاهرکنندگان را

پراکنده کند، می‌تواند به تحصن‌ها و اجتماعات پایان دهد، می‌تواند به دستگیری‌های وسیع دست بزند، می‌تواند حتی جمعی را به گلوله و رگبار ببندد. اما آیا می‌تواند در برابر اعتصابات کوچک و بزرگ منطقه‌ای و سراسری هم کارا باشد؟ آتشفشانی که فورانش را در ستیغ جنبش می‌بینیم، گدازه‌های آتشینش را از اعماق ژرف تر زندگی اجتماعی بیرون می‌کشد. نابرابری در توزیع درآمدها و تقابل‌های وقیح بین گورخوابی و «پورشه‌رانی»، تنها جلوه‌های بیرونی کشاکشها و تضادهایی است که در اعماق سازوکار تولید و بازتولید سرمایه‌دارانه‌ی کل زندگی اجتماعی، چه در چارچوب «ملی» و چه در تعامل با پیرامون و جهان سرمایه‌داری دست درکارند. معضل اساسی دستگاههای ایدئولوژیک اسلامی و دستگاههای سرکوب ولایتی فقط این نیست که هرکدام به‌نحوی فضای تنفس زندگی روزمره را تنگ و آلوده می‌کنند، بلکه، با سرکوب و سترون کردن فضای گفتگویی آزاد، ظرفیت‌های اجتماعی و تاریخی عاملینی را که تصور می‌رود به حل آن تضادها توانا باشند، آرمانی، خیالی و اسطوره‌ای می‌کنند. اینکه این فضای آزاد برای اندیشه و بیان، حتی در ظرفهای دمکراتیک بورژوازی نیز ممکن نیست، فقط ناشی از دستگاه سرکوب سیاسی و ایدئولوژیک نیست، بلکه ناشی از فقدان نهادهایی است که تصور می‌شود، بورژوازی («ملی» و «مستقل») می‌توانست در فضایی آزاد برای خود و دیگران بسازد. از همین روست که گاه ساده‌ترین خواستهای اجتماعی، خواه خواست دانشجویان در مشارکت در امر راهبری دانشگاه باشد، خواه خواست آزادی پوشش زنان و مردان یا خواست تشکیل انجمنی صنفی، بلافاصله و بلاواسطه بنیادی‌ترین تضادهای جامعه را فعال می‌کند. از همین روست که کارگر در زندان می‌میرد، یا با زنجیر به تخت بیمارستان بسته می‌شود یا با شدیدترین آزارها و شکنجه‌ها و سلب بدیهی‌ترین حقوق انسانی،

عامدانه و آگاهانه به سوی مرگ رانده می‌شود، آنهم فقط به این دلیل که می‌خواهد انجمن صنفی‌اش را بسازد یا اصرار دارد که خواسته‌ی مشروعش، «اقدام علیه امنیت کشور» تلقی نشود. نکته‌ی اصلی اما دقیقاً همین تطابق این دو جرم در واقعیت است. اینکه خواست تشکیل انجمن صنفی، «اقدام علیه امنیت کشور» تلقی می‌شود، خود سرشت متناقض این واقعیت را آشکار می‌کند.

جنبش دیمه، اگر راه آینده‌های و دهلیزهایی که گدازه‌های اعماق را به ستیغ می‌رسانند، بسته نشود، و این بسته نشدن، تنها امید و آرزو نیست، بلکه وظیفه نیز هست، آنگاه این توان را دارد که به زلزله‌ای چنان مهیب مبدل شود که کوچکترین خاکریزش، سرنگونی دولت جمهوری اسلامی است. در نگاه به جنبش اعتراضی کنونی و در رویکرد و مداخله‌ای که به نسبت جایگاه کنشگر، ممکن است، دو معیار اهمیت تعیین کننده و بنیادین دارند: اول آنکه: جنبش موجود را نه می‌توان، و نه باید، در چشم‌اندازها و چشمداشت‌های ایدئولوژیک اسیر کرد. دیگر آنکه: باید با تمام توان از تسلیم شدن به تئوری‌های توطئه و فروغلتیدن به تخطئه‌ی جنبش پرهیز کرد؛ نه از این‌رو که ممکن است این تئوریه‌ها خطا باشند، بلکه به این دلیل که دشمنان هر جنبش آزادیخواهانه و انقلابی واقعی، از هیچ کوششی برای بی‌اعتبار کردن آن، حتی از اختراع و شایع کردن توطئه‌های دروغین ابا نخواهند داشت. برعکس، با جدی گرفتن اینگونه شواهد و با افشای آنها باید نشان داد که حتی آنجا که واقعیت دارند، آتشی را افروخته‌اند، که دیر یا زود، دامنگیر خود آنها نیز خواهد شد. دل‌نگرانان پروسواس و دلسوزی که بنا بر تجربه‌های بسیار، هراس دارند جنبش تهیدستان از سر ناآگاهی بازیچه و قربانی طرح‌ها و توطئه‌های داخلی و خارجی شود، باید بکوشند به وظیفه‌ی



روشنگرانه‌شان در راستای اعتلای همین جنبش و در خدمت آن عمل کنند؛ مبادا در انکار مشروعیت و حقانیتش باشند.

## بازداشت نزدیک به دو هزار نفر در اعتراضات سراسری اخیر



آمارهای منتشر شده در مورد تعداد بازداشت‌شدگان تظاهرات اعتراضی سراسری در ایران، حکایت از دستگیری نزدیک به دو هزار نفر دارند. بر اساس این گزارش‌ها، در طول ۹ روز گذشته و در جریان برگزاری اعتراضات سراسری، تاکنون بیش از هزار و ۸۰۰ نفر در شهرهای مختلف ایران بازداشت شده‌اند.

بر اساس آمارهای رسمی، تهران با دست کم ۴۵۰ بازداشتی بیشترین دستگیر شدگان اعتراضات اخیر را داشته است. پس از تهران، استان مرکزی با ۳۹۶ بازداشتی در جایگاه دوم قرار دارد.

بر همین مبنا در گلستان و همدان هر کدام ۱۵۰ نفر، در مشهد ۱۳۸ نفر، در رشت ۱۲۰ نفر، در کرمان ۸۰ نفر، در کاشان ۶۰ نفر، در اردبیل ۴۰ نفر، در آذربایجان غربی ۳۰ نفر، در کرج

۲۰ نفر، در رباط کریم ۱۱ نفر، در فارس ۹ نفر و در نظرآباد تاکنون شش نفر در جریان اعتراضات روزهای اخیر بازداشت شده‌اند.

همچنین گزارش‌های منتشر شده حکایت از بازداشت گسترده دانشجویان از سوی نیروهای امنیتی دارند. در همین زمینه روز گذشته پروانه سلحشوری، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی خبر از دستگیری نزدیک به ۹۰ دانشجو داده است. او گفته: «طبق لیستی که به من داده اند، حدود ۹۰ دانشجو در سراسر کشور بازداشت شده‌اند که این رقم ممکن است بیشتر هم باشد و با آزاد شدن برخی کمتر شود، اما در حال حاضر از بازداشت ۹۰ نفر مطمئن هستیم».

روز پنجشنبه ۱۴ دی ماه نیز، ۲۲ شورای صنفی دانشگاه‌های سراسر ایران با انتشار نامه‌ای خطاب به منصور غلامی وزیر علوم و فناوری با تایید بازداشت ۲۵ فعال دانشجویی تنها در تهران، خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط دانشجویان بازداشتی شده بودند.

صبح امروز شنبه ۱۶ دی ماه، مجید سرسنگی، معاون فرهنگی دانشگاه تهران خبر از آزادی تعدادی از دانشجویان بازداشت شده این دانشگاه داده و گفته بود: «کمیته ای برای پیگیری وضعیت دانشجویان بازداشتی دانشگاه تهران تشکیل شده است».

بازداشت این دانشجویان در حالی است که به گفته محمود صادقی، نماینده مجلس «بنابر اطلاعات موثق بعضی از دانشجویان بازداشت شده اصلا در تظاهرات‌ها حضور نداشته‌اند. تظاهرات اعتراضی سراسری در ایران ۹ روز است که ادامه داشته و تاکنون مردم بیش از ۱۰۰ شهر در سراسر کشور اقدام به برگزاری تجمعات اعتراضی کرده‌اند».

## ایران همچنان در فهرست ۱۰ کشور ناقض آزادی مذاهب قرار دارد

جمهوری اسلامی همواره ناقض حقوق بشر به خصوص حقوق اقلیت‌های دینی و مذهبی بوده، اما هیچ‌گاه سابقه نداشته زیر بار گزارش‌های سازمان‌های مدافع حقوق بشر برود.



به گزارش محبت نیوز، وزارت خارجه آمریکا در جدیدترین گزارش خود نام کشورهایی که به دلیل نقض آزادی‌های مذهبی در آنها، موجب نگرانی واشنگتن هستند را منتشر کرد. در بیانیه‌ای که هدر نائورت، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا روز پنجشنبه منتشر کرد، نام ۱۰ کشور دیده می‌شود که طبق معمول جمهوری اسلامی ایران و چند کشور دیگر آسیایی و آفریقایی در آن درج شده است. برمه، چین، اریتره، ایران، کره شمالی، سودان، عربستان سعودی، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان بار دیگر به عنوان ناقضان آزادی مذهبی در جهان معرفی شده‌اند.

این فهرست ۲۲ دسامبر ۲۰۱۷ (اول دی ماه ۱۳۹۶) بار دیگر به طور به عنوان کشورهایی که آمریکا در مورد نقض جدی آزادی مذهبی در آنها نگرانی دارد تایید شد. بر اساس این بیانیه،

وزیر خارجه دولت دونالد ترامپ نام پاکستان را به فهرست ویژه کشورهایى که باید آنها را از این حیث زیر نظر داشت، اضافه کرده است. طبق قانون آزادی بین‌المللى مذهبى سال ۱۹۹۸، وزارت خارجه آمریکا موظف است هر سال اسامى دولت‌هاى را که از این نظر مورد نگرانى هستند معرفى کند. کمیسیون ایالات متحده درباره آزادی مذهب اواخر اردیبهشت ماه در گزارشى به تداوم نقض آزادی‌هاى مذهبى در کشورهای جهان، از جمله ایران، در سال ۲۰۱۷ پرداخت. دولت آمریکا از سال ۱۹۹۹ ایران را در ردیف «کشورهای مورد نگرانی ویژه» در مورد آزادی مذاهب قرار داده و این گزارش توصیه کرده بود ایران امسال نیز باقى بماند. جمهوری اسلامى همواره ناقض حقوق بشر به خصوص حقوق اقلیت‌هاى دینى و مذهبى بوده، اما هیچ‌گاه سابقه نداشته زیر بار گزارش‌هاى سازمان‌هاى مدافع حقوق بشر برود و مسوولان و رهبران ایران مدام ادعا مى‌کنند که سطح آزادی‌هاى مذهبى بالاست تا آنجا که حتى یونان بت‌کلیا نماینده آشورى مجلس شورای اسلامى مدعى شده بود ایران بهشت اقلیت‌هاى دینى است. به دنبال تظاهرات اخیر در ایران آمریکا قصد دارد تحریم‌هاى جدیدى را در حوزه حقوق بشر علیه ایران اعمال کند.

حسن روحانى رئیس جمهورى ایران در اوایل ریاست خود بر قوه مجریه شعارهاى زیادى داد که قصد دارد وضعیت حقوق اقلیت‌هاى دینى در کشور را بهبود بخشد و مدیریت این حوزه را به على یونسى وزیر پیشین اطلاعات واگذار کرد، اما نتیجه آن شد که بعد از ۵ سال همچنان در روى همان پاشنه‌اى که در گذشته بود مى‌چرخد.

## **تشکیل جلسه اضطرارى در شورای امنیت در خصوص تظاهرات سراسرى ایران**



روز جمعه پانزدهم دی ماه شورای امنیت سازمان ملل متحد برای بررسی و موضع‌گیری تظاهرات سراسری ایران و نحوه برخورد حکومت با این اعتراضات جلسه‌ای اضطراری تشکیل خواهد داد. به گزارش تارنگار حقوق بشر در ایران، در پی درخواست آمریکا روز جمعه پانزدهم دی ماه ساعت سه بعدازظهر به وقت محلی شرق آمریکا جلسه‌ای در شورای امنیت سازمان ملل متحد برای موضع‌گیری درباره تظاهرات سراسری در ایران تشکیل خواهد شد. نیکی هیلی نماینده آمریکا در سازمان ملل متحد اوایل هفته جاری گفته بود کشورش به دنبال برگزاری جلسه‌ای در شورای امنیت به منظور حمایت از معترضان ایرانی خواهد بود. خانم هیلی روز سه‌شنبه گفت «وقتی مردم ایران فریاد آزادی‌خواهی سر می‌دهند همه آنها که آزادی را دوست دارند باید کنار آنها بایستند. نماینده آمریکا در سازمان ملل متحد در عین حال گفته بود به دنبال طرح این موضوع در شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد خواهد بود. برای موافقت با خواسته یکی از اعضای شورای امنیت جهت افزودن جلسه‌ای به برنامه این شورا دست کم ۹ عضو از ۱۵ عضو این شورا باید با برگزاری آن موافقت کنند ولی کسی حق و تو ندارد. مقام‌های دولت آمریکا طی روزهای گذشته بارها حمایت خود را از اعتراضات مسالمت‌آمیز در ایران بیان کرده‌اند. دونالد ترامپ،

رئیس‌جمهوری آمریکا، از نخستین ساعات تظاهرات سراسری در صفحه رسمی توئیتر خود از این اقدام مردم ایران حمایت کرد؛ وی در آخرین توئیت خود اعلام کرد: «مردم ایران بالاخره

علیه رژیم بی‌رحم و فاسد ایران دست به اقدام زده‌اند. همه پولی که باراک اوباما (رئیس‌جمهور قبلی آمریکا) از روی نادانی به آنها (حکومت ایران) داد، صرف تروریسم و پر شدن جیب آنها شد. مردم غذای کم، تورم بزرگ دارند و از حقوق بشر محروم‌اند. ایالات متحده وضعیت را زیر نظر دارد. حمایت دونالد ترامپ از اعتراض‌ها در ایران با پشتیبانی سایر مقام‌های آمریکایی از جمله مایک پنس معاون رئیس‌جمهور، پل رایان رئیس مجلس نمایندگان، وزارت امور خارجه، و چندین سناتور آمریکایی از جمله تام کاتن، تد کروز، جان مک‌کین، لندسیگراهام و برنی سندرز، و نیز هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه پیشین ایالات متحده، همراه شده است. ایوانکا ترامپ، دختر و مشاور ارشد رییس‌جمهور آمریکا نیز روز یکشنبه اعلام کرد: «تحت تأثیر قهرمانی و شجاعت معترضان صلح‌جو در ایران قرار گرفتیم. ما باید در کنار مردم ایران که در پی رهایی از استبداد هستند، بایستیم».

## بخش سوم

## گزارشات نقض حقوق زنان



### روایتی تلخ از درد زنان سرپرست خانوار

یک عکاس می گوید تعداد زیادی از دختران در روستاهای کهگیلویه و بویراحمد به دلیل فقر، مسائل فرهنگی و نداشتن تحصیلات در سنین پایین ازدواج می کنند. او جدای از روایت زندگی

«زیادی پورامیر» که در ۴۵سالگی بیوه شوهر ۸۵ساله خود است، از زندگی دختر دیگری یاد می‌کند که متولد ۱۳۷۲ است اما همسر پنجم مردی ۸۵ساله است!

زیادی پورامیر، ۴۵ساله، به همراه دو فرزند پسرش زندگی می‌کند و از توان مالی ضعیفی برخوردار است. همسرش چهار سال قبل در ۸۵سالگی بر اثر سکته قلبی فوت کرده است. گلشن زمان، ۴۰ساله، هفت فرزند دارد و همسرش مشکل بینایی دارد و توانایی کار کردن ندارد و مسئولیت فرزندان بر عهده اوست.

کبری بیدارخو، ۲۹ساله، همسرش سه سال قبل به علت مشکلات عصبی ناشی از فقر خودکشی کرده و کبری با سه فرزندش زندگی می‌کند و تنها درآمد آنها از طریق کمیته امداد و یارانه است. افسانه قبادیان، ۲۸ساله، همسرش چهار سال قبل در درگیری‌های قومی به قتل رسیده. او به همراه دو فرزند دخترش در کنار پدر و مادر همسرش زندگی می‌کند.

زینب دوره، ۲۸ساله، چهار سال قبل همسرش را در یک تصادف از دست داد. زینب به همراه دخترش شهلا در کنار خانواده همسرش زندگی می‌کند.

اینها بخشی از روایت‌های کوتاهی است که در یک گزارش تصویری به اشتراک گذاشته شده اما می‌توان با آن داستان‌ها نوشت و تحلیل‌ها داشت. روایت زندگی زنان سرپرست خانواری که خیلی قبل از بی‌سرپرست شدن زندگی روی از آنها برگردانده و گرفتار عرف و محدودیت و فقر شده‌اند؛ دخترانی که در کودکی ازدواج زودهنگام دارند و در موارد زیادی همسر چندم مردانی چند ده سال بزرگ‌تر از خود می‌شوند.



فاطمه عابدی، عکاسی که در روستاهای کهگیلویه و بویراحمد برای گزارش زنان و اقتصاد مقاومتی رفته بود، در میان روستاهای این منطقه با تعداد زیادی از زنان سرپرست خانوار مواجه می‌شود و در ارتباطی نزدیک و زندگی چندروزه با آنها گوشه‌ای از زندگی تلخ‌شان را به تصویر می‌کشد. این عکاس می‌گوید تعداد زیادی از دختران در این روستاها به دلیل فقر، مسائل فرهنگی و نداشتن تحصیلات در سنین پایین ازدواج می‌کنند. او جدای از روایت زندگی «زیادی پورامیر» که در ۴۵ سالگی بیوه شوهر ۸۵ ساله خود است، از زندگی دختر دیگری یاد می‌کند که متولد ۱۳۷۲ است اما همسر پنجم مردی ۸۵ ساله است. عابدی می‌گوید تعداد زیادی از همسران زنان در روستاهای منطقه کهگیلویه و بویراحمد که او چند هفته در آن بوده، مستقیم و غیر مستقیم به دلیل فقر از دست رفته‌اند. حالا یا در رفت‌وآمد جاده‌های صعب‌العبور و تصادف جاده‌ای فوت شده‌اند، یا حتی خودکشی کرده‌اند. او روایتی از زندگی «کبری بیدارخو» دارد که همسرش خودکشی می‌کند و می‌گوید مردان زیادی در این روستاها در اثر فشارهای اقتصادی و فقر خودشان را خلاص کرده و همسران و فرزندان‌شان بدون حامی مانده‌اند.

به روایت این عکاس روستاهایی که زندگی این زنان گوشه‌ای از آن است، روستاهایی با حداقل ۱۰ خانوار هستند اما حداقل سه یا چهار خانوار این روستاها را همین زنان سرپرست خانوار تشکیل می‌دهند و این آمار نگران‌کننده از زنان تنها در زندگی جدای از دردی که به جان می‌اندازد، باید برای تصمیم‌گیران این کشور نگران‌کننده باشد و باید امیدوار باشیم که به جز کمک‌های محدودی که کمیته امداد و یارانه برای این زنان دارند، مسئولان دیگری هم این آمار و این زندگی‌ها را در واقعیت دیده باشند.

در آمار سرشماری مرکز آمار ایران تعداد زنان سرپرست خانوار در دهه‌های گذشته رو به رشد بوده است و باید گفت برنامه‌های توسعه و اقتصادی در زندگی این زنان تغییری ایجاد نکرده و تعداد آنها بدون نوسان امیدوارکننده زیاد شده است. بر اساس این آمار در سال ۱۳۳۵ تعداد زنان سرپرست خانوار در کل کشور اندکی بیش از ۳۱۲ هزار نفر بود. این آمار در سال ۱۳۴۵ به مرز ۳۳۰ هزار نفر و در سال ۱۳۵۵ به مرز ۵۰۰ هزار نفر می‌رسد اما از ۱۳۶۵ به بعد در سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ با رشدی چندبرابری به ترتیب به ۶۸۵ هزار، یک میلیون و ۳۷ هزار، یک میلیون و ۶۰۰ هزار، دو میلیون و ۵۴۰ هزار و سه میلیون و ۶۱ هزار نفر می‌رسد. به عبارتی در فاصله شش دهه تعداد زنان سرپرست خانوار از ۳۰۰ هزار نفر به سه میلیون نفر رسیده است. عمده افزایش تعداد زنان سرپرست خانوار مربوط به ۱۳۶۵ و دوران پس از جنگ و شروع دوران جدید سازندگی در ایران است. دورانی که روستاها با پدیده‌هایی مانند خشکسالی، بیکاری و مهاجرت به پایان خود نزدیک و نزدیک‌تر شدند و مردان روستا کمتر و کمتر شدند. آن چه در این سال‌ها به عنوان زنان سرپرست خانوار تعریف شده، بارها تغییر کرده. باید دید این آمار شامل چه مواردی می‌شوند و امروز چه مواردی به این تعریف اضافه شده‌اند. تعریف زنان سرپرست خانوار شامل زنان بیوه، زنان مطلقه (اعم از زنانی که پس از طلاق به تنهایی زندگی می‌کنند یا به خانه پدری بازگشته ولی خود امرار معاش می‌کنند، همسران مردان معتاد، همسران مردان زندانی، همسران مردان بیکار، همسران مردان مهاجر، همسران مردانی که در نظام وظیفه مشغول خدمت هستند، زنان خودسرپرست (زنان سالمند تنها)، دختران خودسرپرست (دختران بی‌سرپرستی که هرگز ازدواج نکرده‌اند)، همسران مردان از کار افتاده و سالمند و البته موارد دیگری می‌شود اما آیا در سرشماری‌ها این موارد تفکیک

شده‌اند تا بتوان به آمار ارائه شده اعتماد کرد؟ زنان سرپرست خانوار به ویژه در روستاها به دلیل مواجهه مستقیم با کار روزانه سخت که لاجرم مجبور به انجام آن هستند، بسیاری از ظرافت‌های زنانه و دلخوشی‌های روزانه خود را رها می‌کنند. انواع کارهای داخل خانه و نگهداری دام یا کشاورزی محدودی که دارند، جزئی از زندگی زنان روستایی است که در کنار کار درآمدزای احتمالی زن سرپرست خانوار قرار می‌گیرد. تعداد زیادی از زنان سرپرست خانوار به ویژه آنهایی که تحت پوشش کمیته امداد هستند، با وام‌هایی محدود توانسته‌اند درآمدی محدود را برای گذران زندگی خود و کودکان خود داشته باشند. کمیته امداد به عنوان یکی از متولیانی که تا حدی حواسش به زنان سرپرست خانوار است، توانسته جامعه‌ای حدود یک‌میلیونی از این زنان را پوشش دهد. به اذعان رئیس کمیته امداد، زنان سرپرست خانوار جمعیت اصلی مددجویان این مجموعه هستند که امداد برنامه‌هایی حمایتی برای زندگی، کار و مسائل دیگر آنها دارد اما این کمک‌ها آن قدر نیستند که در ظاهر و باطن زندگی این زنان تأثیر چندانی بگذارند و به عبارتی وضعیتی «بخور و نمیر» بر روزه آن‌ها حاکم است. بسیاری از این زنان به دلیل عرف اجتماعی سنگینی که شکستن آن تابو بالایی دارد، حتی اگر در سنین پایین مطلقه، بیوه یا به هر عنوان دیگری بی‌سرپرست شوند، دیگر ازدواج نمی‌کنند و به تنهایی یا با خانواده همسر به زندگی ادامه می‌دهند. بسیاری از این زنان از سنین میانی به بعد با انواع بیماری‌ها روبه‌رو هستند اما به دلیل نبود حمایت اجتماعی و درمانی، توان درمان خود را ندارند. از سوی دیگر مسئله افسردگی در ظاهر و رفتار آنان موج می‌زند و علاوه بر خود، به فرزندان دختر و پسر نیز منتقل می‌شود و این گونه می‌توان گفت که فقر زایشی تلخ دارد.

در سال‌های گذشته بارها مسئولان اجرایی در کشور قوانینی را برای کاهش سختی زندگی زنان سرپرست خانوار و حمایت از این قشر میلیونی رو به افزایش داشته‌اند اما مقاومت‌های اجتماعی و اجرائی در برابر این موضوعات کم نیست. به عنوان نمونه در ماده ۲۷ قانون برنامه پنجم توسعه که آیین‌نامه اجرائی آن در کمیسیون اجتماعی دولت تحت بررسی است، بیمه‌های چندلایه و فراگیر اجتماعی مطرح است که در بخشی از آن، موضوع بیمه زنان خانه‌دار، زنان سالخورده، بیوه و خودسرپرست مطرح شده است اما این موضوعات تا اجرائی شدن راه درازی دارند و حتماً روی زخم‌های زندگی زنان سرپرست خانواری که امروز با مشکلاتی جان‌سوز دست‌وپنجه نرم می‌کنند، مرهمی نمی‌گذارد. تعداد زیادی از زنان سرپرست خانوار دارای فرزند یا همراهی در زندگی نیستند و به تنهایی زندگی می‌کنند. بر اساس آمار سرشماری ۹۵، زنان سرپرست خانواری که به «تنهایی» زندگی می‌کنند، یک میلیون و ۳۶۰ هزار نفر از سه میلیون نفر ذکر شده است و می‌توان گفت نیمی از این زنان در زندگی تنهای تنها هستند.

اگر آمار حدود یک میلیونی زنان سرپرست خانوار مددجوی کمیته امداد را معیاری بر کل این جمعیت بگذاریم می‌توان نتیجه‌گیری نگران‌کننده‌ای داشت. بر اساس آمار اختصاصی شرق از افراد کمیته ۴۰ درصد کل جامعه آماری کمیته امداد زنان سرپرست خانوار هستند و از این میان حدود ۸۰ درصد این خانوارها با زن سرپرست خانوار تک نفره یا دو نفره هستند. (۵۸،۸ درصد یک نفره و ۲۱،۸ درصد دو نفره) از این میان ۴۸ درصد کاملاً بی‌سواد، ۵۰ درصد زیر دیپلم و دیپلم و حدود ۱،۲ درصد تحصیلات دانشگاهی دارند. در بررسی این آمار مشخص می‌شود که ۴۸ درصد جامعه این زنان بالای ۶۰ سال، ۲۵ درصد ۴۱ تا ۶۰ سال، بیش از ۱۶ درصد ۲۵ تا ۴۰ سال و حدود ۱۰ درصد زیر ۲۵ سال هستند. اگر چه سهم طلاق در دلایل

تنهایی زنان در سال‌های اخیر بیشتر شده است اما این رقم در مقابل دلیل فوت همسر هنوز کمتر است و در نسبت ۱۴,۹ به ۷۸ درصد قرار دارد.



**بیش از ۹۰ درصد زنان زندانی بعد از آزادی از سوی خانواده‌ها طرد می‌شوند / آمار اعتیاد در میان زنان زندانی**

مدیرکل بهداشت و درمان سازمان زندان ها گفت: ۶۰ درصد زندانیان زن به نحوی درگیر اعتیاد هستند، به طوری که وقتی وارد زندان می شوند، با بیماری های مختلفی همچون کم خونی، سوءتغذیه و بیماری های عفونی دست و پنجه نرم می کنند.

مهرزاد تشکریان مدیرکل بهداشت و درمان سازمان زندان ها، در پنل «پیشگیری از خشونت و فراهم کردن خدمات مراقبتی برای زنان»، که به همت انجمن سلامت خانواده ایران برپا شد، با تاکید بر ارائه خدمات بهداشتی و درمانی به زنان زندانی، افزود: به این گروه از زنان که از بهداشت فردی مناسبی هم برخوردار نیستند، در بدو ورود به زنان بسته های بهداشتی ارائه می دهیم و درمان اعتیاد آنان را شروع می کنیم. همچنین، رفتارهای پرخطر در این قبیل افراد را با آموزش و مشاوره های روان شناسی، کنترل می کنیم.



مدیرکل بهداشت و درمان سازمان زندان ها با عنوان این مطلب که بیش از ۹۰ درصد زنان زندانی بعد از آزادی از زندان، از طرف خانواده طرد می شوند، افزود: این افراد نیاز به ارتباط عاطفی دارند؛ در حالی که وقتی از طرف خانواده طرد شوند، دچار مشکلات روحی شده و در نتیجه می

بینیم که دوباره به سمت موادمخدر، تن فروشی و سایر آسیب ها کشیده می شوند. طیبه سیاوشی شاه عنایتی نماینده مجلس شورای اسلامی نیز از خشونت هایی که نسبت به همسر و

بدرفتاری با کودکان صورت می گیرد، به عنوان شایع ترین خشونت ها نام برد و گفت: به این دسته از خشونت ها، باید خشونت های اجتماعی و سیاسی را نیز اضافه کرد که هر روز با انواع آن در جامعه مواجه هستیم.

وی با بیان این که این نوع خشونت ها تنها شامل ایران نمی شود و همه جوامع کم و بیش انواع این خشونت ها را تجربه می کنند، افزود: یکی از معضلات و مشکلات ما در ایران، آمارهای متفاوت و مختلفی است که از خشونت ها ارائه می شود و این آمارها در تناقض با یکدیگر قرار دارند. در حالی که وجود آمار یک دست، منجر به ارائه راهکار برای حل خشونت خواهد شد.

دکتر ناهید خداکرمی رئیس انجمن علمی مامایی ایران، به موضوع «خشونت پنهان» اشاره کرد و گفت: این خشونت تنها متوجه زنان نیست، بلکه مردان نیز دچار این نوع خشونت می شوند؛ به طوری که در این نوع خشونت، آسیب فیزیکی شایع ترین عارضه است.

فرید براتی سده رئیس مرکز توسعه پیشگیری و درمان اعتیاد سازمان بهزیستی، به نتایج اجرای یک طرح پایلوت از بررسی خشونت در تهران اشاره کرد و افزود: در این طرح که در سطح ۲۲ منطقه تهران انجام شد و ۵۱ درصد جامعه آماری زنان بودند، ۲۷ درصد اعلام کردند که دچار خشونت شده اند.

وی گفت: ۴،۲ درصد این زنان دچار خشونت سبک، ۱،۴ درصد خشونت سنگین، ۹ درصد خشونت عاطفی و ۸ درصد نیز دچار خشونت کلامی شده اند ضمن اینکه، ۵،۴ درصد هم خشونت جنسی را تجربه کرده اند.

**زنان و کودکان از ابتدایی ترین قوانین حمایتی برخوردار نیستند**

عضو فراکسیون زنان با بیان اینکه لایحه تامین امنیت زنان مرز میان تهدید و فرصت برای زنان جامعه قرار گرفته، بر ضرورت بررسی دقیق تمام ابعاد آن قبل از تبدیل لایحه فوق به قانون تاکید کرد. به گزارش گروه اجتماعی برنا، زهرا سعیدی مبارکه در رابطه با لایحه «تامین امنیت زنان» که قرار است در ماه آتی از سوی دولت به مجلس فرستاده شود، با بیان اینکه این لایحه می تواند هم فرصت و هم تهدیدی برای جامعه زنان کشور ایجاد کند در گفت و گو با خانه ملت گفت: بی تردید هر موضوعی که به قانون تبدیل شود، اگر ابعاد مختلف آن به طور دقیق بررسی نشود، ممکن است در برهه ای از زمان آسیب رسان باشد.



نماینده مردم مبارکه در مجلس شورای اسلامی ادامه داد: آنچه مسلم است هر اقدامی که در جهت ایجاد فرصتی برای بخشی از جامعه صورت می گیرد، می تواند به نوعی تهدید به حساب آید بنابراین ما باید قبل از تبدیل این لایحه به قانون تلاش کنیم تا تهدیدها و نقاط ضعف آن را به حداقل برسانیم.

وی با بیان اینکه بررسی لایحه امنیت زنان در دستورکار فراکسیون زنان قرار می گیرد تصریح کرد: لایحه «تامین امنیت زنان» جای بررسی بیشتری دارد بنابراین نمایندگان مجلس بعد از



مطالعه مفاد آن تلاش خواهند کرد، این موضوع را به خوبی تحلیل کرده، تا بتوانند تصمیمی بر مبنای تحقق ضروریات ارتقای جایگاه این بخش از جامعه اتخاذ کنند.

این نماینده مجلس دهم یادآور شد: فلسفه مدیریتی هر قانونی که قرار است برای بخشی از جامعه به تصویب برسد، این بوده که نقاط ضعف آن به گونه ای القا نشود، که تحرکاتی را در جامعه علیه آن ایجاد کند، کما اینکه هم اکنون بر اساس حساسیتی که موضوع زنان در جامعه داشته، این لایحه نیز موافقان و مخالفان بسیاری را به همراه دارد ضمن اینکه تا حدودی رنگ و بوی سیاسی هم به آن داده اند.

سعیدی تاکید کرد: ما در فراکسیون زنان بعد از بررسی تمام ابعاد این لایحه چنانچه به این نتیجه برسیم که تبدیل آن به قانون برای زنان جامعه فرصتی مناسب ایجاد می کند، از آن حمایت می کنیم و اگر احساس کنیم که تهدید ایجاد می کند، اقدامات لازم در جهت رفع نقاط ضعف آن را انجام خواهیم داد.

عضو فراکسیون زنان مجلس با انتقاد از عدم وجود مصوبه هایی که موجب ارتقای جایگاه زنان و کودکان در کشور شود خاطرنشان کرد: تاکنون زنان و کودکان از ابتدایی ترین قوانین حمایتی هم برخوردار نبوده اند، به همین دلیل اگر قرار است تصمیمی برای آنها گرفته شود، باید به گونه ای باشد که منافع این قشر از جامعه به طور کامل در نظر گرفته شود.

# تهدید درمان‌های خودسرانه در کمین معتادان زن / کمبود مراکز ترک

## زن

دبیر شورای هماهنگی مبارزه باموادمخدر استان مرکزی معتقد است وجود تنها یک مرکز در استان برای درمان معتادان زن به هیچ وجه کافی نیست و این قشر در معرض آسیب ناشی از درمان خودسرانه قرار دارد.

خبرگزاری مهر- گروه استان‌ها، ثمین مامقانی نژاد: بر کسی پوشیده نیست که امروز مواد مخدر و مسائل مختلف ناشی از آن به یکی از معضلات مهم اجتماعی کشور تبدیل شده و آثار مخرب آن به طور مستقیم و غیرمستقیم، گستره وسیعی از جامعه را درگیر خود می‌کند.

صاحب نظران و کارشناسان اجتماعی در تحلیل‌های خود از مواد مخدر به عنوان منشا و عامل بسیاری از دیگر آسیب‌های اجتماعی یاد کرده و معتقد هستند که برای کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی، نخست باید به حل و فصل و رفع مسائل و معضلات ناشی از مواد مخدر بپردازیم. علاوه بر معضلات اجتماعی، مساله قاچاق مواد مخدر تهدیدی برای اقتصاد جامعه است و در حقیقت دامنه تاثیر منفی آن به مسائل اجتماعی محدود نمی‌شود، طبیعتاً تاثیرات منفی بر اقتصاد، باز هم به دنبال خود مسائل اجتماعی را به همراه دارد و این چرخه باطل مدام در حال تکرار است. از سوی دیگر سوداگران مواد مخدر هر روز نوع جدیدی از این مخدرها و روانگردان‌ها با ویژگی‌های تازه و جذاب را رونمایی می‌کنند که به مراتب آثار منفی آنها از مواد قبلی بیشتر بوده و در حقیقت چنانچه مقابله اصولی با این مساله صورت نگیرد، جامعه هر

روز بیشتر در دامان این آسیب فرومی غلتد و به دنبال آن، آسیب های اجتماعی دیگر نیز بروز خواهد کرد.



در ارتباط با مباحث مطرح شده، با نبی الله شاه محمدی، دبیر شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر استان در دفتر خبرگزاری مهر استان مرکزی به گفت و گو نشسته ایم که در ادامه می خوانید؛ ستاد مبارزه با مواد مخدر که براساس مصوبه سال ۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام تشکیل شده، به طور کلی چه وظایف و رسالت هایی را دنبال می کند؟

ستاد مبارزه با مواد مخدر به عنوان مسئول کاهش اعتیاد و متولی امر مبارزه با مواد مخدر در سراسر کشور است و دبیرخانه شورای هماهنگی مواد مخدر نیز به عنوان یک دستگاه مطالبه گر پل واسطی بین شوراهای مبارزه با مواد مخدر استانی است.

دبیرخانه شورا در استان ها نیز پیگیر انجام اولویت ها های مشخص شده ستاد مبارزه با مواد مخدر است و با دستگاه های مقابله ای فرهنگی، درمانی با مواد مخدر و سمن ها همکاری دارد. اولویت ستاد مبارزه با مواد مخدر اطلاع رسانی بیشتر به لایه های پایینی جامعه و توانمندسازی خانواده ها به خصوص خانواده های روستایی، آگاهسازی از مهارت های زندگی و

فرزند پروری و مهارت نه گفتن است. استان مرکزی به طور کلی در رابطه با مواد مخدر و اعتیاد از چه وضعیتی برخوردار است؟ استان مرکزی با توجه به اینکه در مرکز کشور واقع شده، ده محور موصلاتی مهم از آن عبور می کند که این محورهای ترانزیتی زمینه ای برای انتقال و توزیع مواد مخدر محسوب می شود.

همچنین استان مرکزی استانی صنعتی است که بیش از سه هزار واحد صنعتی دارد و کارگران از مناطق همجوار نیز در این واحدها مشغول به کار هستند که طبق تحقیقات به عمل آمده توسط شورای هماهنگی مواد مخدر در سال ۹۴، ۲۲ درصد این کارگران معتاد هستند. بنابراین معضل اعتیاد در استان فقط مربوط به بیکاران نیست و ضروری است آموزش های لازم در مورد خطرات استعمال مواد مخدر به کارگران واحدهای صنعتی به ویژه صنایع مادر نیز داده می شود. استان مرکزی یک میلیون و ۴۰۰ هزار نفر جمعیت دارد که باید از سنین ۱۵ تا ۶۴ سالگی تحت پوشش و آموزش قرار گیرند، چرا که مافیای مواد مخدر با توجه به سود کلانی که برایشان حاصل می شود در این رابطه بسیار فعال و هوشمند عمل می کنند و از ما جلوتر هستند.

در سال ۹۲ استان مرکزی رتبه بیست و دوم استان های کشوری از نظر مبارزه با مواد مخدر را داشت اما با تلاش های صورت گرفته در سال گذشته جزء رتبه های برتر کشور و تک رقمی شد که برای رسیدن به این جایگاه فعالیت های زیادی انجام شده است.

طی سال جاری نیز در استان تاکید داریم دستگاه های فرهنگی باید در این زمینه فعال تر عمل کنند و همچنین رسانه ها نقش آفرینی خود را به منظور آگاهسازی مردم در مورد مواد مخدر و اعتیاد افزایش دهند.

در حال حاضر نگرانی هایی در رابطه با بحث مواد مخدر در مدارس و دانشگاه ها وجود دارد و جسته و گریخته آمارهایی هم در این زمینه مطرح می شود، استان مرکزی از این نظر چه وضعیتی دارد و راهکار مقابله را تشریح کنید. این مساله نیز یکی از آسیب هایی است که باید در رابطه با آن برنامه ریزی داشته باشیم و اولین کاری که بایستی صورت بگیرد، آموزش و آگاهسازی در مراکز آموزشی است. هم اکنون در استان آموزش کودکان در مهدکودک ها، پیش دبستانی ها و مقاطع اول و دوم ابتدایی را در دستور کار داریم که در این رابطه نیاز به همکاری دستگاه های فرهنگی و آموزش و پرورش است.

در سال گذشته با اعتباراتی که ازسوی ستاد مبارزه با مواد مخدر کشور به آموزش و پرورش داده شد، در مقطع دوم متوسطه ۵۰ هزار دانش آموز و خانواده های این افراد، معلمان و مدیران در سطح شهر اراک آموزش دیدند و در دستور کار است که این آموزش ها امسال نیز در ۱۲ شهرستان در همین مقطع تحصیلی اجرا شود.

در مقطع دانشگاهی نیز با بعضی دانشگاه ها تفاهم نامه متمرکز کشوری داریم که نیروی انتظامی تا شعاع یک هزار متر اطراف این مراکز آموزشی را از وجود توزیع کنندگان مواد و موادفروشان پاکسازی کند، البته خانواده ها و خود افراد نیز باید مواظب سودجویان و سوداگران باشند.

هم اکنون چند مرکز درمانی ترک اعتیاد در استان مرکزی فعال است و عمده روشی که برای درمان به کار می‌گیرند کدام است؟ در حال حاضر بیش از ۱۶۱ مرکز درمانی در سطح استان مرکزی وجود دارد که حدود ۱۲۱ مرکز شیوه متادون درمانی را به کار می‌برند، در حقیقت افراد به صورت خودمعرف به این مراکز مراجعه می‌کنند و زیر نظر پزشک تحت درمان قرار می‌گیرند.

متادونی که در این مراکز تجویز می‌شود به صورت قرص و شربت است و همچنین شربت تریاک (تنتور اپیوم) نیز به این افراد داده می‌شود، با توجه به اینکه سال گذشته بحث ورود سرب به مواد مخدر و تریاک را در استان داشتیم که موجب بروز مسمومیت در تعدادی از مصرف‌کنندگان مواد شده بود، طی جلسات و تصمیم‌گیری‌هایی که انجام شد تلاش کردیم افراد مصرف‌کننده به استفاده از این شربت‌ها روی آورند که از زیان برخی ناخالصی‌های مواد مخدر و مشکلات ناشی از آن در امان بمانند.

در رابطه با مراکز اجباری ترک اعتیاد (ماده ۱۶) که معتادان متجاهر و بی‌خانمان به این مراکز فرستاده می‌شوند، رویکرد درمانی چیست و چه تفاوتی با سایر مراکز ترک اعتیاد دارد؟

مرکز ماده ۱۶ استان مرکزی در سال ۹۰ به دلیل مطالبه‌گر بودن شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر به عنوان اولین مورد در کشور افتتاح شد و طبق قانون، این مرکز اقدام به درمان افراد معتاد متجاهر، بی‌بضاعت، تزریقی و بی‌خانمان می‌کند که وظیفه جمع‌آوری آنها با نیروی انتظامی است و افراد معتاد در این مرکز به شیوه پرهیزمداری با متادون درمانی تحت درمان قرار می‌گیرند. سال گذشته سازمان بهزیستی کشور تقبل کرد که این مراکز به

بهزیستی واگذار شود که در همین راستا مردادماه امسال مدیریت مرکز ماده ۱۶ استان مرکزی در اراک را به اداره کل بهزیستی استان واگذار کردیم.

مباحثی در رابطه با مکان مرکز ماده ۱۶ استان مرکزی و ضرورت انتقال آن با توجه به ملکیت مکان که متعلق به یکی از دستگاه ها است مطرح شده، در این رابطه چه تصمیمی گرفته اید؟ مرکز ماده ۱۶ استان مرکزی از سال ۹۰ تا کنون طبق تفاهم نامه ای در ملک یکی از ادارات دولتی مستقر بود، با توجه به اتمام زمان این قرارداد، پیگیر هستیم که زمینی برای ساخت این مرکز به اداره کل بهزیستی استان واگذار شود.

تا زمان واگذاری زمین، براساس آئین نامه ابلاغی دبیرخانه شورای هماهنگی مواد مخدر، اجازه نخواهیم داد فعالیت این مرکز تعطیل شود و براساس آیین نامه ابلاغی تبصره دو ذیل ماده ۱۶، مراکز ماده ۱۵ ترک اعتیاد(مراکز خودمعرف و اختیاری) تا زمان تامین مکان برای مرکز ماده ۱۶ برای ساماندهی این معتادان بایستی همکاری کنند.

در حال حاضر مرکز ماده ۱۶ استان ۱۲۰ نفر گنجایش دارد که اگر مکانی استاندارد و مناسب مهیا شود به صورت تجمیعی به آن محل منتقل خواهد شد، در غیر این صورت فعلا فعالیت در محل مراکز ماده ۱۵ پیگیری می شود.

با توجه به اینکه مراکز ماده ۱۵ ویژه معتادان خودمعرف و مراکز ماده ۱۶ به منظور ساماندهی معتادان متجاهر و تزریقی فعال شده، تجمیع این دو دسته در یک محل سبب بروز مشکل نخواهد شد؟

بله، در این رابطه دغدغه هایی وجود دارد، مراجعه کنندگان به مراکز ماده ۱۵ خود معرف هستند اما در مراکز ماده ۱۶ افراد متجاهر و تزریقی و بی خانمان حضور دارند، بنابراین روش درمانی در این دو مرکز متفاوت است.

برای حل این مشکل در نظر داریم مراجعه کنندگان مرکز ماده ۱۶ (معتادان متجاهر و تزریقی) به مرکز ماده ۱۵، تنها در دو یا سه مرکز محدود استقرار یابند و همچنین محل اقامت آنها از افراد خودمعرف جداسازی شود، طبق پروتکل پزشکان دوره دیده نیز در این مراکز بر امور درمانی معتادان نظارت می کنند. در بحث مراقبت های پس از خروج افراد از مراکز ماده ۱۶ نیز معاونت پیشگیری از جرم دادگستری در همه استان ها وارد میدان شده اند تا دستگاه های متولی، مددکاران و روانشناسان پیگیر وضعیت این افراد باشند.

طی سال های اخیر صحبت از تدوین برنامه هایی به منظور ایجاد اشتغال برای معتادان بهبود یافته با هدف جلوگیری از گرفتار شدن مجدد آنها در دام اعتیاد مطرح شده است، در استان مرکزی در این خصوص چه اقداماتی انجام شده است؟

در حوزه اشتغال معتادان بهبودیافته نیز کمیته اشتغال شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر پیگیر مساله است و سعی کردیم دستگاه های حمایتی مثل کمیته امداد امام خمینی (ره) و بهزیستی به بهبودیافتگان و خانواده های آسیب دیدگان نیز توجه داشته باشند.

سازمان بهزیستی در نظر دارد به کارفرمایانی که بهبودیافتگان اعتیاد را به کار گیرند، ۲۰۰ میلیون ریال وام چهار درصد بلند مدت اعطا کند، این افراد بیمه شده و حقوق مکفی دریافت کنند تا بحث اشتغال معضلی برای آنان نباشد. دبیرخانه شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر



استان نیز با بانک های عامل هماهنگی برای اعطای وام دارد که در ازای هر نفر به کارگیری بهبودیافتگان ۱۰۰ میلیون ریال وام به کارفرمایان بدهد.

در مورد اعتیاد زنان نیز در سال های اخیر طبق آمار با روند افزایشی در استان روبرو بوده ایم، ابعاد این مشکل را تشریح نمایید و اقدامات انجام شده برای جلوگیری از این روند چه بوده است؟

بر اساس آمار سال ۹۰، حدود ۳۰ هزار معتاد شناسایی شده در استان مرکزی داشتیم و ۱۰ درصد از این افراد را خانم ها تشکیل می دادند که جمعیتی بالغ بر سه هزار نفر بودند، در حال حاضر این جمعیت بیشتر است.

استان مرکزی در سال ۹۰ از نظر جمعیت معتادان رتبه بیست و سوم کشور را داشت ولی در سال ۹۴ این نرخ کاهش پیدا کرد و این رتبه تک رقمی شده که نشان از فعالیت بیش از پیش مافیای مواد مخدر و گرایش بیشتر جوانان به این آسیب دارد. در خصوص اعتیاد زنان سال گذشته یک کمیته تخصصی در استان تشکیل شد، در حال حاضر تنها مرکز درمان اعتیاد زنان در استان مرکزی مرکز واقع در اراک بوده و ضروری است مراکز درمان زنان افزایش یابد.

نکته دیگر در این بحث عدم توجه دستگاه های متولی و مردم برای ایجاد مراکز ارک اعتیاد زنان است، وجود تنها یک مرکز برای استانی به گستردگی مرکزی با ۱۲ شهرستان کفایت نمی کند و حداقل سه مرکز باید وجود داشته باشد. مرکز مذکور تنها ۳۰ نفر را برای درمان می تواند تحت پوشش قرار دهد، زنان معتاد از ترس آبرو به درمان های خودسرانه روی می آورند و اغلب

اوقات درمان خودمختار باعث آسیب می شود، برای رفع این مشکل به فرهنگ سازی و اطلاع رسانی نیازمندیم.

اوایل سال جاری در یکی از جلسات حوزه بانوان و خانواده استان مرکزی، آماری در رابطه با تجویز مواد مخدر در برخی آرایشگاه ها به بهانه زیبایی و... مطرح شد که آمار قابل توجهی بود، راهکار متمر ثمر در این زمینه چیست؟

طبق آمار، شروع مصرف بسیاری از زنان به دلایلی از جمله زیبایی و به تجویز افرادی در آرایشگاه ها بوده است. البته نباید تصور شود که صاحبان آرایشگاه ها اقدام به این کار می کنند، در موارد زیادی افرادی از مافیای مواد مخدر به صورت مشتری مدار در این محل ها اقدام به صحبت و تحت تاثیر قرار دادن خانم ها نموده و آنها را به مصرف مواد مخدر ترغیب می کنند. در این زمینه آگاهسازی صاحبان اصناف در دستور کار است و در تعامل با رئیس اتحادیه صنف آرایشگران در نظر داریم امسال همایشی برای افراد فعال در این صنف برگزار شده و آگاهی بخشی اصولی صورت پذیرد.

در نهایت اینکه دستگاه های مرتبط استانی و مردم باید دلسوز باشند و این دغدغه ها را در نظر بگیرند، چرا که این اتفاقات برای هر کسی ممکن است رخ دهد و همه در معرض اعتیاد هستند. علاوه بر آن مسئولان برای حل مشکلات مردم باید به میان آنان بروند تا بتوانند به نحو بهتری به رفع این مسائل و مشکلات اجتماعی بپردازند.

## رشد ۲ برابری زنان زندانی در جرایم غیر عمد؛ چک و ضمانت، علت ۹۵

### درصد زندانی شدن آنان

مدیر عامل ستاد دیه کشور می گوید ورود زنان به زندان به خاطر جرایم غیر عمد در سال جاری نسبت به مدت مشابه سال گذشته، رشد دو برابری داشته است. او گفته که استان فارس بیشترین مددجوی زن در جرایم غیر عمد را دارد. بسیاری از این افراد "زنان سرپرست خانوار" هستند که به دلیل بدهی مالی غیر عمد راهی زندان شده اند؛ افرادی که جرم عمدی مرتکب نشده اند اما به دلیل نواسات بازار رقابتی یا کم تجربگی در رجوع به شغلی جدید، بدهکار شده و با شکایت طلبکاران زندانی شده اند.

حتماً عبارت « زنان سرپرست خانوار» را زیاد شنیده اید؛ زنانی که برای بچه هایشان هم مادر هستند، هم پدر؛ هم کارهای خانه را انجام می دهند و هم مسئولیت تأمین معیشت زندگی شان را بر دوش دارند.

زنانی که به هر دلیلی همسرانشان، همراهشان نیست و مجبور هستند برای امرار معاش وارد بازار کار شوند. بازاری بی رحم که اوضاع نابسمان اقتصادی، بی رحم ترش می کند؛ آنقدر بی رحم که گاهی آنها را پشت میله های سرد زندان می فرستد.

در حال حاضر تعداد قابل توجهی از زنان در زندان‌های کشور به سر می‌برند؛ بانوانی که بسیاری از آن‌ها به دلیل بدهی مالی غیر عمد راهی زندان شده‌اند؛ افرادی که جرم عمدی مرتکب نشده‌اند اما به دلیل نواسات بازار رقابتی یا کم‌تجربگی در رجوع به شغلی جدید، بدهکار شده و لطافت زنانه‌شان اسیر قساوت شاکیان خصوصی می‌شود که بسیاری از آن‌ها حق دارند و به دنبال حقوق از دست رفته خودشان هستند و البته بعضی هم نه.

**حبس به خاطر ضمانت فرزند-سید اسدالله جولایی مدیرعامل ستاد دیه کشور درباره زنان محبوس در زندان‌های کشور که به خاطر جرایم غیرعمد پشت میله‌های زندان هستند، گفت:**

“۹۵ درصد این افراد به خاطر صدور چک یا ضمانت دیگران و ۵ درصد باقی مانده نیز به خاطر وقوع حوادث کارگاهی و ناتوانی در پرداخت دیات ناشی از این حوادث، راهی زندان شده‌اند.”

او می‌گوید: “در حوادث کارگاهی که جرایم شبه عمد محسوب می‌شود، قضات با مجازات‌های جایگزین یا تلاش در جهت صلح و سازش، این قبیل موضوعات را حل کرده و مانع باز شدن پای زنی به زندان از بابت وقوع این دست از عناوین قضایی می‌شوند.”

جولایی افزود: “در بین جمعیت کنونی زنانی که به خاطر جرایم غیر عمد محبوس شده‌اند و تحمل حبس می‌کنند، مادرانی از استان‌های یزد و قزوین وجود دارند که به خاطر ضمانت فرزندشان راهی زندان شده‌اند و متأسفانه با وجود حبس‌های طولانی مدت، نه از فرزندانشان خبری شده و نه چاره‌ای برای بدهی‌های سر به فلک کشیده آن‌ها پیدا شده است.”

مدیرعامل ستاد دیه اضافه کرد: “هر چند معتقدیم نباید فرهنگ ضمانت از افراد صلاحیت‌دار، لکه‌دار شود اما اعتمادهای نابجا به همسایگان، همکاران و حتی همسران امروز واقعا کم نیستند و این نیازمند یک آسیب‌شناسی جدی است.”

**۲۱۹ زن به خاطر جرایم غیرعمد در زندان هستند-جولایی گفت:** “یکی از نکات تلخی که باید به آن اشاره کنم افزایش روند ورود زنان به زندان است؛ موضوعی که در خصوص محبوسان جرایم غیرعمد حتی می‌توان گفت رشدی دو برابری داشته است. محکومانی که جمعیت‌شان در چند سال اخیر، دوبرابر شده، بیش از آن که نیازمند یک قانون مترقی باشند، محتاج فعالیت نهادهای فرهنگی در راستای پیشگیری از ورود ناخواسته افراد به زندان‌ها هستند.”

وی تصریح کرد: “اقداماتی که آن‌ها را می‌توان در قالب ورود نکات آموزشی به کتب درسی دانش‌آموزان و دانشجویان تا پلانی از یک فیلم سینمایی یا سکانسی از یک سریال تلویزیونی احصا کرد و از ۲۷ نهاد متولی فرهنگی در کشور خواست که وظایف پیشگیرانه خود را بیش از گذشته مطالعه کرده و در راستای تحقق بخشیدن به آن تلاش کنند.”



مدیرعامل ستاد دیه ادامه داد: “امروز بر کسی پوشیده نیست که نبود مادر در خانه چه عواقبی می‌تواند به دنبال داشته باشد، آن هم مادرانی که عائله‌مند بوده و خرج خانواده می‌دهند. سوای

سختی معیشتی و مشکلات روحی شخص زندانی و مصائب روانی اعضای خانواده بویژه افراد کم سن و سال این خانه‌ها، نظر کارشناسان فن این امر را به اثبات رسانده که در چنین مواقعی نه فقط سلامت اخلاقی در آن خانواده بلکه سلامت اجتماعی محله یا شهر هم تهدید می‌شود.

وی درباره تعداد زنانی که به خاطر جرایم غیرعمد محبوس شدند گفت: «در حال حاضر محکومان زن زندان‌های کشور که به خاطر جرایم غیرعمد راهی راهی زندان شدند، جمعیتی ۲۱۹ نفری را به خود اختصاص داده که متأسفانه این آمار نسبت به مدت زمان مشابه خود در سال گذشته با رشد دو برابری همراه شده است.»

## سیستان و بلوچستان، ایلام و آذربایجان؛ فاقد زنان زندانی در جرایم

### غیرعمد

جولایی افزود: «امروز خوشبختانه موضوع مجازات‌های جایگزین حبس در استان‌هایی چون گلستان به تدبیر شایسته مسئولان قضایی آن استان، از حدّ شعار به مرتبه عمل رسیده و شاهدیم در قبال برخی از افراد آبرومندی که صرفاً بر حسب یک سهل‌انگاری در معرض انگ محکومیت حبس قرار داشتند، از این مجازات خلاص شدند و در قبال عنوان عمل ارتكابی‌شان که رنگ جرم به خود گرفته در استانداری یا بسیاری دیگر از مراکز دولتی به طور عام‌المنفعه به کار گرفته شدند.»



وی گفت: «این اقدام پسندیده قضات باید در سطح کشور تعمیم پیدا کرده و با وجود تاکیدات مکرر رهبر معظم انقلاب در راستای حبس‌زدایی و اهتمام دستگاه‌قضا در زندان‌زدایی لاقلاً در این مورد شاهد اقدامات بدیع و فراگیری باشیم. البته در این حوزه فراموش نشود که همکاری صادقانه روسای دستگاه‌های دولتی و نیمه دولتی از مقدمات اساسی به شمار می‌رود.»

مدیر عامل ستاد ادامه داد: «مطالعه تطبیقی آمار زندانیان بسیاری از استان‌ها در قبال محبوسان زن ثابت می‌کند، بافت فرهنگی در میزان صدور محکومیت‌های منتهی به زندان بسیار اثرگذار است. در استان‌هایی چون آذربایجان غربی، ایلام و سیستان و بلوچستان که در حال حاضر فاقد هر مددجوی زن جرایم غیرعمدی است به دلیل خاص بودن حبس در قبال نسوان و نقش کمرنگ بانوان در فعالیت‌های اقتصادی، به طور طبیعی زندانیان کمتری هم نسبت به شهرهای بزرگ و استان‌های صنعتی دارند.»

### **استان فارس دارای بیشترین مددجوی زن در جرایم غیرعمد**

جولایی همچنین اضافه کرد: «امروز استان فارس با ۴۴ زندانی زن جرایم غیرعمد در صدر بیشترین‌ها قرار داشته و به ترتیب گیلان با ۲۳ مددجو، مازنداران با ۲۲ محبوس و اصفهان نیز با ۱۴ بدهکار مالی در مرتبه بعدی قرار دارند.»

وی افزود: “ستاد ديه با اجرای پويش‌های مردمی و برگزاری طرح‌هایی ویژه در مناسبت‌هایی مانند روز زن یا خانواده نسبت به کاهش حداکثري زندانیان زن در سال گذشته اقدام نمود که به همت مردمی زمینه آزادی بسیاری از زنان در بندِ دردمند فراهم شد اما متأسفانه ورودی به زندان مجدد آمار این دسته از محکومان را که تا سال‌های پیش همواره دو رقمی بودند به بالاتر از عدد ۱۰۰ رساند.”

مدیر عامل ستاد ديه اظهار کرد: “ستاد ديه برای تسريع در روند آزادی زنان زندانی تحت حمایت خود که رسیدگی به آن‌ها در اولویت‌های پنجگانه ما در این مجموعه حمایتی تعريف شده همواره برنامه‌های خاصی را میزبانی کرده یا به طور مشترک برپا کرده است که پیگیری معاون رییس جمهور در زمینه جلب موافقت هیئت وزیران به منظور تصویب کمک پایدار به زندانیان نسوان جرایم غیرعمد و همچنین پیشنهاد اهدای داوطلبانه مبلغ ۵ رقم انتهایی حقوق ماهیانه دریافتی کارکنان دستگاه‌ها و موسسات دولتی، به منظور مشارکت در کمک به آزادی زندانیان تحت حمایت ستاد ديه از جمله این موارد است.”

وی گفت: “در حوزه برنامه‌های مشارکتی نیز سال گذشته اردیبهشت ماه سال جاری با اهالی هنر داشتیم طی آیین گلریزانی مبلغی معادل ۵ میلیارد ریال از سوی نمایندگان سیاسی و هنری کشور در راستای آزادی زندانیان زن غیرعمد اهدا شد. ناگفته نماند این اقدام جدای طرحی است که در قالب پويش ارمغان و آیین گلریزان تامین بدهی ۲۰۰ زندانی زن جرایم غیرعمد با کمک ۳۰۰ میلیون تومانی خیرین برای کمک به آزادی زندانیان موجود در آن برهه زمانی جمع‌آوری شد.”



## سیستان و بلوچستان در محاصره اعتیاد، ازدواج زودرس دختران، بیکاری و

### فقر

پاتوق‌های اعتیاد، ازدواج زودرس دختران، بیکاری و فقر از معضلات جدی روستاهای محروم سیستان و بلوچستان است. فاطمه دانشور، فعال حوزه آسیب‌های اجتماعی و مدیرعامل موسسه خیریه مهرآفرین می‌گوید: رفت‌وآمد معتادان در منزل امنیت کودکان را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد.



خانه کاهگلی است و حیاط تاریک. روی چراغ خوراک‌پزی داخل خانه گوجه و تخم‌مرغ در حال قُل خوردن است. بوی دود از همان در ورودی می‌خورد به دماغ و خاکستر است که روی زمین رها شده. مرد لاغراندام و بلندقامتی با موها، سبیل و دندان‌های زرد ایستاده کنار در آهنی رنگ‌ورو پریده. مرد در تاریکی با خود حرف می‌زند. زن اما در گوشه‌ای دورتر از همسر

دست‌هایش را در هم گره زده و کمر خم کرده. خانه پاتوق معتادان است در روستایی کوچک که تنها دوهزار نفر جمعیت دارد. دو کودک در حیاط خانه زیر نور مهتاب روی لحاف و تشک کهنه و رنگ‌ورورفته مچاله شده، خوابیده‌اند. اینجا محله‌ای در روستای گُتیج است. از توابع فنوج در جنوب غربی سیستان و بلوچستان.

سفر اما به این نقطه دور از شهر سخت است و دلهره‌آور. جاده از نیکشهر به سمت فنوج و روستای گُتیج باریک می‌شود. ۲۰۰ کیلومتر راه پر از شیب‌های تند و پیچ‌های نفسگیر. تصویر، تصویر خوبی نیست پر از نگرانی برای گذرکردن از جاده‌ای است که از یک طرف چسبیده به کوه است و از سمت دیگر چسبیده به پرتگاه؛ جاده‌ای که حفاظ و گاردریل و حتی روشنایی هم برای شب ندارد و در روستا روزها تاریک‌تر است. روستاییان اینجا خانه‌های کوچک و محقرشان را با شاخه نخل‌ها استتار کرده‌اند، به قول خیلی از مردم این روستا اگر پول یارانه نباشد، زندگیشان باد هواست یا شوهر ندارند، اگر هم شوهری، مردی سایه‌سری بالای سرشان هست یا معتاد است یا صبح می‌رود تا شب اما پول و نان چندانی در کار نیست.

مرد در آستانه در ایستاده و پیراهن صورتی‌اش توی چشم می‌زند. دختر را ۹ ساله معرفی می‌کند درحالی که ۷ سال دارد، انگار می‌خواهد زودتر ۱۲ ساله شود و شوهرش بدهند: «نسترن دوست ندارد مدرسه برود، هرچه با او حرف می‌زنیم، باز هم راضی نمی‌شود مدرسه برود.» اینها را مادر ۳۶ ساله فرناز می‌گوید و بعد جلوتر می‌آید. زن دوم آقا یعقوب است و خیلی وقت است که خانه را پاتوق کرده اما خودش حتی اعتیاد خود را قبول ندارد، چه برسد به این که «خانه پاتوق اعتیاد باشد.» آنها در فقر و فلاکت زندگی می‌کنند و فاطمه دانشور که کارشناس حوزه آسیب‌های اجتماعی و مدیرعامل موسسه خیریه مهرآفرین است، از کیلومترها دورتر به

دیدنشان رفته تا از نزدیک ببیند آنچه بر سرشان رفته، تا درد دل‌هایشان را بشنود: «تعداد بچه‌های بازمانده از تحصیل زیاد است چون بسیاری از خانواده‌ها درگیر اعتیاد هستند و توجهی به آموزش بچه‌ها ندارند.» او به‌طور مشخص درباره این خانواده، حرف‌هایی می‌زند: «در مورد این خانواده هم نکته تاسف‌برانگیز پاتوق‌داری خانواده است و دختر ۷ساله و پسر بچه ۳ساله شرایط خوبی ندارند. متأسفانه دختر بچه علاقه چندانی به مدرسه ندارد و این خود یک نشانه آسیب به کودک است. از طرفی اینگونه خانواده‌ها هم ترجیح می‌دهند تا دختر بچه مدرسه نرود تا زودتر زمینه ازدواج او را فراهم کنند.» فعالیت پاتوق‌های اعتیاد در این روستا، فاطمه دانشور را متاثر می‌کند: «در تهران پاتوق‌های معتادی وجود دارد که گاهی از طریق نهادها به آن ورود و رسیدگی می‌شود اما اینکه در روستا پاتوق اعتیاد ببینیم، بسیار عجیب است.» او معتقد است؛ پاتوق‌داری یک خانواده، دلیلی برای رها کردن کودکان نیست: «متأسفانه اهالی و نزدیکان در برخورد با چنین خانواده‌هایی در روستاها سردرگم می‌شوند و گاه خانواده آسیب‌دیده را به کلی طرد می‌کنند، درحالی که همین بی‌توجهی و پاک کردن صورت‌مسأله باعث تکثیر پنهان همان آسیب می‌شود. رفت‌وآمد معتادان در منزل امنیت کودکان را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد و زنگ خطری برای کودکان است، درحالی که مسئولان و محلی‌ها در شهرهای دورافتاده نمی‌دانند با این مسائل چطور برخورد کنند.

دوست داشت درس بخواند-نگاه سرد و افسرده‌اش را می‌دزد. دست‌های سیاهش را از پشت کمر به هم قفل کرده و گاه برای پنهان کردن موهای براق و خرمایی‌اش قفل دست‌ها را باز می‌کند. ۱۲سال دارد و چند ماهی می‌شود که به عقد پسرخاله‌اش درآمده. زن‌عمو حالا برای او یعنی مادرشوهر و پسرعمو ۳۰ساله‌اش یعنی شوهر. آن‌جا روبه‌رویش زیر نور مهتاب ایستاده و

به زبان بلوچی می‌گوید که درس خواندن را دوست دارد اما به اختیار خود ازدواج کرده است. زن‌عمو، همان مادرشوهرش روبه‌رو ایستاده و به حرف‌هایش کلمه به کلمه گوش می‌دهد و چشم و ابرو بالا می‌اندازد. مریم مدرسه رفته است و نمراتش هم خوب بوده اما حالا معلوم نیست که بتواند درس بخواند یا نه. در میان سروصدای دخترعموهای هم‌سن‌وسالش نقش «همسر برادر» را برای آنها بازی می‌کند. او هم ساکن روستای کُتیج از توابع فنوج سیستان و بلوچستان است. خانه چند پله می‌خورد به بالا و هم‌راستای پله‌های کاهگلی، حصیرهای رنگ‌ورورفته در کرم‌رنگ را در خود محاصره کرده است. مریم که حالا ۱۳ سال دارد و پارسال با پسرعموی ۲۲ ساله‌اش ازدواج کرده است، اما زیاد حرف نمی‌زند و تنها با اشاره‌های سر جواب سوال‌ها را می‌دهد یا اگر کلمه‌ای می‌گوید، بریده‌بریده و یواش است. فاطمه دانشور هم درباره سرگذشت دختران بلوچی که در سنین پایین تن به ازدواج می‌دهند، معتقد است که حداقل باید به این دختران آموزش‌های پیشگیری از بارداری را ارایه کرد تا دچار عواقب بارداری‌های زودرس نشوند: «متأسفانه ازدواج زود هنگام دختران در استان سیستان و بلوچستان آمار بالایی دارد و باید برای آموزش‌های دختران و خانواده‌ها برنامه‌ریزی شود.» در مطالعه‌ای که سال ۹۵ درباره ازدواج زود هنگام کودکان در ایران انجام شد، بیشترین فراوانی ازدواج زود هنگام دختران در هفت استان خراسان‌رضوی، آذربایجان شرقی، خوزستان، سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی، هرمزگان و اصفهان گزارش شد. سید سعید سیدالحسینی، معاون برنامه‌ریزی نظام‌پزشکی استان سیستان و بلوچستان هم معتقد است که دلیل بسیاری از ازدواج‌های زود هنگام در سیستان و بلوچستان فقر است.

کودکی که در آتش نشئگی مادر سوخت-شوهرم کار می‌کند اما پولش را نمی‌دهند؛ اگر یارانه نباشد درآمد دیگری نداریم.» قصه سلیمه که تنها ۲۵ سال دارد تنها محرومیت و فقر نیست، سلیمه معتاد است. دختر بچه که بود سرما خوردگی سختی گرفته بود، دکتر و دارو نبود و کسی به درمان او اهمیت نمی‌داد. شوهرخاله‌اش تریاک را دستش داد: «گفت بیا این را بکش خوب می‌شوی، از آن وقت تا الان شیره می‌کشم اما حالا شربت گرفته‌ام می‌خواهم ترک کنم.» روزها گذشت و سلیمه بدون آن که خودش هم بداند، معتاد شد. ۵ سال قبل هم که شوهر کرد، شوهرش مواد را به او رساند. همه چیز برای او عادی پیش می‌رفت اما نشئگی کار دست او داد. ایستاده در گوشه اتاق سیمانی و کوچک و پشتش به نور است. آستین دست راست را بالا می‌برد و گوشت‌های برآمده روی بازوی‌اش را نشان می‌دهد؛ جای سوختگی است. پارسال وقتی نشئه پای بساط مواد نشسته بود، منقل برگشت و اتاقشان آتش گرفت اما خودش می‌گوید: «داشتم آشپزی می‌کردم که چراغ برگشت. نفهمیدم چه شد؛ همه‌جا آتش گرفت. از اتاق بیرون آمدم اما بعد یادم افتاد بچه‌هایم در اتاقند. آمدم بچه‌ها را بیرون کشیدم اما دیگر فایده‌ای نداشت همه چیزم سوخته بود.» دختر ۹ ماهه سلیمه همان وقت در آتش می‌سوزد و وقتی هم که به بیمارستان زاهدان می‌رسد از دست رفته است. سلیمه هم مدتی در بیمارستان بستری است اما وقتی مرخص می‌شود دوباره اعتیادش را از سر می‌گیرد. شوهر سلیمه کارگر است اما درآمد زیادی ندارد. حالا عرفان پسر ۳ ساله در کنار مادر مریض و معتاد خود زندگی می‌کند و آنطور که فاطمه دانشور، مدیرعامل موسسه خیریه مهرآفرین می‌گوید اگر دود به بچه نرسد، گریه می‌کند و این یعنی عرفان ۳ ساله هم معتاد شده است: «مادر برای اینکه بچه را بخواباند او را هم معتاد کرده است و متأسفانه این یکی از آسیب‌های اعتیاد زنان است که کودکان را هم

آلوده می‌کند.» او نبود کمپ ترک اعتیاد در مناطق محروم و روستاها را به‌عنوان یکی از معضلات مطرح کرده و می‌گوید: «اعتیاد زنان از ۲ سال قبل در روستاها گزارش می‌شود؛ در حالی که ۶ سال قبل حتی گزارش یک نمونه اعتیاد هم نداشتیم و نگرانی ما از آنجا بیشتر می‌شود که در این شهرستان‌ها کمپ ترک اعتیاد برای زنان وجود ندارد؛ اگر خودشان هم تصمیم به ترک بگیرند، دارو هم در دسترس آنها نیست. به گفته دانشور در استان‌های خراسان رضوی، البرز، استان مرکزی و لرستان گزارش‌های زیادی درباره اعتیاد مادران وجود دارد آن هم در شرایطی که هیچ زیرساختی برای ترک آنها وجود ندارد: «این افراد چون اغلب از طبقات پایین جامعه هستند، هزینه درمان اعتیاد خود را هم ندارند.»



او درباره اعتیاد کودکان این مادران توضیحات دیگری را هم ارائه کرد: «اعتیاد کودکان وابستگی زیادی به اعتیاد مادران دارد وقتی مادر سالم است و پدر اعتیاد دارد کودک معتاد نمی‌شود اما وقتی مادر معتاد است، بچه حتما معتاد می‌شود. برای ترک اعتیاد بچه‌ها هیچ امکانی نداریم آن هم در شرایطی که ترک اعتیاد کودکان پروسه خیلی سخت‌تری نسبت به بزرگسالان دارد. آنها باید برای سم‌زدایی در بیمارستان بستری شوند اما متأسفانه هیچ امکاناتی برای آن نیست و احتمالاً باید به صورت سنتی اعتیاد را ترک کنند.» او از دولتمردان و به ویژه مسئولان سازمان بهزیستی خواست تا برای ترک اعتیاد مادر و کودک فکری کنند: «اگر توجهی

به این بخش از جامعه نشود، حتما آسیب‌های بیشتری گریبانگیر این مردم خواهد شد و هر ساله شاهد بیشتر شدن اعتیاد در روستاها خواهیم بود.» به گفته دانشور اعتیاد در زنان روستایی روزبه‌روز در حال افزایش است: «در تهران اینگونه فرزندان را پس از گزارش به اورژانس اجتماعی از مادران می‌گیرند و از کودک به عنوان ابزاری برای ترک مادران استفاده می‌کنند اما در شهرها و روستاها همین امکانات و مداخلات هم نیست؛ بنابراین آسیب‌های اجتماعی به حال خود رها می‌شوند و کودکان به عنوان نخستین قربانیان به آسیب کشیده می‌شوند.» دانشور می‌گوید اینکه خانواده‌هایی اینجا تنها با یارانه زندگی می‌کنند، جای نگرانی است و اگر یارانه قطع شود، معلوم نیست چه بر سر این خانواده‌ها می‌آید.

روستای گتیج از توابع فنوج سیستان و بلوچستان تنها یکی از ده‌ها روستایی است که مردم آن در این منطقه با فقر روزگار می‌گذرانند. حتی مردمی هم که زندگی عادی دارند از حداقل امکانات زندگی برخوردار نیستند و از هر ۲۴ ساعت در روز تنها ۲ ساعت آب دارند آن هم در این هوای داغ و همیشه تابستانی. روستاییان این منطقه از داشتن مرکز درمانی مجهز محرومند، تنها یک مرکز درمان سرپایی برای مداوا دارند که اگر دردشان در آنجا مداوا نشود، باید ۲۰۰ کیلومتر مسیر را تا ایرانشهر یا نیکشهر طی کنند تا به بیمارستان برسند. فاصله زیاد روستاها یکی از ویژگی‌های اصلی در این استان بزرگ است که دسترسی عمومی به خدمات رفاهی و اجتماعی را سخت کرده است. مردم این روستا هم مثل مردم سایر نقاط استان سیستان و بلوچستان بشدت از فقر مدرسه رنج می‌برند و تقریبا همه روستاهای این منطقه مساجد بسیار شیک و تمیزی دارند؛ موضوعی که نشان می‌دهد مردم بومی منطقه نظر مساعدی درباره مشارکت‌های مردمی برای ساخت مسجد دارند در حالی که این تمایل و

مشارکت‌های مردمی کمتر برای ساخت مدرسه وجود دارد. نخستین نخلستان سرسبز که تفریحگاه آنها است با روستا بیشتر از ۵ کیلومتر فاصله دارد؛ اما ماجرای روستای کوچک کتیج تنها جاده، نداشتن امکانات درمانی یا تفریحگاه نیست آسیب‌های اجتماعی به این روستای کوچک و محروم هم رسیده است اما کمتر مقام مسئول و دولتی هست که از حال سلیمه معتاد و پاتوق خانواده نسترن باخبر باشد یا از چشم‌های کشیده و پف‌کرده مریم که وقت بدرقه خیس شد و نخندید.

## شیطن‌های رسانه‌ای دلیل عدم حضور زنان در ورزشگاه‌ها

شهیندخت موللوردی، دستیار ویژه رئیس‌جمهور در امور حقوق شهروندی، در دیدار با اعضای انجمن فرهنگ و سیاست دانشگاه شیراز با اشاره به برنامه‌هایش در دولت دوازدهم وعده داد برنامه ملی اقدام را در سالروز رونمایی از حقوق شهروندی ارائه دهد. او با اشاره به چالش‌ها و مشکلاتش در دولت یازدهم از شیطن‌هایی گفت که به عمد موانعی را در مسیر حضور زنان در ورزشگاه‌ها به‌وجود آورده است.





در ادامه این دیدار مولوردی در پاسخ به سؤال یکی از دانشجویان راجع به عدم ورود دولت در مراحل اخذ مجوز و انجام فعالیت ان‌جی‌اوها گفت: «ما در ابتدای دولت یازدهم با افت شدید سرمایه اجتماعی در حوزه زنان و سازمان‌های مردم‌نهاد زنان روبه‌رو بودیم و در همین راستا از ابتدا برنامه‌ریزی‌هایی را برای ارتقا و افزایش این سرمایه اجتماعی در دستور کار قرار دادیم که شاید خروجی ملموسی را در حوزه پروژه‌های اجتماعی و فرهنگی حس نکنیم ولی با گفتاردرمانی‌ها و همایش‌هایی که برگزار کردیم، مسئله وابستگی توسعه به زنان را مطرح کردیم و سعی بر بالابردن اعتمادبه‌نفس زنان داشتیم.

دستیار ویژه رئیس‌جمهوری در حقوق شهروندی در ادامه افزود: برنامه‌های متعددی در راستای اعتماد جامعه به توانمندی‌ها و صلاحیت زنان در دستور کار قرار دادیم و در رابطه با اعتماد زنان به برنامه‌های دولت نیز سعی بر افزایش مشارکت زنان در فعالیت‌های انجمنی داشتیم که در این راستا سلسله نشست‌های منطقه‌ای و کارگاه‌های آموزشی مبتنی بر نقشه راه آسیب‌های اجتماعی برگزار کردیم و با به‌کارگیری تمام مسئولان استانی سعی بر این داشتیم که برنامه‌هایمان را در برنامه ششم توسعه و سایر حوزه‌ها تعمیم دهیم.

مولوردی گفت: با برنامه‌ها و مشارکتی که برای برداشت موانع از سر راه این سازمان‌ها داشتیم، به افزایش کمی و کیفی این سازمان‌ها رسیدیم که در همین راستا از ۱۶۷۷ سازمانی که اغلب آنها غیرفعال شده بودند، به دوهزار و ۳۳۳ سازمان رسیدیم و در سال‌های بعد از ان‌جی‌اوهایی که عملکرد مناسبی داشتند، نیز حمایت شد. بنابراین درباره ان‌جی‌اوها و در حوزه زنان و حوزه

جوانان برنامه‌هایی داشتیم و شاهد افزایش کمی این سازمان‌ها بودیم که این امر بیانگر کاهش موانع اخذ مجوز این سازمان‌ها است.

او درباره حضور زنان در مناصب دولتی گفت: از همان ابتدای دوره، با توجه به گزارش شکاف جنسیتی، به چالشی جدی در شاخص توانمندی اقتصادی و سیاسی زنان کشور پی بردیم که بخشی از این موضوع به نحوه گزارش‌دهی به مجامع بین‌المللی برمی‌گردد که ریشه در نظام آماری کشور دارد و این موضوع در دستور کار قرار گرفت و گزارش‌هایی برای پیگیری به دکتر ابتکار ارائه کردیم. مسئله اصلی در این‌باره اراده‌ای است که باید در برنامه‌های نظام برای توانمندسازی زنان در حوزه اقتصاد و سیاست قرار گیرد که بعد از پیگیری‌های پیش‌رو به مصوبه ۳۰ درصدی رسیدیم که طبق این مصوبه، هیئت دولت، وزرا و کل مسئولان موظف شدند که در چهار سال دولت دوازدهم ۳۰ درصد مدیریت‌ها را در اختیار زنان قرار دهند و در بحث جوانان نیز بنا بر این شد که سن مدیریت‌ها، هشت سال کاهش پیدا کند که البته تا آنجایی که ما رصد می‌کنیم، در انتخاب معاونان وزرا و شهرداری‌ها شاهد اجرائی شدن این مصوبه نیستیم. در برنامه ششم توسعه، راهبردها و برنامه‌هایی در این راستا داریم که امیدواریم با پیگیری‌های خانم ابتکار شاهد اجرائی شدن این مصوبه ۳۰ درصدی باشیم تا این مصوبه فقط به صورت یک الزام مطرح نشود و در هر سه سطح مدیریت اجرائی شود.

او در ادامه سخنانش درباره حقوق شهروندی گفت: این منشور ۲۲ حق و ۱۲۰ ماده از قوانین پراکنده دارد که در این منشور جمع شده است و هدف از این منشور آگاهی‌بخشی به مردم برای مطالبه‌گری و دفاع از حقوق خویش است؛ حقوقی که عمدتاً مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد

و برنامه‌ای در دستور کارمان قرار داده‌ایم تا در ۲۸ آذر ۹۷ مصادف با سالگرد رونمایی منشور، برنامه ملی اقدام را ارائه دهیم تا فعالیت تمام قوا و حوزه‌ها هماهنگ و طبق قانون شده و این حقوق اجرائی شود.

مولاوودی در پاسخ به سؤال دیگری درخصوص نبود توافق‌نامه‌هایی درباره توانمندسازی زنان در دولت و مجلس فعلی و مقایسه با مجلس ششم، گفت: درباره چرایی نداشتن موافقت‌نامه‌ای در این باره، در حال حاضر باید گفت که در حوزه زنان به جز همان کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان در مجلس ششم، توافق‌نامه دیگری نداشتیم و در حال حاضر سند ۲۰۳۰ جایگزین آن شده و کشوری باقی نمانده که به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان نپیوسته باشد.

او در ادامه درباره رویکرد دولت دوازدهم درخصوص ورود زنان به ورزشگاه‌ها گفت: من در جریان هستم که رایزنی‌هایی در حال انجام است و باید دید که به چه نتیجه‌ای می‌رسد و ان‌شاءالله سازوکار لازم فراهم شود. از همان ابتدا سوءتفاهماتی جدی پیش آمد که از شیطنت‌های رسانه‌هایی بود که از یک سخنرانی یک‌ساعته فقط یک تیتراژ کوتاه انتخاب می‌کردند و قضاوت‌ها نیز با همان تیتراژ صورت می‌گرفت و من نیز شامل چنین قضایایی بودم. به‌رحال در دولت فعلی رایزنی‌هایی در حال انجام است که امیدواریم به نتیجه برسد.

**زنان ۶۴ درصد جمعیت سالمندان تحت پوشش کمیته امداد را تشکیل می**

**دهند**

زارع فرد خاطر نشان کرد: ۶۴ درصد زنان و ۳۶ درصد مردان سالمند تحت حمایت، معیشت بگیر کمیته امداد هستند. مجید زارع فرد مدیر کل حمایت های اجتماعی کمیته امداد امام خمینی در نشست خبری که امروز (سه شنبه) برگزار شد، اظهار کرد: ۲۵ درصد سالمندان کشور تحت پوشش کمیته امداد هستند که از این تعداد ۲۴ درصد سالم و ۵۴ درصد از کار افتاده هستند.

وی ادامه داد: با توجه به اینکه به ازای هر ۱۰۰ زن سالمند، ۹۷ مرد سالمند تحت پوشش کمیته امداد هستند ساختار جمعیتی سالمند در این نهاد به سوی زنانه شدن پیش می رود.

**وقوع خودکشی در کشور ۶ درصد هزار است / زنان بیشتر خودکشی**

**می کنند**

رئیس انجمن علمی روانپزشکان ایران گفت: در اکثر کشورهای دنیا خودکشی در افراد مسن و میان مردان به وقوع می‌پیوندد، ولی در جامعه ما زنان جوان بیشترین آمار قربانیان خودکشی را به خود اختصاص می‌دهد.

به گزارش خبرنگار بهداشت و درمان خبرگزاری فارس، مریم رسولیان در نشست خبری که در ارتباط با سی و چهارمین کنگره سالانه انجمن علمی روانپزشکان برگزار شد، اظهار داشت: خودکشی در ایران نسبت به گذشته افزایش پیدا کرده و در حالی که در اکثر کشورهای دنیا خودکشی در افراد مسن و مردان رخ می‌دهد در ایران زنان جوان بیشترین قربانیان خودکشی هستند.



وی افزود: از طرفی نیز شیوع روش‌های پرخطر و پرهزینه خودکشی همچون خودسوزی ایجاد شده و این مسئله علاوه بر اینکه اگر فرد زنده بماند خود با چالش مواجه می‌شود خانواده او نیز به دلیل هزینه‌ها به شدت گرفتار خواهند شد.

رئیس انجمن علمی روانپزشکان ایران ادامه داد: آمار خودکشی به طور میانگین ۶ در صد هزار است و در ایران در مناطق غربی بیشتر به وقوع می‌پیوندد که وزارت بهداشت و دستگاه‌های مربوطه تلاش کردند از طریق انجام فعالیت‌هایی این میزان را کاهش دهند.

رسولیان با اشاره به اینکه خودکشی‌های خیابانی و در ملا عام اصولاً اعتراض به وضعیت اجتماعی است، گفت: شایع‌ترین اختلالی که با خودکشی همراه است، افسردگی بوده و در واقع ناامیدی و افسردگی می‌تواند سبب بروز این مسئله شود.

وی گفت: اشتغال مباحث فرهنگی، اجتماعی و روابط عاطفی سبب شده که گاهی الگوی خودکشی تغییر یابد و می‌توان گفت بعد از ایران کشور افغانستان از لحاظ مسائل مربوط به خودکشی شبیه ما است.

رئیس انجمن علمی روانپزشکان ایران اضافه کرد: بیشترین آمار خودکشی در کشور مربوط به زنان ۲۰ تا ۳۰ ساله است. رسولیان در ادامه به موضوع بهداشت خواب و تاثیر آن در بروز اختلالات روانپزشکی اشاره کرد و گفت: یک فرد برای حفظ سلامت خود حداقل ۶ ساعت خواب مداوم نیاز دارد و باید ساعت ۱۲ تا ۴ صبح در آن لحاظ شود. همچنین باید به این نکته توجه داشت که کم‌خوابی علاوه بر ایجاد مشکلات اخلاقی کارآیی فرد را در طول روز کاهش می‌دهد.

**دختر شطرنج‌باز ایرانی که به خاطر حجاب از تیم ملی اخراج شد به تیم**

**ملی آمریکا پیوست**

درسا درخشانی، دختر شطرنج باز ایرانی که به دلیل حضور بدون حجاب در رقابت‌های بین‌المللی از تیم ملی ایران اخراج شده بود، به تیم ملی آمریکا پیوست.

درسا درخشانی، شطرنج باز ایرانی الاصل و استاد بزرگ و استاد بین‌المللی شطرنج که به دلیل حضور بدون حجاب در رقابت‌های بین‌المللی از تیم ایران اخراج شد، از این پس در تیم ملی آمریکا در مسابقات شرکت می‌کند.



درخشانی در دو سال اخیر در چند رقابت بین‌المللی بدون حجاب شرکت کرده بود که در نهایت حضور بدون حجاب او در اوایل سال ۲۰۱۷ و در مسابقات شطرنج جبل‌الطارق سبب اخراج او از تیم ملی ایران شد. او پس از سارا خادم‌الشریعه، دومین شطرنج باز زن ایرانی بود که علاوه بر کسب درجه استاد بزرگ بانوان، در ۱۸ سالگی و در هشتاد و هفتمین کنگره شطرنج جهان عنوان استاد بین‌المللی را به دست آورد. وی سابقه قهرمانی شطرنج نوجوانان آسیا در سال ۲۰۱۲ و کسب مقام ششمی شطرنج جوانان جهان در سال ۲۰۱۵ را برای ایران در کارنامه خود دارد. درسا درخشانی حدود سال ۹۴ با یک پیشنهاد از باشگاه بارسلونای اسپانیا برای ادامه تحصیلات دانشگاهی و شطرنج به آن کشور رفت و برای آن تیم بازی کرد.

## تولد «ناشهرندان» بی شناسنامه؛ پیامد ممنوعیت انتقال تابعیت از مادر به

### فرزند

یک فعال حقوق زنان با اشاره به لزوم رفع موانع قانونی انتقال تابعیت مادر به فرزند در کشور گفت: با موانع قانونی که در حال حاضر وجود دارد اجازه می دهیم بخشی از ساکنان کشور که متولد سرزمین مادریشان هستند، با ما همزمانند و فرهنگ و شیوه زندگی ایرانی دارند، تبدیل به «ناشهروند» شوند. آنها از کلیه حقوق انسانی محروم می شوند. به این ترتیب آنها هیچ حقی به این سرزمین ندارند و در نهایت از حق تحصیل، هویت، اشتغال و مالکیت نیز محروم می شوند.



مرضیه محبی در گفت و گو با ایسنا، با اشاره به اینکه اغلب ازدواج زنان ایرانی با اتباع خارجی به دلیل مقررات سختی که در این زمینه وجود دارد، ثبت نمی شود افزود: در حال حاضر بیشتر زنانی که با این مشکل دست و پنجه نرم می کنند، زنان و دختران کم سن و سالی هستند که به دلیل شرایط سخت اقتصادی و یا خانوادگی، با اتباع خارجی که ممکن است فاقد اوراق شناسایی باشند تن به ازدواج می دهند، به این ترتیب معمولاً ازدواجشان نیز ثبت نمی



شود. کودکان حاصل از این ازدواج حاملان مناسبی برای انواع آسیب های اجتماعی نظیر قاچاق انسان، بهره کشی، استثمار و سوء استفاده های جنسی هستند، زیرا آنها مدرک هویتی ندارند و به راحتی در معرض هر آسیب و ستمی قرار می گیرند.

این فعال حقوق زنان با اشاره به قوانین مدنی ایران که انتقال تابعیت را تنها بر اساس نسب خونی و از طریق پدر امکان پذیر می داند اضافه کرد: بر اساس این قانون مادر نقشی در انتقال تابعیت به فرزند ندارد. از سوی دیگر بر اساس همین ماده قانونی محل تولد نیز نمی تواند در انتقال تابعیت موثر باشد یعنی فرزندی که در ایران و از مادری ایرانی به دنیا آمده باشد ایرانی محسوب نمی شود. قانون مدنی کشور مصوب سال ۱۳۰۷ است و در نتیجه به طور سنتی در کشور اعمال می شود.

وی با بیان اینکه ماده ۹۷۶ قانون مدنی طفل متولد شده از پدر ایرانی را، صرف نظر از اینکه در کجا به دنیا آمده است ایرانی می داند اظهار کرد: همچنین در این ماده آمده است فرزندی که از پدر یا مادر غیر ایرانی در ایران متولد شود در صورتی که بعد از رسیدن به سن ۱۸ سال، یک سال در ایران بماند می تواند تابعیت ایرانی داشته و دریافت کند. اما این قانون سال ها اجرا نمی شد تا اینکه سال ۱۳۸۵ مجلس شورای اسلامی دست به تعیین تکلیف این قانون زد و با افزودن محدودیت هایی آن را مورد بازنگری قرار داد. برای مثال ضرورت ثبت شرعی و رسمی ازدواج، همچنین در نظر گرفتن محدودیت زمانی برای شمول کودکانی که حداکثر یک سال بعد از تصویب این قانون یعنی تا سال ۸۶ متولد می شوند، از جمله این تغییرات و بازنگری ها هستند.

مدیرعامل کانون زنان حقوقدان سورا با انتقاد از اینکه کودکی که در ایران، از مادری ایرانی و پدری خارجی متولد می شود، هیچ هویتی ندارد و شهروند هیچ کشوری محسوب نمی شود تصریح کرد: علاوه بر این، بر اساس مقررات لازم است تا طفل متولد شده از مادر ایرانی که بعد از ۱۸ سال زندگی در ایران از پدر «رد تابعیت» بگیرد. اما این سوال وجود دارد که این فرد چه طور و با کدام اوراق شناسایی می تواند از کشور خارج شود؟ همچنین در صورت خروج از کشور و رفتن به کشور متبوع پدر، چه طور درخواست صدور شناسنامه بدهد و سپس با بازگشت به ایران و گذراندن یک سال دیگر در کشور درخواست تابعیت ایران را داشته باشد؟ به نظر می رسد زمان آن است که تمام این قوانین اصلاح شوند.

وی در ادامه گفت: بیشتر افراد فاقد شناسنامه ای که از مادران ایرانی متولد شده اند در واقع تبعه کشور افغانستان هستند زیرا بیشترین مهاجران از مقصد افغانستان وارد کشورمان شده اند. این درحالی است که این کشور سیاستی تحت عنوان قبول «ترک تابعیت» ندارد و به شدت نسبت به این قضیه مقاومت می کند. البته این سیاست هایی است که برای مقابله با دو تابعیتی بودن افراد اتخاذ شده است. بنابراین این عملاً ممکن نیست که طفلی که در ایران به دنیا آمده و هیچ اوراق شناسایی ندارد بتواند ترک تابعیت از کشور پدری اش بگیرد.

محبی در ادامه به طرح پیشنهاد نماینده شهر مشهد در مجلس شورای اسلامی اشاره کرد و گفت: طرحی تحت عنوان «اصلاح قوانین تابعیت» به مجلس ارائه شده است که در صورت تصویب به زنان ایرانی کمک می کند تا برای فرزندان شان شناسنامه بگیرند. قرار بود این طرح

در یک کمیسیون مشترک در مجلس بررسی شود که تا هنوز مورد رسیدگی قرار نگرفته؛ اما در عین حال روند کار متوقف هم نشده است.

وی با اشاره به دو سیاست تابعیت در جهان یعنی انتقال تابعیت بر اساس «خون» و «خاک» اظهار کرد: انتقال تابعیت بر اساس تولد در خاک یک کشور سیاستی است که در بیشتر کشورهای مهاجر پذیر دنبال می شود. اما در بیشتر کشورهایی که اصالت نژادی برایشان مهم است تابعیت از مادر یا پدر به فرزند منتقل می شود. این درحالی است که ایران از معدود کشورهایی است که در آن تابعیت تنها از پدر به فرزندان منتقل می شود. امیدواریم که این سیاست سنتی هرچه سریعتر اصلاح شود.

این فعال حقوق زنان با تاکید بر اینکه مساله کودکان بدون تابعیت مساله ای است که بیش از آنکه مربوط به ایران و قوانین ما باشد یک مساله بشری است ادامه داد: اگرچه براساس دستور مقام معظم رهبری در حال حاضر کودکان افغانستان می توانند در مدارس تحصیل کنند اما باید توجه داشته باشید که صرف تحصیل بدون داشتن شناسنامه مشکلی از این کودکان حل نمی کند و در نهایت آنها در حاشیه شهرها سرگردان خواهند بود. به همین دلیل باید تلاش کرد تا طرحی که وارد مجلس شده برای پایان دادن به این ستم ها هرچی سریعتر تصویب شود و این حق را برای زن ایرانی قائل شویم که فرزندش تابعیت ایرانی داشته باشد.

**بازداشت مجدد لیلا میرغفاری از سوی نیروهای امنیتی**



طی روزهای گذشته لیلا میرغفاری، فعال مدنی، از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شده است. به گزارش تارنگار حقوق بشر در ایران، روز سه شنبه چهارم مهرماه نیروهای امنیتی اقدام به بازداشت لیلا میرغفاری کرده و این فعال مدنی را به مکان نامعلومی منتقل کرده‌اند.

از اتهام و نهاد بازداشت کننده تا این لحظه اطلاعی به دست نیامده است. این فعال مدنی پیش از این نیز در خردادماه سال جاری بازداشت و پس از یک هفته با قرار وثیقه آزاد شده بود.

گفتنی است؛ در سال ۹۴، لیلا میر غفاری به همراه چند تن دیگر از فعالین مدنی در پی تجمع اعتراضی مقابل زندان اوین بازداشت و پس از انتقال به دادسرای دو زندان اوین به زندان قرچک ورامین منتقل شد. وی در آذرماه ۱۳۹۴ با تودیع وثیقه ۵۰ میلیون تومانی از زندان آزاد گشت.

این فعال مدنی مجدداً در آذر ماه سال ۹۵ به دلیل شرکت در مراسم سالگرد ریحانه جباری در بهشت‌زها احضار و بازجویی شده بود.

## انتقال ملیکا کاوندی و زهرا شفیعی دهاقانی کفن پوشان معترض به اعدام

### محمد علی طاهری به زندان قرچک



شب گذشته ملیکا کاوندی و زهرا شفیعی دهاقانی از شاگردان بازداشت شده محمدعلی طاهری که در اعتصاب غذا بودند از بازداشتگاه دو الف زندان اوین به زندان زنان قرچک منتقل شدند. خانواده های این زندانیان به دلیل بازداشت غیر قانونی این بانوان به دادگستری و دادگاه انتظامی قضات شکایت کرده اند اما شکایتهای آنها پذیرفته نشده و گفته اند که خانواده زندانیان اجازه شکایت ندارند.

تا کنون هیچ مقام و مسئولی پاسخگوی وضعیت این دو زندانی نبوده است. قابل ذکر اینکه این دو بانو برای دومین بار در زندان دست به اعتصاب غذا زده بودند و در حالی برای انتقال به زندان قرچک برده شدند که زندان از پذیرش آنها به دلیل اعتصاب خودداری میکرد که ناچاراً اعتصاب خود را شکستند.

طبق اظهارات منبع مطلع، این دو زندانی اعتصابی در زندان اوین به منظور گرفتن اعترافات اجباری تحت بازجویی های فراوان و فشار روانی شدیدی قرار گرفته بودند.

این دوتن پس از صدور حکم اعدام محمدعلی طاهری، به همراه زهراالسادات ابراهیمی و رها داوودیان با پوشیدن کفن در مقابل زندان اوین در اعتراض به این حکم ناعادلانه تحصن کردند که در روز دوم تحصن با دعوت رئیس زندان اوین جهت مذاکره به داخل زندان اوین وارد شدند اما برخلاف وعده مسئولان و در کمال ناپاوری با توهین و بی احترامی دستگیر شدند.

## **زنانگی یک فرهنگ است / نسبت احراز پست سیاسی توسط زنان با توسعه**

نعمت الله فاضلی گفت: زنانگی فیزیولوژیک نیست و یک شیوه زندگی و یک فرهنگ است. یک معناست؛ بودن است و شکلی از سازمان دادن زندگی است.

به گزارش خبرنگار مهر، زاویه در برنامه این هفته خود نیز به موضوع هفته پیش درباره بررسی احراز پست های سیاسی توسط زنان پرداخت. مهمانان زاویه نعمت الله فاضلی (دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) و ایراندخت فیاض (دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی) بودند.

صلواتی مجری و سردبیر برنامه بعنوان اولین سوال از فاضلی پرسید: بحث احراز پست سیاسی توسط زنان در دنیا مطرح است و استدلال برخی این است که برای اینکه زنان بتوانند مشکلاتشان را خودشان حل کنند باید زنان پست های مدیریتی داشته باشند یا چون پست

های مدیریتی زنان در دنیا تجربه موفق بوده خوب است به لحاظ کمی باید مشارکت زنان در ایران افزایش یابد. اما برخی هم با استناد به آمارها نشان می دهند که مشارکت زنان در سیاست در کشورهای توسعه نیافته مثلاً جامائیکا از کشورهای پیشرفته ای مثل آمریکا و روسیه بیشتر است و بنابراین جای تردید است که آیا احراز پست سیاسی توسط زنان نشانه توسعه است یا اینکه توسعه باعث افزایش مشارکت زنان است و یا اینکه ارتباطی با هم ندارند؟

احراز پست های اجرایی توسط زنان براساس  
نیاز و ضرورت اجتماعی است یا مطالبه و  
اصرار سیاسی؟ (قسمت دوم)

دکتر ایراندخت فیاض  
عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی  
و مطالعات فرهنگی

دکتر نعمت الله فاضلی  
عضو هیئت علمی و دانشیار  
دانشگاه علامه طباطبائی

فاضلی در ابتدا اشاره کرد که به مباحث مطرح در حوزه عمومی توجه ندارد و می خواهد زاویه دید خود را بیان کند. سپس گفت: مسئله جایگاه زنان در سازمان معرفت شناسانه است و خیلی بد مطرح شده است. این مسئله دو رویه دارد: یکی مسئله حضور زنان در جنبش معاصر و دفاع از حقوق زنان که نداشتن پست سازمانی را اجحاف این حقوق می داند، و دیگری مسئله حضور زن در سازمان بر اساس حقوق شهروندی و انسانی برابر است. اما آنچه کمتر بدان توجه شده مسئله نیاز به حضور زنان در سازمان است و ابهامات زیادی در این مسئله وجود دارد. امروزه کارکرد خیلی نهادها مثل خانواده به سازمان مؤول شده و لذا باید به ساختار سازمان

توجه کنیم باید پرسید جایگاه زن در سازمان کجاست و جایگاه رهبری سازمانی که باید زنانه شود چیست؟ و این بستگی به مفهوم ما از زن دارد. به نظر من زن وجود ندارد و زنها وجود دارند و استفاده نادرست از مفهوم زن بحران ایجاد کرده است. زنانگی فیزیولوژیک نیست و یک شیوه زندگی و یک فرهنگ است. یک معناست؛ بودن است و شکلی از سازمان دادن زندگی است و من از این منظر می‌خواهم از زن و سازمان صحبت کنم.

زن یک فرهنگ است نه فیزیولوژی و راهبرد نجات هر جامعه است و زنانگی همچون معنا تنها راه موفق سامان جامعه است. صلواتی پرسید: طبق زاویه دید شما تعیین درصد مشارکت برای زنان خوب است؟ فاضلی پاسخ داد: طرح پرسش درست نیست و اگر زنان در سازمان زنانگی نداشته باشند درصد چه اهمیتی دارد و زن یعنی فرهنگ و زنانگی باید وجود داشته باشد؟

دیگر مهمان برنامه خانم فیاض نیز ابتدا سوال را کاوید و گفت: این سوال استراتژیک است و جایش در قرن ۲۱ نیست؛ اینکه آیا بانوان می‌توانند در اداره کشور مشارکت کنند؟ در حالیکه از همان آغاز حلقه مشخص است که انسان بماهوانسان مطرح بوده و ظرفیتهای مشترکی برای هر کدام از زن و مرد لحاظ شده به جز بخش‌هایی خاص. در سوره نمل ملکه سبا هرگز بی عقل و بی تدبیر و ترسو معرفی نشده و بلکه تمام ویژگی‌های یک انسان کارآمد به وی نسبت داده شده است. او زنی اهل تدبیر و رای است و ترسو نیست و لذا اگر ویژگی انسان بماهوانسانی را لحاظ کنیم مگر در نقش‌ها که اقتضائات خود را دارد این چیزها مطرح نخواهد بود. اینکه کدام نقش باشد یا نباشد به شرایط جامعه بستگی دارد. یک زن ناتوان در خانه هم



مادری ناتوان است و مشارکت سیاسی و اجتماعی بانوان هم زن را بالغ می‌کند و هم زمینه تعامل را فراهم می‌کند و عقلانیت و مهارت اجتماعی زن و توان حل مسئله را تقویت می‌کند.

صلواتی پرسید: با تعیین درصدها موافق هستید؟ و با تعبیر فاضلی که فرهنگ زنانه را بجای زن بکار برده است؟ فیاض پاسخ داد: تفکیک زن و مرد در اداره کشور قابل قبول نیست چون آنچه مهم است انسان است و ما این تشخیص را از بانوان گرفتیم که من الان کجا می‌توانم موثر باشم و اگر فضا را برای رشد فکری و تجربی زنان باز نکنیم نه مارد موفق داریم نه همسر موفق! عقلانیت نوعی تمرین است همچون عضله که نیاز به تمرین دارد. لذا باید با حل مسئله تقویت باشد و این مستلزم مواجهه با مسئله است که در امر مشارکت و فعالیت اجتماعی اتفاق می‌افتد و هرچه گستره فعالیت زن بیشتر باشد رشدش بیشتر خواهد بود و به نظر این تعیین درصد مشارکت سیاسی است و باید اول نگاه و فرهنگ و زاویه دید را عوض کنیم و این درصدها معنا ندارد. گاهی زنان بالغ و گاهی مردان بالغ امور را به دست می‌گیرند و اگر قواعد را رعایت کنیم دیگر زن و مرد ندارد.

در ادامه صلواتی سوال دیگری از مهمانان پرسید و گفت: تعیین درصد برای احراز پست سیاسی برای زنان یا فرهنگ زنانگی می‌خواهد چه بکند؟ می‌خواهد زنان را توانمند سازد یا صدای آنها شنیده شود و یا نه ژست مدرنی است که بعنوان نماد توسعه یافتگی بکار رفته است؟

فاضلی پاسخ داد: من با فعالیت زنان به منظور رشدشان موافقم اما با نگاه فراجنسیتی مخالفم و معتقدم این دو با هم فرق دارند ولی باید دید این فرق از چه زاویه دیدی مطرح است! گاهی به

منظور توجیه و تقویت تبعیض علیه زنان استفاده می‌شود. گاهی هم بر اساس واقعیات آنها در جامعه و تجربه تاریخی مطرح است. نگاه من از منظر سازمان و نظام بوروکراسی است و مسئله اصلی پست زنان یا رشد آنها نیست، بلکه این است که سازمان چه نیازی به زن دارد! من این را توضیح می‌دهم. امروزه سامان اجتماعی حول مفهوم سازمان شکل گرفته است. سازمان را باید خیلی جدی بگیریم و چون نگرفتیم بحرانهای زیادی دامنگیرمان شده و ما دولت ضعیف داریم، یعنی دولتی که آرمانها و قوانین و برنامه‌های زیادی دارد اما توان اجرای آنها را ندارد و سازمانش ضعیف است و ساده‌ترین شکل اسن ضعف در اختلاس و رشوه و فساد اداری دیده می‌شود و ضعف دولت ما رویه‌های حقوقی و فقدان نیروی انسانی و دانش کارشناسی است و مهم‌ترین ضعف سازمان هم فرهنگ سازمان است. آنچه سازمان را در ایران شکل داده اخلاق قدرت است که در بستر تاریخ مردانه و بازیهای ایدئولوژیک و قدرت و ارزش‌های ابزاری شکل گرفته است. تنها یک راه برای اصلاح آن وجود دارد و آن روی آوری به اخلاق مراقبت یعنی اخلاق زنانگی است. این بحث در آموزش و پرورش، آموزش عالی و فلسفه و محیط زیست و همه چیز موثر است و به مثابه یک رویکرد قابل طرح است.

اخلاق مراقبت از اخلاق مادری سرچشمه گرفته و فیزیولوژیک نیست. هگل می‌گفت: به زنان قدرت ندادند تا بتوانند سرمشق انسان کامل، زیبایی‌شناسی و عطوفت و مهربانی و توجه به دیگری و گفتگو و مدنیت باقی بماند و با رفتار و گفتار و عقلانیت نهفته در اخلاق مراقبت‌اش تأثیرگذار باشد. زنانگی فرهنگ است و باید از آموزش عالی و پرورش تا وزارت خارجه و همه سازمان‌های دیگر را در برگیرد و گسترش یابد.

صلواتی پرسید: مکانیسم آن چگونه است؟ آیا با حضور کمی زنان شکل می‌گیرد؟ یا نه مسیر دیگری دارد؟

فاضلی پاسخ داد: سازمان کنونی آمادگی نقد ندارد و توجیهش صریح و خشن است و چون ابزار قدرت است جایی برای اخلاق و گفتگو وجود ندارد و زنانگی می‌تواند این را رفع بکند. نباید از زاویه دید فراجنسیتی یا فمینیستی این قضیه را دید، هرچند از برخی لحاظ حرفشان درست باشد! با این حال لحن آنها غلط است و بازتولید تبعیض می‌باشد.

فیاض بحث را ادامه داد و گفت: بحث من در فراجنسیت هویت است نه نقش و نقش‌ها متفاوت هستند ولی هویت انسانی را عقلانیت و اراده و اختیار می‌سازد و خیلی‌ها معتقدند زنان ترسو و بی تدبیر و بی عقل و ... هستند اما در داستان ملکه سبا در قرآن چنین چیزی نیامده و خداوند همه ویژگی‌های تدبیر و شجاعت و عقلانیت را در او دیده است.

صلواتی پرسید: چطور می‌شود به زنان به لحاظ هویتی، فراجنسی نگاه کرد ولی به لحاظ نقش، نگاه جنسیتی به آنها بکنیم؟

فیاض پاسخ داد: نقش با اقتضائات زمانه تغییر می‌کند. مادر من شش فرزند را بزرگ کرد و تمام عمر خود را صرف آنها کرد، ولی من یک فرزند دارم و شرایط مادری کردنم با مادرم خیلی فرق دارد. لذا نباید از اینکه فضای باز مشارکت زنان ترسید به این دلیل که باعث عدم تحکیم خانواده خواهد شد. واقعیت کشور ما این نیست و خیلی بانوان با فرزند دارای نقش‌های مشارکتی هستند.

در اینجا بین دو کارشناس برنامه بحثی شد پیرامون نگاه فراجنسیتی و فاضلی تأکید کرد که مسئله سازمان مهم است و خیلی مباحث فراجنسیتی اتفاقاً در جهت تقویت تبعیض علیه زنان است و باید توجه کرد که اکنون بیش از آنکه زنان به سازمان نیازمند باشند سازمان به آنها نیازمند است اما کدام زن؟ زنی که نماینده فرهنگ زنانه نیست و بازتولید اخلاق قدرت است از هزار مرد بدتر است. زن می‌تواند با اخلاق مراقبت خود سازمان را اصلاح کند.

صلواتی به فاضلی گفت: می‌شود مردی را پیدا کرد که فرهنگ زنانه داشته باشد و زنی که فرهنگ زنانه نداشته باشد. آن وقت به شما می‌گویند صورت مسئله را تغییر دادید و بجای مشارکت زنان مسأله زنانگی را مطرح کردید؟

فاضلی جواب داد: اگر فرهنگ زنانه حاکم شود عدم تعادل جنسیتی یا تبعیض جنسیتی یا اشکال دیگر تبعیض اجازه ظهور نخواهند یافت و زنانگی یک جور شیوه زندگی و تفکر و جهان بینی است و یک تلقی از انسان و بودن اوست و این فرهنگ اگر بر سازمان حاکم شود با لفاظی ایدئولوژیک یا قدرت و غیره زنان را کنار نخواهد گذاشت. فرهنگ زنانه به تفکیک عقل و عاطفه قائل نیست و از قضا یکی از قربانیان این تفکیک خود زنها بودند. سرمایه شناختی زنان یک سرمایه وجودی انسانی است و زن می‌تواند گفتگو کند، همدردی کند و از خشونت بهره نبرد. سازمان کنونی ما بازتولید خشونت و فساد است و فاقد غمخواری و توجه به دیگری و مثلاً رییس دانشگاه فقط می‌گوید پول دریاورید یا آمار مقالات را بالا ببرید و این تأثیر ایدئولوژی و قدرت است، اما نمی‌گوید از طریق علم گفتگو ایجاد کنیم و به همدلی و هم‌زبانی کمک نماییم.

درحالیکه در فرهنگ زنانه اینطور نیست و زنانه کردن سازمان راه حل برونشد از انواع بحرانهای آموزشی و زیستی و علمی و اخلاقی و غیره است.

فیاض گفتگو را ادامه داد و گفت: از زاویه دیگر هم می شود قضیه را دید و آن اینکه خداوند در قرآن فرموده ما انسانها را اطوار (طور طور) آفریدیم و وقتی کنار هم قرار بگیرند باعث توسعه هستند انسان استعدادهای مختلف دارد و اگر جامعه ای توسعه یافته باید از این استعدادهای سوای زن و مرد بودن بهره ببرد و به جای زن بودن به استعداد وی توجه شود.

فاضلی گفت: من قبول دارم اما همین طور طور بودن را برای تبعیض و سرکوب زن بکار برده اند و امروزه برای توسعه مسئله سازمان مهم است. فیاض گفت: فرهنگ هم مهم است و فاضلی ادامه داد: ما به دلایل تاریخی از فرهنگ زنانه محروم شدیم و وضعیتمان چنین شد و اخلاق از گفتمان رسمی ما حذف شد و لذا سوالات این چینی که در زاویه طرح شده و جای تشکر دارد، قرن بیست و یکمی نیست و همانطور که از حرفهای ماقبل تاریخ در باره زنان در عصر مشروطه که می پرسیدند آیا زنان حق تحصیل یا غیره را دارند؟ دچار تعجب می شویم، از این طرح مسائل امروز ما هم پنجاه سال بعد متعجب خواهند شد.

فیاض گفت: بحث مشارکت سیاسی زنان در فرهنگ عمومی گیرهای معرفتی دارد و به تعبیری دیکتاتوری توده ها از هر نوع دیکتاتوری قوی تر است و ما اکنون یک مقاومت فرهنگی در بحث زنان داریم. فاضلی گفت: مخالفم و فیاض ادامه داد: چنین چیزی؛ مشارکت زنان مطالبه یک انسان عادل است. آیا اینکه درباره نیمی از جامعه یعنی زنان بگویند اینها عقل ندارند به کسی بر نمی خورد؟ به مردان و عالمان دینی و فرهیختگان و غیره؟ بزرگان دین و سیاست و فرهنگ

جامعه باید بگویند که از توان همه جانبه زنان استفاده شود و در بحث مشارکت زنان تعیین درصد برای زن و مرد مطرود و به معنای تقابل است درحالیکه در هیچ جای دین از تقابل زن و مرد گفته نشده بلکه به تعامل و ارتقای این دو اشاره شده و این دو باید دست همدیگر را بگیرند و فرهنگ را درست نمایند.

ما نیاز به توسعه فرهنگ ناموس اجتماعی داریم. ما طبق فرهنگ دینی و اجتماعی خود یک فرهنگ ناموس نسبی داریم و این به تفکیک محرم از نامحرم و مشکلاتی در این زمینه منجر شده و به قطع روابط این دو انجامیده و تا مردی بفهمد زنی نامحرم اوست حس مسئولیت پذیری وی سلب شده و به او بی توجهی می کند! گو اینکه وقتی کسی نامحرم است نباید آدم حسابش کرد. درحالیکه باید فرهنگ ناموس اجتماعی رشد یابد و همه زنان و مردان نسبت به هم مسئولیت اجتماعی داشته باشند و محرم و نامحرم بودن عامل ایجاد دیوار بین این دو نشود. شاگرد من وقتی با من حرف می زد کانه با دیوار حرف می زد و این نهایت بی احترامی است که من برایش با دیوار و میز و صندلی فرق نداشتم.

لذا چرا ما نگران حضور زنان در سازمان هستیم؟ آن هم به دلیل ایجاد مفسده؟ چون به نگاه ناموس نسبی یعنی محرم و نامحرم و دیگر هیچ دچار هستیم! که معتقد به قطع رابطه است، اما می توان چنان کرد که روابط در نهایت سلامت و تعالی رشد یابد و در این صورت اخلاق مراقبت که دکتر فاضلی هم اشاره داشتند شکل می گیرد. فاضلی به فیاض اعتراض کرد که اتفاقاً ساختار قدرت اجازه نمی دهد نه توده ها و فیاض گفت: اعتقاد ندارم اخلاق مراقبت را فقط زنان باید بیاورند، زیرا می تواند احساس همدلی و دلسوزی و احترام متقابل وجود داشته باشد.

فاضلی گفت: نقطهٔ اختلاف من و خانم فیاض در این است که من به توده‌ها حواله نمی‌دهم و فیاض بلافاصله گفت: اتفاقاً معتقدم در نخبگان هم وضع همین است و فاضلی ادامه داد: اتفاقاً جامعه خواهان اصلاح سازمان و برقراری تعادل جنسیتی است و این توده‌ها نیستند که مقاومت می‌کنند، و فیاض هم تأیید کرد که نخبگان مقاومت می‌کنند و فاضلی ادامه داد: دقیقاً همینطور است و نخبگان فقط روشنفکران نیستند و شامل حکومت و سازمان و غیره می‌شوند. صلواتی اعتراض کرد که: دولت که گفته ۳۰ درصد مشارکت را به زنان اختصاص دهند! فاضلی پاسخ داد: نه فقط دولت نیست و ساختار گفتمان رسمی پذیرای این نیست که اخلاق مراقبت و فرهنگ زنانه و ارزش‌های وجودی در سازمان قرار گیرد زیرا سازمان بر اساس اخلاق مردانهٔ قدرت بنا شده است. فیاض هم خاطرنشان کرد که من ناموس اجتماعی را در سازمان مدنظرم بود نه توده‌ها! فیاضی گفت: تحولات نهادی باید رخ دهد و مشکل از قوانین و گفتمان رسمی و عرف و فرهنگ سازمانی است که پذیرای چنین چیزی نیستند درحالی‌که مطالبهٔ جامعه است. اکنون زنان ما باسواد شده‌اند و بسیار با زنان عصر مشروطه فرق دارند ولی هنوز سازمان این را نفهمیده است.

فاضلی ادامه داد: حدود هفت میلیون دختر ازدواج نکرده وجود دارد که می‌خواهند بر اساس ارزش‌های وجودی دیده شوند نه نقش مادری و بنابراین دیگر نمی‌توان گفت زن یعنی مادر. بحث پست اجرایی بحث سازمان است و مشکل ما سازمان است و زنان چه می‌توانند برای سازمان بکنند؟ فرهنگشان را می‌توانند به آن بدهند؛ فرهنگ زنانگی و مشکل سازمان هم نبود همین فرهنگ زنانگی است. اما اولاً فرهنگ زنانگی به نوعی نقد اخلاق قدرت است و در ثانی باید توسط زنانی ارائه شود که نمایندهٔ اخلاق قدرت نباشند. اما فیاض خاطرنشان کرد که این

قدرت خودبخود ایجاد می‌شود و همین قدرت است که درصد مشارکت برای زنان تعیین می‌کند.

### **برنامه دولت برای مقابله با بدحجابی در دستگاه‌های خصوصی**

جانشین قائم مقام وزیر کشور در ستاد صیانت از حریم امنیت عمومی و حقوق شهروندی گفت که یکی از برنامه‌هایی که در این ستاد به دنبال آن هستیم، «مشکل بدحجابی در دستگاه‌های خصوصی زیرمجموعه دولت مانند مهدهای کودک و کارمندان بانک‌های خصوصی» است که پیگیر آن بوده و جلسات مختلفی را تا به امروز برگزار کرده ایم.

جانشین قائم مقام وزیر کشور در ستاد صیانت از حریم امنیت عمومی و حقوق شهروندی خاطرنشان کرد: «یکی از برنامه‌هایی که در این ستاد به دنبال آن هستیم، مشکل بدحجابی در دستگاه‌های خصوصی زیرمجموعه دولت است که پیگیر آن بوده و جلسات مختلفی را تا به امروز برگزار کرده ایم.» ملازاده تصریح کرد: «امروز در جامعه مراکز بخش خصوصی و دانشگاه‌ها وضعیت مطلوبی دیده نمی‌شود که این روند باید اصلاح شود.»

ملازاده در پایان ابراز کرد: «ساماندهی کارمندان بانک‌های خصوصی، مهدهای کودک، آرایشگاه‌ها و... از برنامه‌هایی است که در دستور کار این ستاد قرار دارد.»



## صدور حکم شلاق و حبس برای دو شهروند در ایلام و سقز

خبرگزاری هرانا - دادگاه کیفری شهرستان سقز یک دختر دانشجو را به اتهام «اخلال در نظم عمومی» به ۵۰ ضربه شلاق و جریمه نقدی محکوم کرد. وی متهم است در پی برگزاری فراندوم استقلال اقلیم کردستان عراق در جشن و شادمانی خیابانی ناشی از این واقعه مشارکت جسته است. همزمان یک فعال ایلامی که با تودیع وثیقه آزاد شده بود، به یک سال حبس محکوم شد. اتهام وی تبلیغ علیه نظام عنوان شده است.

به گزارش خبرگزاری هرانا به نقل از مرکز دموکراسی و حقوق بشر کردستان، اخیراً «زمانه زیویه» دانشجوی ترم آخر رشته‌ی حقوق دانشگاه پیام نور سقز با اتهاماتی همچون «اقدام علیه امنیت ملی»، «شرکت در تجمعات غیرقانونی» و «اخلال در نظم عمومی» مورد محاکمه قرار گرفت. خانم زیویه با تبرئه از بعضی اتهامات نهایتاً از بابت اخلال در نظم عمومی به ۵۰ ضربه شلاق و یک میلیون و هشتصد هزار تومان جریمه نقدی محکوم شد.



این حکم در روز ۱۶ آذر به وکیل زمانه زیویه ابلاغ شده و او نیز بنا به درخواست موکل به حکم اعتراض کرده است. خانم زیویه در روزهای چهارم و پنجم آذرماه سال جاری در سقز محاکمه

شده بود. زمانه زیویه در روز ۱۵ آبان به اتهام تحریک مردم به برگزاری تجمعات غیرقانونی و حمایت از فراندوم استقلال اقلیم کردستان عراق توسط نیروهای امنیتی وابسته به سپاه در منزلش بازداشت شد و بعد از گذشت سه روز با تودیع وثیقه ۸۰ میلیون تومانی امکان آزادی یافت. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی صراحتاً استفاده از مجازات‌های غیرانسانی و موهن از جمله اعدام و شلاق را ممنوع کرده است.

**یک فعال مدنی در ایلام به حبس محکوم شد** - از سویی دیگر روز ۱۸ آذر ۱۳۹۶، «سجاد تابانی» از سوی دستگاه قضایی جمهوری اسلامی به اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام به یک سال حبس محکوم شد. صدور حکم با استناد به ماده‌ی ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی صورت گرفته که طبق آن هرگونه فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی یا به نفع گروهها و سازمانهای مخالف نظام، جرم محسوب شده و برای آن مجازات تعیین شده است. یک منبع مطلع در این رابطه گفت: «وی به حکم صادره اعتراض نموده است هر چند در صورت تایید مجدد آن در دادگاه تجدیدنظر، جهت اجرای حکم راهی زندان می‌شود».

سجاد تابانی که در شهریور ۱۳۹۵ در محل کارش در کارگاه نقاشی خود در خیابان صدوقی ایلام از سوی مامورین امنیتی بازداشت شده بود، روز یکشنبه ۴ مهر همان سال با تودیع وثیقه امکان آزادی موقت یافت.

**ناگفته‌های ورود زنان به ورزشگاه**



خلاصه اینکه فکر کنیم و پیشنهاد دهیم. مطالبه را در نقطه واقعی اش قرار دهیم. کسی در نظام خصومت و پدرکشتگی با بانوان علاقه مند به مسابقات ندارد. پایگاه خبری تحلیلی «پارس»- محسن مهدیان- عکس خانمی در اهواز منتشر شده که با لباس و ظاهر مردانه به ورزشگاه رفته است. طبیعی است که عده ای هم منتظر چنین اخباری اند تا آه و فغان کنند که «ای وای مظلومیت زنان چنان است و چنین».

اما تردید ندارم بسیاری از منتقدین ابعاد موضوع را درست نمی دانند. یک سوال ساده وجود دارد؛ واقعن چرا نظام مخالف است؟ برخی با آمدن اسم دین و اخلاق کهیر می زنند. این دسته مخاطب ما نیستند. برخی هم تصور می کند نظام با زنان پدرکشتگی دارد. خب اینها هم مخاطب ما نیستند. خورشید را منکرند. اما برخی مدافعان ورود زنان به ورزشگاه، واقعن دلسوزند و متدین؛ اما ظاهرا ابعاد ماجرا را نمی دانند. سوال خیلی ساده این است که با خلاف شرع ماجرا چه می کنند؟

ورود زنان به ورزشگاه دو منع دارد. یکی اش ظاهرا قابل حل است و دیگری مختصری پیچیده تر. منع اول اختلاط زن و مرد آنهم در شرایط هیجان ورزشگاه است که معمولا توان کنترل احساسات وجود ندارد. اما این منع می تواند با تدابیری رفع شود. مثلا مسیر ورود و خروج و جایگاه نشستن و غیره را متفاوت ببینند. اما منع دوم مهمترست. دیدن بدن برهنه مردان

ورزشکار برای زنان، بنا به نظر اکثر مراجع خلاف شرع است. ممکن است سوال شود پس تلویزیون چگونه نمایش می دهد؟ اشکال در تماشای مستقیم است. ممکن است گفته شود از کجا می دانیم به قصد ریبه و لذت است؟ پاسخ اینست که اساسا شرط ریبه وارد نیست. اصل دیدن اشکال دارد.

ممکن است سوال شود پس این همه مرد با آستین کوتاه در خیابان چه می کنند؟ پاسخ اینست که این حکم برای دیدن خانم هاست نه پوشش آقایان. ضمن اینکه زن می تواند برهنگی مرد را در خیابان نبیند اما برای ورزشگاه قاعدتا فرق می کند، می رود برای تماشا.

ممکن است گفته شود خب اگر کسی مقید نبود چه؟ چرا باید محدود شود؟ پاسخ اینست که حکومت وظیفه دارد مانع شکل گیری بستر گناه در جامعه شود. گناه اثر وضعی دارد. دامن همه را می گیرد. ممکن است گفته شود که همه مراجع چنین حکمی ندارند. برخی هم احتیاط واجب دانستند که می شود به مرجع دیگر رجوع کرد. پاسخ اینست که در موارد اختلافی مراجع، نظر ولی فقیه ارجح است. نظر رهبری نیز در این باره مثل نظر اکثر مراجع است.

اما این یعنی بن بست؟ خیر. باید با علم به ابعاد این ماجرا درست مطالبه کرد. با این علم، جنس مطالبه مان تغییر می کند و بیشتر احتیاط داریم. اما اصل مطالبه وارد است. شاید این مانع نیز قابل حل باشد. مثل اینکه ورزشکاران با پوششی شبیه مسابقات زمستانی حاضر شوند. احتمالا تمایل داشته باشند برای آمدن خانم ها به ورزشگاه همکاری کنند!

از همه مهمتر اینکه اهل فن، موضوع را با همه ابعادش برای مراجع باز کنند؛ مثل این فرض که فاصله بانوان از ورزشکاران زیاد است و شاید در تغییر شرایط و اصل حکم موثر باشد. البته می توان از حیث ضرورت های اجتماعی و مصالح و اولویت های مهمتری نیز به موضوع توجه کرد که جای طرحش اینجا نیست. خلاصه اینکه فکر کنیم و پیشنهاد دهیم. مطالبه را در نقطه واقعی اش قرار دهیم. کسی در نظام خصومت و پدرکشتگی با بانوان علاقه مند به مسابقات ندارد.

ای کاش برای مسوولین ما هم مطالبه مردم مهم باشد. حداقل بدان فکر کنند؛ فارغ از جنجال ها و ژست های سیاسی شب انتخاباتی. فایده این رفت و برگشت بین منتقدین و مسوولین و علمای معزز چیست؟ ممکن است در نهایت به این جمع بندی برسیم که اشکال شرعی اش قابل رفع نیست. اما این اعتنا به مردم، تقویت اعتماد اجتماعی است که از نان شب واجب ترست.

### **شیرین عبادی: «این اعتراض ها فراگیرتر از جنبش سبز در سال ۸۸ است»**



شیرین عبادی، حقوقدان و برنده جایزه نوبل صلح در یک پیام ویدئویی مردم ایران را به نافرمانی مدنی در مقابل حکومت جمهوری اسلامی دعوت کرده و در مصاحبه با یک رسانه ایتالیایی

اعتراضات سراسری را «نقطه آغاز جنبشی عظیم» خوانده است که می‌تواند فراگیرتر از اعتراض‌های سال ۱۳۸۸ شود.

به گزارش تارنگار حقوق بشر در ایران، شیرین عبادی در ویدیو خود می‌گوید حکومت ایران ۳۸ سال است که به حرف مردم ایران بی‌اعتناست و حالا وقت آن رسیده که مردم حرف جمهوری اسلامی را گوش ندهند و فریب وعده‌هایش را نخورند. این حقوقدان با دعوت به نافرمانی مدنی توصیه کرده که شهروندان پول‌های خود را از بانک‌ها خارج کرده و قبوض آب، برق و گاز را نپردازند. خانم عبادی با روزنامه ایتالیایی «لارپوبلیکا» نیز مصاحبه کرده و گفته که اعتراض‌های اخیر، تازه «نقطه آغاز جنبشی عظیم» است که می‌تواند فراگیرتر از اعتراض‌های سال ۱۳۸۸ شود.

شیرین عبادی در این مصاحبه می‌گوید: «فکر نمی‌کنم این اعتراض‌ها به زودی خاتمه یابد. به نظر می‌رسد ما شاهد آغاز جنبش اعتراضی عظیمی هستیم که می‌تواند فراگیرتر از جنبش سبز در سال ۱۳۸۸ شود. تعجب هم نمی‌کنم که این اعتراض‌ها به جنبشی عظیم‌تر تبدیل شود».

این برنده جایزه صلح نوبل با اشاره به اینکه اعتراض‌ها در ایران ریشه اقتصادی و اجتماعی دارد، گفته است: «در ایران، یک بحران بسیار جدی اقتصادی وجود دارد. فساد، کل کشور را فرا گرفته است و پایان تحریم‌ها در نتیجه توافق هسته‌ای بین ایران، اروپا و آمریکا در سال ۱۳۹۴، بر خلاف آنچه که همگان انتظار داشتند منافع واقعی برای مردم به ارمغان نیاورده است».

خانم عبادی با بیان اینکه «ایران یکی از کشورهای دارای هزینه بالای نظامی است» تاکید کرده است که «مردم نمی‌خواهند پول زیادی خرج این کار می‌شود». به گفته این حقوقدان ایرانی ساکن لندن، جوانان به خاطر بیکاری بالا، فساد و سانسور «بسیار سرخورده شده‌اند».

رئیس کانون مدافعان حقوق بشر در پایان این مصاحبه یادآور شده است: «اوضاع اقتصادی و شکاف فاجعه‌بار بین ثروتمندان و فقرا، بین کسانی که از رفاه برخوردارند و کسانی که فاقد آن هستند، ریشه‌های اعتراض‌های اخیر هستند». اعتراضات مردم ایران به وضعیت اقتصادی و سیاسی کشور که از روز هفتم دی ماه در شهرهای مشهد و نیشابور آغاز شده، تا آخرین ساعات روز دوازدهم دی ماه نیز در شهرهای مختلف ادامه داشته است.

### حقوق بشر، اعلامیه جهانی، اعلامیه اسلامی



در سال ۱۹۵۰، کشورهای اتحادیه اروپا آغاز تدوین کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (The Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms) قدمی در راه محکم‌تر کردن منطقه‌ای اعلامیه جهانی برداشتند.

گرچه این عمل کشورهای اروپایی در مسیر کمک به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی بود اما منجر شد به دادن بهانه به کشورهای اسلامی تا با وارد ساختن ایراداتی همچون ضعف شناخت

تدوین‌کنندگان اعلامیه جهانی از «رویکرد توحیدی»، نادیده انگاشتن «خدا» در اعلامیه و عدم تبلور تمام نگرش‌ها (اعلامیه جهانی با رأی ۴۸ کشور از جمله ایران به تصویب رسیده است)، در سال ۱۹۹۰ با حضور ۵۴ دولت اسلامی حاضر در «کنفرانس کشورهای اسلامی» در قاهره شروع به تدوین «اعلامیه اسلامی حقوق بشر» کنند که جهان‌شمولی، جداناپذیری و تقدم و تأخر بندهای اعلامیه جهانی را زیر سؤال می‌برد.

در مقام مقایسه اعلامیه جهانی حقوق بشر با اعلامیه اسلامی حقوق بشر نخست می‌بایست انسان و حقوق قائم‌به‌ذات انسان را از نگاه هر دو اعلامیه تعریف کرد چون بزرگ‌ترین تفاوت دو اعلامیه در همین نگرش به انسان است.

در اسلام انسان‌رها از خدا و وحی، دارای صلاحیت کامل و لازم نیست. به همین دلیل به گفته محمدتقی مصباح یزدی، شرط تبیین خردمندانه حقوق بشر دو اصل است: یکی شناخت دقیق ارتباط وجودی انسان باخدای متعال و دیگری شناخت هدف آفرینش انسان.

در ماده ۱۸ اعلامیه جهانی اما آمده است که هر انسانی محق به داشتن آزادی اندیشه، وجدان و دین است ولی رسیدن به شناخت خدا به‌عنوان دلیل زندگی برشمرده نشده است.

به عبارت دیگر اعلامیه جهانی انسان را از تولد تا مرگ می‌نگرد و در اعلامیه اسلامی، جهان پس از مرگ نیز موردبررسی قرار می‌گیرد: «دولت‌های عضو سازمان کنفرانس اسلامی، بر نقش تمدنی و تاریخی امت اسلامی تأکید دارند. خداوند امت اسلامی را بهترین امت برگزید تا این امت یک تمدن جهانی همگون را به بشریت تقدیم نماید. تمدنی که می‌تواند دنیا را به آخرت ربط داده و علم و ایمان را به هم پیوند دهد.»



در نگاه مسلمانان، اعلامیه جهانی حقوق بشر برآمده از تأثیر پیامبران الهی بر فلسفه یونان است که از قوانین اسلامی که کامل‌ترین دین -از نظر مسلمانان- در میان ادیان است گاهی سبقت گرفته و گاهی عقب‌مانده است. در اعلامیه جهانی حقوق بشر انسان با زنده متولد شدن دارای حقوق بنیادینی می‌شود که سلب این حقوق به‌مانند حق تابعیت، آزادی حرکت، ازدواج و مالکیت و ... باید ناممکن بشود.

ابناء بشر تعریف شده در اعلامیه جهانی همه عضو یک خانواده و برابر هستند، هیچ‌کس بر دیگری به هیچ دلیل و عنوان برتری ندارد و نمی‌توان او را به بردگی گرفت یا به حیث نژاد، رنگ، جنسیت یا دین از حقوق بنیادین پایین‌تری برخوردار کرد.

در اعلامیه اسلامی اما شریعت اسلامی تنها مرجع برای تفسیر یا توضیح هر ماده از مواد این اعلامیه است و بنا بر این شریعت، باتقواترین افراد بر دیگری برتری دارد.

در اسلام قوانین یا الهی است و از سوی خدا به بشر وحی شده که غیرقابل تغییر و ابدی است یا قوانین اسلامی را می‌بایست در حدیث و رفتار پیامبر و امامان یافت. اگر وحی یا حدیث پیرامون حقی کشف نشد، در مقام آخر انسان جایز به تفکر و به دست آوردن راهی برای حل مسأله است: «همه مخلوقات به‌منزله عائله خداوندی هستند و محبوب‌ترین آنان نزد خدا سودمندترین آنان به‌هم‌نوع خود است و هیچ‌احدی بر دیگری برتری ندارد مگر در تقوا و کار نیکو.» در زمینه حقوق زنان نیز این حق در پاسخ به «انجام وظیفه» آنان تعریف می‌شود. از سوی دیگر و تنها به‌عنوان یک نمونه، اگر مشکلی در روابط زوجین پدیدار شود، در صورت وجود پدر یا جدّ پدری، حق انتخاب و نوع تربیت فرزند از مادر سلب می‌شود.

از سوی دیگر بنیان اعلامیه جهانی حقوق بشر بر حفظ جان و کرامت انسانی استوار است و در دیباچه این اعلامیه، آزادی بیان و عقیده از عالی‌ترین آرزوهای بشر شمرده شده است. اما آیا اعلامیه قاهره نیز از ساختاری این‌چنینی برخوردار است؟

قصاص یا مجازات‌هایی به‌مانند چشم در برابر چشم و جان در برابر جان، نشان می‌دهند که حقوق بشر اسلامی تا چه اندازه ممکن است واپسگرا باشد. قوانینی که تکمیل‌کننده زندگی انسان‌های غیر متمدن بودند.

در حالی که جنگ‌های قبیله‌ای جای خود را به جنگ‌های جهانی داده بودند (البته همچنان فجایعی از هر دو شکل در گوشه و کنار عالم به چشم می‌خورد)، اعلامیه جهانی حقوق بشر تلاشی بود برای کشیدن خط بطلان بر تمام این آدم‌کشی‌ها. کوششی برای آزاد کردن بشر از قید رنگ و نژاد و دین و فراهم کردن زمینه برابری به جای نگاه از بالا به پایین.

قوانین شریعت اسلام که مبنای اعلامیه حقوق بشر اسلامی هستند اما بدون تغییر باقی مانده‌اند و از قرنی به قرن دیگر و از کشوری به کشور دیگر منتقل شده‌اند.

به این ترتیب مجازات‌هایی همچون اعدام و قصاص با ریشه دواندن در روح دین تبدیل به گریزی شدند که مخالفت با آن‌ها به معنای مخالفت با خواست خدا تلقی می‌شود.

حالا اگر هر دو اعلامیه را به‌مثابه ریسمان در نظر بگیریم، ریسمان حقوق بشر جهانی احتمالاً می‌تواند ما را از ته چاه بیرون بیاورد و ریسمان حقوق بشر اسلامی، شاید همچون طنابی باشد که چوبه دار، تبعیض و قصاص به آن متصل شده‌اند. دانیال خنده‌رو، رادیو زمانه

# بخش چهارم

گزارشات نقض حقوق محیط زیست



## دریاچه ارومیه محل تخلیه زباله کارخانجات صنعتی

بیشترین تاثیرات زیست محیطی در استانهای آذربایجان شرقی، غربی و کردستان مشهود خواهد بود آثاری از افزایش بیماریهای کوتاه مدت مانند حساسیتهای چشمی و پوستی، بیماریهای روحی و تنفسی در ساکنان حوضه آبریز ارومیه مشاهده شده است. دریاچه ارومیه

در این سال‌ها محل تخلیه پساب‌ها و زباله کارخانجات صنعتی شده است. نماینده مردم ارومیه در مجلس با انتقاد از عملکرد دولت یازدهم در حل معضل دریاچه ارومیه، تصریح کرد: دریاچه مظلوم ارومیه در این سال‌ها محل تخلیه پساب‌ها و زباله کارخانجات صنعتی شده و ما هیچ امیدی به حل مشکل این دریاچه در دولت دوازدهم نیز نداریم، چرا که براساس آخرین خبرها مدیران سازمان محیط زیست بدون تغییر نسبت به دولت یازدهم در سمت خود ابقاء شده‌اند، البته باید منتظر باشیم و ببینیم آیا آقای کلانتری در صورت منصوب شدن به عنوان رئیس سازمان محیط زیست می‌تواند اقدامی سازنده در احیای دریاچه ارومیه انجام دهد یا خیر.



خشکیدن دریاچه ارومیه یعنی برخاستن غبار؛ غبار نمکی. هراس از همین غبار نمکی که به جز بیماریهای صعب‌العلاج، از بین رفتن محصولات کشاورزی را به دنبال دارد، باعث شد ستاد احیای دریاچه ارومیه، پیشگیری از طوفانهای نمکی، گردوغبار و فرسایش خاک را یکی از اولویتهای فعالیتش قرار بدهد. اگرچه دریاچه در طول بیشتر از سه سال فعالیت ستاد احیا به وضعیت تثبیت رسیده و برنامه ۱۰ ساله احیای آن در حال آغاز است اما براساس پیش‌بینی‌ها، اگر بودجه به شکل گذشته به طور مرتب اختصاص پیدا نکند روند خشکیدن دریاچه پس از توقف آن، ادامه خواهد کرد و غبار نمکی حتی زنجان، همدان، کرمانشاه و ایلام را هم دربرخواهد گرفت.

## نقش سازمان ملل متحد در قرن بیست و یکم

- ۱- سده جدید، چالش‌های تازه- آغاز هزاره جدید موقعیتی برای جشن و تفکر است.
- ۲- در شب سال نو هنگامی که زنگ ساعت نیمه شب نواخته شد، در هر منطقه، زمانی بعد از منطقه دیگر، از (Kiribati) و فیجی گرفته به سمت باختر، پیرامون ارض بسوی ساموا (Samoa) دنیا جشن گرفت، نه تنها مردم یکه تصویری رود هزاره برایشان مفهوم خاصی در بر دارد بلکه مردمان با فرهنگ‌های مختلف در آن شرکت کردند. دیوار بزرگ چین و اهرام مصر، همانند میدان مانجر (Manger) در بیت‌الحم و میدان سنت پیترو در رم روشن شده بودومی درخشید، توکیو، جاکارتا و دهلی نو، در برگزاری جشن‌های هزاره، به سیدنی، مسکو، پاریس، نیویورک، ریودوژانیرو و صدها شهر دیگر پیوستند.
- از اسپیزبرگن در نروژ گرفت. هتاجزیره رو بن (Ruben) در جنوب آفریقا، در چهره‌های کودکان نور شمع منعکس بود. طی ۲۴ ساعت، خانواده بشری، بانمایش بی‌سابقه‌ای از تنوع غنی، وحدت خویش را جشن گرفت.
- ۳- اجلاس هزاره فرصتی برای تفکر در اختیار قرار می‌دهد. مجمع عمومی این گردهمایی سران کشورها و دولت‌ها را برگزار می‌کند تا درباره نقش ملل متحد در سده بیست و یکم بحث نماید. مناسبت و موضوع هر دو ایجاب می‌کند که از سر عنوان‌های خبری امروزی گامی پیش برداشته، درباره وضع جهان و چالش‌هایی که برای این سازمان ایجاد کرده، دید و نقطه نظراتی وسیع‌تر و دراز مدت‌تر اتخاذ کنیم.

۴- نکات زیادی می‌توان ذکر کرد که باید برای آن سپاسگزار باشیم. امروزه اغلب مردم انتظار دارند که بیش از والدینشان و خیلی بیشتر از اجداد دورترشان زندگی کنند. آنها بهتر تغذیه می‌کنند، از سلامتی بهتری برخوردارند، تحصیلات به تریمی‌کنند، وروی هم رفته با امکانات اقتصادی مساعدتری روبرو هستند.

۵- همچنین موارد بسیاری وجود دارد، که تاسف‌انگیز است و باید تصحیح شود. قری که به تازگی پایان یافت توسط مخاصمات بیرحمانه مکرراً زشت و بد نما شد. فقر طاقت فرسا و نابرابری چشمگیر بین کشورها و در داخل آنها، حتی با وجود ثروت بی‌سابقه همچنان ادامه درد. بیماریهای کهنه ونو پیشرفت‌هائی را که با رنج و سختی بدست آمده به خنثی ماندن تهدید می‌نماید. خدمات جانبخش طبیعت که بقای نوع بشر بدان بستگی دارد، توسط فعالیت‌های روزمره خود ما بطور جدی تباه شده است.

۶- زمانی که رهبران جهان در کنفرانس هزاره دهم آینده، مردم از آنها می‌خواهند تا چالش‌های عمده را مشخص و پیشاپیش براساس آن اقدام کنند.

۷- ملل متحد فقط در صورتی می‌تواند در کمک با مقابله با آن چالشها موفق شود که همگی احساس کنیم رسالتی جدید درباره اقدام مشترکمان داریم. لازم است به خاطر بیاوریم که سازمان ملل چرا و برای چه کسی وجود دارد. همچنین باید از خود بپرسیم که رهبران جهان از چه نوع سازمان ملل در حرف و در عمل آمادگی پشتیبانی دارند. پاسخهای روشنی لازم است تا فعالیت‌های سازمان در دهه‌های آینده تقویت شود و تمرکز یابد. این همان پاسخهایی است که اجلاس هزاره باید در اختیار ما قرار دهد.

۸- البته فلسفه وجودی سازمان ملل متحد خدمت به دولتهای عضو است. سازمان تنها رکن در نوع خود با عضویت جهانی و گستره جامع بوده و تعداد زیادی از اقدامات بشری را در بر می‌گیرد. این جنبه‌ها و نکات سازمان را به یک مجمع منحصر به فرد و سودمند برای تبادل اطلاعات، انجام مذاکره، تدوین معیارها و طرح انتظارات و نیز هماهنگی رفتار دولتها و نقش آفرینان دیگر و پیگیری برنامه‌های اقدام مشترک تبدیل نموده است. ما باید تضمین کنیم که ملل متحد این وظایف را تا آنجا که ممکن است به نحوی موثر و کارآ انجام دهد.

۹- ولی سازمان ملل متحد صرفاً یک ابزار و وسیله نیست. همانطوری که منشور آن به روشنی بیان می‌کند، هدف سازمان ملل ایجاد و ابداع اصول جدید در روابط بین‌المللی و نیز برقراری تفاوت کیفی در اقدام روزمره آن می‌باشد. اولین ماده منشور ما را تعریف می‌کند: حل و فصل اختلافات به شیوه‌هایی مسالمت آمیز، ابتکار راه‌حلهای مشترک برای مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بشردوستانه، و بطور کلی ترویج رفتار مطابق با اصول عدالت و حقوق بین‌الملل. به دیگر سخن، گذشته از هر گونه وظایف عملی که از سازمان ملل متحد خواسته شده، منظور آشکار و پذیرفته شده‌ای نیز دارد، که عبارت است از ایجاد تحول در روابط بین کشورها، و روشی که به وسیله آن امور جهان اداره می‌شود.

۱۰- این تمام قضیه نیست، زیرا هر چند ملل متحد سازمان دولتها است ولی منشور بنام ما مردمان دنیا نوشته شده است. منشور حیثیت و ارزش شخص انسان، احترام نسبت به حقوق بشر و حقوق برابر برای مرد و زن، تعهد نسبت به پیشرفت اجتماعی که با معیارهای بهتر زندگی اندازه گیری می‌شود، تا آسودگی خیال در برابر فراهم بودن نیازها و آسودگی در مورد فراهم



بودن امنیت را به یکسان برقرار کند مورد تاکید قرار می‌دهد. بنابراین در نهایت ملل متحد برای نیازها و امیدهای مردم در تمامی نقاط جهان وجود دارد و باید در خدمت آن باشد.

۱۱- ملل متحد طی ۴۵ سال اول وجود خود در چنگال جنگ سرد بسر برد، و از انجام پاره‌ای از رسالتهای محوری آن جلوگیری بعمل آمد، ولی وظایف مهم دیگری در سایه آن مخاصمات کشف کرد. طی ده سال گذشته، ملل متحد مواجه با ستیزه‌هایی بوده که از تغییرات پر سر و صدای عصر جدید ناشی شده. در بسیاری از موارد اقدامات خوبی بعمل آورده و در امور دیگر کوتاهی کرده است. اکنون اجلاس هزاره فرصت منحصر به فردی به رهبران جهان می‌دهد تا ملل متحد را در قرن بیستم و یکم متحول و آن را قادر سازند تفاوت واقعی و قابل سنجشی در زندگی مردم ایجاد نماید.

۱۲- اینجانب با کمال احترام گزارش حاضر را به دولتهای عضو تقدیم می‌کنم تا کار آنها را در تهیه مقدمات برای اجلاس تسهیل نموده و موجب برانگیختن مشاورات بعدی آنها در اجلاس گردد. گزارش حاضر بعضی از چالش‌های فوری را که مردم دنیا با آن روبرو هستند و در حوزه ملل متحد قرار می‌گیرد مشخص می‌نماید، موضوعاتی را که باید بدان اولویت داده شود جهت بررسی کشورهای عضو پیشنهاد می‌کند، و چند اقدام فوری که می‌توان در خود اجلاس بعمل آورد را پیشنهاد می‌نماید تا روحیه مردم را تقویت و زندگی شان را بهبود بخشد.

۱۳- کلیه این پیشنهادها در زمینه جهانی شدن، که دنیا را در هنگام ورودمان به قرن بیست و یکم متحول می‌سازد، مطرح شده است. در عصر جدید، اقدامات مردم دائماً هر چند بطور ناخواسته در زندگی سایرین که در نقاط دور زندگی می‌کنند تاثیر می‌گذارد.

جهانی شدن فرصتهای زیادی بدست می‌دهد، ولی در حال حاضر منافع شبه صورت بسیار نابرابر توزیع شده، در حالی که هزینه‌اش توسط تمامی مردمان تقبل و پرداخت می‌شود.

۱۴- بنابراین چالش محوری که امروزه با آن مواجه هستیم این است که تضمین کنیم جهانی شدن به یک نیروی مثبت برای تمامی مردم جهان تبدیل گردد، به جای آنکه میلیاردها نفر از آنها را در بلاتکلیفی باقی گذارد. جهانی شدن فراگیر باید بر نیروی توانمند بازار بنا شود، ولی نیروی بازار به تنهایی نمی‌تواند آن را بدست آورد. این امر مستلزم کوشش دامن‌دارتری است برای ایجاد آینده‌ای مشترک بر مبنای بشریت مشترکمان با تمامی تنوع و گوناگونی آن.

۱۵- این امر به نوبه خود مستلزم آن است که دوباره بیندیشیم چگونه فعالیتها و مصالح مشترک خود را اداره کنیم، زیرا بسیاری از چالشهایی که امروزه فرا روی ما قرار دارد خارج از توانایی بسیاری از کشورها است که به تنهایی با آن مقابله نمایند. در سطح ملی باید بهتر حکومت کنیم و در سطح بین‌المللی باید یاد بگیریم چگونه با یکدیگر بهتر حکومت نماییم. دولتهای موثر برای هر دو وظیفه ضروری است، و ظرفیت آنها برای هر دو نیاز باید تقویت گردد. ما نیز باید نهادهای بین‌المللی را، که از طریق آن دولتها بهتر می‌توانند حکومت کنند، با واقعیات عصر جدید تطبیق دهیم و نیز باید ائتلافهایی از تغییرات غالباً با شرکایی ورای حدود و ثغور دستگاه اداری، تشکیل دهیم.

۱۶- هیچ تغییری در نحوه اندیشه و عمل ما نمی‌تواند حیاتی‌تر از مورد زیر باشد: باید مردم را در مرکز هر آنچه انجام می‌دهیم قرار دهیم. هیچ ندایی با شکوه تر و هیچ مسئولیتی بزرگتر از آن نیست که مردان و زنان و کودکان شهرها و روستاهای سرتاسر دنیا را قادر سازیم تا زندگی

خود را بهبود بخشند. تنها در هنگامی که این امر اتفاق می‌افتد پی می‌بریم جهانی شدن واقعاً فراگیر شده، و به همگان اجازه داده در فرصتهای آن سهیم باشند.

۱۷- ولی باید چیزی بیشتر از صرفاً صحبت درباره آینده خود انجام دهیم. باید آن را بسازم و از هم اکنون اجازه دهید اجلاس هزاره با توافق درباره دید مشترکمان، تعهد دولتهای عضو نسبت به ملل متحد خودشان را مجدداً به نمایش گذارد. اجازه دهید رهبران جهان به مجرد آن که به کشورهای خود بازگشتند براساس آن عمل نمایند و بدان وسیله تعهد خود را به اثبات برسانند.

۱۸- در سالهای اولیه تاسیس ملل متحد، اتمام کار به موقع مجمع عمومی با دقت قابل پیش‌بینی بود و جلسه پایانی آن با آخرین سفر دریایی کشتی کوین مری در آن سال تنظیم می‌شد. آشکارا آن دنیا با جهان امروز بسیار متفاوت بود.

۱۹- در حقیقت، زمانی که سازمان ملل متحد تاسیس شد، دوسوم اعضای فعلی به عنوان کشور مستقل وجود نداشتند، و مردم آن هنوز تحت حکومت استعماری زندگی می‌کردند. کل جمعیت کره زمین کمتر از ۲/۵ میلیارد نفر بود، در حالی که جمعیت امروز ۶ میلیارد نفر است. موانع تجارتي بسیار بالا، جریان بازرگانی اندک و کنترل بر سرمایه شدید بود. اغلب شرکتهای بزرگ در داخل کشور واحدی عمل کرده و فقط برای بازار خانگی خود تولید می‌کردند. هزینه مکالمات تلفنی به آن طرف اقیانوسها برای یک فرد معمولی باز دارنده و شاق بود، و استفاده از آن برای مقاصد تجارتي به اوضاع و احوال استثنایی محدود می‌گشت. میزان تولید فولاد به عنوان معیار ارزشمندی برای قدرت اقتصاد ملی تلقی می‌شد. اولین رایانه دنیا بتازگی ساخته شده بود، که اطاق بزرگی را اشغال می‌کرد و دارای ۱۸۰۰۰ لوله الکترونیکی و نیم میلیون اتصال بود، و برای هر وظیفه جدید سیم کشی آن می‌بایست تغییر می‌کرد. اکولوژی یا بوم

شناسی موضوعی بود که در قالب علم زیست‌شناسی مورد مطالعه قرار می‌گرفت و به cyberspace حتی درداستانهای علمی-تخیلی اشاره‌ای نشده بود.

۲۰- می‌دانیم اوضاع تا چه اندازه تغییر کرده است. از سال ۱۹۵۰ صادرات جهان حتی پس از تطبیق یافتن با تورم، ده برابر شده است و دائماً با سرعتی بیش از تولید ناخالص داخلی دنیا رشد می‌کند. سرمایه‌گذاری خارجی با آهنگی سریع‌تر افزایش یافته، میزان فروش توسط شرکتهای چند ملیتی از صادرات جهان تجاوز کرده و معاملات بین شعب شرکتهای بخش رو به افزایشی از تجارت جهانی را تشکیل می‌دهد، جریان ارز خارجی تا میزان ۱/۵ تریلیون دلار در روز صعود کرده، در حالی که در سال ۱۹۷۳ که نرخ ثابت ارز خارجی سقوط کرد رقم فوق ۱۵ میلیارد دلار بود. یک مورد از ادغام مخابراتی فرامیلتی منجر به ایجاد شرکتی شد که ارزش بازاری آن فراتر از تولید ناخالص داخلی تقریباً نیمی از اعضای ملل متحد است. هر چند که از لحاظ ارزش، شرکت فوق فقط در مقام چهارم قرار دارد. امروز هیاتهای نمایندگی مجمع عمومی که باید با فوریت گرد هم آیند می‌توانند اقیانوس اطلس را در کمتر از چهار ساعت طی کنند، و اگر بخواهند می‌توانند در طول راه از طریق اینترنت یا مکالمه تلفنی به امور رسیدگی نمایند.

**بزرگترین اعتراض زیست محیطی تاریخ ایران**

توجه شهروندان ایران به محیط زیست رو به گسترش است. آنها امروز حاضرند اعتراض خود را نسبت به آلودگی‌های زیست محیطی به نمایش بگذارند. آیا ایران نیاز به یک "تشکل سراسری سبز" دارد؟ بزرگترین اعتراض زیست محیطی تاریخ ایران در زنجان توجه شهروندان ایران به زندگی سالم و محیط زیست افزایش یافته است. آنها امروز حاضرند در معابر عمومی اعتراض خود را نسبت به آلودگی‌های زیست محیطی به نمایش بگذارند. روز یکشنبه (۱۱ اوت/۲۱ مرداد) زنجان شاهد بزرگترین اعتراض زیست محیطی شهروندان به آلودگی‌های ناشی از کارخانه سرب و روی این شهر بود.



## حمایت فعالان محیط زیست از انرژی اتمی

چهار دانشمند فعال در مسائل اقلیمی مصرانه از فعالان محیط زیست خواسته اند تا از توسعه سیستم های انرژی اتمی «امن تر» به عنوان جایگزینی برای سوخت های فسیلی حمایت کنند. سوخت های فسیلی یکی از عوامل گرمایش جهانی زمین هستند. دانشمندان ایالات متحده و مستقر در استرالیا درخواست خود را روز یکشنبه در نامه ای منتشر کردند و خطاب به مردمی نوشته اند که «قصد دارند بر سیاست های زیست محیطی اعمال نفوذ کنند اما با انرژی اتمی مخالف هستند». تعداد زیادی از فعالان محیط زیست معتقدند که جایگزین کردن سوخت های

فسیلی با انرژی اتمی خطرناک و پرهزینه است. آن‌ها می‌گویند دولت‌ها باید برای رفع نیازهای جهانی باید در منابع انرژی همچون انرژی خورشیدی و انرژی باد سرمایه‌گذاری کنند. اما نویسندگان این نامه معتقدند سیستم‌های تولید انرژی خورشیدی و انرژی باد را نمی‌توان «به‌میزانی که اقتصاد جهانی نیاز دارد، برای تولید انرژی مقرون به صرفه، سریع و قابل اطمینان مورد استفاده قرار داد». آن‌ها بر این باورند که باید در هر راهکار «قابل اطمینان» برای تثبیت شرایط اقلیمی، یک «نقش کلیدی و بنیادینی» برای انرژی هسته‌ای در نظر گرفته شود. این نامه توسط کنت کالدیرا از «موسسه کارنگی»، کری امانوئل در «موسسه فن آوری ماساچوست»، جیمز هسنن، استاد دانشگاه کلمبیا و تام ویگلی از دانشگاه آدلاید نوشته شده است. این چهار دانشمند می‌گویند خطرات توسعه انرژی اتمی بسیار کمتر از ادامه استفاده از نیروگاه‌های تولید برق با سوخت فسیلی است که با فضا و محیط زیست «همچون زباله دانی» رفتار می‌کند. «شورای دفاع از منابع طبیعی» که یک گروه حمایت از محیط زیست ایالات متحده است، تاکید این نامه بر ایده استفاده از انرژی اتمی را رد کرد. باب دینز، سخنگوی این شورا می‌گوید جهان از جایگزین کردن یک کابوس زیست محیطی با کابوس دیگری منفعتی نخواهد برد».

او گفته است «ما نگران امنیت پایایی، ماندگاری و هزینه این نوع منبع انرژی هستیم. آنچه که ما در فوکوشیما (در ژاپن) شاهد بودیم یادآور خطر یک فاجعه مصیبت‌بار نیروگاه اتمی است، مشکل ما با این نوع پیامدها است. هنوز بعد از گذشت ۶۰ سال از استفاده از این فن آوری، هنوز نمی‌دانیم چطور زباله‌های نیروگاه‌های انرژی اتمی را نابود کنیم. مسئله امنیتی انرژی اتمی نیز مطرح است که اگر این مواد به دست گروه‌های تروریستی بیفتد، می‌تواند با آن

سلاح اتمی تولید کنند. هزینه هم جنبه مهم دیگر استفاده از انرژی اتمی است. انرژی هسته ای یکی از گرانبه‌ترین شیوه‌های تولید برق است.» دینز می‌گوید «این شورا معتقد است ایالات متحده باید در ساخت خانه‌ها، اداره‌ها و خودروهایی سرمایه‌گذاری کند که از انرژی کارآمد و پویا استفاده می‌کنند تا مردم بتوانند با صرف هزینه کمتر انرژی بیشتری به دست بیاورند.» او همچنین به سرمایه‌گذاری چین در انرژی خورشیدی و انرژی باد به عنوان یک قدم مثبت اشاره می‌کند. چین از جمله کشورهایی است که بیشترین آلودگی محیط زیست را تولید می‌کند.

اما چین قصد دارد پس از راه اندازی و بهره برداری از ۱۷ راکتور ساخت داخل، فن آوری انرژی اتمی را صادر کند. پکن همچنین قصد دارد تا ۲۸ راکتور جدید بسازد و سرعت پیشرفت چین در توسعه فن آوری اتمی از ایالات متحده بیشتر شده است. دینز می‌گوید چین با چالش انرژی منحصر به فردی رو به رو است چون قصد دارد تا صدها میلیون انسان را با سرعت بسیار از اسارت فقر رها کند. وی می‌افزاید «ما به طور قطع می‌دانیم که نیازهای فزاینده چین برای تولید انرژی باید مرتفع شوند، از سویی دیگر هیچ کشوری در جهان نیست که از نظر پیشرفت فن آوری همتای ژاپن باشد و آنچه که ما در فوکوشیما شاهد بودیم، فاجعه ای عظیم بود که ژاپن هنوز موفق به کنترل ابعاد آن نشده است. این سانحه باید به منزله هشدار برای همه مردم سراسر جهان باشد و باید به هنگام استفاده از این فن آوری بسیار محتاط باشیم.

**دریاچه ارومیه را نجات دهید**

دریاچه ارومیه یکی از زیستگاه‌های طبیعی مهم در منطقه آذربایجان که در عین حال برای ورزش‌های آبی همانند شنا، قایقرانی و اسکی روی آب نیز بسیار مناسب می‌باشد، در آستانه خشک شدن است. این دریاچه که با سواحل زیبا و آب شور خود گردشگران بسیاری را در فصول مختلف و علی‌الخصوص در تابستان به سوی خود جلب می‌نماید، از نظر داشتن مواد معدنی گوناگون، دارای یکی از کمیاب‌ترین منابع طبیعی بوده و امروزه با تهدیدی بسیار جدی روبروست. این دریاچه در خطر خشک شدن کامل قرار دارد و طی ۱۳ سال گذشته ۶ متر کاهش سطح داشته است. اختصاص ۹۰٪ منابع آبی منطقه به بخش کشاورزی، تبخیر زیاد در پی گرم شدن هوا و برداشت غیرمجاز از آب‌های زیرزمینی در پی حفر چاه از دلایل خشک شدن این دریاچه می‌باشند. کارشناسان ابراز داشته‌اند در صورت خشک شدن این دریاچه هوای معتدل منطقه تبدیل به هوای گرمسیری با بادهای نمکی خواهد شد و زیست محیط منطقه را تغییر خواهد داد. در اعتراض به خشک شدن دریاچه در فروردین سال ۱۳۹۰ اعتراضی صورت گرفت.



یکی از طرح‌هایی که برای نجات دریاچه ارومیه مطرح شده انتقال آب از نقاط دیگر به ویژه رود ارس است. به گفته نماینده ارومیه در مجلس نادر قاضی‌پور، تنها راه نجات دریاچه ارومیه آبهای رود ارس و شهرستان پیرانشهر است. اما این ایده با مخالفت‌هایی روبروست. روزنامه اقتصادپویا در سرمقاله‌ای مقصر خشکیدن دریاچه ارومیه را مردم و نمایندگان می‌داند که برای



تأمین نیازهای کشاورزی و خانگی آذربایجان بارها خواستار انتقال آب رودخانه‌هایی که به دریاچه ارومیه می‌ریزند به نقاط دیگر شده‌اند و از حکومت درخواست داشتند تا آب این رودخانه‌ها برای تأمین نیاز باغ‌های مراغه و دیگر شهرهای استان استفاده شود و یابفاشار بسیار مسئولین طرح میان‌گذر دریاچه ارومیه را اجرایی کردند. براساس این نظریه برای نجات دریاچه ارومیه به جای خشکاندن ارس و از بین بردن زمین‌های بارور نقاط دیگر باید از مصرف آب کاسته و به وزارت نیرو اجازه داده شود تا آب رودخانه‌هایی را که به طور طبیعی به این دریاچه می‌ریخته‌اند دوباره به سوی آن رها کند.

## **مخاطرات ناشی از فرونشست/نشست زمین در دو منطقه پایتخت به دلیل**

### **پدیده فروچاله**

مدیرکل دفتر بررسی مخاطرات سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور از اجرای طرح بررسی مخاطرات ناشی از فرونشست زمین در کشور خبر داد. بنا به تعریف یونسکو فرونشست عبارت است از فروریزش و یا نشست سطح زمین که به علل مختلف در مقیاس بزرگ رخ می‌دهد. مهمترین دلیل رخداد این پدیده برداشت بی‌رویه آب‌های زیرزمینی است. این پدیده در بسیاری از نقاط استان‌های کرمان و خراسان که دشت‌ها با بیلان منفی آب زیرزمینی روبرو هستند، مشاهده می‌شود. در اثر برداشت آب زیرزمینی و خارج شدن آب از منافذ امکان متراکم شدن مواد تا عمق ۳۰۰ متر فراهم می‌شود و هرچه بیشتر برداشت شود، تراکم مواد بیشتر خواهد بود.



نشست زمین باعث ایجاد شکاف‌های عمیق در سطح زمین، کج شدن لوله‌های چاه، خرابی ساختمان‌ها و لوله‌زایی چاه‌ها خواهد شد. لوله‌زایی به پدیده‌ای گفته می‌شود که در آن به دلیل نشست زمین قسمتی از لوله چاه به خارج از سطح زمین رانده می‌شود. مناطقی که هم‌اکنون در شرایط بحرانی ایجاد فروچاله‌ها و فرونشست قرار دارند، شامل دشت کبودرآهنک، همدان، ورامین، نظرآباد، دشت تهران، دشت مشهد و نیشابور، دشت‌های استان کرمان، اصفهان و قزوین است. در کنار پدیده فرونشست، شاهد پدیده فروچاله هستیم. این رخداد به دلیل دستکاری بشر همچون ساخت تونل‌های درون شهری و همچنین ریزش سقف قنات‌ها و نشت و فرار آب ایجاد می‌شود.

## **مشکل زیست محیطی "ریزگرها" در ایران**

در مورد اینکه این ریزگردهایی که چند سالی کشور ما را اشغال کرده اند از کجا می‌آیند تقریباً همه دست اندرکاران دولتی و اغلب رسانه‌ها با نامیدن پسوند عربی از مسئولیت برخوردار با آن‌ها خالی می‌کنند. گروه اندکی از کارشناسان (از جمله این نگارنده) ضمن آنکه منکر منشاء خارجی بخشی از ریزگردها نیستند با مستندات علمی اعتقاد دارند که از بین بردن تالابها، دریاچه‌ها و رودخانه‌ها در حوضه‌های آبریز بین‌النهرین (میان رودان)، کرخه و کارون

و همچنین تمامی حوضه های آبریز داخلی از ارومیه گرفته تا بختگان و هامون یکی از مهمترین عوامل گسترش ریزگردها در خاورمیانه است.

۱. با نگاهی به رسانه ها چند پیشنهاد مطرح می شود که مهمترین آن انجام مالچپاشی و بیابانزدایی و جنگلکاری در عراق است که ظاهراً بودجه هنگفتی هم به آن اختصاص داده شده است. این راه حل و راه های جانبی دیگر مانند پاکسازی هوا با آب پاشی و یا پوشاندن بیابانهای عراق با سنگریزه و قلوه سنگ که توسط یک همکار دانشگاهی پیشنهاد شده بیشتر به ظنر شبیه بوده و البته در هوای آلوده برای ایجاد لبخند بد هم نیست. زمان آن است که با پذیرش ساختار خدادادی طبیعت، دخالتهای ناروای خود را در طبیعت کشور به حداقل برسانیم و بصورت اورژانسی کلیه پروژه هایی مخرب محیط زیست را متوقف کنیم.

۲. سد سازی از مهمترین پروژه هایی است که بایستی متوقف شود. رودخانه ها شریان طبیعی حیات در زیستکره هستند. قطع این شریان منجر به سخته طبیعت شده و اگر مسئولین وزارت نیرو و شرکتهای تابعه همچنان بر ادامه روند سد سازی - که آخرین آن پروژه ساخت بزرگترین سد قوسی جهان در بختیاری است- اصرار ورزند، فرزندان ایران و بخصوص مردم بومی اولین قربانیان این سدها هستند. قربانیان بعدی تا هزاران کیلومتر کسانی هستند که مجبور به تنفس ریزگرههایی می شوند که آب ذخیره شده در پشت سد می توانست جلوی برخاستن آنها را بگیرد و جنگلها و مراتع و زندگی میلیونها زیستمندی که با احداث این سدها نابود می شوند. می توان با یک برنامه چند ساله راههای اصلاح الگوی مصرف آب و افزایش میزان بهره وری آن در کشاورزی را به اجرا گذاشت تا جلوی هر گونه نیاز جدیدی به آب

گرفته شود. احداث هر سد تنها به فرجه شدن جیب شرکتهای سد سازی کمک می کند و مشکل ریزگردها را هر روز تشدید می کند

۳. چرای مفرط دام در مراتع و جنگلها متوقف شود تا پوشش گیاهی کشور احیا شود.

۴. همزمان با متوقف شدن سد سازی در کشور و اصلاح الگوی مصرف آب، بایستی جلوی گسترش شهرها گرفته شود. روند فعلی که شهرداریها با فروش تراکم شهرها را گسترش می دهند و نیاز آبی جدیدی بوجود می آورند بسیار اشتباه و ویران گراست. اگر به فعالیتهای ساختمان سازی و عملیات عمرانی در شهرهای بزرگ و بخصوص تهران نگاه شود حجم بسیار زیادی از گرد و غبار و ذرات معلق در شهر تولید می شود که ضرر آن بدلیل آلوده بودن و درشتتر بود برای سلامت بسیار بیشتر از ریزگردها هستند.

۵.. کلیه کشورهای منطقه متعهد شوند که به حقوق محیط زیستی احترام بگذارند و با اجرای طرحهای بدون پشتوانه علمی اکوسیستمها و چرخه های طبیعی که میلیونها سال شکل گرفته را مختل نکنند. نمونه عملی این گونه عملیات مخرب را می توان به خشک شدن دریاچه آرال در نیمه قرن بیستم در آسیای میانه اشاره کرد. آخرین آنهم طرح انتقال آب خزر به کویر مرکزی است که اگر خدایی نکرده اجرایی شود نه تنها کمکی به بهبود اقتصاد، کشاورزی و آب و هوا نمی کند بلکه با تاثیرات سوء خود کویرزایی بسیار گسترده در ایران و آسیای میانه را تشدید می کند.

۶. کشور ما خشک است. زمینهای قابل کشاورزی محدود است. بدلیل وابستگی به درآمدهای نفتی تولید در کشور ما روند سالمی ندارد. علیرغم وسعت زیاد ظرفیت جمعیتی ما قابل مقایسه با کشورهای مرطوب دنیا نیست. علت عمده افزایش شهرنشینی در ایران هم یکی سد سازی و تامین آب در شهرها و دیگر سخت بودن شرایط طبیعی زندگی در مناطق روستایی است. خوشبختانه مردم ما این محدودیتها را درک کرده اند و با کنترل جمعیت بیشتر به فکر تامین آینده بچه های خود هستند. به نظر من بهتر است برنامه ریزان کشور از این آگاهی مردم استفاده مطلوب کنند و بجای تشویق به افزایش جمعیت، روند فعلی را حفظ و با اعمال مدیریت درست با توسعه پایدار به افزایش کیفیت زندگی مردم کمک کنند. در ادبیات دنیا جدید کیفیت زندگی اتوبان و وسیله شخصی و آپارتمان نیست، بلکه داشتن محیط زیست سالم و آرامش است.



۷. همه ما بر اساس قانون اساسی و دستورات دینی حق تخریب طبیعی که بایستی فرزندان امروز و فردایمان در آن رشد سالمی داشته باشند را نداریم. این حقوق نباید توسط عده ای سود جو به بهانه توسعه پایمال شود. لذا وظیفه کلیه دستگاههای فرهنگی و آموزشی کشور است که آموزش حفظ محیط زیست را برای همه رشته ها و سطوح آموزشی اجباری کرده تا کارشناسان آینده ما افرادی وظیفه شناس و حساس و آشنا به

حقوق محیط زیستی باشند. نتیجه آنکه ریزگردها حاصل فرایند پیچیده ای است که تقابل ناموزون بشر با طبیعت نقش مهمی در گسترش آنها دارد. این مهمانها ناخوانده نیستند بلکه ما در دعوت آنها نقش اساسی داریم. از من معلم گرفته که نتوانسته ام وظیفه خود را در تربیت کارشناسانی آگاه به مسائل محیط زیستی به درستی انجام دهم، تا آن همکار متخصص نمایی که برای پر کردن جیبش و یا نمایش در قاب تلویزیون و بهره مندی از سکه ها و تشویقهای دولتی طرحهای مخرب زیست محیطی را توجیه می کند، تا آن مهندس و پیمانکاری که جز پول هیچ چیز را نمی شناسد و دنبال هر چه بزرگتر تعریف کردن پروژه ها است، آن مسئول محترمی که به سادگی پول طرحهای مخرب را از بودجه بیت المال اختصاص می دهد و بلاخره همه پدران و مادرانی که لوکس گرایی و مصرف گرایی را بجای سالم زندگی کردن انتخاب کرده اند.

## **بحران محیط زیست در ایران ۲ برابر جهان**

میزان بحرانهای زیست محیطی در ایران ۲ برابر مشکلات موجود در کل دنیاست. کارشناسان سازمان حفاظت محیط زیست و برنامه ریزان کشوری برای حل مشکل دریاچه ارومیه تلاش ویژه ای کرده اند، افزود: علی رغم پیگیریهای انجام شده و برنامه ریزیهای دقیق دریاچه ارومیه نسبت به سالهای قبل روند خوبی را پیش گرفته اما تا نتیجه مطلوب فاصله داریم. رئیس دانشکده محیط زیست دانشگاه تهران اعلام کرد: این وضعیت دریاچه ارومیه مختص بندر انزلی، تالاب گاوخونی، هامون و پریشان هم شده است و دلیل این اتفاق بحران آب است که منشا آن تغییرات اقلیم است چرا که آب کمتر شده و میزان تبخیر افزایش یافته است این وضعیت سبب

شده

مشکلات کشور ما در بخش آب بیشتر شود. گزارش سازمان ملل متحد در خصوص تنش آبی در جهان، مشخص شده که وضعیت ایران از نظر تنش آبی بسیار جدی است بنابراین باید برنامه‌ریزی‌های دقیقی در این باره انجام شود. با تاکید بر بحران‌های جدید عصر حاضر به نام ریزگردها: خشک شدن تالاب‌ها، مسیری را برای بروز یک مشکل زیست محیطی به نام ریزگردها فراهم می‌کند که این اتفاق مشکلات و مقولات زیست محیطی متعددی را برای ساکنان منطقه رقم خواهد زد.

رئیس دانشکده محیط زیست دانشگاه تهران با تاکید بر اینکته کمبود آب در حال حاضر مشکل ساز شده است، گفت: کمیت آب روی کیفیت آب تاثیر گذاشته و مشکلات دیگری را برای محیط زیست ایجاد کرده است.

این نوع از کنفرانس‌ها که برنامه‌ریزی شده انجام می‌شود با تجمیع نظرات تخصصی در تلاش است تا با ارائه تکنولوژی‌های جدید و دانش روز راهکاری را برای فائق آمدن بر مشکلات فراهم سازد. ما سالانه همایش ملی و نمایشگاه تخصصی مهندسی محیط زیست را طبق چالش‌های روز برنامه‌ریزی می‌کنیم که امسال در هشتمین همایش ملی مهندسی محیط زیست ۷۰۰ مقاله توسط دبیرخانه دریافت شد که به میزان وقت و کارهای انجام شده در هر مقاله ۵۰ تا ۶۰ مقاله به طور شفاهی و تعدادی نیز به شکل پوستر ارائه شده است. مقوله محیط زیست و بحث‌های جدی زیست محیطی روز همانند چالش بحران آب، ریزگردها، آلودگی خاک، هوا، فناوری‌های نوین، خاک و پسماند، آب و فاضلاب، هوا و صوت در تمام دروس دانشگاهی مهندسی محیط زیست ارائه می‌شود و ما در تلاشیم تا فناوری‌های نوینی را در بحث مهندسی محیط زیست ارائه دهیم.

## منشا آلودگی هوای سیستان و بلوچستان

وزش باد همراه با گرد و غبار میزان غلظت ذرات معلق در هوای شهرستان های شمالی استان (زابل، هیرمند، زهک، نیمروز و هامون) را در شبانه روزهای گذشته به حدود پنج برابر حد مجاز رساند. غلظت ذرات معلق در هوای منطقه سیستان در این مدت ۶۶۲ میکرو گرم بر متر مکعب گزارش شد. "وزش باد شدید همراه با گرد و خاک در سیستان با سرعت ۸۳ کیلومتر بر ساعت علاوه بر کاهش کیفیت هوا، میزان دید افقی را در زهک به چهار هزار متر و زابل پنج هزار متر کاهش داده است." بادهای موسمی ۱۲۰ روزه از زمان شکل گیری سیستان و بلوچستان در شمال استان با این منطقه همزاد بوده و هر سال با آغاز آن در اوایل تابستان مردم منطقه شاهد گرد و غبار و آلودگی هوا بعضا تا چند برابر حد استاندارد نیز هستند. این بادهای اقتضای طبیعت منطقه بوده و وزیدن آن به صورت طبیعی دمای هوا را کاهش می دهد اما به سبب خشک شدن تالاب بین المللی هامون گاه با وزش شدید بادهای ۱۲۰ روزه دمای هوا در منطقه سیستان و بلوچستان تا میزان زیادی افزایش می یابد. سیستان و بلوچستان با پنج شهرستان زابل، زهک، هامون، هیرمند و نیمروز در شمال سیستان و بلوچستان واقع شده است. سیستان و بلوچستان با وسعتی حدود ۱۸۷ هزار و ۵۰۲ کیلومتر مربع (معادل ۱۱/۵ درصد مساحت کشور) و ۱۹ شهرستان و بیش از ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر جمعیت پهناورترین استان کشور محسوب می شود که امکان دارد همزمان چندین پدیده از جمله توفان، بارندگی، سیل، خشکسالی و موج شدن دریا را تجربه کند. به دلیل خشک شدن تالاب هامون ۷۰۰ هزار فرصت شغلی در این منطقه از دست رفته است. خشکی تالاب هامون در ۱۶ سال اخیر سبب شده که این تالاب در فهرست تالاب های در معرض خطر جهان موسوم به



فهرست قرمز یا "مونتر" در کنوانسیون رامسر قرار گیرد. تالاب بین‌المللی هامون در سال ۱۹۷۱ میلادی در کنوانسیون بین‌المللی رامسر که اکنون ۱۶۸ کشور جهان در آن عضویت دارند، ثبت شده بود. این کنوانسیون وظیفه داشته به همراه کشورهای عضو از تالاب‌هایی که اهمیت بین‌المللی داشته‌اند، حفاظت کند، با این وجود اما ایران و افغانستان که در این کنوانسیون عضویت داشته‌اند، نتوانسته‌اند در حفظ این عرصه زیست‌محیطی موفق عمل کنند. تالابی که ۳۰ درصد آن در افغانستان قرار گرفته و در مجموع چند هزار هکتاری هم از دریاچه ارومیه بزرگ‌تر است.

## **دستگیری چهار متهم به شکار حیوانات وحشی**

در دو گزارش جداگانه مجموعاً ۴ متهم به شکار غیرقانونی حیوانات وحشی از جمله قوچ و آهو در مناطق سرپیشه و میمه بازداشت و راهی زندان شدند. از شکارچیان سلاح جنگی غیرمجاز نیز کشف شد. به گزارش خبرگزاری هرانا به نقل از صدا و سیما، در گزارش اول، کشف لاشه قوچ وحشی در سرپیشه، این لاشه در بازرسی از منزل یک شکارچی در سرپیشه کشف و ضبط شد. مسعود روان رئیس اداره حفاظت محیط زیست سرپیشه گفت: "این شکارچی ضمن جریمه ۱۰ میلیون تومان به مراجع قضایی معرفی شد." سه شکارچی که در مناطق حفاظت شده بخش میمه اقدام به شکار غیر مجاز آهو کرده بودند دستگیر و دو قبضه سلاح جنگی غیر مجاز از آنها کشف شد. فرمانده انتظامی شهرستان شاهین شهر و میمه با اعلام این خبر اظهار کرد: "در پی تماس مأموران اداره حفاظت محیط زیست منطقه قرقچی بخش میمه با فرماندهی انتظامی این بخش مبنی بر اینکه سه شکارچی غیر مجاز آهو در حالی که مشغول

شکار در منطقه حفاظت شده مذکور بودند به وسیله یک دستگاه خودروی پژو پارس به سمت شهر میمه متواری شدند بلافاصله موضوع در دستور کار مأموران گشت انتظامی قرار گرفت. سرهنگ رجبعلی مختاری افزود: مأموران با مشاهده شکارچیان در ورودی شهر میمه به آنها دستور ایست داده اما متخلفان بدون توجه به اخطارهای پلیس به راه خود ادامه دادند که در نهایت مأموران با رعایت قانون بکارگیری سلاح به سمت لاستیک خودروی مذکور تیراندازی و آن را متوقف کردند.

وی افزود: “در این عملیات سه شکارچی غیر مجاز را دستگیر و در بازرسی از خودرو و وسایل همراه شکارچیان دو دستگاه سلاح غیر مجاز جنگی از نوع برنو و سلاح خفیف به همراه فشنگ‌های مربوطه، دو تیغه چاقو و دو دستگاه دوربین شکاری کشف شد.” مختاری خاطر نشان کرد: “در این رابطه هر سه متهم دستگیر شده با تشکیل پرونده جهت سیر مراحل قانونی به مراجع قضایی منتقل شدند.”



## آلودگی سواحل دریای خزر

حدود ۲۸۰ کیلومتر از نقاط مختلف نوار ساحلی دریای خزر در استان گیلان، شاهد آلودگی های ناشی از پسماندهای فاضلابی و زباله های انسانی است. امروزه دریای خزر به علت افزایش آلودگی های محیط زیستی ناشی از دخل و تصرفات انسانی و همچنین برداشت نفت حال و روز خوشی نداشته و گرفتار بحران پسماند، فاضلاب و آلودگی نفتی است به گونه ای که نسل برخی آبزیان این دریای مهم و استراتژیک منقرض شده و نسل برخی از آنها نیز در معرض انقراض است. تنها ۱۰ درصد فاضلاب استان های شمالی تصفیه و ۹۰ درصد آن راهی رودخانه ها و دریای خزر می شود علاوه بر معضل ورود فاضلاب به دریا با انباشت و دیپوی زباله در سواحل دریای خزر نیز مواجه هستیم که شیرابه های حاصل از این زباله ها به دریای خزر وارد و سواحل و دریا را آلوده می کند. روزانه ۶ هزار تن پسماند خانگی، صنعتی و بیمارستانی در استان های شمالی تولید و به صورت غیربهداشتی دفع و شیرابه های حاصل از آنها بعد از تجزیه، آب های زیرزمینی و دریای خزر را آلوده می کند.



## تلف شدن آبزیان در تالاب هورالعظیم به دلیل کم آبی

گرمای شدید و کاهش دبی آب رودخانه موجب تلف شدن آبزیان در تالاب هورالعظیم شده است. از ابتدای سال جاری تاکنون ۶ میلیون و ۶۳۰ هزار قطعه بچه ماهی از گونه‌های بنی، گتان و برزم در مصب تالاب هورالعظیم رهاسازی شده است. طی سال گذشته و امسال بیش از ۱۳ میلیون بچه ماهی بومی در تالاب هورالعظیم رهاسازی شده است. به دلیل گرمای شدید و کاهش دبی آب رودخانه نیشان در حال حاضر بر اثر شوری و EC بالا و کمبود اکسیژن محلول در آب مقدار قابل توجهی از آبزیان تلف شده‌اند. از سازمان آب و برق خوزستان، مدیریت بحران و همچنین مدیریت امور آب انتظار می‌رود نسبت به افزایش دبی آب رودخانه کرخه و انشعابات آن جهت آبرگیری تالاب و جبران تبخیر و جلوگیری از تلفات احتمالی آبزیان برنامه‌ریزی کند.



تالاب هورالعظیم یکی از مهمترین منابع صید ماهی، نی بری، حصیر بافی، دامپروری و کشاورزی برای مردم شهرستان‌های دشت آزادگان و هویزه است.

## متخلف قطع درخت در چهارمحال و بختیاری به غرس ۱۰۰ اصله نهال

### محکوم شد

متخلف قطع درختان جنگلی در چهارمحال و بختیاری از سوی دادگاه به تحمل چهارماه حبس تعزیری و غرس ۱۰۰ اصله نهال بلوط در محل وقوع جرم و محافظت از آنها به مدت دوسال محکوم شد. به گزارش خبرگزاری هرانا به نقل از روابط عمومی حفاظت محیط زیست چهارمحال و بختیاری، چندی پیش، یک متخلف در منطقه حفاظت شده جنگلی هلن درحین تخریب محیط زیست از طریق قطع درختان جنگلی دستگیر و تحویل مراجع قانونی شد. این فرد از سوی دادگاه به تحمل چهارماه حبس تعزیری و غرس ۱۰۰ اصله نهال بلوط در محل وقوع جرم و محافظت از آنها به مدت دوسال محکوم شد.

در این حکم عنوان شده است که چنانچه این فرد مفاد حکم را رعایت نکند، محکومیت وی را به حبس یا جزای نقدی تبدیل خواهد کرد. نکته جالب توجه در این حکم، تا گذشت نیمی از مدت مجازات با پیشنهاد قاضی اجرای حکم، می توان از ابزار تشویقی و تنبیهی برای افزایش یا کاهش مدت مجازات استفاده نمود و تاکید قاضی بر پیشگیری از تکرار جرم و اصلاح مجرم قرار گرفته است.



منطقه ۴۰۱۳۱ هکتاری حفاظت شده هلن به واسطه تصمیم شورای عالی حفاظت محیط زیست در سال ۱۳۷۷ مبنی بر حفاظت از ده درصد جنگل‌های کشور انتخاب و در سال ۱۳۸۷ مورد تصویب قرار گرفت، در سال ۱۳۸۰ اعلام و از سال ۱۳۸۹ عملاً به مدیریت اداره کل حفاظت محیط زیست در آمد. این منطقه در شهرستان های اردل و لردگان و کیار از توابع استان چهار محال و بختیاری واقع شده است.

## **۹۴ درصد مساحت کشور تحت تاثیر خشکسالی بلندمدت**

ایران در کمربند خشک و نیمه خشک جهان قرار دارد و لازم است همه فعالیت‌ها بر اساس اقلیم خشک کشور تنظیم شود. ۱۱ درصد مساحت کشور تحت تاثیر خشکسالی خفیف، ۴۲ درصد خشکسالی متوسط، ۳۰ درصد خشکسالی شدید و ۱۱ درصد خشکسالی بسیار شدید است همچنین پنج درصد مساحت کشور در شرایط نرمال و حدود نیم درصد مساحت کشور در شرایط بلندمدت ترسالی قرار دارند. بیشترین حساسیت را باید نسبت به خشکسالی‌های بلندمدت داشته باشیم چون محو شدن آثار سوء این نوع خشکسالی از طبیعت زمانبر است بنابراین مدیریت صحیح منابع محدود آب کشور یک امر ضروری تلقی می‌شود. تقریباً کل پهنه سه استان خوزستان، قم و خراسان شمالی دچار خشکسالی شدید و بسیار شدید هستند، گفت: بخش‌های وسیعی از چهارمحال و بختیاری، کرمانشاه، بوشهر و بخش‌هایی از استان‌های اصفهان، مرکزی، یزد، کرمان، سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، خراسان شمالی، سمنان تهران، البرز، زنجان، آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، اردبیل، جنوب گیلان و گلستان با خشکسالی بلندمدت مواجه هستند.

خشکسالی در ایران علل متفاوتی دارد. گذشته از تغییرات اقلیمی، نقش عامل انسانی در این خشکسالی تعیین کننده است. کاهش ده درصدی بارش‌ها، افزایش دمای هوا و به موازات آن تبخیر آب‌ها، از جمله عوامل اقلیمی هستند که با توجه به روند گرمایش زمین می‌توانند تاثیرات فاجعه‌باری برجای بگذارند. اگرچه تغییرات اقلیمی به طور کامل در دست بشر نیست، اما بسیاری عوامل دیگر اگر به موقع درباره آن‌ها چاره‌اندیشی شود، قابل مهارند. بحث بر سر کمبود منابع آبی در ایران در سال‌های اخیر به موضوعی دائمی تبدیل شده است. بسیار کارشناسان معتقدند که هیچ‌یک از مشکلات اجتماعی و سیاسی در ایران به اندازه مشکل آب جدی نیست. بسیاری بر این باورند که جنگ‌ها و تنش‌هایی که در پیش‌اند، روی قحطی آب متمرکز است. یکی از تبلیغات محوری در جمهوری اسلامی افزایش جمعیت است. افزایش جمعیت در کشوری با منابع آبی بسیار محدود مشکلی بزرگ است.

یکی از علت‌های اساسی این بحران، افزایش جمعیت است که با توجه به جمعیت هفت میلیونی ایران در ۱۳۰۵ و جمعیت ۳۰ میلیونی در ابتدای انقلاب و جمعیت ۸۰ میلیونی در زمان حاضر، مصارف ما به صورت بی‌رویه و خارج از استانداردهای جهانی افزایش داشته ؛ بطوری که برای ۸۰ میلیون نفر جمعیت در تمام بخش‌های شرب، صنعت و کشاورزی ۱۰۰ میلیارد متر مکعب آب مصرف می‌شود و این استفاده نادرست منابع طبیعی را کاهش داده است. از دیگر عواملی که بارها درباره آن صحبت شده ولی اقدامی برای حل آن نشده، مسئله ناکارآمدی بهره‌وری در استفاده از آب و گسترش بی‌رویه زمین‌های کشاورزی است. این کارشناس می‌گوید: «بهره‌وری در بخش کشاورزی بسیار پایین است، بطوری که در تولید یک کیلوگرم محصول کشاورزی حدود یک متر مکعب آب مصرف می‌کنیم در حالی که متوسط

بهره‌وری در کشورهای پیشرفته ۲/۵ تا ۳ کیلوگرم با استفاده از یک متر مکعب آب است. پایین بودن بهره‌وری تنها به بخش کشاورزی خلاصه نمی‌شود، در بهره‌وری اقتصادی نیز تولید ما به ازای هر متر مکعب آب حدود ۲۰ سنت در کشاورزی و در سایر کشورها بیش از یک دلار است بنابراین برای تولید مواد غذایی در کشور ناچار به استفاده آب بیشتر هستیم ولی با افزایش بهره‌وری می‌توان مصرف آب را کاهش داد.



یکی از مهم‌ترین عواملی که کارشناسان بر سر آن توافق دارند، ضعف مدیریت آب و چسبیدن به برنامه‌هایی است که نتیجه‌اش توسعه ناپایدار است. بر اساس تاکید متخصصان، خشکسالی هواشناسی تنها اولین مرحله از خشکسالی محسوب می‌شود و لازم است این پدیده در ابعاد کشاورزی، منابع آب و در نهایت آثار اقتصادی و اجتماعی مورد رصد و پیگیری دستگاه‌های متولی قرار گیرد.



## معضل گرد و غبار و آلودگی هوا در اکثر استانهای کشور (غرب، جنوب و

### جنوب غربی و شرقی و..)

مشکل گرد و غبار و طوفان‌های شن تنها به استان خوزستان محدود نمی‌شود بر اساس گزارش‌های رسمی منتشرشده، ۲۰ استان کشور از پدیده گرد و غبار رنج می‌برند توجه به اینکه سالهاست معضل ریزگردها گریبان استانهای زیادی از ایران را گرفته است. همگی ما با آن آشنا هستیم اما دلیل آن چیست؟ خسارات ناشی از آن چیست؟ و راههای مقابله با آن کدامند؟ از آنجا که اقلیم تأثیر بسزایی بر روی تولید گرد و غبار دارد، دلایل به وجود آمدن این پدیده عبارتند از: کاهش بارندگی و میزان رطوبت هوا، خشکسالی، نبود پوشش گیاهی مناسب، تغییرات فشار هوا و وزش باد شدید و خشکی تالاب‌ها..

آنچه پر واضح است در سه مورد از چهار مورد بالا طبیعت تأثیر گذارتر می باشد هر چند مدیریت و برنامه ریزی صحیح در مورد کاهش خسارات طبیعی بسیار تأثیر گذار می باشد، اما در مورد نبود پوشش گیاهی مطمئنا برنامه ریزان و مسئولان سازمان محیط زیست در ایران بسیار نقش پررنگی دارند البته همانطور که همگی مستحضر هستیم مسئولان مربوطه هیچ تلاش قابل ملاحظه ای در این سالها برای جلوگیری از این حادثه نکرده اند و به همین خاطر این معضل روز به روز گسترده تر شده و خسارات ناشی از آن بیشتر! بیشتر! پدیده تحت تأثیر عوامل طبیعی و انسانی شکل می گیرد از جمله مهمترین اثرات طبیعی طوفانهای

گرد و غبار عبارتند از : آلودگی هوا، جنون حیوانات ، تعطیلی کسب و کار، مشکلات ماشین آلات و آلوده سازی آب آشامیدنی ، آسیب به ابنیه تاریخی و فرهنگی ، کاهش قابلیت دید ..ومهمترین تاثیرات انسانی از جمله: آسیب های قلبی و تنفسی ، تاثیرات برمکانیسم های دفاعی و تصفیه ای ، بروز و تشدید آسم ، تاثیرات سرطانی چنانکه آمار منتشر شده نشان می دهد رشد تمامی این بیماریها در استانهای خوزستان ، کرمانشاه ، ایلام ، اصفهان ، سیستان و بلوچستان و ... رو به افزایش است و روزانه تعداد زیادی به خاطر وجود گرد و غبار و ذرات معلق در هوا در این استانها راهی بیمارستان ها می شوند

### و در آخر پیشنهاد چند راهکار برای مقابله با این پدیده:

۱. شناسایی دقیق کانونهای داخلی و چشمه‌های مولد گرد و غبار در کشور ۲. سد سازی از مهمترین پروژه هایی است که باید متوقف شود. ۳- ایجاد کمربندسبز اطراف شهرهاو حفظ و گسترش فضای سبز درون شهر ها ۴- مدیریت صحیح منابع آب و خاک ۵- مقابله با بیابان زایی ۶- ارتقاء سطح آگاهی عمومی مردم و ...



## جیره بندی آب در ایزه

در حالی که با آغاز گرمای بی سابقه خوزستان در هفته های گذشته بار دیگر مشکل آب آشامیدنی در برخی مناطق ایذه و باغملک در رسانه ها و شبکه های مجازی مطرح شده است فرماندار ایذه نیز در گفتگو با رسانه ها خواستار تسریع در اجرای پروژه انتقال آب از سد کارون ۳ برای رفع این مشکل شده است.



در حالی که رودخانه کارون از مسیر ایذه به استان خوزستان وارد می شود در کنار آن روستاها و مناطقی وجود دارند که از آب آشامیدنی مناسب بی بهره هستند. آنگونه که مدتی قبل خادمی نماینده ایذه گفته بود در ایام گرما حدود ۴۵ روز برخی از این مناطق آب نداشته اند و این مشکلات بسیاری را برای مردم ایجاد کرده است.

به گفته این نماینده مجلس، رود کارون بخش دهدز را دور می زند و این روستا بین سدهای کارون ۳ و ۴ قرار گرفته اند اما برق این منطقه روزانه ۲۰ بار می رود و آب خوردن ندارند. مازاد چاه های نفت از روستای مرغا می گذرد، اما کلاس درس بچه های این روستا در محل نگهداری حیوانات برگزار می شود! بگفته وی حداقل ۲۰۰ روستا در ایذه و باغملک آب ندارند.

جالبتر آنکه با وجود عبور کارون از دهدز و ایذه و وجود سد کارون ۳ در نزدیکی این شهر، آب شرب ایذه و دهدز از طریق چاه تأمین می شود که بگفته بیرانوند فرماندار ایذه، متأسفانه امسال با کاهش آب های زیرزمینی، چاه ها نیز افت آب پیدا کرده اند، به طوری که تعدادی از آن ها از

مدار خارج شده اند.حالا حتی در شهر ایذه هم چندین نقطه از شهر از جمله در دهدز آب آن‌ها به صورت جیره‌بندی است و این مناطق در شبانه‌روز فقط یک ساعت آب دارند و بقیه روز از آب بی بهره هستند.کم آبی در ایذه نه تنها باعث شده است تا تامین آب آشامیدنی مردم با مشکلات جدی مواجه شود بلکه کشاورزی این منطقه را نیز لنگ کرده است.احداث سد کارون ۳ باعث شد بسیاری از زمین های کشاورزی و حتی آثار تاریخی منطقه زیر آب برود و آبگیری سد برای مسیر ارتباطی برخی روستاها مشکلاتی ایجاد نمود که برای حل آن از شناورهای آبی استفاده کردند که همین موضوع هم باعث بروز برخی مشکلات و حوادث تلخ در سال های گذشته شده است. به نظر می رسد تسریع مسئولان وزارت نیرو و سازمان برنامه و بودجه کشور و پیگیری استانداری خوزستان برای رفع مشکل آب شرب شهرهای ایذه و باغملک و روستاهای اطراف آنها ضروری است و ادامه این وضعیت بویژه در گرمای سوزان تابستان قابل تحمل نخواهد بود چرا که بی آبی در کنار کارون و سد کارون ۳ برای مردم توجیه ناپذیر و غیرقابل قبول است.



**طرح گردشگری در تالاب استیل متوقف شده است**

حدود یک ماه پیش شهرداری آستارا با خاکریزی در تالاب استیل عملیات عمرانی خود را برای ایجاد پیست دوچرخه سواری آغاز کرد که با انتقاد مردم محلی و فعالان محیط زیست مواجه شد و یگان حفاظت محیط زیست منطقه با توقف جاده‌سازی شهرداری آستارا مانع عملیات تخریب در تالاب استیل شد. مدیرکل دفتر زیستگاه‌ها و امور مناطق سازمان حفاظت محیط زیست تاکید کرد: تعرض و تغییر در تالاب استیل توسط هر دستگاهی که صورت بگیرد خلاف قانون است و تخلف محسوب می‌شود.



در مورد تخریب صورت گرفته در تالاب استیل در شهرستان آستارا اظهار کرد: دو هفته پیش از طریق گزارش مردمی از تخریب صورت گرفته در تالاب استیل مطلع شدم. بلافاصله با اداره کل محیط زیست استان گیلان مکاتبه کردم و دستور ارائه گزارش در مورد وضعیت تالاب استیل دادم. براساس گزارش ارائه شده از سوی اداره کل محیط زیست گیلان، تالاب استیل بر اثر اقدام یک‌سویه شهرداری آستارا دچار تخریب شده که محیط زیست استان به محض اطلاع، کار را متوقف کرده است.

در پاسخ به این پرسش که چرا اداره کل محیط زیست گیلان و به‌ویژه محیط زیست آستارا متوجه تغییرات و تخریب در تالاب استیل نشده و قبل از آغاز تصرفات، اقدام قانونی انجام نداده است، گفت: انتقاد و اعتراض دارم که چرا اداره کل محیط زیست مستقر در منطقه قبل از

خاکریزی در تالاب، دست به اقدام مقابله‌ای نزده و از این کار خودداری نکرده است؟ از همین رو دفاتر ذیربط در سازمان محیط زیست نظیر دفتر بازرسی عملکرد باید پیگیر عدم ورود به موقع مسئولان و ماموران محیط زیست در ممانعت از تخریب تالاب باشند.

مدیرکل دفتر زیستگاه‌ها و امور مناطق سازمان حفاظت محیط زیست با اشاره به لایحه پنج ماده‌ای حفاظت از تالاب‌ها که اخیراً به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، گفت: بر اساس ماده ۱ لایحه حفاظت از تالاب‌ها، هر گونه اقدام تخریبی در تالاب‌های کشور ممنوع است و تشخیص اقدامات تخریبی بر عهده سازمان محیط زیست گذاشته شده است و ادارات کل محیط زیست استان‌ها موظف به اجرای این قانون هستند.

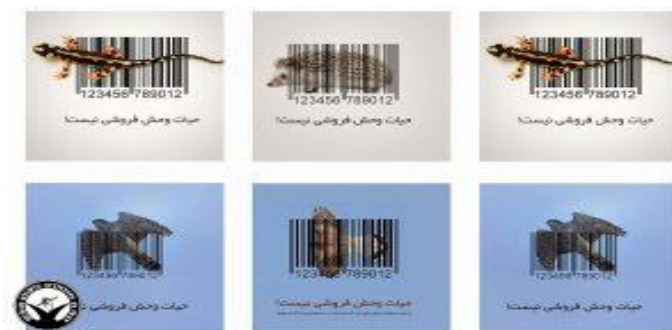
اگرچه هنوز نگرانی‌هایی در مورد تخریب تالاب استیل به منظور ساخت پیست دوچرخه‌سواری از سوی شهروندان پابرجاست ولی قربانعلی محمدپور - مدیرکل حفاظت محیط زیست استان گیلان - تاکید دارد که عملیات عمرانی در تالاب استیل توسط شهرداری آستارا به طور کامل متوقف و شن‌های ریخته شده در تالاب جمع‌آوری شده است.

حدود یک ماه پیش شهرداری آستارا بدون داشتن مجوز به تالاب استیل ورود و عملیات عمرانی برای ساخت مسیر دوچرخه‌سواری در این تالاب را آغاز کرد.

شهرداری آستارا ۱۰ روز قبل از انجام کار عمرانی در تالاب استیل، استعلامی از اداره کل محیط زیست گیلان داشت که اعلام کردیم اظهارنظر در مورد طرح گردشگری منوط به ارسال طرح به اداره محیط زیست استان است ولی آنها از ارسال طرح اجتناب و بدون داشتن مجوز کار عمرانی را در تالاب استیل شروع کردند.

## دستگیری عاملان خرید و فروش حیات وحش در ایلام

فرمانده انتظامی شهرستان ایلام گفت که در پی شکایت محیط‌زیست استان و با همکاری این سازمان ۲ نفر که در امر خرید و فروش حیوانات وحشی فعالیت می‌کردند دستگیر شدند. از این افراد حیواناتی از جمله سنجاب، جوجه تیغی، سهره و مرغ مینا کشف شد. به گزارش خبرگزاری هرانا به نقل از ایسنا، سرهنگ حمید فتاحی اظهار کرد: "از متهمان تعداد ۱۳ قلاده حیوان شامل؛ سنجاب، جوجه تیغی، سهره و مرغ مینا کشف شد."



## بحران غبار نمکی در تهران و قم با خشک شدن دریاچه نمک / مهاجرت

معکوس

در ۵۰ سال گذشته بارندگی در دریاچه نمک قم ۲۲/۵ برابر کاهش یافته است. تبخیر آب در دریاچه نمک قم ۵ برابر میانگین جهانی افزایش یافته است میزان بارندگی در این دریاچه ۱۵۰ میلی‌متر و میزان تبخیر ۳۶۰۰ میلی‌لیتر است مرگ به دریاچه نمک قم نزدیک و نزدیک‌تر می‌شود. حالا در شرایطی که دمای کشور تا دو درجه بالاتر رفته و میزان تبخیر آب ۲۷ میلیارد مترمکعب افزایش داشته است. میزان بارش‌ها هم ۱۰ درصد کمتر شده است. این موضوع اقلیم نیمه‌کوبیری را در شرایط بدتری قرار داده و از این میان، حال دریاچه نمک قم وخیم‌گزارش شده است



براساس اعلام وزارت نیرو در ۵۰ سال گذشته میزان بارندگی در دریاچه نمک ۲۲،۵ برابر کاهش یافته و تبخیر از این دریاچه به ۵ برابر میزان جهانی افزایش داشته است. برای آن‌که درک درست‌تری از وضع مرگبار دریاچه نمک داشته باشید، کافی است که بدانید میزان بارندگی در دریاچه نمک ۱۵۰ میلی‌متر و میزان تبخیر از این دریاچه ۳۶۰۰ میلی‌لیتر گزارش شده است. دریاچه نمک قم بین سه استان اصفهان، قم و سمنان و در ۶۲ کیلومتری قم قرار دارد و حالا خشکسالی دریاچه‌ای که به گفته کارشناسان وضعیتی بحرانی‌تر از دریاچه ارومیه دارد، موجب شده است روند مهاجرت از روستاهای اطراف آن شدت بگیرد. این موضوعی است که اعظم بیگی مدیر بخش آب مرکز ملی مطالعات کشاورزی و آب اتاق بازرگانی ایران در



گفت‌وگو با «شهروند» به آن تأکید می‌کند و معتقد است؛ از آن‌جا که در این منطقه کشاورزی بسیار آسیب دیده، در نتیجه مهاجرت به سمت شهرها و حاشیه‌نشینی افزایش یافته که نتیجه آن خالی‌شدن روستاها و افزایش جمعیت شهرهاست. قم درگیر پدیده گردوغبار اما آن‌گونه که اعظم بیگی، مدیر بخش آب مرکز ملی مطالعات کشاورزی و آب اتاق بازرگانی ایران به «شهروند» می‌گوید، در هر دهه هوای ایران نیم‌درجه گرم‌تر می‌شود و اگر سال‌های ۹۴ و ۹۵ را که میزان بارش‌ها خوب بوده، فاکتور بگیریم، بارش در مابقی سال‌های اخیر بشدت کاهش یافته و میزان آن از ۱۳۰ میلیارد متر مکعب به ۸۷ میلیارد مترمکعب رسیده که در حوضه دریاچه نمک این تغییرات بیشتر بوده است. به گفته بیگی در سال ۹۵ تعداد روزهایی که قم با پدیده گردوغبار مواجه بوده، ۵ تا ۱۰ روز در یک ماه بوده و این در حالی است که منابع آب سطحی کاهش و برداشت از منابع آب زیرزمینی افزایش یافته و سطح آب زیرزمینی افت کرده است و تمام اینها باعث شده که حوضه دریاچه نمک منطقه خطرناکی شود و نگرانی‌هایی از بابت ریزگردها وجود داشته باشد. اما در استان‌هایی که در حوضه دریاچه نمک قرار دارند، یکی از فعالیت‌های عمده مردم کشاورزی است و با توجه به افت سطح آب زیرزمینی آن دسته از زمین‌های کشاورزی که در این مناطق با آب‌های زیرزمینی تغذیه می‌شوند، با مشکل مواجه شده‌اند و به دلیل کاهش میزان بارش‌ها، زمین‌هایی هم که از آب‌های سطحی استفاده می‌کنند، با کاهش منابع آب روبه‌رو هستند.

خالی‌شدن روستاها و حاشیه‌نشینی موجب شده که در این مناطق بخش کشاورزی آسیب بسیاری ببیند و در نتیجه مهاجرت به سمت شهرها و حاشیه‌نشینی افزایش بیابد که نتیجه آن خالی‌شدن روستاها و افزایش جمعیت شهرها است و این در حالی است که حاشیه‌نشینی وضع

ناامنی را به وجود آورده و مهاجران به شهرها نیازمند اشتغال هستند. به طور قطع اگر مشکل حل نشود، این مسأله می‌تواند در آینده بسیاری از مناطق این حوضه به خصوص مناطق روستایی را تحت تأثیر قرار دهد و مهاجرت را تشدید کند و حتی پیش‌بینی برخی کارشناسان این است که اگر وضع به همین منوال ادامه پیدا کند، در سال ۱۴۰۰ بسیاری از مناطق کشور خالی از سکنه خواهد شد. ضرورت تغییر الگوی کشت مدیر بخش آب مرکز ملی مطالعات کشاورزی و آب اتاق بازرگانی ایران معتقد است که نمی‌توان موضوع مشخصی را برای رهایی از این وضع عنوان کرد؛ اما از آن‌جا که دریاچه نمک در حاشیه کویر قرار دارد و با توجه به این‌که میزان بارش کاهش یافته، بعضی استان‌ها متوجه وخامت اوضاع شده و الگوی کشت خود را تغییر داده و به سمت کشت محصولاتی رفته‌اند که آب کمتری را مصرف کنند. به گفته بیگی اما در برخی نقاط الگوی کشت را به سمت باغ برده‌اند که مصرف آب بالایی دارد که این وضع منطقه را بدتر می‌کند. به گفته او یکی از راهکارها این است که الگوی کشت تغییر کند و این مناطق به سمت کشت محصولاتی بروند که آب کمتری مصرف می‌کنند و باید از برداشت‌های بی‌رویه آب جلوگیری شود. آن‌گونه که مدیر بخش آب مرکز ملی مطالعات کشاورزی و آب اتاق بازرگانی ایران می‌گوید، قم خشک شده و اصلاً به چاه‌های آن آب نمی‌رسد؛ ولی با وجود این‌که وزارت نیرو چاه‌های غیرمجاز را مسدود می‌کند، اما باز هم برخی افراد چاه حفر می‌کنند. به عبارت دیگر کنترلی روی این مسأله وجود ندارد و در شرایطی که وزارت نیرو اعلام می‌کند که چند هزار چاه غیرمجاز را مسدود کرده، باید پرسید که چند هزار چاه غیرمجاز حفر شده است. البته این موضوعی است که پیش از آن برخی از مسئولان وزارت نیرو هم به آن تأکید داشتند؛ به گفته آنها در بسیاری از مناطق چاه غیرمجازی مسدود می‌شود، اما چند روز بعد

کمی آن طرفتر چاه غیرمجاز دیگری حفر می‌شود. بدیهی است که اگر چنین وضعیتی به‌خصوص در مورد حوضه دریاچه نمک ادامه پیدا کند، نه تنها مشکلی حل نمی‌شود، بلکه وضع بدتر هم می‌شود. بیگی معتقد است برای عبور از بحران آب و بحران اقلیم در این منطقه باید یک وفاق ملی به وجود بیاید؛ زیرا این فقط بحران آب نیست، بلکه بحران سرزمین است و پایداری سرزمین مان و سلامت نسل آینده را در معرض خطر قرار می‌دهد. شاید مهمترین کاری که باید در این رابطه انجام شود، این است که سازمان‌های ذیربط و نهادهایی که متولی منابع آب کشور هستند، تغییر رویه‌ای اساسی داشته باشند و تکانی به خود بدهند. در واقع مسأله این است که باید اراده‌ای برای انجام کار وجود داشته باشد. در حال حاضر همه فقط از این صحبت می‌کنند که در دریاچه نمک بحران وجود دارد اما اراده‌ای برای رهایی از وضع فعلی وجود ندارد و شاید بیشترین هزینه باید در همین جا پرداخت شود تا ساختار، تغییرات اساسی کند و افرادی مسئول شوند که به جای صحبت کردن، اقدام کنند.

## **کاهش ۱۱ میلیون هکتاری سطح جنگلی کشور**

مشاور و مدیر کل دفتر حقوقی و امور مجلس سازمان حفاظت محیط زیست گفت: ۲۵ میلیون هکتار سطح جنگل‌های کشور در گذشته بود که متأسفانه اکنون به ۱۴ میلیون هکتار کاهش یافته است. امروز در هشتاد و پنجمین جلسه ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی استان کرمان، گام دوم مثلث توسعه اقتصادی منطقه چهار (شهرستان بافت-خبر) اظهار کرد: طرحی که در «خبر» در حال اجراست، حفاظت محیطی و بهره‌برداری تفرجگاهی است. علیرغم اینکه ایران دارای مناطق طبیعی بی‌نظیر و کم‌نظیر است اما متأسفانه در ۵۰ سال گذشته در بهره‌برداری از مناطق طبیعی اقدامی صورت نگرفته است.

مشاور و مدیر کل دفتر حقوقی و امور مجلس سازمان حفاظت محیط زیست کشور با بیان این مطلب که با اجرای طرح‌هایی مشابه طرح «خبر» سرمایه‌های طبیعی کشور محفوظ می‌ماند، گفت: سرمایه‌گذاران با بهره‌برداری پایدار از طبیعت ضمن حفظ طبیعت راغب می‌شوند که به این عرصه ورود پیدا کنند. ۲۵۰ میلیون هکتار سطح جنگل‌های کشور در گذشته بوده است که متأسفانه اکنون به ۱۴ میلیون هکتار کاهش یافته است. با اجرای چنین طرح‌هایی از کاهش بیش از پیش جنگل‌ها جلوگیری می‌شود.

## **دستگیری هفت شکارچی و آسیب زنده به حیات وحش**

به دنبال دریافت گزارشی مبنی بر شنیده شدن صدای شلیک گلوله در ارتفاعات مناطق آزاد تفت، نیروهای یگان محیط زیست این شهرستان عازم ارتفاعات مذکور شدند. «مامورین جهت برخورد قانونی با متخلفین وارد عمل شدند اما یکی از شکارچیان که اسلحه در دست داشت متواری شده و نفر دوم به همراه لاشه یک بز وحشی، کوله پشتی و یک دوربین چشمی دستگیر شد». از سویی دیگر صبح روز (دوشنبه ۲۳ مرداد) به دنبال کسب اطلاعاتی مبنی بر ورود گروهی از شکارچیان غیرمجاز به پارک ملی سرخه حصار، نیروهای یگان محیط زیست این پارک یک شکارچی قوچ را دستگیر کردند. در گزارشی دیگر رئیس اداره حفاظت محیط زیست شوشتر از دستگیری سه صیاد غیرمجاز ماهی در این شهرستان خبر داد.

به گزارش خبرگزاری هرانا به نقل از مهر، علی فتحی نیا اظهار کرد: «در پی گشت شبانه روزی مشترک نیروهای یگان حفاظت محیط زیست شوشتر و گتوند در عملیات زمینی و آبی در حوزه رودخانه کارون در روزهای اخیر، سه متخلف صید غیرمجاز ماهی به وسیله الکتروشوکر دستگیر و از آنها تعداد ۲۲۰ قطعه ماهی به همراه سه فرزند قایق، یک دستگاه موتوربرق، سه

دستگاه الکتروشوکر و ۶ عدد باطری کشف و ضبط و پس از تنظیم صورتجلسه برای رسیدگی به مراجع قضایی معرفی شدند.

فتحی نیا افزود: «در روزهای اخیر، نیروهای یگان حفاظت محیط زیست این اداره همراه با نیروهای اداره گتوند پس از چندین ساعت عملیات کمین زمینی و گشت آبی موفق به شناسایی سه فروند قایق درحال صید ماهی توسط جریان الکتریکی در رودخانه کارون شدند و با کمین در محل‌های گذر و نیز بارگیری و با تعقیب و گریز شبانه آنها، موفق به دستگیری هر سه متخلف و ضبط ادوات و وسایل صید آنها شدند. متخلفان براساس بند «الف» ماده ۱۰ و بند «ج» ماده ۱۱ قانون شکار و صید برای رسیدگی به پرونده به مراجع قضایی معرفی شدند».



وی بیان کرد: «استفاده از دستگاه شوک الکتریکی از روش‌های غیرقانونی و غیراخلاقی صید ماهی است که علاوه بر ماهیان، موجب ازبین رفتن و فلج کردن سایر آبزیان نیز می‌شود و متأسفانه به روشی رایج برای صید ماهی در آبهای خوزستان تبدیل شده است». رئیس اداره حفاظت محیط زیست شوشتر تاکید کرد: «این شیوه صید ماهی، می‌تواند حیات تمامی آبزیان و جمعیت و تنوع زیستی آنها را با خطرات جدی مواجه کرده به همین دلیل این اداره حسب وظیفه قانونی و با وجود کمبود امکانات، تمام تلاش خود را برای مقابله با این تخلفات انجام می‌دهد».

## عامل شکار بز وحشی در ارتفاعات تفت دستگیر شد

به دنبال دریافت گزارشی مبنی بر شنیده شدن صدای شلیک گلوله در ارتفاعات مناطق آزاد تفت، نیروهای یگان محیط زیست این شهرستان عازم ارتفاعات مذکور شدند. رئیس اداره حفاظت محیط زیست شهرستان تفت در این باره گفت: محیط بانان پس از ساعت ها جست و جو و دوربین کشی دو شکارچی متخلف را حین پایین آمدن از ارتفاعات مشاهده نمودند.



محمدرضا خواجه اظهار داشت: مامورین جهت برخورد قانونی با متخلفین وارد عمل شدند اما یکی از شکارچیان که اسلحه در دست داشت متواری شده و نفر دوم به همراه لاشه یک بز وحشی، کوله پشتی و یک دوربین چشمی دستگیر شد. متهم پس از تشکیل پرونده جهت رسیدگی به جرم به مراجع قضایی معرفی گردید. با اعتراف متهم دستگیر شده هویت شکارچی متخلف فراری نیز شناسایی و وی نیز به دادسرا احضار خواهد شد. بر اساس آخرین نرخ بهای جانوران وحشی به لحاظ مطالبه ضرر و زیان وارده به محیط زیست، جریمه قابل پرداخت از بابت صید و شکار غیرمجاز هر یک کل یا بز وحشی معادل یکصد میلیون ریال تعیین شده است که متهمین می بایست این مبلغ را به حساب دولت واریز نماید. همچنین متهمین در

دادگاه به جرم شکار غیرمجاز جانوران وحشی حمایت شده محاکمه شده و بر اساس ماده ۱۲ قانون شکار و صید به حبس از سه ماه تا سه سال و یا جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا هجده میلیون ریال محکوم خواهند شد.

## **توافقنامه پاریس؛ تهدید یا فرصت**

این مسئله که افزایش دمای زمین به علت افزایش دی‌اکسیدکربن ایجاد شده، نظریه‌ای بدون مبنا است و دلیل علمی برای این موضوع وجود ندارد.

برخی داده‌های ایستگاه‌های هواشناسی در مورد افزایش یافتن یا نیافتن دمای کره زمین یا تغییرات اقلیمی به لحاظ دقت قابل تشکیک است. توافقنامه پاریس ابعاد گسترده حقوقی، علمی، سیاسی، اقتصادی و زیست محیطی دارد که باید کارهای کارشناسی وسیعی از سوی کارشناسان و مسئولان بر روی آن صورت گیرد. ما باید در کشورمان توافقنامه پاریس و بحث گرمایش را مستقلاً و به دور از حواشی سیاسی داخلی یا جهانی بررسی کنیم و جمع‌بندیها را مبنای ادامه راه قرار دهیم. اساس و بنیاد نظریه‌های مربوط به افزایش دما در تمام دنیا از لحاظ علمی مخدوش است. زمین اجازه نمی‌دهد دما تغییر یابد و به کنترل آن می‌پردازد؛ پدیده‌هایی وجود دارد که اجازه نمی‌دهد دمای کره زمین از حدی گرم‌تر یا سردتر شود.

بسیاری از ادعاهای مطرح شده مبنی بر گرم شدن زمین که شامل بالا رفتن دمای کره زمین، آب شدن یخ قطبها، بالا آمدن سطح آب اقیانوسها، تغییر الگوهای بارشی، پدیده‌های شدید جوی و افزایش هفت درجه‌ای دما، فاقد پشتوانه علمی است.

مدلهایی که برای پیش‌بینی‌ها به کار می‌رود همه مربوط به آمار است در صورتی که علم هواشناسی با علم آمار تفاوت دارد؛ نمی‌توان داده‌های هواشناسی را با آمار به دست آورد و مورد لحاظ قرار داد. در مورد سرنوشت توافقنامه پاریس باید در وهله نخست بحث علمی درست بودن یا غلط بودن گرمایش زمین مورد توجه واقع شود. اینکه مطرح شود فلان دانشمند یا کارشناس کشورهای غربی چنین موضوعاتی درباره تغییر اقلیم یا گرمایش زمین را مطرح کرده‌اند، استنادی ندارد. سازمان هواشناسی برای این تاسیس شده که داده‌های درازمدت را داشته باشد و در هر صورت محل تعیین تغییرات اقلیمی نمی‌تواند سازمان محیط زیست باشد بلکه باید سازمان هواشناسی باشد. می‌توانستیم در موضوع گرمایش زمین و توافقنامه پاریس، منفعل نباشیم و از ظرفیت کشورهای در حال توسعه و گروههایی که در مجامع بین‌المللی عضویت داریم، استفاده کنیم.

سازمان محیط زیست متولی اصلی ریزگردها است اما متاسفانه این موضوع را به تغییر اقلیم مرتبط می‌کنند در حالی که ریزگردها ربطی به تغییرات اقلیمی ندارد.

متاسفانه برخی می‌خواهند ضعف مدیریتی را پشت تغییر اقلیم مخفی کنند؛ اینکه برخی مسئولان می‌خواهند ریزگردها را به تغییر اقلیم ربط دهند، بازی با افکار عمومی است یعنی می‌خواهند بهانه‌ای برای توافقنامه پاریس داشته باشند.



اینکه یخهای قطبی در حال آب شدن است و آب اقیانوسها بالا می‌آید، حرف اشتباهی است؛ به طور متوسط، از یخهای قطبی کاسته نمی‌شود و حتی آماری جهانی داریم که در برخی سالها یخها بیشتر شده است. افراد منتقد نسبت به موضوع گرمایش زمین و توافقنامه بین‌المللی پاریس تا امروز کجا بوده‌اند. بیش از ۱۰ نفر از کسانی که در سطح بین‌المللی در جراید درباره این موضوعات (تغییرات اقلیمی و توافقنامه پاریس) قلم می‌زنند یا از شرکتهای نفتی وام گرفته‌اند یا به طور مستقیم یا غیر مستقیم به وامداری آنها می‌پردازند!

در مورد فرآیند تغییر اقلیم باید گفت که این موضوع جا افتاده و مشخص است؛ تغییر اقلیم به مثابه یک کشتی در حال حرکت تعبیر می‌شود. در حال حاضر در مورد تغییر اقلیمی سخن می‌گوییم که تمام آسمان دنیا به هم ربط دارد؛ اینکه یک تغییر در یک کشور رخ دهد و بگوییم ربطی ندارد، درست نیست.

قطعاً بحث تغییرات گردوغبار موضوعی نیست که صرفاً به تغییر اقلیم ارتباط داشته باشد اما به تغییر اقلیم هم مرتبط می‌شود.

## **آتش‌سوزی شاهواز طریق مانور سپاه**

در پی مانور سپاه پاسداران در کوهستان شاهواز توابع شهرستان کامیاران، از روزهای گذشته تاکنون آتش‌سوزی مهیبی روی داده که صدها هکتار از جنگل‌های این شهرستان را به خاکستر بدل کرده است



در پی مانور سپاه پاسداران در کوهستان شاهو از توابع شهرستان کامیاران، از روزهای گذشته تاکنون آتش‌سوزی مهیبی روی داده که صدها هکتار از جنگل‌های این شهرستان را به خاکستر بدل کرده است. در پی وقوع آتش‌سوزی جدید کوهستان شاهو، ده‌ها تن از مردم منطقه و انجمن‌های محیط‌زیستی مریوان، سنه و کامیاران، خود را به منطقه رسانده که با ممانعت نیروهای سپاه مواجه شدند. مقاومت مردم و نهادهای مدنی نهایتاً باعث شد تا سپاه به ورود مردم به محل آتش‌سوزی موافقت کرده و آتش سرانجام مهار شود. این خبر در حالی منتشر می‌شود که مانور سپاه پاسداران قرار است تا ۲۲ مرداد (۱۳ آگوست) ادامه داشته باشد. از آنجا که نیروهای سپاه در این مانورها از بمب‌های آتش‌زا استفاده می‌کنند، احتمال آتش‌سوزی‌های گسترده مشابه باز هم وجود دارد. شایان ذکر است که با ممانعت سپاه از اطفاء حریق، هیأتی از انجمن سبز چیا به سرپرستی شریف باجور، راهی روستاهای پالنگان و تنگیور شده و پس از ۱۴ ساعت تلاش بی‌وقفه، موفق به خاموش نمودن آتش شدند. شعله‌های بی‌مسئولیتی مسئولان، حیات را در شاهو خاکستر کرد! یک کارشناس ارشد محیط زیست گفت: متأسفانه به جز تعدادی از محیط‌بانان و دهیاران بخش که دوشادوش مردم منطقه و انجمن‌های مردم نهاد در تلاش برای مهار آتش، حضوری فعال داشتند، نهادهای ذی‌ربط تلاشی برای اطفای این آتش‌سوزی گسترده به نمایش نگذاشتند. آتش‌سوزی گسترده در مناطق جنگلی کوه شاهو از توابع شهرستان کامیاران استان کردستان، در پنجمین روز به کمک مردم منطقه، فعالان محیط

زیست و محیط‌بانان اطفای شد. کارشناسان، خسارت وارده به این منطقه را بیش از ۴۰۰ هکتار برآورد می‌کنند. فعالان محیط زیست و مردم منطقه که از بی‌توجهی نهادهای ذی‌ربط به از بین رفتن پوشش ارزشمند جانوری و گیاهی کوه شاهو، طی پنج روز آتش‌سوزی گله‌مندند، طی ساعات گذشته به تهیه طوماری مشغول شده‌اند تا انتقاد خود را نسبت به عدم اعزام نیروی اطفای حریق در آتش‌سوزی پنج روزه کوه شاهو به نمایش بگذارند.



کوههای زاگرس و حیات وحشش این روزها مورد بی‌مهری قرار میگیرند

متأسفانه به جز تعدادی از محیط‌بانان و دهیاران بخش که دوشادوش مردم منطقه و انجمن‌های مردم نهاد با استفاده از آتش کوب، بیل و آبپاش، در تلاش برای مهار آتش، حضوری فعال داشتند، نهادهای ذی‌ربط تلاشی برای اطفای این آتش‌سوزی گسترده به نمایش نگذاشتند.

## تلخی «نیشکر» زیر دندان کارگران هفت‌تپه

معوقات مزدی و تنش‌های صنفی همچنان ادامه دارد؛ «به ما می‌گویند جان سخت... میدونی یعنی چی؟ اگر در این گرمای خرمایز بیایی لابه‌لای این نيزارها می‌فهمی چی میگم. ۵۵ درجه بالای صفر با رطوبت ۹۰ درجه! میدونی کارگرا تو این هوا چه جوری کار میکنن؟... اونى که از کارگر شکایت میکنه به دادگاه، نمیتونه پنج دقیقه تو این نيزارها سرپا وایسه چه برسه به اینکه

کار کنه. اونوقت انصافه که حق و حقوق ما رو ندن. حرف هم که بزیم برن ازمون شکایت کنند...» اینها روایت کارگران نیشکر هفت‌تپه از دلایل اعتراضات دامنه‌دارشان در ماه‌های اخیر است. از روزهایی که در اعتراض به تأخیر در پرداخت مطالبات مزدیشان دست به تجمع در شرکت زدند تا روزی که جان به لب شدند و همراه با خانواده‌هایشان رهگذران جاده اهواز به شوش را مهمان اعتراض کارگريشان کردند. نتیجه این اعتراضات، احضار گروه زیادی از کارگران به دادگاه را به همراه داشت. اتفاقی که در سالیان اخیر بی‌سابقه بود و نشان‌دهنده افزایش فشارها بر فعالان کارگری و ادامه‌دار شدن نگرش تحدید‌آمیز (محدود‌کننده) بر تجمعات صنفی کارگری است.



اعتراض ۳ ساله به خصوصی‌سازی و تبعاتش اعتراض به تأخیر در پرداخت مطالبات مزدی در مجتمع نیشکر هفت‌تپه سال‌هاست که ادامه‌دار شده است. تقریباً از سال ۹۴ که شرکت به بخش خصوصی واگذار شده به تناوب شاهد اعتراضاتی از سوی کارگران بازنشسته و شاغلین شرکت بوده‌ایم. کمبود نقدینگی و اجرا نشدن مواد متعددی از قانون کار درباره پرداخت به موقع حقوق و دستمزد منجر به بروز اعتراضاتی در بین کارگران شده که در برخی موارد تا چندین روز ادامه داشته است. برگزاری چهار تجمع اعتراضی در پنج ماهه سپری شده از سال ۹۶ و برگزاری تجمعات متعدد از سال ۹۴ تاکنون در پی آن صورت گرفت که مسئولین شرکت

نتوانستند از پس عمل به تعهدات خود در قبال کارگران برآیند. پرداخت نشدن مطالبات کارگران، پرداخت نشدن مطالبات بازنشستگان و مطالبات مزدی و بیمه‌ای کارگران از جمله این تعهدات وصول نشده است. ادامه‌دار شدن این اعتراضات در ماه‌های اخیر، باعث شد تا در یکی از پرسروصداترین تجمعات، کارگران شرکت نیشکر هفت‌تپه به همراه خانواده‌هایشان، جاده بندر امام به اندیمشک را برای ساعاتی به محلی برای تجمع اعتراضی خود، تبدیل کرده بودند. موقعیت استراتژیک این منطقه باعث شد تا اعتراض صنفی کارگران از سوی برخی نهادها، امنیتی تعبیر و با آن برخورد شود. روز بعد یعنی چهارم مردادماه ۱۳۹۶، ۱۵ کارگر مجتمع نیشکر هفت‌تپه در منزلشان بازداشت شدند. دلیل این بازداشت‌ها، مختل شدن مسیر تردد جاده‌ای در محور اهواز شوش عنوان شد. بعد از این اتفاق مسئولین شرکت ادعا کردند که اتفاقی که رخ داده در نتیجه شکایت آنها نبوده و برخی نهادها دستور بازداشت را صادر کرده‌اند. کارگران چند روز بعد با قرار کفالت ۲۰ میلیونی آزاد شدند. در پی این اقدامات، چند روز بعد ایلنا از احضار دست‌کم ۳۰ نفر از کارگران معترض به دادگاه خبر داد اما حالا خبر می‌رسد فشار بر فعالان کارگری در این مجتمع صنعتی همچنان ادامه دارد و دست‌کم ۵۳ نفر در ارتباط با تجمعات صنفی کارگری چند ماه گذشته این شرکت به دادگاه احضار شده‌اند. کارگران می‌گویند همچنان بابت برخی معوقات مزدی و مزایای دیگر از شرکت طلبکارند. در پی اعتراض‌های صورت گرفته در این کارخانه، برخی کارگران از کار تعلیق شده‌اند. شنیده‌ها حکایت از آن دارد که دلیل تعلیق این افراد که عمدتاً عضو سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت‌تپه هستند، تحریک کردن کارگران برای برگزاری تجمع است. به گفته یکی از کارگران شرکت نیشکر هفت‌تپه، محرک اصلی برای برگزاری این تجمعات، شرایط بد زیستی این

کارگران ، عملکرد و سیاست‌های کارفرما و بی‌توجهی مسئولین شهرستان و استان است. این کارگر که سال‌هاست در نیشکر هفت‌تپه مشغول به کار بوده است به «وقایع‌اتفاقیه» می‌گوید: «مرتبا توجیه می‌کنند که در این شرایط نباید از مطالبات کارگری حرف زد و باید از تولید حمایت کرد. اما به چه قیمتی؟ به قیمت له شدن کارگر؟! ما چیزی در حدود سه ماه است که حقوق نگرفته‌ایم؟ این آقایان می‌دانند یعنی چه؟» او ادامه می‌دهد: «درحال حاضر حقوق ماه‌های فروردین و اردیبهشت پرداخت شده و پس از آن دیگر حقوقی به کارگران پرداخت نشده است. محدود کردن قراردادهای کار از یک سال به ۶ ماه و مجبور کردن کارگران به اینکه اگر قرار دادها را ۶ ماهه کنید می‌توانیم حقوقتان را پرداخت کنیم مورد دیگری است که این کارگر به آن اشاره می‌کند. او می‌گوید در نتیجه این مسائل، برخی کارگران از کار تعلیق شده‌اند. این کارگر می‌گوید: «یکی از مسائلی که به شدت مورد اعتراض کارگران است، تیم جدید مدیریتی است که همزمان با واگذاری شرکت به بخش خصوصی، اداره امور را نیز بر عهده گرفته‌اند. او ادامه می‌دهد: شکل واگذاری شرکت که در سال ۹۴ انجام شد، شبیه دارد. تا پیش از واگذاری این شرکت در اختیار سازمان گسترش و نوسازی صنایع بود اما پولی که برای مناقصه گذاشته‌اند ۶ میلیارد تومان بوده درحالی‌که قیمت شرکت چندین برابر بیشتر از رقمی است که برای مناقصه گذاشته شده است و ما نمی‌دانیم این افرادی که شرکت را تحویل گرفته‌اند با چه شرایطی موفق به خرید شرکت شده‌اند. تا آنجایی که می‌دانیم شرکت ۶۰۰ میلیارد تومان بدهی داشت و کارفرمای جدید بدهی ۶۰۰ میلیاردی را تقبل کرد تا در اقساط هشت ساله و بدهی‌های باقیمانده از سال‌های قبل که نزدیک به ۴۵۰ میلیارد تومان و شامل بیمه و موارد دیگر بود را ظرف ۵ سال بپردازد. اما متأسفانه همچنان بر این بدهی‌ها افزوده

می‌شود زیرا مسئولین شرکت حتی توان پرداخت حق بیمه کارگران را ندارند. از معوقات مزدی تا برخورد با فعالان کارگری» اجرای ماده ۳۷ قانون کار و پرداخت به موقع حقوق و پرداخت حقوق خرداد و تیر همه پرسنل و بهمن و اسفند سال ۹۴ کارگران روزمزد، پرداخت شدن ۸ ماه بن کارگران روزمزد سال ۹۵ از فروردین ماه تا آذرماه که تخلف آشکار از مصوبه شورای عالی کار است، لحاظ نکردن پایه سنوات افزایش حقوق سالانه سال ۹۶ روزمزد (برخلاف مصوبه شورای عالی کار)، نداشتن لباس کار طی دو سال گذشته و هر سال دو دست لباس، لحاظ نکردن طرح طبقه‌بندی کارگاه برای کارگران روزمزد و موقت، پرداخت نکردن پاداش سال ۹۴ و ۹۵ طبق عرف کارگاه درحالی‌که سال ۹۴ شرکت دولتی بوده» از جمله مطالبات کارگران این شرکت است که گفته می‌شود تعدادشان به بیش از ۳ هزار نفر می‌رسد. در همین رابطه یکی از کارگران با اعلام این مطلب که مدیران شرکت تعداد کارگران برای پرداخت مطالبات را بیش از رقم واقعی اعلام می‌کنند، می‌گوید: آن چیزی که مدیران اعلام می‌کنند و می‌گویند که موقع بهره‌برداری تعدادی کارگر نی بر اضافه می‌شود درست نیست. ما ۲۹۰۰ نفر بیشتر نیسیتم اما آقایان می‌گویند ۵۵۰۰ نفر تا این‌طور برداشت شود که پرداخت این مطالبات خیلی سخت است. اغلب این کارگران یعنی معادل ۷۰ تا ۸۰ درصد آنها، حداقل قانون کار، حقوق دریافت می‌کنند و این برای شرکتی که این همه منابع دارد و باید بتواند از پس هزینه‌های پرسنل برآید، رقم بالایی نیست. ندادن جیره ماه رمضان با وجود تحویل حواله بین پرسنل شرکت از دیگر مزایای پرداخت نشده به کارگران است. «حواله دو تا مرغ، یک خرما و یک کیسه برنج به ما دادن، مگر قیمت اینها چقدر می‌شود؟ حتی همین را به کارگران ندادند. این حواله‌ها توی جیب کارگران پوسیده شد چون ما معمولاً در گرما کار کرده و عرق می‌کنیم.» پرداخت نشدن

حق بیمه تکمیلی صندوق پرسنل که از حساب ماهانه آنها کسر شده است مورد دیگری است که به اعتراضات کارگری دامن زده است. (کارگران می‌گویند خواهان عقد بیمه تکمیلی بین شرکت و یک بیمه معتبر هستند) صندوقی درست کردن برای بیمه تکمیلی که از حقوق ماهانه کارگران کسر می‌شود اما به بیمه پرداخت نمی‌شود. این باعث شده از نظر هزینه‌های درمانی به مشکل برخورد کنیم. دفترچه‌های بیمه‌مان ماه‌هاست تمدید نمی‌شود و بیمه تکمیلی‌مان با مشکل مواجه است. ۳،۴ ماه است ما دفترچه بیمه نداریم. در این شرایط چطور می‌شود هزینه‌های درمان را در این مملکت متقبل شد. حکایت ۵۳ نفر تاریخی تعلیق، اخراج و جابه‌جایی کارگران بدون رعایت تشریفات قانونی و اقدامات دستوری در این خصوص به بهانه خصوصی‌سازی از موارد دیگری است که مورد اعتراض کارگران نیشکر هفت‌تپه است. «اینها می‌گن ما بخش خصوصی هستیم و دستوری اخراج می‌کنند. از اخراج، تعلیق، جابه‌جایی هیچ ابایی نداشته و هیچ اعتقادی به قانون و کمیته انضباط کار ندارند.» کارگران معترض مدعی‌اند از زمانی که دوربین‌های مدار بسته در محل کارشان نصب شده است حدود ۳۰ نفر از کارگران از کار اخراج یا معلق از کار شده‌اند. یکی از کارگران در این رابطه می‌گوید: «هر حرکت کارگری در این منطقه با برخورد مواجه می‌شود. درحالی‌که کارگران به دنبال مطالبات صنفی‌شان هستند و اصلاً گره زدن این مسائل به مباحث دیگر غلط است. همین مسئله باعث شده که ما اخراج‌های زیادی را به‌دلیل اعتراضات و اعتصابات صنفی کارگری شاهد باشیم.» کارگران می‌گویند در ماه‌های اخیر از نظر قضایی برخوردهای بدی با کارگران صورت گرفته است. یکی از کارگران در این رابطه می‌گوید: «سابقه نداشته که ۵۳ نفر کارگر را برای یک اعتراض صنفی به دادگاه ببرند. آن کسی که سبب و عامل این اتفاقات است باید پاسخگو باشد



و به دادگاه احضار شود، نه کارگری که در دمای ۵۵،۵۰ درجه و رطوبت بالای ۹۰ درجه کار می‌کند. بارها در رسانه‌ها اعلام کردند که اینهایی که اعتصاب می‌کنند و اعتراض دارند، ارادل و اوباش اند. ماده ۳۷ قانون کار می‌گوید باید به موقع در یک روز مشخص حقوق بدهند، قانون در این مورد صراحت دارد. چرا اعتراض کارگر به پرداخت نشدن به موقع حق و حقوقش را جور دیگری تعبیر می‌کنید». اجرا نشدن مصوبه مجلس در سال ۹۲ توسط کارفرما درباره بازنشستگی کارگران نی بر فصلی که تعدادشان ۱۸۰ نفر است یکی از مواردی است که چندبار زمینه ساز تجمعات کارگران بازنشسته این شرکت شد. یکی از کارگران در این خصوص می‌گوید: «نی‌برها به صورت فصلی و در فصل بهره‌برداری نیشکر توسط شرکت که از مهر تا اردیبهشت ماه که بهره‌برداری شرکت تمام می‌شود در شرکت مشغول به کار هستند و در واقع به صورت فصلی کار می‌کنند. تا سال ۹۲ که مجلس به صورت خاص برای نی‌بران مصوبه تصویب کرد مابقی سال نه بیمه برای آنها واریز می‌شد نه حقوق دریافت می‌کردند، در نتیجه برای استفاده از طرح بازنشستگی زیان‌آور بیمه آنها دچار فاصله می‌شد. تا اینکه این مصوبه مجلس تصویب شد و شرکت نیشکر هفت‌تپه باید ۲۵ میلیارد تومان برای بازنشستگی این کارگران واریز می‌کرد ولی فقط ۱۵ میلیارد واریز کرد و بیش از ۳۸۰ نفر از آنها بازنشسته شدند، از سال ۹۲ تاکنون شرکت ۱۰ میلیارد مابقی را پرداخت نکرده است. اخیراً هم که شرکت به بخش خصوصی واگذار شده با وجود پیگیری آنها تاکنون عملاً اقدامی صورت نگرفته. اگر این مبلغ که قطعاً جریمه‌ای برای تأخیر در واریز به آن تعلق می‌گیرد، پرداخت شود حدود ۱۸۰ نفر دیگر از آنها بازنشسته می‌شوند. کارگران می‌گویند نمی‌دانند با توجه به بدهی‌های شرکت آیا وعده مدیران مبنی بر بازپرداخت تعهدات مالی عملی می‌شود یا خیر! این در حالی است که به گفته

یکی از کارگران، با وجود عدم پرداخت به موقع مطالبات مزدی کارگران این شرکت به سرمایه‌گذاری‌های جانبی می‌پردازد. یکی از کارگران در این باره می‌گوید: «مثلاً رقم کلانی را به تیم فوتبال استقلال اهواز می‌دهند تا روی این تیم سرمایه‌گذاری کنند. به این دلیل که این تیم زیر نظر استاندار است و فکر می‌کنند با این کار استاندار از شرکت حمایت می‌کند. نتیجه‌اش این شده که وقتی ما از پرداخت نشدن مطالباتمان گله می‌کنیم استاندار هیچ ترتیب اثری به مشکلات ما نمی‌دهد. نان قسطی هم به ما نمی‌دهند. شرایط خاص نیشکر هفت‌تپه پس از خصوصی‌سازی مشکلات کارگری را در این منطقه صد چندان کرده است و اعتراضات کارگران نیز به جایی نمی‌رسد.» وقتی اعتراض می‌کنیم مسئولین شرکت می‌گویند چه خبرتان است، خیلی از شرکت‌ها هفت ماه، هشت ماه است که حقوق نداده‌اند. چرا اعتراض می‌کنید... چه دلیلی دارد که این را مطرح می‌کنید؟ باید اعمال قانون شود و هر جا که دیرکرد در پرداخت معوقات دارند باید به موقع حقوق کارگر را پرداخت کنند. اینها از ناکارآمدی و سیاست‌های غلطی است که سال‌هاست باعث ایجاد مشکل در بازار کسب‌وکار شده. اینکه از بخش تولید حمایت نمی‌شود به کارگر مربوط نیست. من کارگر نباید برای این موضوع دغدغه داشته باشم. من کار می‌کنم و اول ماه حقوقم را می‌خواهم. ما الان اقساط زیادی داریم. من با چند سال سابقه کار آنچنان گرفتارم که ماهی بیش از دو میلیون قسط می‌دهم. خیلی از بچه‌های دیگه هم هستند که قسط دارن، با این شرایطی که پیش اومده بانک‌ها مرتب دارن یقه مون رو می‌گیرن و به ضامن‌هامون میگن که دیرکرد داشتیم تو پرداخت قسط‌ها. یکی از کارگران این شرکت در این باره می‌گوید: به خاطر اوضاع بد مالی، خیلی جاها حساب دفتری برای خریدهامون داریم. باور کنید این چند وقته نانوایی شرکت هم به ما نان قسطی نمی‌دهد.

خیلی از کارگران نان قسطی از ناوایی می‌گیرن... ما از ابتدایی‌ترین مخارج زندگیمون محرومیم. ما پس‌اندازی نداریم چون اکثر ما حقوقمان زیر خط فلاکت است، نه فقر... بیش از ۷۰ تا ۸۰ درصد کارگران حداقل قانون کار را به‌عنوان حقوق دریافت می‌کنند. اغلب اجاره نشین هستند و صاحبخانه مرتب اخطار می‌دهد اگر نمی‌توانی اجاره را به موقع پرداخت کنی برو بیرون...». کارگران نیشکر هفت‌تپه می‌گویند به دلیل مشکلاتی که در اثر تأخیر در پرداخت حقوق‌ها برای آنها به وجود آمده برخی کارگران دچار مشکلات عدیده خانوادگی شده‌اند که منجر به طلاق و از هم پاشیدگی زندگی خانوادگی‌شان شده است. «اینها ما رو درک نمیکنن. فقط می‌گن حمایت از تولید و بخش خصوصی. مرتب توی گوش کارگران می‌خوانند اگر این سرمایه‌گذار برود دیگر کسی نیست، پس باید هرچه گفت، گوش کنید. متأسفانه اونها قوی‌ترند. پولش رو دارند، نفوذش رو دارند و از تمام ظرفیت‌ها استفاده می‌کنند که صدای ما شنیده نشود.

## سقوط ۲۲ پله‌ای محیط‌زیست ایران در دوسال گذشته

در سال ۲۰۱۶ رتبه ایران در شاخص عملکرد محیط‌زیستی با ۲۲ پله سقوط از ۸۳ در سال ۲۰۱۴ به رتبه ۱۰۵ در سال ۲۰۱۶ تنزل یافته است. در همین حال کشورهای فنلاند، ایسلند، سوئد، دانمارک و اسلوانی به ترتیب رتبه‌های اول تا پنجم جهان را از آن خود کرده‌اند و افغانستان، نیجر، ماداگاسکار، اریتره و سومالی در قعر جدول قرار گرفته‌اند. ایران حتی در بین ۱۹ کشور خاورمیانه جایگاهی بهتر از پله سیزدهم دریافت نکرده است.

گذشته در مجمع جهانی اقتصاد در داووس منتشر شد، بار دیگر نشان داد که وضعیت محیط‌زیست ایران همچنان در شرایط مطلوبی قرار ندارد و باوجود شعارهایی که برای در اولویت قراردادن محیط‌زیست در سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های کشور داده می‌شود ولی در عمل کارنامه محیط‌زیست ایران دچار تنزل هم شده است!

چراکه براساس گزارش EPI در سال ۲۰۱۶ که توسط دانشگاه ییل آمریکا تهیه و ارائه شده، رتبه ایران در شاخص عملکرد محیط‌زیستی با ۲۲ پله سقوط از ۸۳ در سال ۲۰۱۴ به رتبه ۱۰۵ در سال ۲۰۱۶ تنزل یافته است. در همین حال کشورهای فنلاند، ایسلند، سوئد، دانمارک و اسلونی به ترتیب رتبه‌های اول تا پنجم جهان را از آن خود کرده‌اند و افغانستان، نیجر، ماداگاسکار، اریتره و سومالی در قعر جدول قرار گرفته‌اند. ایران حتی در بین ۱۹ کشور خاورمیانه هم نتوانسته کارنامه موفق‌تری از خود به‌جا بگذارد و جایگاهی بهتر از پله سیزدهم دریافت نکرده است. به‌گواه گزارش منتشره، آنچه باعث سقوط محیط‌زیست ایران شده، شاخص‌های مرتبط با منابع آب، آلودگی هوا، تنوع زیستی و زیستگاه‌ها، جنگل و پیامدهای بهداشتی ناشی از انواع آلودگی‌ها بوده است. این به این معنی است که ایران نتوانسته برنامه‌ای منسجم و مؤثر برای حفظ زیستگاه‌های طبیعی، حیات‌وحش، جنگل‌ها و بهبود وضعیت هوا و حفظ منابع آب کشور به اجرا بگذارد.

تنها مروری بر رتبه عملکرد محیط‌زیستی دولت ایران از سال ۲۰۰۶ تاکنون نشان می‌دهد که تقریباً هر سال وضعیت محیط‌زیست کشورمان بدتر از سال قبل شده است چراکه ایران در سال ۲۰۰۶ در بین ۱۴۲ کشور جهان در رتبه ۵۳، در سال ۲۰۰۸ در رتبه ۶۷، در سال ۲۰۱۰ در رتبه ۷۸، در سال ۲۰۱۲ در جایگاه ۱۱۴ و تنها در سال ۲۰۱۴ بوده که ایران با چند درجه

بهبود در پله ۸۳ جهان قرار داشته است و حالا بار دیگر با سقوط ۲۲ پله‌ای به پله ۱۰۵ جهان تنزل درجه یافته است.

اینکه چرا فنلاند و کشورهای همسایه‌اش سال‌هاست به صدرنشینی‌شان در جهان ادامه می‌دهند بیش از هرچیز به دلیل تدوین استراتژی‌ها و برنامه‌های سازگار با طبیعت و تعهد بالای اجتماعی این کشور در تحقق یک جامعه عاری از کربن است؛ کشوری که بیشتر روزهای سال در تاریکی به سر می‌برد و عملاً رنگ آفتاب به خود نمی‌بیند قرار است تا سال ۲۰۲۰ حدود ۳۸ درصد از انرژی مصرفی‌اش را از منابع تجدیدپذیر از جمله انرژی خورشیدی تأمین کند ولی در ایران همچنان سوخت‌های فسیلی و منابع اندک آبی هستند که تأمین‌کننده انرژی کشورند و ذخایر روبه‌تمام آب‌های زیرزمینی‌مان همچنان به پای توسعه غیراصولی کشاورزی ذبح می‌شود. تأسف‌آور اینکه با وجود همه شواهد و مدارک موجود مبنی بر بحرانی‌بودن وضعیت منابع طبیعی کشورمان، همچنان خبرها حاکی است که طرح و لوایح متعددی از سوی دولت و نمایندگان مجلس برای واگذاری اراضی ملی و حتی جنگل‌ها و مراتع و مناطق چهارگانه - همچون طرح قانونی حفظ کاربری اراضی زراعی - در دست بررسی و در آستانه تصویب قرار دارد بی‌آنکه کسی بیندیشد با کدامین ذخایر آبی، همچنان کشاورزی را مبنای توسعه کشور قرار داده‌ایم و اساساً رهاورد واگذاری بیش از هفت‌میلیون اراضی ملی کشور که منجر به زمین‌خواری‌های گسترده شد چه بوده است؟ مراتع لخت و فقیر، آب‌های زیرزمینی ته‌کشیده، دشت‌های فرونشسته، ویلاها و شهرک‌های سربه‌فلک‌کشیده و جنگل‌های خشکیده و روبه‌زوال و دریاچه‌های تهی و عاری از حیات پیامد همه این سیاست‌گذاری‌های غلط در چند دهه اخیر بوده است.

## قطع ۲۳ اصله درخت در یکی از روستاهای ملارد

رئیس اداره محیط زیست شهرستان ملارد از قطع ۲۳ اصله درخت بین ۵۰ تا ۱۰۰ ساله در روستای خوشنام این شهرستان خبر داد. به گزارش خبرگزاری هرانا به نقل از ایسنا، یعقوب مریدزاده با بیان اینکه حدود ۲۳ اصله درخت توسط بخشداری و دهیاری خوشنام ملارد به دلیل انجام فعالیت‌های عمرانی قطع شده است، اظهار کرد: «محیط زیست در کارگروه فضای سبز با قطع درختان مخالفت کرده بود که متأسفانه علی‌رغم مخالفت محیط زیست و عدم داشتن مجوز از این نهاد، درختان قطع شده است. وی با اشاره به اینکه برای انجام این طرح عمرانی در روستای ملارد، می‌توانستند از راهکارهای دیگری مانند انتقال درختان استفاده کنند، گفت: «متأسفانه ساده‌ترین راهکار که قطع درختان است را انتخاب کرده‌اند و مصلحت پروژه را در نظر گرفته‌اند نه محیط زیست را». رئیس اداره محیط زیست ملارد با اشاره به اینکه احتمال دارد استانداری شهرستان ملارد اجازه این کار را به آنان داده باشد، گفت: «قطعا پیگیر این موضوع خواهیم بود و شکایت‌های خود را به دستگاه قضایی خواهیم فرستاد». ملارد یکی از شهرهای استان تهران در ایران است..



## ماجرای ساخت سد گتوند و موزه عبرت محیط زیست

سد گتوند در استان خوزستان که خشت اول آن کج گذارده شد، یک فاجعه زیست محیطی برای جنوب ایران را رقم زده است. سدی که تنها دستاوردش امروز شور کردن کارون است، باید به “موزه عبرت محیط زیست” تبدیل کرد. از همان ابتدای ساخت سد گتوند بسیاری از اساتید حوزه آب و زمین‌شناسی به‌ویژه اساتید دانشگاه اهواز خواستار توقف روند اجرا و ساخت این سد شدند. آن‌ها علت مخالفت خود را وجود تپه نمکی به نام گچساران اعلام کردند که در امتداد مخزن این سد وجود داشت.



اصرار بر ساختن سد گتوند که به عنوان “پرهزینه‌ترین” سد ایران شناخته شده، هنگامی قابل فهم می‌شود که بدانیم چه نهادهایی در آن دخیل هستند. کارفرما: شرکت توسعه منابع آب و نیروی ایران. مشاور: شرکت مهندسی مشاور مهتاب قدس (وابسته به آستان قدس رضوی) و پیمانکار: گروه سپاسد (وابسته به قرارگاه خاتم الانبیا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) در ابتدا مسئولان متولی ساخت سد گتوند، تمامی ادعاهای مطرح شده را رد کردند و اعلام شد که سازند نمکی گچساران در محدوده این سد وجود ندارد. آن‌ها پس از رسانه‌ای شدن مشکل

نمک در محدوده سد، هنگامی به وجود نمک اعتراف کردند که عملاً میلیاردها تومان بودجه صرف شده بود و تخریب یا عدم آبگیری سد با سئوالات بیشتر و “آبروریزی” همراه می‌شد.



در ابتدا مسئولان متولی ساخت سد گفتند، تمامی ادعاهای مطرح شده را رد کردند و اعلام شد که سازند نمکی گچساران در محدوده این سد وجود ندارد. آن‌ها پس از رسانه‌ای شدن مشکل نمک در محدوده سد، هنگامی به وجود نمک اعتراف کردند که عملاً میلیاردها تومان بودجه صرف شده بود و تخریب یا عدم آبگیری سد با سئوالات بیشتر و “آبروریزی” همراه می‌شد. مسئولان سد گفتند در صدد برآمدند تا با ساخت دیواری حائل از خاک رس که اصلاً حا “پتوی رسی” نامیده می‌شود از برخورد آب با نمک‌های سازند گچساران جلوگیری کنند و بار دیگر بدون توجه به صحبت‌های کارشناسان که ساخت این “پتوی رسی” را بی‌فایده می‌دانستند، این پروژه نیز آغاز و با صرف هزینه‌های کلان انجام شد.

**همه ۸۰ میلیون ایرانی باید محیط بان شوند / ایران برای ۲۰ سال دیگر**

**آب نخواهد داشت**

عیسی کلانتری در حاشیه بازدید از تالاب هشیلان کرمانشاه، با بیان اینکه محیط زیست از اساسی ترین ارکان توسعه پایدار است، اظهار کرد: برای تحقق توسعه پایدار دیگر ارکان توسعه



نظیر اقتصاد و مسائل اجتماعی هم باید در کنار هم قرار گیرند. وی به مشکلات فرار روی سازمان محیط زیست اشاره کرد و گفت: سازمان محیط زیست سازمانی کوچک با بودجه محدود سالانه حدود ۴۲۰ میلیارد تومانی است که این بودجه کمتر از کمک دولت به دو منطقه آزاد تجاری است و با این اعتبار محدود نمی توان محیط زیست را حفظ کرد. کلانتری افزود: با این شرایط باید از کمک های مردمی استفاده کنیم و به سمتی برویم که ۸۰ میلیون ایرانی به ۸۰ میلیون محیط بان تبدیل شوند. وی پیشنهاد ایجاد معاونت فرهنگی اجتماعی در سازمان محیط زیست را مطرح کرد و افزود: با این کار می توان حفاظت از محیط زیست را به دل خانواده ها برد. معاون رییس جمهور در ادامه حفظ منابع تجدیدپذیر (گیاهان و جانوران) را از وظایف اصلی سازمان محیط زیست برشمرد و گفت: متاسفانه بانک ژن جامعی در کشور نداریم. رییس سازمان محیط زیست افزود: دفاع از حقوق شهروندی مردم که در وضعیت محیط زیستی خوبی زندگی کنند از دیگر وظایف اصلی سازمان محیط زیست است. کلانتری با انتقاد از تصمیم گیریهای جزیره ای در کشور، گفت: بعنوان مثال تحقق هدف گذاری انجام شده در برنامه ششم توسعه برای افزایش تولیدات کشاورزی باعث می شود مصرف آب کشور ۳۵ میلیارد متر مکعب بیشتر شود و این درحالیست که هم اکنون نیز سالانه ۵۰ میلیارد متر مکعب اضافه برداشت آب داریم. وی اولین معضل محیط زیستی کشور را بحران آب دانست و گفت: با ادامه روند موجود در ۲۰ سال آینده ۸۰ درصد وسعت کشور آب نخواهد داشت. کلانتری افزود: با وجود بحران آب، متاسفانه گاهی مشغول مسائلی همچون آلودگی هوا و یا زباله می شویم، در صورتیکه عمق فاجعه بحران آب بسیار جدی است. رییس سازمان محیط زیست در ادامه با بیان اینکه توسعه هیچ تضادی با محیط زیست ندارد، در کشور چهار میلیون بیکار داریم و

نباید با بهانه تراشی جلوی سرمایه گذاری را در کشور بگیریم. برای تکمیل سایت پرند نگر هشیلان ۸۰۰ میلیون تومان اعتبار نیاز است. این گزارش می افزاید: مدیر کل محیط زیست استان کرمانشاه گفت: برای تکمیل سایت پرند نگر هشیلان به ۸۰۰ میلیون تومان اعتبار نیاز داریم. غلامحسین کاظمی امروز دوشنبه در بازدید از سایت پرند نگر هشیلان اظهار داشت: ۱۶۳ هزار هکتار وسعت مناطق تحت مدیریت سازمان حفاظت محیط زیست استان است که ۶,۷ درصد از مساحت استان را شامل می شود. وی با اشاره به وجود پنج منطقه شکار و تیراندازی ممنوع در استان کرمانشاه گفت: هم اکنون در استان شصت محیط بان داریم که تعدادشان اندک است و نیاز شدید به نیروی انسانی داریم. کاظمی از فعالیت ۳۸ تشکل زیست محیطی در استان کرمانشاه خبر داد و گفت: منطقه تالاب هشیلان ۲۰۳۲ هکتار وسعت دارد و منطقه شکار و تیراندازی ممنوع محسوب می شود و وسعت خود تالاب نیز ۴۵۰ هکتار است و صد و ده جزیره کوچک و بزرگ دارد. وی با اشاره به مشکل چاه های غیرمجاز در اطراف تالاب گفت: برای سایت پرند نگر هشیلان یک میلیارد و سیصد میلیون تومان، تاکنون هزینه کردیم و به هفتصد تا هشتصد میلیون تومان دیگر نیاز داریم تا سایت را تکمیل و برای دهه فجر به بهره برداری برسد. فرمانده یگان حفاظت محیط زیست استان نیز در این جلسه به مشکلات مالی کارمندان محیط زیست اشاره و بیان کرد: پایین بودن سقف حقوق، اجرایی نشدن حق نوبت کاری، پایین بودن حق اضافه کاری از مشکلات ما است و یک سال است که اداره کل حقوق ماموریتی را دریافت نکرده است.

## **تالاب دائمی قم در آستانه خشکی**

حداقل ۶ درصد از مساحت زمین را اکوسیستم های تالابی فراگرفته و تالاب ها یکی از منابع اصلی تامین آب و غذا برای انسان ها هستند و ایران نیز با دارا بودن ۴۱ نوع از ۴۲ نوع تالاب موجود در دنیا، دارای بیشترین تنوع تالاب در دنیا می باشد. استان قم بر خلاف تصور بسیاری از مردم که این خطه را استانی کویری، با آب و هوای بسیار نامناسب می دانند، دارای اکوسیستم های کوهستانی، کوهپایه ای و کویری در غرب و شرق استان است که در میان این تنوع آب و هوایی و زیستگاهی، وجود شش تالاب فصلی و دائمی خودنمایی می کند.



تالاب های استان قم با وسعت حدود ۱۰۰ هزار هکتار، حدود ۱۰ درصد از وسعت جغرافیایی استان را تشکیل داده و بر همین اساس، قم یکی از تالابی ترین استان های کشور و دارای ظرفیت های عظیم زیست محیطی است که همه ساله میزبان دسته های بزرگ پرندگان مهاجر است تا اثبات کند که زیبایی قم تنها در کویر خلاصه نمی شود و وسعت تالاب ها در استان قم بیش از چهار برابر میانگین کشوری است و این تالاب ها با توجه به شرایط ویژه اکولوژیکی و زمین شناختی و قرار گرفتن در مسیر مهاجرت پرندگان، دارای گونه های غنی گیاهی و جانوری است. تالاب بهشت معصومه قم تنها تالاب دائمی استان است که در شمال شهر و در حدود ۲۰ کیلومتری جنوب تالاب حوض سلطان در ۳ کیلومتری حاشیه شرقی اتوبان قم تهران قرار گرفته است. تالاب بهشت معصومه قم پیش از این در تمام فصول آب داشت. این تالاب

مجموعه چشمه‌های کویری است که از پیوند آب آنها آبیگرهای دائمی تشکیل می‌شود اکنون این تالاب در کنار چهار تالاب دیگر یعنی حوض سلطان، مره، غدیر و دریاچه نمک در خطر نابودی قرار گرفته است. خشکسالی و گرمای هوا عوامل طبیعی نابودی این تالابها عنوان می‌شوند. علاوه بر این، ساخت سدهای مختلف در بالادست رودها و الگوهای غلط کشاورزی تأمین حق‌آبه‌های زیست محیطی تالابها را با مشکل مواجه ساخته است. خشکسالی در قم در حال پیشروی است و باعث شده تا نیمی از روستاهای این استان از سکنه خالی شوند. پنج تالاب این استان در حال خشک شدن است. دو دریاچه نمک و تالاب غدیر نیز اکنون پس از خشک شدن به منشاء ریزگردها بدل شده‌اند و استان‌های همسایه قم را تحت تأثیر قرار داده‌اند. کمبود آب باعث شده تا آبرسانی به بسیاری از روستاهای قم با تانکر انجام شود ولی متأسفانه شاهد خشکی بخش عظیمی از این تالاب هستیم و به دلیل کویری بودن استان و میزان کم بارندگی، بازگشت تالاب به شرایط گذشته و شادابی و طراوت و جذب پرندگان مهاجر را میتوان دور از ذهن دانست.

## **معضل پسماند بر آب و خاک گیلان**

تصرف اراضی، کوه خواری، ساحل خواری، تالاب خواری، تغییر کاربری‌ها و... محیط زیست گیلان را رنج می‌دهد، اما با وجود همه این موارد پسماند مهمترین معضل در گیلان است.



اگر مدیریت اصولی برای پسماند گیلان پیاده نشود، آلودگی آب و خاک و حتی هوا گریبانگر گیلان خواهد شد. اقدامات خوبی که در بحث آموزش و تفکیک زباله از مبدا در استان در حال انجام است، توفیقات مناسب بوده است، اما هنوز برای رسیدن به وضعیت مطلوب فاصله داریم. مدیرکل حفاظت محیط زیست گیلان خاطرنشان کرد: کارخانه‌های کمپوست رودسر، انزلی و رشت در حال حاضر با ظرفیت خوبی در حال کار هستند. وی با بیان اینکه با پیگیری‌های استاندار گیلان در سال گذشته، برنامه‌ریزی شده است کارخانه‌های کمپوست تالش و لنگرود نیز راه اندازی شوند و برای هر کدام از این دو کارخانه کمپوست دو و نیم میلیارد تومان اعتبار در نظر گرفته شده است، اضافه کرد: با راه اندازی این کارخانه‌های کمپوست ۵۰۰ تن دیگر به ظرفیت کمپوست استان اضافه خواهد شد و در مجموع ظرفیت کمپوست گیلان به هزار و ۴۰۰ تن خواهد رسید. باید مشکل پسماند جزو برنامه‌های اولیه شوراهای اسلامی شهرها و روستاها گیلان قرار بگیرد. برای رسیدن به راه دسترسی ۲۰۰ اصله درخت باید قطع می‌شد که مجوز آن باید از سوی کشور گرفته می‌شد و طی یک پروسه زمانی خوشبختانه موفق به اخذ مجوز شدیم. برای ادامه ساخت بازچرخانی توسط دانشگاه گیلان انجام شده و لوله گذاری برای

خروجی گاز متان از عرصه دفنگاه توسط پیمانکار نیز دیده شده است. امسال شهرداری رشت برای این موضوع تخصیص بودجه قائل شده است و ساخت تصفیه خانه را در پایین دست انجام می دهد.

## پژوهشگران محیط زیست: دولت در این سالها برای دریاچه ارومیه کاری

### نکرده است

«آب دریاچه ارومیه از ۱۷ رودخانه دائمی و ۳۶ رودخانه فصلی تأمین می شود که تغییرات اقلیمی و علل گوناگون سبب کاهش آب این دریاچه شده که نیازمند آسیب شناسی جدی است.»



مرتضی موسوی، مدیرکل حوضه های آبریز خزر و ارومیه در نشست «احیای دریاچه ارومیه، موانع و راهکارها» با بیان این مطلب گفت: در کشور ما حدود ۲۵ درصد بارشها بهنگام است و دیگر بارشها نابهنگام صورت می گیرد که شرایط پراکندگی بارشها ایجاب می کند برای نیازهای استراتژیک کشور از حاصل بارشهای سالانه چاره اندیشی خاصی تدوین شود. مدیرکل حوضه های آبریز خزر و ارومیه تصریح کرد: آب تجدیدپذیر ما ثابت است اما جمعیت مصرف کننده فزونی گرفته و ما نمی توانیم با آب فعلی نیاز جمعیت رو به رشد را تأمین کنیم.

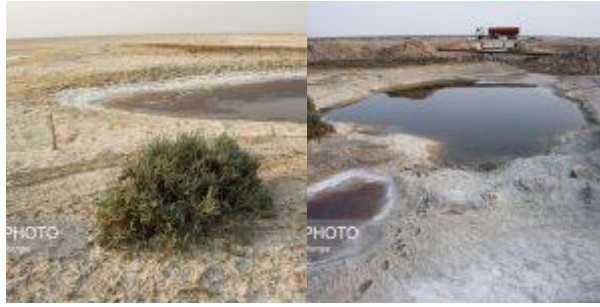
سال ساخت سد زرینه‌رود به زمانی بازمی‌گردد که دریاچه ارومیه ۳۲ میلیارد مترمکعب آب داشت، چرا فقط ایجاد سد را ملاک خشکی دریاچه قرار می‌دهید؟ پارامترهای گوناگونی در این حادثه اثرگذار است. موسوی توضیح داد: البته سدسازی یکی از عواملی است که توسعه پایدار ایجاد می‌کند اما قبول ندارم که سدسازی‌ها تنها عامل خشک شدن دریاچه ارومیه بوده است. وی با بیان اینکه «نباید تغییر رویکردهای نوین در مدیریت منابع آب را فراموش کنیم»، گفت: ما حدود یک میلیارد مترمکعب از محل سدها برای کشاورزی اختصاص می‌دادیم که این رقم قرار است طی ۵ سال هر سال ۸ درصد کاهش یابد و این میزان آب به دریاچه اختصاص پیدا کند. مدیرکل حوضه‌های آبریز خزر و ارومیه ادامه داد: از جمله فعالیت‌های خوب دیگری که انجام شده توقف ساخت سدهای نیمه‌کاره بوده است که البته ثمره برخی از این فعالیت‌ها را در سال‌های آتی خواهیم دید. ساخت سد می‌تواند دریاچه را خشک کند. در همین باره، فاطمه ظفرنژاد، پژوهشگر حوزه آب و توسعه پایدار نیز در این نشست اظهار کرد: ساخت ۵۶ سد در حوزه کوچک دریاچه ارومیه می‌تواند در عرض ۱۰ سال این دریاچه را خشک کند، این در حالی است که روی رودخانه‌های منتهی به دریاچه زریوار سدی نساخته‌ایم و آن دریاچه سالم مانده است. وی ادامه داد: این درست نیست که برای توسعه منابع آب روی دریاچه ارومیه ۵۶ سد ساخته شود؛ این حقیقت است که این دریاچه در حال مرگ است. پژوهشگر حوزه آب و توسعه پایدار تصریح کرد: عامل اصلی وضعیت نامطلوب دریاچه‌هایی همانند ارومیه مدیریت سازه‌ای آب و سدسازی بوده است و نمونه بارز آن در دریاچه آرال نیز رخ داده است. ظفرنژاد توضیح داد: علم‌مثبتی‌کنند دریاچه‌آرال در روسیه بر اثر سدسازی به خشکی دچار شده است؛ خشکیدن دریاچه ارومیه به هیچ عنوان ناشی از اقلیم نیست، چرا که اقلیم جهان تغییر کرده اما ناشی از

دستکاری‌های ناشیانه انسان بوده که دریاچه ارومیه رو به خشکی گذاشته است. وی ادامه داد: دریاچه‌ای که در ۳۰۰ هزار سال گذشته خشک نشده بود چطور ممکن است در شرایط اقلیمی کوتاه‌مدت خشک شود، مگر اینکه فناوری‌های انسانی بر عملکرد و اکوسیستم آن چیره شده باشد. پژوهشگر حوزه آب و توسعه پایدار با تأکید بر اینکه عامل خشک شدن دریاچه‌ها مدیریت سازه‌ای آب است، گفت: دریاچه ارومیه هم به سرنوشت دریاچه بختگان و تالاب جازموریان و کارون دچار شده است؛ در این میان فقط دریاچه زریوار، گهر و چند دریاچه کوچک دیگر هستند که جان سالم به‌در برده‌اند.

## **خشکسالی تالاب‌های شادگان و چغاخور**

هر ساله با کاهش بارندگی و استفاده بی‌رویه از آب‌های تالاب‌ها و گرمای هوا شاهد خشک شدن و تبدیل آنها به شورزار و از بین رفتن گونه‌های زیست محیطی هستیم. تالاب بین‌المللی شادگان در جنوب استان خوزستان و در شهر شادگان و با ۴۰۰ هزار هکتار قرار گرفته است که بدلیل خشک شدن آب تالاب در حال حاضر ۲۰ هزار هکتار از آن به شورزار تبدیل شده است. تالاب بین‌المللی و زیبای چغاخور با مساحتی حدود ۲۳۰۰ هکتار در مسیر جاده شهرکرد به خوزستان قرار گرفته است. هوای مطبوع، چشم‌اندازهای زیبا و وجود انواع پرندگان مهاجر از ویژگی‌های این تالاب بوده است که این روزها در اثر کمبود آب و خشکسالی در حال تبدیل شدن به شورزار است.





## تلاش اهالی ۱۴ روستا برای ادامه حیات سیاهرود

روستانشینان فولادکلا، ساروکلا، آبمال، میانرود، قادیکلای بزرگ، کوتنا، آهنگر کلا، کرچنگ، گل افشان، ریکنده، چپی، سیف کتی، سید ابو صالح و پر چینک با تشکیل کارگروه ساماندهی سیاهرود برای نجات این رودخانه وارد عمل شده اند و با اجرای یکسری اقدامات در قالب مصوبه این کارگروه و خارج از چهارچوب های اداری در قالب دوستداران محیط زیست به دنبال نجات این رودخانه مهم استان مازندران هستند.

رودخانه سیاهرود از به هم پیوستن ۳۰ رود و نهر پدید آمده و به همین دلیل در گذشته به آن 'سی رود' نیز می گفتند و پس از سال ها به سیاهرود معروف شد که پنج کیلومتر از مسیر ۵۱ کیلومتری این رودخانه از داخل روستاها و شهر قائمشهر می گذرد. نادیده گرفتن معضل ورود پساب ها و فاضلاب های اماکن تجاری ، صنعتی و خدماتی ، آلودگی در این رودخانه اکنون تا بدانجا شده است که دیگر نه تنها خبری از زلالی آب نیست بلکه فروغ حیات جانداران نیز در آن به خاموشی گراییده است. فکر تشکیل کارگروه ساماندهی رودخانه سیاهرود با هدف رفع مشکلات آن توسط انجمن دوستداران محیط زیست روستای میانرود قائمشهر کلید خورد ۲۹ نفر عضو این کارگروه متشکل از اعضای شوراهای اسلامی و دهیاران ۱۴ روستای

بالادست سیاهرود و اینجوهای فعال محیط زیست با استفاده از ظرفیت مردمی و اهالی این روستاها اجرای برنامه هایی برای حفظ و زنده نگه داشتن این رودخانه را به عنوان هدف خود انتخاب کرده اند . کارگروه ساماندهی سیاهرود با حضور اهالی ۱۴ روستای بالادست بهمن ذوالفقار از بنیانگذاران این کارگروه و عضو انجمن دوستداران محیط زیست روستای میانرود به خبرنگار ایرنا گفت: در گذشته آب زلال و پاک رودخانه سیاهرود محیطی مناسب برای رشد و نمو انواع آبزیان و همچنین مصرف به صورت آب آشامیدنی برای مردم به شمار می رفت. وی افزود : در سال های نه چندان دور آب سیاهرود به اندازه ای زلال بود که اهالی و ساکنین حاشیه این رود از آب آن برای آشامیدن و شست و شو استفاده می کردند و زلالی آب هنوز هم کلام و صحبت پیران و میانسالان قائمشهری ساکن در نزدیکی این رودخانه است.



ذوالفقار که از برخی بی توجهی ها و نقض قوانین در برخورد با متجاوزان و تولیدکننده آلودگی در این رودخانه گلایه کرد ، ادامه داد : این کوتاهی و بی توجهی ها باعث افزایش تعداد مراکز آلاینده ها در مسیر و به دنبال آن افزایش آلودگی رودخانه شده است .وی از بی توجهی سه دهه ای در برخورد با این عوامل به عنوان اصلی ترین عامل در ایجاد وضعیت کنونی این رودخانه مهم مازندران دانست و گفت : بی نتیجه ماندن پیگیری اهالی روستاها برای رسیدن به نتیجه ای برای رفع مشکلات رودخانه باعث شد تا از ظرفیت اینجوها و اهالی منطقه برای این

منظور استفاده بکنیم .به گفته این فعال فرهنگی و محیط زیستی مازندران با همکاری شوراها و دهیاران روستاهای دهستان علی آباد و کوهساران که در بالادست رودخانه سیاهرود قرار دارند و اینجوهای محیط زیست شهرستان قائمشهر ، کارگروه ساماندهی این رودخانه تشکیل شد .وی شناسایی نقاط آسیب پذیر از نظر ورود پساب فاضلاب های صنعتی ، خانگی و تجاری توسط اهالی شورای اسلامی ۱۴ روستای منطقه ، لایروبی و آزادسازی حریم رودخانه را به عنوان برنامه های کوتاه ، میان و بلند مدت این کارگروه برای نجات سیاهرود ذکر کرد .ذوالفقار از ساخت سدهای لاستیکی به عنوان دیگر چشم انداز آینده برای سیاهرود ذکر کرد و ادامه داد :

با رفع آلاینده های رودخانه می تواند بستر خوبی برای گردشگری و کسب درآمد شود.

## **گرد و غبار در اهواز بیش از ۸ برابر حد مجاز**

میزان گرد و غبار صبح شنبه در اهواز یک هزار و ۲۶۳ میکروگرم بر مترمکعب اعلام شده که معادل ۸،۴۲ برابر حد مجاز است و بیشترین میزان را در خوزستان دارد. استان خوزستان چندین سال است که درگیر پدیده گردو غبار با منشا داخلی و خارجی است. بی توجهی به مسایل زیست محیطی و برخی فعالیت های صنعتی باعث بروز این پدیده و یا تشدید آن در خوزستان و نیز برخی استان های کشور شده است.



رئیس روابط عمومی اداره کل حفاظت محیط زیست خوزستان گفت: «میزان گرد و غبار در ساعت هشت صبح شنبه در اهواز یک هزار و ۲۶۳، شوشتر ۲۴۴، و دزفول ۳۰۰ میکرو گرم بر مترمکعب اعلام شده است.» شهریار عسکری در گفت و گو با خبرنگار ایرنا بیان کرد: «این میزان گرد و غبار در ساعت هفت صبح امروز در اهواز یک هزار و ۲۱ و شوشتر ۱۵۸ میکرو گرم بر مترمکعب گزارش شد.» آخرین خبر دریافتی از اداره کل محیط زیست خوزستان حاکیست میزان ذرات معلق در هوا در ساعت ۹ صبح امروز رو به کاهش است و این میزان در اهواز به ۴۸۱ و دزفول ۳۱۵ میکروگرم بر متر مکعب رسیده است که دزفول افزایش دارد. حد طبیعی ذرات معلق در هوا ۱۵۰ میکروگرم بر متر مکعب است.

استان خوزستان چندین سال است که درگیر پدیده گرد و غبار با منشا داخلی و خارجی است. بی توجهی به مسایل زیست محیطی و برخی فعالیت های صنعتی باعث بروز این پدیده و یا تشدید آن در خوزستان و نیز برخی استان های کشور شده است.

## ادعای تولیدکنندگان، مقابل اظهارات مسئولان: مرگ دسته جمعی در

### مزارع پرورش میگوی چابهار

برای ششمین سال باز هم مرگ و میر به سراغ مزارع پرورش میگوی چابهار آمد؛ مرگ و میری که چهار دلیل متفاوت از بیماری "ویبریو"، "کمبود اکسیژن و رشد جلبک"، "غذای نامناسب و گرسنه ماندن میگوها" تا "بیماری کهن لکه سفید" برای آن مطرح می‌شود و دیگر تناقض قابل توجه در این میان، میزان درگیری مزارع و استخرهاست که از سوی مسئولان دو - سه استخر و از سوی پرورش دهندگان بیش از ۷۰ استخر عنوان می‌شود!

طی ماه گذشته تلفاتی در مزارع پرورشی میگوی گواتر چابهار اتفاق افتاده است که کم و کیف آن از نظر مسئولان و پرورش دهندگان فاصله فاحش و معناداری دارد، چراکه به گفته مدیرکل آبی‌پروری شیلات این تلفات فقط در یک استخر اتفاق افتاده و ناشی از کمبود آب و اکسیژن و رشد جلبک بوده است. اما طبق گفته رییس اداره کل شیلات استان مرگ و میر در دو - سه مزرعه رخ داده و ناشی از عدم مدیریت پرورش دهندگان بوده است. در این میان دامپزشکی نظر دیگری دارد و اعلام کرده که دلیل بروز تلفات یک درصدی به دلیل مناسب نبودن غذای میگو بوده که سایز مناسبی نداشته و سبب شده میگو از آن استفاده نکند و گرسنه بماند. اما پرده دوم این داستان دقیقاً اظهارات پرورش دهندگانی است که در نقطه مقابل صحبت‌ها و ادعاهای مسئولان قرار دارد. پرورش دهندگان معتقدند که این تلفات جمعی ناشی از بیماری است و اگر به سوء مدیریت آنها برمی‌گشت ۷۰ استخر و چندین مزرعه و چندین پرورش دهنده خسارت نمی‌دیدند. به گفته پرورش دهندگانی که دچار خسارت شده‌اند "مسئولان دامپزشکی با لبخند بیماری را تایید و شفاهی به بیماری "ویبریو" اعتراف کرده‌اند" و از سوی دیگر طبق

مذاکره با کارشناسان خارجی و ارسال عکس میگوهای تلف شده و علائم آنها، کارشناسان تشخیص داده‌اند که بیماری عامل مرگ و میر میگوها بوده است. همچنین تولیدکنندگان مدعی هستند که مسئولان برای اینکه خسارت ندهند و ضد تبلیغ برای سرمایه‌گذاری در منطقه نباشد بیماری را پنهان می‌کنند.



فقط یک استخر تلفات داشته است! در پی تلفات به وجود آمده و اخبار منتشره در سایت‌های خبری و شبکه‌های اجتماعی مبنی بر بروز تلفات مجدد در سایت گواتر و مزارع پرورش میگو چابهار، وحید معدنی - مدیرکل دفتر میگو و سایر آبزیان سازمان شیلات ایران - به ایسنا گفت: مرجع تشخیص تلفات و اعلام علت آن دامپزشکی است اما قطعی بیماری در چابهار و گواتر وجود نداشته است، چرا که گزارش‌های سازمان دامپزشکی آن را رد می‌کند. به گفته وی، فقط در یک استخر و یک مزرعه تلفات رخ داده که آن هم ناشی از بیماری نبوده و برخی پلانکتون‌های غیر مفید رشد کرده که عامل این تلفات شده است اما نکته قابل توجه این است که تولید این منطقه به بیش از ۱۰۰۰ تن برای اولین بار پس از سال‌ها رسیده است. مدیرکل دفتر میگو و سایر آبزیان سازمان شیلات ایران اضافه کرد: تلفاتی که رخ داده ناچیز بوده است؛ به گونه‌ای که یک پرورش دهنده که پیش‌بینی حدود ۲۵۰ تنی داشته حدود ۲۰ تن از محصولش کم شده است. معدنی تاکید کرد: اگر هم تاکنون خبر افزایش تولید هزار تنی میگو اعلام نشده به دلیل این است که میخواستیم برای پرورش دهندگان جشن کوچکی در این

منطقه بگیریم اما برخی از کسانی که آنجا هستند نمی‌خواهند تولیدی صورت بگیرد و هر چه آنجا تولید کمتر باشد به نفع آنهاست که کار نمی‌کنند، چرا که به جای آن شایعاتی که مطرح می‌کنند باید ببینند که سال‌های گذشته تلفات بسیاری ناشی از بیماری رخ می‌داد که امسال پس از حدود ۱۱ سال سرمایه‌گذاران را تشویق کردیم و توانستیم تولید را به حدود هزار تن برسانیم و برنامه‌های ما نیز به گونه‌ای است که می‌خواهیم در سال آینده به مرز ۱۵۰۰ تن تولید برسیم. وی گفت: برخلاف شایعاتی که مطرح شده هیچ میگوی تلف شده‌ای در کانال‌ها رهاسازی نشده و نباید به این مسائل توجه کرد، چرا که سندی در این زمینه وجود ندارد. دو - سه استخر تلفات داشتند همچنین هدایت الله میرمراذهی - رییس اداره کل شیلات استان سیستان و بلوچستان - نیز درباره وضعیت پرورش میگو در سایت پرورش گواتر چابهار و وضعیت تلفات به وجود آمده اینگونه توضیح داد که در سال جاری با رعایت همه الزامات بهداشتی توانستیم حدود ۶۵۰ تا ۷۰۰ هکتار از مزارع (سطح غیر مفید) را تحت پوشش ببریم که در این میان معاونت امور دام مسئولیت نوع غذای میگو را برعهده دارد و اداره کل شیلات موظف به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی است. همچنین دامپزشکی مسئولیت بیماری را بر عهده دارد که پس از حدود ۹۰ روز از آغاز کشت و انجام ذخیره‌سازی در تاریخ ۱۴ فروردین ماه امسال، برداشت آغاز شد و محصول به وزن ۱۶ تا ۲۳ گرم و حتی ۳۰ گرم رسید. وی بیان کرد: ناظر اداره دامپزشکی به صورت روزانه از همه استخرهای ذخیره بازدید داشته که هیچگونه بیماری از جمله لکه سفید میگو مشاهده نشده است و گواهی این سازمان برای آنها اعلام و محصولات برداشت شده نیز به کشورهای مختلف صادر شد. هیچ بیماری نداریم، کمبود اکسیژن باعث مرگ و میر شد رییس اداره کل شیلات استان سیستان و بلوچستان ادامه داد:

برخی از سرمایه‌گذاران زمانی که برداشت می‌کنند، مقدار محدودی از میگوها در گل و کف استخر گیر می‌کنند و در زمانی که اکثر حجم استخر خالی می‌شود اگر توسط سرمایه‌گذار عمق آب رعایت نشود و به جای یک و نیم متر به ۸۰ سانتی‌متر کاهش پیدا کند جلبک در کف استخر رشد می‌کند و کمبود اکسیژن باعث چنین تلفاتی می‌شود. میرمراذهی با بیان اینکه کسی حق ندارد هرگونه دلش می‌خواهد در فضای مجازی شایعه منتشر کند و مسئولیت اعلام بیماری یا عدم وجود آن برعهده سازمان دامپزشکی است، اظهار کرد: در سال جاری دو یا سه استخر آن هم به صورت محدود دچار این تلفات شدند. هر استخر ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ کیلوگرم برداشت شد و از آنها حدود ۳۰۰ کیلوگرم تلفات به عمل آمد در حالی که حدود ۳۸۰ استخر در این منطقه زیر کشت رفتند. وی تاکید کرد: هیچگونه بیماری در مزارع گواتر و چابهار اتفاق نیفتاده است و اگر کسی ادعای نادرست در این زمینه کمک کند سازمان دامپزشکی مدعی می‌شود و آن را پیگیری خواهد کرد.

## **دوگونگ‌ها در ایران وضعیت مناسبی ندارند/ گاو دریایی تنها گونه**

### **پستاندار دریای عمان در حال انقراض است**

گاوهای دریایی آب‌های خلیج فارس و دریای عمان طی سال‌های اخیر بسیار کمیاب شده و با ادامه این روند در معرض نابودی و انقراض قرار می‌گیرند.





محیط زیست دریایی و تنوع زیستی موجود در آن در کشور ما همواره نسبت به محیط طبیعی و انسانی کمتر مورد توجه بوده است. با وجود تنوع و ارزشمندی گونه ها از جمله گاوهای دریایی و آبزیان در جنوب کشور، اما تاکنون مطالعات و طرح های حفاظتی چندانی بر روی آن ها صورت نگرفته است. منطقه حفاظت شده حرا در تنگه خوران در غرب جزیره قشم، منطقه حفاظت شده مند در بوشهر و خلیج گواتر دریای عمان از جمله مناطقی هستند که گونه هایی همچون گاو دریایی در آن ها مشاهده شده است.

### بیوگرافی گاو دریایی

گاوهای دریایی با نام علمی *Dugong* پستانداران آبی و بزرگی هستند که شباهت زیادی به فک ها دارند. گاو های دریایی دارای جثه استوانه‌ای شکل و دارای پوستی صاف و ضخیم هستند و سطح بدن آن ها بدون مو و صیقلی است. فقط موهای نازک و کوتاهی در پهلوها و دم و موهای کلفت در دو طرف لب این جانور دیده می شود. دریچه های سوراخ بینی با حاشیه موج در بالای خرطوم جانور وجود دارد. بالغین این گونه ۱۰ تا ۱۴ دندان دارند که دندان های آسیاب آن ها فاقد ریشه، بدون مینا و گرد هستند. گاوهای دریایی نر دارای ۲ دندان نیش بزرگ هستند که چون زیر لب های گوشتی حیوان قرار دارند به سختی دیده می شوند. حداکثر اندازه این گونه پستاندار ۳/۳ متر و حداقل وزن گونه بالغ بر ۴۰۰ کیلوگرم است. نوزاد گاو دریایی بین یک تا ۱/۵ متر طول و حدود ۲۰ کیلوگرم وزن دارد. این جانور بسیار کم

رو و منزویست و بیشتر اوقاتش را در کف آب دراز می کشد و برای تنفس به سطح آب می آید. این پستاندار دریایی گیاهخوار است و در مناطق شنی، گیاهان و علف های دریایی را با پوزه اش از ریشه خارج می کند و پس از تکان دادن و دور کردن شن ها و رسوب ها آن ها را می خورد. فاصله بین بارداری این گونه ۳ تا ۴ سال است، این در صورتی است که وضعیت غذایی و محیطی آن در شرایط مطلوبی باشد، این کندی تولید مثل حاکی از حساسیت بالای این حیوان نادر به محیط خود است که بعد از به دنیا آمدن نوزاد، پدر و مادر با هم از آن مراقبت می کنند. طول عمر گاوهای دریایی حدود ۷۰ سال است و تولید مثل این جاندار در تمام فصول سال صورت می گیرد. این گونه تک زاست و مدت بارداری آن حدود ۱۱ ماه است. کمبود امکانات عامل اطلاع نداشتن از وضعیت جمعیتی گاو های دریایی است. گاوهای دریایی در آب های خلیج فارس و دریای عمان طی سال های اخیر بسیار کمیاب شده اند و با ادامه روند فعلی این گونه نیز در سال های آینده رو به انقراض می رود. این گونه بیشتر در آب های کم عمق خلیج فارس و دریای عمان زیست می کند و احتمال وجود این پستاندار در آب های سواحل چابهار، خلیج گواتر، سواحل پسابند و بریس بیشتر است. در حال حاضر قوانین سختگیرانه برای حمایت از این پستاندار آبی وجود دارد که متأسفانه به اندازه کافی از این گونه حمایت نمی شود.

تحقیقات در خصوص وضعیت زیستگاه جمعیت و پراکنش گاوهای دریایی در آب های ساحلی بریس و خلیج گواتر توسط کارشناسان محیط دریایی استان سیستان و بلوچستان صورت گرفته است، اما به دلیل عدم وجود امکانات و تجهیزات مناسب گشت و کنترل دریایی و نیروی متخصص و اجرایی به درستی از وضعیت جمعیتی این جاندار اطلاعی در دست نیست و گاهی

آماری که اعلام می شود تخمینی بوده و کمکی به وضعیت زیستی و حفاظت این حیوان نمی کند. اشرف علی حسینی، رئیس اداره محیط زیست چابهار، ابعاد دیگری از این مساله را مطرح می کند: در بحث محیط زیست دریایی، کمبود امکانات مساله اصلی است. طول نوار ساحلی ما حدود ۵۵۰ کیلومترمربع است، منتهی تجهیزات مناسب برای حفاظت نداریم. کمبود نیرو نیز یکی از مشکلات جدی است. در بحث حفاظت از پستانداران دریایی از جمله گاوهای دریایی در عین اینکه تجهیزات ویژه و اختصاصی لازم است، به نیروی آموزش دیده هم نیاز داریم. به عنوان مثال ما به شناورهایی نیاز داریم که بتوانند در محدوده خاصی تردد داشته باشند.

## **بحران آب همه سائق را دور هم جمع کرد**

نشست رونمایی از پویش مردمی «من صدای آب هستم» با حضور چهره های شناخته شده عرصه سینما و تلویزیون، فعالان اجتماعی و مذهبی کشور و اقشار مختلف مردم برگزار شد. به گزارش خبرگزاری مهر، بحران کم آبی در کشور پهنای ایران سالهاست به یکی از چالشهای مهم جامعه تبدیل شده و در سال جاری به یک چالش امنیتی مبدل شده است. جمعی از جوانان دغدغه مند با همراهی برخی چهره های سرشناس سینما و تلویزیون و فعالان اجتماعی و مذهبی با راه اندازی پویشی مردمی با عنوان «من صدای آب هستم» قریب به یکسال است که در راستای آگاهی بخشی های لازم به مردم و نیز مسئولین مرتبط با بحران آب با تولید محتوا و توزیع آن از طریق فضای مجازی به مطالبه گری جدی در حوزه بحران امنیتی آب پرداخته اند



امروز در نشست رونمایی رسمی از پویش «من صدای آب هستم» که با حضور چهره هایی از جمله رضا کیانیان، سید حسن آقامیری، عشرت شایق، فضا سادات حسینی، پرستو صالحی، نرگس آبیاری، جلال ملکی، دکتر کاوه مدنی، بهاره کیان افشار و جمع کثیری از مردم دغدغه مند ایران؛ با تشکیل پنل تخصصی بحران آب و راهکارهای عبور از آن ابتدا رضا کیانیان بازیگر سینما و تلویزیون و فعال اجتماعی کشور که بعنوان سفیر آب نیز با سازمان ملل مکاتباتی داشته است توضیحاتی در خصوص چگونگی تشکیل پویش صدای آب و اهداف این پویش ارائه داد. کیانیان در توضیحات خود پیرامون پویش صدای آب گفت: شهریورماه سال گذشته طی دعوتی که دوستان فعال فضای مجازی با عنوان افسران جنگ نرم از من داشتند پس از پذیرش دعوت آنها به جمکران و محل برگزاری برنامه قرار افسرانی آنها رفتم و در آن برنامه با مطرح کردن بحران مهم کم آبی از آنها خواستم تا همکاری مفیدی را فارغ از نگاه های سیاسی و یا سلائق فکری مختلف در راستای آگاهی بخشی و مطالبه گری در زمینه بحران آب داشته باشیم که این پیشنهاد من مورد استقبال آن جوانان فعال در فضای مجازی قرار گرفت و پس از آن با دعوت از شخصیت های مختلف از طیف های مختلف و سلائق متفاوت سیاسی، اجتماعی؛ مذهبی و علمی توانستیم بیش از یکصد و پنجاه چهره مطرح و تعداد کثیری از مردم دغدغه مند را با خود همراه کنیم و این نشست که امروز در سالن همایش های شرکت توسعه منابع آب و نیروی ایران ما را دور هم جمع کرده حاصل یکدلی و یکصدایی همه آنهاست که قلبشان

برای میهن و آینده آب می‌تپد. از این به بعد هم تا تحقق اهداف پوش مردمی صدای آب تلاش خواهیم کرد تا افراد بیشتری را از دوستان و همکارانم به چالش صدای آب دعوت کنم. در بخش دیگری از پنل تخصصی نشست رونمایی از پویش «من صدای آب هستم» حجت الاسلام والمسلمین سید حسن آقامیری با بیان اینکه روستاها و بخش‌های بسیاری از کشور با بحران کم‌آبی دست و پنجه نرم میکنند و مردم در مناطق مختلف کشور که محرومیت بیشتر است از عدم وجود آب نوشیدنی سالم رنج می‌برند اظهار داشت: ما در نظر داریم تا در ایام پیش‌رو که ایام محرم الحرام و ماه صفر است و ارباب بی‌کفن شیعیان جهان در این ایام به شهادت رسیده است با اعلام حرکت «نذر آب» با جمع‌آوری نذورات مردم برای مناطق محروم آب آشامیدنی تامین و به روستاها و شهرهایشان ارسال کنیم.

## **آینده ایران در خطر؛ خشکسالی‌های طولانی‌تر و سیل‌های بیشتر**

وضعیت منابع آبی ایران سال به سال نگران‌کننده‌تر می‌شود، میزان مصرف منابع آب در ایران بسیار زیاد است و از سوی دیگر گرمایش جهانی هم این خشکسالی را تشدید می‌کند. سرعت افزایش دما در ایران زیاد است و این اتفاق، تاثیر زیادی بر کاهش میزان بارندگی و افزایش تبخیر دارد. بر اساس اطلاعات مختلف دمای میانگین ایران از سال ۱۹۷۷ تاکنون افزایش پیدا کرده است، این افزایش دما چه میزان از منابع آب زیرزمینی ایران را کاهش داده است؟



با توجه به گستردگی مساحت و تنوع اقلیمی نظر دادن در مورد شرایط منابع آب ایران به عنوان یک واحد کلی گمراه کننده است. شرایط آب و هوایی و وضعیت منابع آب در سراسر ایران متنوع است، در هر منطقه از ایران باید با توجه به شرایط اقلیمی و هیدرولوژیکی آن وضعیت منابع آب بررسی شود. به همین دلیل بررسی دقیق میزان کاهش آب‌های زیرزمینی نیازمند ثبت و جمع‌آوری اطلاعات برداشت از آب‌های زیرزمینی است و در حال حاضر دسترسی به این اطلاعات بسیار دشوار است. اما به طور کلی می‌توان گفت که منابع آب زیرزمینی ایران چه به لحاظ کمی و چه به لحاظ کیفی با سرعت بسیار زیادی رو به کاهش است. برداشت از منابع آب زیرزمینی افزایش چشمگیری داشته است و این افزایش برداشت همزمان با کاهش تغذیه آبخوان‌ها به دلیل کاهش بارندگی بوده است، در کنار این امر افزایش دما هم مسئله را بحرانی‌تر می‌کند.

در رابطه با بارندگی چطور آیا در طول این سال‌ها میزان بارندگی در مناطق خشک ایران تغییر کرده است؟ گرمایش جهانی را می‌توانیم عامل چه میزان از سیل‌های شمال کشور در طول این سال‌ها بدانیم؟ ما در صورتی می‌توانیم بگوییم چند درصد از سیل‌های اخیر ناشی از سوء مدیریت است که مقایسه‌ای از شرایط حال و گذشته انجام دهیم. در این بررسی باید میزان بارش‌هایی که در سال‌های اخیر منجر به سیل شده را با شرایط گذشته مقایسه کنیم. اگر در گذشته این میزان بارش باعث وقوع سیلی نشده باشد بنابراین سیل‌های اخیر در اثر

سوءمدیریت‌ها رخ داده است. یک بحثی که همیشه در ایران میان مسئولان و کارشناسان وجود دارد این است که در وضعیت خشکسالی کنونی ما، تغییر اقلیم چه سهمی داشته است. آیا اگر هیچ سوء مدیریتی در زمینه منابع آبی انجام نمی‌شد باز هم به علت تغییر اقلیم در ایران خشکسالی شدیدی وجود دارد؟ شرایط خشکسالی در ایران تحت تاثیر هر دو عامل تغییر اقلیم و عدم مدیریت است؛ آنچه مسلم است افزایش دما همراه با افزایش مصرف آب در بخش‌های مختلف کشاورزی، شرب و صنعت است و کاهش بارندگی تامین این حجم تقاضای آب را با مشکل روبرو کرده است. اگر چه نمی‌توان گفت که تغییرات افزایش دما و کاهش بارندگی تنها عامل حوادث سیل و خشکسالی‌های اخیر است. مشخص کردن تاثیر عوامل طبیعی تغییر اقلیم و سوء مدیریت نیاز به بررسی‌های بیشتری دارد. به جز خشکسالی آیا میزان سیل هم در ایران افزایش پیدا می‌کند؟ احتمال وقوع سیل نیز در بخش‌های از ایران به طور قابل توجهی افزایش پیدا می‌کند. با شرایط حاضر، ایران با خشکسالی و سیل‌های عمده‌ای روبرو است که این حوادث خسارت‌ها و اثرات زیادی به دنبال دارد. ایران به تنهایی قادر نیست گرمایش زمین و تغییر اقلیم را کاهش بدهد، این کار به یک توافق جامع بین همه کشورها، بخصوص کشورهای صنعتی، با هدف کاهش گازهای گلخانه‌ای تا ۵۰ سال آینده نیاز دارد. اما ایران می‌تواند کارهای زیادی به منظور تسکین و تطبیق‌پذیری با پیامدهای تغییر اقلیم با اعمال سیاست‌های مدیریتی مناسب با در نظر گرفتن آب و جمعیت انجام دهد. بر اساس مطالعات قبلی، تا سال ۲۰۳۰ سرانه منابع آب در ایران کمتر از استاندارد شرایط بحرانی ۱۵۰۰ مترمکعب بر سال می‌شود. در آینده ایران خشکسالی‌های بیشتر و طولانی‌تر و همچنین سیل‌های بیشتری را با توجه به نتایجی که در بالا ذکر شد دارد. اقداماتی که ایران برای کاهش اثرات تغییر اقلیم

می‌تواند انجام بدهد خیلی متفاوت از آنچه سایر کشورها انجام داده‌اند نیست. مقالات زیادی در زمینه‌های مدیریت آب، مدیریت سیل و خشکسالی، و کشاورزی به چاپ رسیده است که می‌تواند برای ایران نیز راه‌گشا باشد. حضور ما در توافقنامه پاریس چقدر می‌تواند برای جنگ ما علیه تغییر اقلیم مفید باشد؟ ایران کشور مهمی است و آنچه ما در سطح بین‌الملل انجام می‌دهیم نیز بسیار اهمیت دارد. ما باید در توافقنامه پاریس همراه با بسیاری دیگر از کشورها به عنوان کشور دوستدار محیط زیست بر اساس آموزه‌های دینی خودمان حضور داشته باشیم. این توافق یک تلاش جهانی است در مقابل انتشار گازهای گلخانه‌ای که به دست خود انجام داده‌ایم. مسئله بسیار مهم این است که بدانیم در جامعه امروز تصمیمات بر اساس شرایط پیچیده اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، و محیط زیست اتخاذ می‌شود، ما نمیتوانیم فقط مشکلات آب در ایران را در شرایط انزوا و ایزوله انجام دهیم بلکه نیاز بر این است که همه ابعاد جامعه در این مسئله درگیر شوند.

## **سازمان محیط زیست یک سازمان ضعیف و مستضعف است**

رئیس سازمان حفاظت محیط زیست با بیان اینکه بودجه محیط زیست کمتر از اعتبارات یک ناحیه شهرداری است، گفت: شهرداری تهران پذیرفت پارک پردیسان را به شرایط قابل استفاده بدل کند. رئیس سازمان حفاظت محیط زیست و معاون رئیس جمهوری در مراسم امضای تفاهم‌نامه احیا و بهسازی پارک طبیعت پردیسان میان سازمان حفاظت محیط زیست و شهرداری تهران گفت: پارک پردیسان علاوه بر سازمان محیط زیست به شهر تهران هم تعلق دارد و همین امروز هم مردم از آن استفاده می‌کنند اما سازمان محیط زیست سازمان فقیری از لحاظ بودجه است و بودجه کل محیط زیست کشور یعنی ۵۲۰ میلیارد تومان کمتر از بودجه یک ناحیه از یک



منطقه شهرداری تهران است یعنی کمتر از ۳ درصد بودجه شهرداری تهران به محیط زیست کل کشور تعلق دارد .

عیسی کلانتری افزود: پارک پردیسان که ریه تهران هم محسوب می‌شود به علت اینکه سازمان وضعیت مالی بدی داشته در حال از بین رفتن بود. سابقه این پارک هم از نظر اجرایی به سال ۱۳۶۷ بر می‌گردد. آن زمان گفتند که سازمان اوقاف تصمیم به تملک این پارک گرفته است و مقام معظم رهبری که آن زمان رئیس جمهور بودند تشریف آوردند و اولین درخت را در پارک پردیسان کاشتند تا برای محیط زیست تثبیت شود و جشن درختکاری سال ۱۳۶۷ را در روز درختکاری اینجا برگزار کردند. وی ادامه داد: از آن زمان محیط‌بانان به مرور اینجا را از اوقاف که در نظر داشت این محل را مدیریت کند، گرفتند.

کلانتری گفت: الان وضعیت این پارک خوب نیست. قبل از انقلاب برای آن طرحی داشتیم که نمی‌شد بعد از انقلاب آن را اجرا کرد. اما طرحی در دهه ۷۰ طرحی در نظر گرفته شد که اکنون قرار شده طی یکی دو سال آینده همان طرح با کمی جرح و تعدیل اجرا شود.

رئیس سازمان حفاظت محیط زیست تاکید کرد: حدود ده دوازده هکتار از این پارک در اختیار وزارت نیرو قرار گرفته بود تا موزه آب احداث کند که چون اجرا نکردند قرار شده آن را پس بگیریم و در اختیار شهرداری تهران و آقای مختاری بگذاریم تا ظرف کمتر از یک سال به پارک بی‌بدیلی در سطح شهر تهران بدل شود. پارک پردیسان پارک بزرگی هم هست. مثلاً پارک ملت ۳۲ هکتار و پارک ولایت ۱۰۰ هکتار است اما این پارک حدود ۱۸۰ هکتار مساحت دارد .

وی اضافه کرد: این پارک اکنون شب‌ها نور و امکانات ندارد و ممکن است در آن اتفاقاتی بیفتد که نتوانیم پاسخگو باشیم. از شورای شهر تهران و شهرداری تهران تشکر می‌کنم که پذیرفتند این

پارک را به شرایط قابل استفاده‌ای بدل کنند. در این نشست علاوه بر عیسی کلانتری رئیس سازمان حفاظت محیط زیست، کاوه مدنی معاون آموزش و پژوهش این سازمان و پروین فرشچی معاون محیط زیست دریایی سازمان محیط زیست، شهربانو امانی مختاری رئیس سازمان فضای سبز و پارک‌های تهران حضور داشتند.

## **سیرکان، تنها شهر بدون آب در ایران / اینجا تشنگی بیداد می‌کند**

موضوع کم آبی و بی آبی در جهان و حتی در ایران موضوع جدیدی نیست و سال‌ها است که کمبود آب موجب بروز مشکلاتی در نقاط مختلف کشور شده است که البته نیاز به بررسی و تحقیق کارشناسی دارد. اما در استان سیستان و بلوچستان شهری به نام «سیرکان» وجود دارد که با وجود اینکه لوله کشی آب هم دارد اما همیشه بی آب است و سال‌ها است که مردم آن با مشکل کمبود آب آشامیدنی مواجه هستند.

شهر «سیرکان» به عنوان شرقی‌ترین شهر استان سیستان و بلوچستان و ایران و مرکز بخش «بم پشت» در فاصله ۹۵ کیلومتری شهر سراوان قرار دارد این شهر دارای جمعیتی ۳ هزار نفره است که از سال ۸۰ تبدیل به شهر شده است.

در سال‌های گذشته یک بند خاکی تحت عنوان «سد سیرکان» وظیفه تامین آب این شهر را برعهده داشته است اما از مهر ماه سال ۹۴ با توجه به خشک شدن آب پشت این سد مشکلات مردم این شهر چند برابر شده است. حالا مردم این شهر با وجود لوله کشی آب در هر ۳ یا ۴ روز به لطف انتقال آب با تانکر فقط یک ساعت آب دارند آن هم اگر تانکرها به موقع برسند و آب در

مخزن ها خالی شود. نکته عجیب تر با وجود این همه مشکل بی تفاوتی مسئولان استان سیستان و بلوچستان به این بحران است زیرا این روزها این موضوع در واقع به یک موضوع بحرانی در این منطقه تبدیل شده است اما هیچ گونه اقدام عملی از سوی مسئولان انجام نمی شود.

این روزها مردم این منطقه در هر گوشه ای از شهر به دنبال جرعه ای آب می گردند و کوچک و بزرگشان با ظرفی در دست در چاله ها و چاه های غیربهداشتی به دنبال آب هستند.

مردم این منطقه آرزویشان این است که شاید باران ببارد تا بتوانند از آن مقداری را برای خود ذخیره کنند اما متاسفانه با توجه به اقلیم خشک منطقه و همینطور نبودن سفره های آب زیرزمینی راهی برای تامین آب وجود ندارد. البته مردم این شهر در حالی با این شرایط دست و پنجه نرم می کنند که فاصله سد «ماشکید» تا این شهر فقط ۶۵ کیلومتر است و بر طبق گزارش وزارت نیرو سد «ماشکید» جز سدهایی است که تقریباً در وضعیت مطلوب آبگیری قرار دارد.



از همین رو محمد درازهی یکی از شهروندان سیرکانی اظهار داشت: ما واقعا انتظار زیادی از مسئولین نداریم همین که چند تانکر برای حمل آب به این منطقه در نظر گرفته شود کافی است.

وی افزود: با توجه به اینکه این موضوع این روزها واقعا بحرانی شده است اما هیچ فرد یا اداره ای به سراغ ما نیامده و حتی جلسه ای هم برای اینکه ما را دلخوش کنند برگزار نکرده اند.

ظاهرا مسئولان استان سیستان و بلوچستان ما را فراموش کرده اند و ما فقط در زمان انتخابات به کارشان می آییم چون بعد از انتخابات هیچ کس به یاد ما نیفتاده است. این شهروند سیرکانی گفت: من و خانواده ام واقعا در این شهر با مشکلات جدی روبه رو هستیم ما حتی آب برای آشامیدن نداریم و اگر این وضعیت ادامه پیدا کند مجبوریم که این منطقه را ترک کنیم.

این در حالی است که تعدادی از شهروندان این منطقه با توجه به این شرایط خانه و کاشانه خود را رها کرده اند و به شهرهای اطراف مهاجرت کرده اند که قطعا علاوه بر مشکلاتی که برای خودشان ایجاد می شود مشکلاتی از قبیل حاشیه نشینی در آن شهرها را نیز در پی دارد.

علاوه بر اینکه آبی برای خوردن نداریم دیگر نانی هم برای خوردن پیدا نمی شود- عبدالغور چاکری یکی دیگر از شهروندان سیرکان است اظهار داشت: ما دیگر هیچ امیدی برای زندگی نداریم زیرا بی آبی موجب شده که همه باغات و مزارع ما خشک شود. وی افزود: حتی دام های ما نیز بر اثر بی آبی تلف شده اند و دیگر هیچ گونه کار و اشتغالی برای مردم وجود ندارد.

وی ادامه داد: اگر این وضعیت ادامه پیدا کند علاوه بر اینکه آبی برای خوردن نداریم دیگر نانی هم برای خوردن پیدا نمی شود و واقعا شرایط برای زندگی دشوار شده است.

این شهروند سیرکانی ادامه داد: اینجا دمای هوا اکثرا بالای ۴۰ درجه است و ما علاوه بر اینکه باید گرمای هوا را تحمل کنیم از تشنگی هم رنج می بریم. از همین رو به سراغ تنی چند از مسئولان این شهر رفتیم تا نظر آن ها راجع به ایند موضوع جویا شویم.

شهردار شهر سیرکان اظهار داشت: برای انتقال آب به شهر سیرکان تنها ۲ تانکر ۳۰ هزار لیتری وجود دارد که اگر برای آنها مشکلی به وجود نیاید وظیفه انتقال آب را بر عهده دارند.

سید محمد امین سیدی افزود: واقعا با این شرایط کار کردن بسیار دشوار است زیرا بدون آب هیچ کاری را نمی توان انجام داد و همه پروژه های عمرانی ما تعطیل شده است.

وی ادامه داد: مردم این شهر بسیار قانع هستند و خواسته آن ها تنها ۲ ساعت آب در روز است تا بتوانند زنده بمانند. وی خاطر نشان کرد: ما حتی برای ماشین های آتش نشانی شهرداری هم آب نداریم و خدای نکرده اگر اتفاقی بیفتد ماشین های بدون آب ما هیچ خاصیتی ندارند.

شهردار سیرکان گفت: این مشکل زیاد هم پیچیده نیست و تنها با اضافه کردن ۲ تانکر انتقال آب دیگر بخش قابل توجهی از مشکلات مردم این شهر برطرف می شود.

لوله کشی در شهر وجود دارد اما آبی برای استفاده در لوله ها نیست. همچنین رئیس شورای شهر سیرکان اظهار داشت: در شهر سیرکان در تمامی محلات لوله کشی آب وجود دارد اما متاسفانه آبی در لوله ها برای استفاده شهروندان وجود ندارد.

ملک محمد بلوچ زهی افزود: این مشکل این روزها تبدیل به یک بحران جدی شده است که قطعا نیاز به پیگیری جدی مسئولان استان سیستان و بلوچستان دارد.

وی ادامه داد: ما بارها این موضوع را از روش های مختلف به گوش مسئولان ذیربط رسانده ایم اما متاسفانه تاکنون هیچگونه اقدامی انجام نشده است. وی با اشاره به اینکه مسئولان تنها قول پیگیری داده اند، گفت: با توجه به اینکه هر ۲ تانکر حمل آب به شهر سیرکان فرسوده و قدیمی هستند هر ۳ یا ۴ روز یکی از آنها خراب می شوند و بر مشکلات مردم افزوده می شود.

رئیس شورای شهر سیرکان افزود: مردم شهر سیرکان به طور متوسط هر ۳ یا ۴ روزی تنها یک ساعت آب دارند آن هم در شرایطی که آب به موقع به شهر برسد. وی ادامه داد: البته در این یک ساعت هم آن دسته از شهروندانی که پمپ آب دارند می توانند از این آب برداشت کنند و بقیه از همین حداقل نیز بی بهره هستند.



وی خاطر نشان کرد: حالا که سال تحصیلی جدید شروع شده است اوضاع بسیار بحرانی تر شده است زیرا در این منطقه ۴ مدرسه شبانه روزی وجود دارد که با توجه به نبود آب علاوه بر مشکلات فراوانی که دارند ممکن است حتی تعطیل شوند.

در مجموع داستان بی آبی در شهر سیرکان داستان عجیبی است زیرا در بسیاری از مناطق استان سیستان و بلوچستان به دلیل نبود لوله کشی آب شرب هم وجود ندارد اما در این شهر با وجود اینکه این زیرساخت وجود دارد و مردم دارای اشتراک آب هستند اما بازهم مردم این منطقه با مشکل مواجه هستند. اما نکته عجیب تر اینکه حل این موضوع زیاد پیچیده نیست و تنها با اضافه کردن ۲ تانکر دیگر قابل حل است حالا دلیل این همه کم کاری مسئولان چیست موضوعی است که باید خودشان پاسخگو باشند.

## زهکش نیشکر هفت تپه سلامت روستاییان را تهدید می کند



زهکش های شرکت نیشکر هفت تپه باعث آلودگی محیط زیست اهالی روستاهای میان آب و سید خلف گوماط در شهرستان شوش شده است. اهالی روستاهای میان آب و سید خلف گوماط در شهرستان شوش تا کنون بارها به مسئولان شبکه بهداشت و درمان شوش مشکل زهکش های شرکت نیشکر هفت تپه را اطلاع داده اند اما نتیجه ای نگرفتند. زهکش این شرکت دقیقا از وسط روستاهای میان آب و سید خلف عبور می کند. این زهکش دارای شیب تند و بدون حفاظ است و تبدیل به محل تلبار زباله شده و تا کنون تبعات و خطرات متفاوتی را برای اهالی به بار آورده است. سال ۸۸ به علت طغیان آب های زهکش شرکت نیشکر هفت تپه، روستای سید خلف زیر آب رفت و همه زباله ها، روستا را قبضه کردند. چند سال بعد و در سال ۶۹ یک دختر از خانواده دلفی در زهکش افتاد و جان باخت .

نیشکر هفت تپه تاکنون برای بهبود این وضعیت هیچ گونه گام مثبت و موثری بر نداشته است. اهالی معتقدند سهم آنها از این شرکت تنها آلودگی، بیماری و تخریب محیط زیستشان است. در این بین، سکوت سنگین برخی افراد با مخربان محیط زیست برای کنشگران شوشی قابل تحمل و توجیه نیست. این دودساز بزرگ گویی صدای اعتراض روستاییان را نمی شنود. آتش و دود و خاکستر، گرمایی که زمین را نابود می کند و دود و خاکستری که آدمیان را آرام به ورطه نابودی

می کشاند. همه نتیجه عقب ماندگی در برداشت محصول نیشکر است. وقتی هدف می شود مکیدن منابع زمینی و شعار افزایش تولید به ابتدایی ترین شکل، این نتیجه ناگزیر نابودی محیط زیست و به تبع آن تهدید سلامت شهروندان را به همراه دارد .

## زاینده رود خشک شاهد سازو کارهای بی نتیجه



همایش نکوداشت زاینده رود شامگاه ۱۸ مهر ماه ۱۳۹۶ با موضوع «تاثیرات اقلیمی زاینده رود از لحاظ فنی، زیست محیطی و اجتماعی» برگزار شد و فعالان محیط زیست و کارشناسان به چرایی خشکی زاینده رود که تنها سوال این همایش بود، پاسخ دادند .



عضو هیئت مدیره جمعیت پیام سبز اصفهان در پاسخ به این سوال گفت: تغییر اقلیم در بلند مدت به وجود می‌آید. ما در ایران سه تا چهار سال خشکسالی داشتیم اما در بقیه سال‌ها، میزان بارندگی در حد معمول (۱۴۰۰ میلیمتر) بوده است.

## **مجوزهای غیر اصولی عامل خشکی زاینده رود-**

وی افزود: در سال‌های ۷۸ تا ۷۹، میزان بارش ۷۵۰ میلی متر را داشتیم اما در سال‌های بعدی کمبود بارش وجود نداشته و در سال‌هایی، این میزان به ۱۶۵۰ میلی متر رسیده است. بارگذاری بیش از ظرفیت در زاینده رود و در بالا دست آن، انتقال آب به یزد، مصارف فضای سبز از جمله در اصفهان، فلاورجان، خمینی شهر و بخصوص ذوب آهن با ۱۶ هزار هکتار و فولاد مبارکه با سه هزار هکتار خشکی زاینده رود را تشدید کرده است. این فعال محیط زیست گفت: مجوزهای غیر اصولی از طرف وزارت نیرو یکی دیگر از علل این مشکل است. انتقال به آب یزد با وجود عدم بهره‌برداری از تونل سوم کوه‌رنگ، سبب تخلیه آب خوان‌ها شده و این مشکل اجازه جاری شدن آب در زاینده رود را نمی‌دهد.

## **تغییر اقلیم عامل خشکی زاینده رود نیست**

پس از بصیری، حشمت الله انتخایی، عضو جمعیت طبیعت یاران و اصفهان شناس گفت: تغییر در اقلیم سبب خشکی زاینده رود نشده است. اگر این مسئله علت خشکی بود، نباید بیش از هشت تا ۹ ماه رودخانه خشک باشد. علاوه بر تخصیص‌هایی که داده شد، بخشی از آب که از سرشاخه به رودخانه می‌رود صرف زمین‌های زیر کشت می‌شود وی افزود: این امر سبب شده در ابتدای مهرماه، آورد رودخانه به پشت سد ۶۰ درصد میزان متوسط باشد. افزایش تخصیص آب

به عنوان آب شرب به استان‌های اصفهان، چهار محال و بختیاری و چک بی وجهی است که وزارت نیرو صادر کرده، قرار بود انتقال آب به یزد پس از بهره‌برداری از تونل دوم و سوم کوه‌رنگ باشد که هنوز اجرا نشده است. تونل سوم تنها ۱۰ درصد پیشرفت داشته است. این فعال محیط زیست ادامه داد: ۸۵۰ میلیون مترمکعب آب طبیعی رودخانه به علاوه آب تونل اول کوه‌رنگ باید در رودخانه جاری باشد اما نیست. مردم اصفهان منتظرند تا رییس جمهور به قول خود عمل کند-محمد کوشافر، فعال محیط زیست نیز در این همایش در پاسخ به چرایی خشکی زاینده رود گفت: مردم اصفهان در چهارچوب قانون عمل کرده و تمام تلاش خود را برای حفظ زاینده رود انجام داده‌اند اما این بخش غیر دولتی نتیجه‌ای نگرفتند. بخش دولتی هم جلسات پیوسته و ناپیوسته انجام دادند اما یک شاهد قوی وجود دارد و آن هم زاینده رود خشک است که نشان می‌دهد تمام ساز و کارها به نتیجه نرسیده است. وی در ادامه گفت: همایش نکوداشت در ۱۸ مهر سال ۱۳۸۲ آغاز شد و سالیانه برگزار می‌شود. اما عملکرد و نتیجه خوبی نداشته است. این فعال محیط زیست از سوی حاضران در جلسه خطاب به رییس جمهور گفت: مردم اصفهان بسیار به این شهر علاقه دارند و زاینده رود برای کشور بسیار مهم است و مردم اصفهان بی‌صبرانه منتظرند که شما به قول خود عمل کنید.

### مسئله آب، مشکلی اجتماعی است

احمد خاتون آبادی، عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی اصفهان گفت: مسئله آب، مشکلی فراتر از آب است و تبدیل به یک مشکل اجتماعی شده است. در سطح کشور طرح‌هایی بدون دید کارشناسانه تصویب شده که بخشی از آن تابع قول‌هایی بوده که در هنگام انتخابات داده شده است. وی با بیان اینکه بخشی از منافع سرمایه‌گذاری در پروژه‌های سودآور مانند سدسازی‌ها

موجب جاری نشدن آب رودخانه شده است، تصریح کرد: بحران اتفاق افتاده و خشکی آب زاینده رود حادثه‌ای پس از وقوع بحران است. باید با درگیری‌ها بر سر آب مقابله کنیم به این منظور نیاز به شورای گفتمان آب و محیط زیست است تا برخی مسائل رفع شود. این فعال محیط زیست خاطرنشان کرد: این شورا نباید استانی باشد بلکه باید در سطح کشوری تشکیل شود تا اگر یک منطقه با مدیریت غیر منطقی سبب شد تا تالاب خشک شود یا کشاورزی تعطیل شود، بتواند این موضوع را رفع کند. خشک شدن رودخانه‌ها علاوه بر ایجاد ریزگرد، سبب از دست رفتن کشاورزی، بیکاری و در نتیجه ایجاد جرم و جنایت می‌شود.

**به قانون عمل نمی‌شود.** در ادامه این جلسه عبدالحسین میرمیران، عضو هیئت مدیره نظام صنفی کشاورزی شهرستان اصفهان اظهار کرد: مشکل اساسی، مشکل قانون است. بند ۱۵۸ تا ۱۵۹ قانون مدنی می‌گوید که برداشت آب و پمپاژ آن مطلقاً ممنوع است. برای اصلاح اراضی پایین دست، بخش بالادست نباید آب بردارد. اما به این قوانین بی توجهی شده و به حقوق کشاورزان ظلم شده است. وی اضافه کرد: مدیریت استانی حوضه زاینده رود ضربه محکمی به بدنه آن وارد کرد. حتی اجرای مصوبه‌ای ۹ ماده‌ای که در سال ۹۲ در مورد زاینده رود تصویب شد، به فراموشی سپرده شد. هر چند ادعا شده که ۷۰ درصد از مصوبه اجرا شده اما به علت اوضاع کنونی زاینده رود، اجرای مابقی مصوبه هم کمکی نخواهد کرد. به گزارش ایسنا، هرساله مردم اصفهان در ۱۸ مهرماه که به نام روز زاینده رود لقب گرفته است، دورهم جمع می‌شوند و از مسئولان می‌خواهند به وضعیت خشک زاینده رود رسیدگی کنند. روز گذشته تلاش فعالان محیط زیست برای برگزاری تجمع در این خصوص در بستر رودخانه با مخالفت فرمانداری

اصفهان رو به رو شد. بیش از ۸ سال است مدیریت نادرست حوضه زاینده رود سبب شده این رودخانه به رودخانه‌ای فصلی تبدیل شود.

## **تعطیلی و ورشکستگی ۶۰ درصد از مزارع پرورش ماهی کشور / انحصار**

### **واردات ۴۰۰ میلیون تخم ماهی در دست ۵ نفر**

تعطیلی و ورشکستگی ۶۰ درصد از مزارع پرورش ماهی کشور، تفاوت قیمت تمام‌شده به‌دلیل وجود تولیدکنندگان خُرد، انحصار واردات ۴۰۰ میلیون تخم ماهی، ورود تخم‌های ناقل بیماری، آلوده‌شدن اتحادیه به واردات تخم و ... از جمله موضوعات مطرح شده در این نشست است. در حال حاضر کشورهای صنعتی و پیشرفته با سرعت فزاینده‌ای به توسعه زیرساختهای صنعت آبزی‌پروری خود اقدام کرده‌اند و طی سالهای اخیر کشورهایی مانند نروژ، آلمان، کانادا، فرانسه، امریکا و ... توانسته‌اند ضمن توسعه کمی سطح تولید خود در پرورش ماهی‌های سردابی مانند قزل‌آلا، به سطح فناوری‌های بسیار نوینی در این صنعت دست یابند به‌گونه‌ای که در حال حاضر کشوری مانند آلمان با به‌کارگیری آخرین تکنولوژیها در این صنعت، موفق به دستیابی به سرانه تولید ۶۰۰ تُن به ازای ۱۵ لیتر آب شده است و این یعنی دستیابی به نهایت بهره‌وری به مدد تکنولوژیهای روز این حوزه ... متأسفانه کشورمان با وجود برخورداری از سابقه بسیار طولانی در صنعت پرورش ماهی قزل‌آلا، امروز در بدترین شرایط ممکنه در این صنعت

قرار دارد اما دلایل و چرایی دچار شدن واحدهای تولیدی ماهی قزل‌آلای کشور به وضعیت بحرانی امروز نیز در جای خود بسیار قابل تامل و البته تاسف‌بار است.

در حال حاضر سازمان شیلات تنها رویه‌ای را که در این حوزه در پیش گرفته، توسعه کمی و اعطای پروانه‌های بهره‌برداری جدید است و این توسعه کمی بدون کوچکترین توجه به آمایش سرزمینی در جریان است؛ این در حالیست که بسیاری از واحدهای قدیمی این صنعت، امروز به دلایل مختلف از جمله آلوده شدن اکثر واحدهای پرورش ماهی قزل‌آلا به ویروس و به دلیل بهای تمام شده بسیار بالا یا ورشکسته شده‌اند یا در آستانه ورشکستگی قرار دارند.

از سوی دیگر واردات رسمی بی‌رویه و قاچاق «ماهی تیلاپیا» به کشور عملاً حکم تیر خلاص به واحدهای پرورش قزل‌آلای کشور را داشته است چرا که واحدهای تولیدی در طی این سالها به دلایلی مختلفی مانند اعطای مجوزهای خرد پرتعداد، عدم حمایت جدی و واقعی از سوی شیلات، عدم توجه شیلات به تکنولوژیهای روز دنیا در این صنعت و بی‌تحرکی مطلق در توسعه کیفی و افزایش بهره‌وری واحدهای تولید قزل‌آلا، تلفات بسیار بالای واحدهای تولیدی به دلیل آلودگی تخم‌های وارداتی، آلودگی مزارع پرورش ماهی به ویروسهای خارجی، ناتوانی مالی پرورش‌دهندگان قزل‌آلا از خرید تجهیزات روز دنیا و بکارگیری تکنولوژیهای نوین این صنعت، بهره‌وری بسیار پایین این واحدها به دلیل وابستگی به شیوه‌های تولید به سبک دهه ۴۰ و ... باعث بحرانی شدن وضعیت فعالان این حوزه طی این سالها شده است به گونه‌ای که در حال حاضر ۶۰ درصد مزارع پرورش ماهی قزل‌آلای کشور، تعطیل و ورشکسته شده‌اند. متأسفانه این وضعیت وخیم در پی واردات ماهی تیلاپیا، صنعت پرورش ماهی کشورمان را به لبه پرتگاه برده است و در این شرایط نیز صرفاً شاهد اعطای مجوزهای جدید به متقاضیان جدید از سوی

متولیان امر هستیم! سازمان‌های نظام مهندسی و دامپزشکی عملکرد نامناسبی داشته‌اند چرا که برای اشتغال‌سازیهایی کاذب و بی‌تعهد، با تحمیل خود به صنعت آبی‌پروری باعث لطمه به این صنعت شده است. هنگامی که چند نوع روش برای تولید ماهیان وجود دارد چندین قیمت تمام شده نیز پدید می‌آید. عدم استفاده از دامپزشک، وجود نیروی انسانی ساده، نپرداختن هزینه‌های ایاب و ذهاب و استفاده از امکانات مشترک کشاورزی برای پرورش ماهی از جمله عوامل پایین بودن قیمت‌های واحدهای کوچک است. شاید هم اگر تخلفی از سوی این واحدهای تولیدی ماهی (واحدهای کوچک و خرد) صورت گیرد، نتوانند آنها را پلمپ کنند چرا که آثار اجتماعی و موضوع از بین رفتن اشتغالزایی مطرح می‌شود. نگاه شیلات بیشتر برای ارائه آمار اشتغال است و هیچ سیاست‌گذاری برای بهروری در تولید ندارد چرا که نظامات تولید با بهروری بالا با هدف تولید اقتصادی، صادراتی و رقابتی در دنیا به این ترتیب کنونی نیست.

سازمان شیلات، اتحادیه سراسری ماهیان سردابی را به مدیریت خود درآورده است؛ از حدود ۱۸ سال قبل تاکنون سه نفر از اعضای هیئت مدیره آن ثابت مانده‌اند. ماهی قزل‌آلا در سال ۱۳۳۹ توسط یک کارشناس دانمارکی وارد ایران شد و از آن زمان به بعد این ماهی به قسمتهای مختلف معرفی و با اکوسیستم ایران سازگار شد. متأسفانه سود حاصل از واردات تخم ماهی حدود ۲۰۰ درصد است که سرمایه اولیه‌ای هم برای واردات آن نیاز نیست چرا که وارد کنندگان با دریافت پیش‌پرداخت از خریداران به نوعی با سرمایه دیگران فعالیت می‌کنند! در سال گذشته ۴۰۰ میلیون تخم ماهی وارد ایران شد و این به معنی نابودی تولید تخم ماهی ایرانی و به دست آمدن سود سرشار برای واردکنندگان است چرا که نیاز کشور به این میزان تخم ماهی وارداتی نبوده است.

## مشروح بخش دوم نشست مشکلات و چالشهای صنعت آبرزی پروری کشور:

تسنیم: در بخشهای قبلی به میزان بهره‌وری و آمار آن اشاره داشته‌اید؛ آیا ورود تکنولوژیهای نوین و به‌روز می‌تواند موجب کاهش قیمت تولید و عرضه محصولات شود؟

به طور قطع، ورود تکنولوژیهای نوین در صنعت آبرزی پروری می‌تواند تاثیرگذار باشد اما برای این امر نیاز به سرمایه‌گذاری در دانش و ورود ماشین‌آلات، کاهش نرخ سود بانکی و آموزش به همراه جذب نیروی متخصص داریم.

### صدور مجوزهای مختلف برای تولید ماهی قزل‌آلا

در مورد مجوزها نیز باید به عملکرد سازمان شیلات کشور اشاره‌ای داشته باشیم؛ این سازمان تاکنون چند نوع پروانه برای تولید ماهی قزل‌آلا صادر کرده که شامل: پروانه بر روی چشمه‌ها و رودخانه‌ها، پروانه برای تولیدکنندگان با استفاده از آب چاه که به واسطه کاران معروف هستند و اکثراً تولید بچه ماهی می‌کنند و پروانه برای مزارع دو منظوره که با آب چاههای مستقر در زمینهای کشاورزی فعالیت دارند.

اما پروانه برای مزارع دو منظوره که با آب چاههای مستقر در زمینهای کشاورزی صادر شده است می‌تواند مشکلاتی نظیر تشدید خطر بحران آب و حتی شوری خاک در مناطقی که آب لب شور وجود دارد را به دنبال داشته باشد که باید در این زمینه هم دقت کافی صورت گیرد. ضمن اینکه وزارت کار نیز برای پرورش ماهی خانگی تسهیلات و پروانه لازم را ارائه

می‌دهد که البته این روش صدور پروانه ناشی از نبود برنامه منظم در توسعه و استراتژی توسعه‌ای است که موجب تفاوت فاحش در قیمت تمام شده خواهد شد و این مسئله نیز سرمایه‌گذارانی انجام شده را به خطر می‌اندازد و باعث رقابت ناسالم می‌شود. اما تمامی مسائل مطرح شده به همراه سایر موضوعات بخشی از عوامل اصلی شکست صنعت آبری پروری است که در حال حاضر به حالت ورشکستگی در آمده، سرمایه‌گذاران را به خطر انداخته و اشتغال را ناپایدار کرده است که در این میان حتی عده‌ای روانه زندان و بعضی از همکاران اقدام به خودکشی کرده‌اند.

### تأثیر عملکرد سازمانهای نظام مهندسی و دامپزشکی در صنعت آبری پروری

در این بین عملکرد نامناسب سازمانهایی همانند سازمان نظام مهندسی و نظام دامپزشکی نیز وجود دارد چرا که برای اشتغال‌سازیهایی کاذب و بی‌تعهد، با تحمیل خود به صنعت آبری پروری باعث مزاحمتهایی شده‌اند و این فرآیند را سخت‌تر، پیچیده‌تر و پرهزینه‌تر کرده‌اند.

باید یادآور شد که پیش از حضور این سازمانها، فرآیند تولید موفق‌تر، روان‌تر و با هزینه پایین‌تر بود و در حال حاضر با حضور این دو سازمان (نظام مهندسی و نظام دامپزشکی) بسیاری از مشکلات بیشتر از پیش شده که از آن جمله می‌توان به بیماریهای اپیدمی در مزارع پرورش ماهی، صدور مجوزهای بی‌منطق و ضوابط دست و پا گیر برای تمدید مجوزها اشاره کرد. همچنین جزیره‌ای کار کردن این مجموعه‌ها و نظارت ضعیف دستگاههای ناظر را باید به مسائل ذکر شده اضافه کرد به شکلی که تولید و تولید کنندگان به مثابه گوشتی قربانی در



چنین سازمانها و اداراتی در آمده و هر کس به آنها صدمه‌ای وارد می‌آورد که این عامل شکست صنعت آبی‌پروری خواهد شد.

## دلایل وجود قیمت‌های متعدد در تولید ماهیان

هنگامی که چند نوع روش برای تولید ماهیان وجود دارد چندین قیمت تمام شده نیز پدید می‌آید و چون مزارع تولید ماهی با توجه به روش و نوع صدور پروانه‌ها به‌گونه‌ای واحدهای اقتصادی کوچک محسوب می‌شوند و با توجه به هزینه‌های سربار، مدیریت ضعیف، کمبود توسعه دانش و عدم قدرت سرمایه‌گذاری به نوعی برهم ریختگی قیمت در بازار ایجاد خواهد شد. به عنوان نمونه شهرهای زنجان، سبزوار و ورزنه اصفهان با برداشت از آبهای «لبشور» ارزانترین قیمت ماهی پرورشی را ارائه می‌کنند چرا که فقط پول غذا و بچه ماهی را پرداخت می‌کنند و هزینه‌ای را برای کارشناس یا نیروی انسانی نمی‌پردازند ضمن اینکه به لحاظ سایر فعالیتهای کشاورزی به‌نوعی بهره‌برداریهای دیگر اقتصادی دارند که به همین سبب تمامی هزینه‌ها از تولیدکننده کنار رودخانه و سایر تولیدکنندگان پایین‌تر است؛ برخی از این تولیدکنندگان در استانهای ذکر شده با تولیدات اندک خود در مقیاس کشور، نظام بازار را مختل کرده و به مشکلات افزوده‌اند.

متأسفانه مردم در بحث قیمت‌ها با این موضوعات طرح شده آشنا نیستند؛ برخی تولیدکنندگان همانند بنده از نیروی انسانی و کارشناس بهره می‌گیریم اما برخی تولیدات با توجه به شرح فوق اینگونه نیستند. در مورد قیمت پایین ماهی در زنجان توضیح بیشتری بدهید، چرا شما از

کارشناس و نیروی انسانی بهره می‌برید اما آنها از کارشناس و نیروی انسانی لازم استفاده نمی‌کنند؟

واحدهای آنها کوچک، خُرد و در کنار مزرعه تولیدات محصول قرار دارد که این کوچک بودن واحدها و مجاورت این تولید به همراه تولیدات دیگر با استفاده از سایر عوامل موجب کاهش قیمت می‌شود اما اصل پرسش هم اینجا پدید می‌آید که مگر چقدر می‌توانیم با آن ظرفیت خُرد تولید داشته باشیم؟ آیا این تولید در مجموع عوامل اقتصادی ملی که باید در نظر گرفته شود صرف اقتصادی دارد و به صلاح کشور است؟ آیا نباید در زمینه بازار و استفاده بهینه از سرمایه، دانش و اقتصادی بودن تولید با بهره‌برداری‌های منابع ملی که متعلق به آیندگان است و تهدیدهایی که شاید بعضاً برای خاک و محیط زیست ایجاد کنند فکر کرد؟ اگر با این روش و مزارع هم صلاح در تولید است با تعریف بازار هدف مخصوص این تولید باید از ضربه‌ای که با ورود این محصول به اکثریت تولید کنندگان می‌خورد جلوگیری کرد و این باز تعریف بازار هدف و سیاست گذاری در تولید را می‌طلبد.

چه فاکتورهایی موجب شده قیمت‌های محصولات واحدهای کوچک و خُرد تولید ماهی پایین‌تر از محصولات واحدهای دیگر در کشور باشد؟

عدم استفاده از دامپزشک مستقر و کارشناس تولید، وجود نیروی انسانی ساده که همزمان در مزرعه کشاورزی مشغول به فعالیت است، نپرداختن هزینه‌های ایاب و ذهاب و استفاده از امکانات مشترک کشاورزی برای پرورش ماهی از جمله عوامل پایین بودن قیمت‌های واحدهای

کوچک است؛ اما مزارع بزرگ کنار رودخانه این نوع هزینه‌ها را باید پردازند که در همین رابطه واحدهای خُرد با تولیدات اندک، اکثریت مطلق تولید کنندگان را به حاشیه رانده‌اند.

### **عدم نظارت و برخورد با واحدهای خُرد تولید ماهی**

ضمن اینکه مسئولان ذیربط در حوزه آبی‌پروری و تولید ماهی در سایر موضوعات مرتبط همانند آب و محیط زیست نیز می‌توانند به راحتی مانع مجوزهای ما (تولید کنندگان) شوند؛ حتی دامپزشکی و سازمان محیط زیست نیز قادر هستند واحدهای تولیدی ما را پلمپ کنند اما واحدهای کوچک و خُرد ذکر شده جزوه مزرعه کشاورزی محسوب می‌شوند و نظارت یا برخورد با آنها کمتر است. در حوزه فعالیت صنعت آبی‌پروری کشور، بسیاری دغدغه‌ها با برخی مزرعه‌ها و پرورش‌های ماهی کوچک و خرد وجود دارد؛ برخی مزرعه‌هایی که نزدیک ما هستند بدون مجوز به فعالیت می‌پردازند و زمانی که به عملکرد آنها مبنی بر استفاده این مزارع خُرد از بچه ماهی آلوده و احتمال آلوده کردن سایر مزارع، انتقاد می‌کنیم این مسئولان ذیربط تاکید می‌کنند که چون واحدهای کوچک و خُرد مجوز ندارند ما برخوردی با آنها انجام نمی‌دهیم.

در اکثر اوقات وقتی درباره مسئله اعتراض به بیماری‌های ماهیان مراجعه می‌کنیم، دستگاہ‌های ذیربط تاکید دارند که تا اعتراض منجر به خسارت نشده باشد به دنبال آن نخواهند رفت. در زمینه صادرات محصولات نیز متأسفانه سازمان شیلات هنوز بازار هدف صادراتی و نگاه صادراتی برای تولید ماهی‌ها تعریف نکرده و ساز و کار تولید آن را ندارد چرا که اگر این تعریف را در

تولید انجام می‌داد باید ساختار مجوزها، ضوابط و اقتصاد تولیدی را دوباره باز تعریف می‌کرد و میزان پشتوانه تولید پایدار صادرات را مورد توجه قرار می‌داد.

### **عدم سیاست‌گذاری شیلات برای بهره‌وری در تولید**

نگاه شیلات بیشتر برای ارائه آمار اشتغال است و هیچ سیاست‌گذاری برای بهره‌وری در تولید ندارد چرا که نظامات تولید با بهره‌وری بالا با هدف تولید اقتصادی، صادراتی و رقابتی در دنیا به این ترتیب کنونی نیست و این عملکرد منجر به تولید ناپایدار شده که به دنبال آن اشتغال متزلزل و نابودی تولید کنندگان را در پی داشته است.

به عنوان نمونه در مورد بهره‌وری مناسب در صنعت آبی پروری، برخی کشورها عملکرد متفاوتی را ارائه می‌کنند؛ در گزارشی که یکی از مسئولان شیلات در بازدید از یکی از مزارع بزرگ کشور آلمان می‌داد، این شرکت خارجی با ۱۵ لیتر آب حدود ۶۰۰ تن تولید را انجام می‌داد و برای ارائه بهتر محصولات، تمامی فرآیندها اعم از تخم ماهی، بسته بندی محصول، برندینگ و بازار توسط یک شرکت انجام می‌شد که این نشان از پایداری تولید و حضور در بازار دارد.

متأسفانه سازمان شیلات پشتیبانی لازم را از فناوری در عرصه آبی پروری انجام نداده و استانداردهای تولید کمی و کیفی نیز مورد توجه قرار ندارد ضمن اینکه وقتی به آنها می‌گوییم تولید ماهی ما روی دستمان مانده و نمی‌توانیم آن را به فروش برسانیم، می‌گویند این مشکل شماست و مسئله ما محسوب نمی‌شود!! آنها تاکید دارند که تنظیم‌کننده سیاستهای مقررات هستند که البته این وضعیت موجود حاصل تنظیم این سیاست و مقررات است. در تمام

کشورهای دنیا در قسمت کشاورزی حمایت‌های خاصی صورت می‌گیرد یعنی در قسمت‌های اصلاح نژاد و تولید، خود دولت حمایت را انجام می‌دهد و آرام آرام فعالیت را واگذار می‌کند اما در کشور ما از ابتدا واژه «نه» را می‌گویند و آن را قبول نمی‌کنند.

### وضعیت اتحادیه صنف شما یعنی صنعت آبی‌پروری چگونه است؟

سازمان شیلات اتحادیه سراسری را به مدیریت خود درآورده است؛ از حدود ۱۸ سال قبل تاکنون سه نفر از اعضای هیئت مدیره آن ثابت مانده‌اند. در سال ۷۸ با وجود حدود ۳۰۰ واحد تولیدکننده و در حال حاضر با وجود حدود ۷ هزار واحد تولیدی، این اتحادیه سراسری با تغییراتی مواجه شده است یعنی در سال ۷۸ و در زمان آغاز فعالیت، این اتحادیه ۱۹ عضو داشت و در حال حاضر با توجه به رشد ۲۳ برابری تعداد واحدهای تولیدی، تعداد اعضای موجود اتحادیه از ۱۹ عضو به ۱۴ عضو تقلیل پیدا کرده است!!! البته این کاهش اعضا هم به وزارت تعاون برای استفاده از آرا آنها گزارش نشده و سه عضو هیئت مدیره کماکان با این مهندسی آرا و در سکوت سازمان شیلات و ضعف پیگیری و اجرای قانون توسط وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ثابت مانده‌اند.

با توجه به افزایش اعتراضات تولیدکنندگان طی سال اخیر برای کنترل بیشتر اتحادیه‌ها، سازمان شیلات ایران با هماهنگی اعضای هیئت مدیره همین اتحادیه صادره شده قدیمی توسط این اشخاص برای تضمین تسلط خود برخلاف نص صریح قوانین موجود کشور که در این موضوع وجود دارد و مصوب در مجلس شورای اسلامی است با پشتیبانی وزیر کشاورزی با وجود دو قانون ماده ۸ حفاظت و بهره‌برداری از آبهای آبی‌پروری مصوب سال ۷۴ و ماده ۵ قانون

توسعه و بهبود فضای کسب و کار مصوب سال ۹۱ که مصرح کرده‌اند تمام تشکلهای آبی‌پروری و صید در وزارت تعاون و بر مبنای قانون تعاون مصوب مجلس شورای اسلامی باید تشکیل و از شکل‌گیری تشکل موازی و تشدد در تولید خوداری کنند؛ سازمان شیلات با ایجاد اتحادیه موازی با حضور اتحادیه قبلی با توضیحات واهی بر خلاف قوانین مذکور نسبت به ایجاد اتحادیه موازی اقدام و این امر نه تنها مشکلات را حل نکرده بلکه باعث انشقاق و خسارت مادی و معنوی به تولیدکنندگان این حوزه شده است.

افرادی که در حال حاضر متولی شیلات هستند و به فعالیت می‌پردازند جزوه افراد باسابقه این رشته هستند و تحصیلکرده این رشته محسوب می‌شوند اما اینکه این افراد چرا فعالیتی نمی‌کنند و نسبت به مشکلات آشنایی دارند جای سؤال و چرایی دارد.

اگر حرکت آبی‌پروری جدید کشور را از دهه ۷۰ و بعد از سالهای انقلاب اسلامی تصور کنیم همین آقایانی که امروز مسئول عرصه شیلات هستند در وزارت جهاد نیز کارهای مربوطه را شروع کردند؛ اینها افرادی بوده‌اند که در آن تاریخ، شروع فعالیت را به صورت مناسبی گذاشتند البته اشتباهاتی را هم داشتند اما در حال حاضر دلیل برخی سماجتهای آنان را نمی‌دانیم. وقتی به این افراد مسئول در حوزه آبی‌پروری می‌گوییم که شرایط موجود با این نوع سیاستگذارانها، ما را به منزل نمی‌رساند یک شعار را مطرح می‌کنند که ۲۰ کیلو سرانه مصرف دنیا است و تولید ماهی ما در کشور با آن فاصله دارد.

اما ما هم پرسشهایی را از مسئولان ذیربط داریم: آیا وقتی قیمت تمام شده بالا است ما با کار آشنا نیستیم؟ تخم آلوده ماهی وارد می‌شود ما با کار آشنا نیستیم؟ ماهی تیلایپای قاچاق وارد می‌شود ما با کار آشنا نیستیم؟ بهتر است به این پرسشها هم پاسخ داده شود.

آمارهای شیلات بر اساس خوداظهاری است متأسفانه شیلات نمی‌تواند و نمی‌خواهد آمار و اطلاعات مربوط به تولید ماهی را ارائه کند و غالب آمارها براساس خود اظهاری انجام گرفته است؛ اصولاً ساختار موجود در سازمان شیلات و دامپزشکی توانایی ارائه آمارهای دقیق از واحدهای تولیدی را ندارد و این مسئله بر نابسامانی‌ها افزوده است.

آیا ماهی قزل‌آلا بومی ایران محسوب می‌شود؟ ورود ماهی قزل‌آلا به ایران در سال ۱۳۳۹

ماهی قزل‌آلا در سال ۱۳۳۹ توسط یک کارشناس دانمارکی وارد ایران شد و از آن زمان به بعد این ماهی به قسمتهای مختلف معرفی و با اکوسیستم ایران سازگار شد.

ماهی‌ها در دنیا به سه دسته سردابی، گرمابی و حاره‌ای تقسیم می‌شوند؛ ماهیان سردابی در دمای حدود ۱۴ تا ۱۶ بهترین سرعت رشد و شرایط تولید اقتصادی را دارند و تا دمای حدود ۲۲ درجه را تحمل می‌کنند که بالاتر از این درجه موجب بروز مشکل برای آنها می‌شود که ماهی قزل‌آلا در این گروه قرار دارد و دارای امگا سه بالایی است. ماهی‌های گرمابی نیز در دمای بین ۲۲ تا ۲۸ درجه بهترین رشد و سرعت را دارند و حاره‌ای‌ها که در ایران وجود ندارند بالاتر از دمای ۲۸ درجه سرعت رشد می‌یابند.

گونه بومی ماهیان سردابی در ایران همان ماهی‌های آزاد دریای خزر هستند که باید مورد توجه قرار گیرند و قزل‌آلای تولیدی در ایران هم از همین دسته محسوب می‌شود اما زادگاه

اولیه آن رودخانه‌های کالیفرنیا بود که بعدها به سراسر دنیا منتقل شد. تخم ماهی قزل‌آلا از سال ۱۳۳۹ توسط آقای دکتر معتمد به ماهی‌سرای کرج وارد شد و فعالیت بر روی این ماهی از همان سال آغاز شد. حدود ۹۰ درصد آبریان داخل کشور مخصوصاً در دریای شمال کشور به این اکوسیستم وارد شده یا مهاجرت کرده‌اند که به عنوان نمونه کپور و کفال بومی ایران نبوده‌اند اما وقتی به ایران وارد شده‌اند در سیستم محیط زیست و اکولوژیک معرفی شده و زمانی که در محیط مانده‌اند به عنوان بومی تعریف می‌شوند.

در مورد ماهی قزل‌آلا نیز باید گفت که نژاد اصلی آن متعلق به یکی از رودهای کالیفرنیا است و بهترین گونه‌ای بود که از رشد و غذاگیری فعالیت داشته و در تمامی دنیا تجاری‌سازی شده است.

### **چرایی تعطیلی و ورشکستگی ۶۰ درصد از مزارع پرورش ماهی**

اما در مورد واردات تخم ماهی، بیماریها و نحوه عملکرد سازمانهای ذیربط نیز انتقاداتی وجود دارد که متأسفانه شاهد این مدعا، وجود بیماریها و تعطیلی بیش از ۶۰ درصد مزارع پرورش ماهی و ورشکستگی آنها است.

متأسفانه سود حاصل از واردات تخم ماهی حدود ۲۰۰ درصد است که سرمایه اولیه‌ای هم برای واردات آن نیاز نیست چرا که واردکنندگان انحصاری آن با دریافت پیش‌پرداخت از خریداران به نوعی با سرمایه دیگران فعالیت می‌کنند.

**واردات ۴۰۰ میلیون تخم ماهی به ایران**



در سال گذشته ۴۰۰ میلیون تخم ماهی وارد ایران شد و این به معنی نابودی تولید تخم ماهی ایرانی و به دست آمدن سود سرشار برای واردکنندگان انحصاری تخم ماهی است چرا که نیاز کشور به این میزان تخم ماهی وارداتی نبوده است ضمن اینکه به دلیل وجود بیماری، غالب این تخمها و بچه ماهی‌های حاصل از آن از بین رفته و باعث ایجاد فاجعه می‌شود که بر همین اساس تولید تخم ماهی ایرانی هم شکست خورده و در حال نابودی کامل است.

قربانی: درباره تولید هم باید گفت از آن زمان که ماهی قزل‌آلا وارد ایران شد به عنوان یک ماهی لوکس معرفی شد و از اواخر دهه ۶۰ روی موضوع تولید و تکثیر آن فعالیت بیشتری صورت گرفت؛ ماهی قزل‌آلا ابتدا در آذربایجان غربی تکثیر شد و سپس به برای تولید به سایر نقاط کشور همانند شیراز یا دیگر استانها انتقال یافت.

در دهه‌های گذشته و سالهای نه چندان دور، هر کسی که منبع آبی در اختیار داشت، درخواست دریافت مجوز برای تولید و تکثیر ماهیان را ارائه می‌کرد که البته اصولی در مجوز دادن وجود نداشت؛ حتی در دهه ۸۰ نیز با توجه به مجوزهای بی‌اصول، هرکس هر تقاضایی در رابطه با مجوز تولید و تکثیر ماهی داشت مورد توجه قرار می‌گرفت و حتی هر کس مجوز تکثیر و دیگری مجوز پرورش می‌داد آن را در زمان مقتضی دریافت می‌کرد که به‌عنوان نمونه در دهه ۸۰ حدود ۱۲۷ مجوز مرکز تکثیر داده شد.

در دهه ۸۰ حدود ۱۲۷ مجوز مرکز تکثیر صادر شد که هرکدام از این مراکز تکثیر به عنوان مرکز مادر و تولید کننده تخم ماهی محسوب می‌شدند.

اما در مورد مقایسه صنعت آبی پروری در ایران با سایر کشورها تفاوت‌های بسیاری وجود دارد، به عنوان مثال صنعت آبی پروری در ایران را با آبی پروری در کشور نروژ مقایسه کنید؛ در حال حاضر کشور نروژ همانند ایران صنعتی با نام آبی پروری در اختیار ندارد اما آنها در بحث تولید آبزیان و ماهی‌های قزل‌آلا رویکرد اصلاح ژنتیک را مورد توجه قرار داده‌اند و به موفقیت هم دست یافته‌اند.

### تفاوت تولید ماهی در ایران و نروژ

کشوری همانند نروژ فقط سه مرکز تکثیر تخم ماهی دارد اما بزرگترین تولیدکننده قزل‌آلای دنیا محسوب می‌شود؛ آنها در این سه مرکز به خوبی به فعالیت می‌پردازند اما ما ۱۲۷ مرکز تکثیر در اختیار داریم و با سیاست‌های نامناسب شیلات هنوز به تکنولوژی، علم و مهارت اصلاح ژنتیک و به‌گزینی در رقابت با کشورهای پیشرفته در این صنعت دست پیدا نکرده‌ایم و حتی واردکننده تخم ماهی از فرانسه، اسپانیا یا سایر کشورها شده‌ایم.

راز موفقیت مراکز تکثیر تخم ماهی در کشور نروژ در این است که این سه مرکز تکثیر از تمامی حمایت‌های دولتی، تحقیقاتی و دانشگاهی برخوردارند.

اما مزرعه تکثیر در فعالیت صنعت آبی پروری بسیار مهم است؛ ریشه تمام تولیدات آبزیان به مرکز تکثیر برمی‌گردد؛ اگر مولد بد وجود داشته باشد نسل مناسبی پدید نمی‌آید؛ به عنوان نمونه تولید مثل یک نر و ماده‌ای که دارای ژن نامناسب هستند موجب به‌وجود آمدن نسل نامناسب در آبزیان و ماهی‌ها خواهد شد که باید در این زمینه دقت کافی صورت گیرد.

متاسفانه وقتی به یک مرکز، مجوز تکثیر تخم و ماهی داده می‌شود و آن مرکز دانش فنی مناسب را ندارد، شاهد مسائلی نظیر بدتر شدن نسل می‌شویم؛ به عنوان نمونه از دهه ۷۰ به بعد کشور ما تبدیل به مراکز تکثیری شد که نسل را بدتر و بدتر کرده‌اند. در ابتدا به دلیل اینکه نسل آبزیان و ماهی‌های ما از طبیعت گرفته شده بود، تنوع ژنتیکی مناسبی را شاهد بودیم اما رفته‌رفته تلاقی‌های نامناسب در مراکز تکثیر انجام گرفت و رفته رفته وضعیت بدتر شده و به سمت پس رفت رهنمون شدیم.

اما تفاوت دیگر صنعت آبزی‌پروری میان ایران و نروژ در این است که این کشور با مطالعات و تحقیقات کامل تلاقی‌های مناسب ماهی‌ها را انجام داد؛ عملکرد نروژ به گونه‌ای بود که ماهی آنها در سه سال به ۸ کیلو رسید اما ماهی‌های ما در همین مدت به ۱,۵ کیلو رسیدند؛ در حقیقت ما از لحاظ اقتصادی و تولید اقتصادی فاصله پیدا کردیم و نمونه بارز آن همین رشد چند کیلویی تخم ماهی‌های نروژی به نسبت ایرانی بود؛ موضوع ژن خوب و نژاد برتر در این زمینه مورد توجه جدی قرار دارد که ما نیز باید به آن دقت کنیم.

اصل اینکه بازار صنعت آبزی‌پروری ایران به تسخیر تخم ماهی‌های خارجی درآمد به سبب همین مطالب ذکر شده در بالا است و باید برنامه‌ریزی کامل و مناسبی در زمینه تولیدات انجام می‌گرفت.

سال ۸۱ آقای دکتر امینی متخصص ژنتیک از انگلیس مبحثی را مطرح کرد و گفت که با توجه به صدور مجوزها در صنعت آبزی‌پروری در یک نقطه، گره می‌خوریم و مراکز تکثیر و پرورش

توجیه اقتصادی را از دست می‌دهند؛ وی بعد از یک سال مطالعه توانست طرح جامع اصلاح ژنتیک را تهیه و آن را به عنوان سند درآورد. متأسفانه شیلاتی‌ها این سند را پنهان می‌کنند.

### اصلاح ژنتیک یکی از راه‌حلهای صنعت آبی‌پروری

کارهای مطالعاتی بر روی این سند انجام گرفته و به شیلات ارائه شده است که در آن نیز راه حل ما اصلاح ژنتیک عنوان شده است؛ این راهکار اصلاح ژنتیک در سالهای گذشته در نروژ و فرانسه به اجرا در آمده و این برنامه‌ها نشان می‌دهد که حدود ۱۵ سال از دنیا عقب هستیم. در مورد کارهای تحقیقاتی نیز در گذشته قرار بود که مرکز تحقیقات یاسوج با بودجه دولتی آغاز به کار کند و اگر این مهم مورد توجه قرار می‌گرفت لقاح درون خانوادگی حذف می‌شد و هر سال به رشد و رقابت‌پذیری در بازار جهانی دست می‌یافتیم.

### چرایی علت واردات تخم ماهی به ایران

متأسفانه بعد از اینکه صنعت با عدم همکاری دولت مواجه شد، برخی از اعضای اتحادیه و سایر افراد تکثیر تخم تصمیم گرفتند تا تخم را از کشورهای دیگر وارد کنند یعنی متوجه شدند که می‌توانند از خارج تخم را وارد کنند و این کار در دهه ۸۰ از سوی بعضی تولیدکنندگان شروع شد؛ بعد از این موضوع و اهمیت واردات تخم ماهی از سوی برخی تولیدکنندگان، سازمان شیلات تصمیمی تازه گرفت و تاکید کرد که به ۱۲۷ مرکز تکثیر، مجوز واردات تخم را می‌دهم.

شیلات در این سالها تصمیم گرفت به ۱۲۷ مرکز تکثیر، جواز واردات تخم را بدهد و از این طریق به تولید بچه ماهی و تامین بازار بپردازند بنابراین تاکید کرد که به ۱۲۷ مرکز تکثیر مجوز می‌دهم تا تخم وارد کنند و با تولید بچه ماهی آن را به بازار بفرستند.

پس از این مرحله، برخی مراکز تکثیر به واردکنندگان تخم مبدل شدند اما برخی از مراکز نیز اقدام به این کار نکردند؛ به عنوان مثال ما می‌گوییم این روش باعث ورود بیماری به گله خواهد شد که به همین علت هم تخم ماهی را وارد نکردیم.

اما در نتیجه چنین اقدامی و تصمیم‌گیری حدود ۸۰ مرکز تکثیر از ۱۲۷ مرکز معدوم شدند؛ متأسفانه تخم ماهی‌هایی را وارد کردند که این تخمها هم آلودگی داشته و هم نظارتی روی آنها نبود؛ اکثر مراکز تکثیر، مولدین خود را نابود کردند چون عملاً نیاز به تخم ماهی را از واردات تامین کردند و در حال حاضر همگی آن مزارع درگیر بیماریهای وارداتی هستند.

متأسفانه با واردات و مسائل مطرح شده که در طول زمان واقع شد حدود ۸۰ مزرعه به تعطیلی کشیده شد؛ در این میان برخی هم مجوز تکثیر دارند اما عملاً مولدی برای آنها وجود ندارد.

در مورد واردکنندگان تخم ماهی نیز وقتی آنان روند واردات را مناسب دیدند، نوعی عطش در بازار ایجاد کردند؛ یعنی با ایجاد راهکاری به مدیریت تخم وارداتی پرداختند و با قیمت‌سازی کاذب به فعالیت در بازار پرداختند؛ در این میان سازمان شیلات نیز مجوزهای جدیدی با نام حد واسط کار را صادر کرد و عده‌ای با تحویل تخم ماهی تصمیم گرفتند بچه ماهی تحویل دهند که این افراد نیز به عطش بازار دامن زدند که به همین ترتیب این بازار برای برخی افراد دارای جذابیت بسیار زیادی شد که به همین منظور تعداد زیادی مزارع بدون مجوز برای تولید

بچه ماهی ایجاد شد و قیمت بچه ماهی از ۲۰۰ تومان به ۶۵۰ تومان ارتقا پیدا کرد که باعث بروز مشکلاتی هم شد. اما در مورد واردات باید گفت که این واردات به ایران به صورت تخم ماهی بوده و ماهی مولد وارداتی نیامده است البته واردات مولد هم در هیچ کشوری انجام نمی‌گیرد چرا که آن را جزو کالای استراتژیک خود می‌دانند.

### ورود تخم ماهی‌های ناقل بیماری به داخل

بعد از این پروسه‌ها و انجام واردات و با توجه به اینکه دانش فنی بیماریها را نداشتیم، از سال ۹۰ اجازه آزمایشها را دریافت کردیم و خود ما به‌طور کامل برای شناسایی بیماریها اقداماتی را انجام دادیم؛ در این زمان متوجه شدیم که برخی بیماریها وارد کشور می‌شود یعنی تمامی مجوزهای سازمان دامپزشکی که به عنوان تخمهای عاری از بیماری صادر می‌شد در حقیقت ناقل بیماری بوده و خود آنها هم از این مسئله اطلاعی ندارند؛ در حقیقت تخمهایی که خریدار به عنوان محصولات عاری از بیماری خریداری می‌کرد، تخمهای بیمار بوده است.

البته سال ۸۶ یکی از کارمندان دامپزشکی دانشگاه مشهد که در حال حاضر نماینده فائو در پاکستان است اعلام کرده بود بیماری VHS از طریق تخم آلوده دانمارکی وارد کشور شده اما به محض اعلام این موضوع با وی برخورد صورت گرفت و از سازمان دامپزشکی هم اخراج شد.

ضمن اینکه در سالهای بعد این واردات اکثراً از فرانسه و اسپانیا با همان شرایط و آلودگیها انجام گرفت؛ متأسفانه موضوع بیوتروریسم در مدیریت شیلات و سازمان دامپزشکی نامفهوم است و دلیل این سخن نیز تذکرات فراوان بابت حوادث ایجاد شده است.

علت اینکه سازمان دامپزشکی اجازه نمی‌داد این مسائل در مورد تخم ماهی‌ها یا بیماری آنها مطرح شود به این دلیل بود که کشور ما تا آن زمان عاری از بیماری شناخته شده بود و اگر فائو چنین گزارشی درباره بیماریها و عامل ویروسی را دریافت کند کشور موردنظر را به عنوان کشوری آلوده اعلام می‌کند و محدودیتهایی برای آن به وجود می‌آید.

متأسفانه از سال ۸۶ تا سال ۹۱ این ماهیان آلوده در داخل مزارع وجود داشتند و باعث انباشت ویروس شدند؛ این مسئله به گونه‌ای بود که در سال ۹۱ شاهد اپیدمی ویروس بودیم و مزارع ما دچار تلفات شدند؛ به عنوان مثال حدود ۲۰ تن ۵۰ تن و حتی یک هزار تن ظرفیت نابود شدن ماهی را داشتیم؛ این روند در آن سالها ادامه داشت تا اینکه سازمان دامپزشکی بعد از پنج سال مجبور به ورود شد و اعلام کرد که بیماری VHS وارد کشور شده است در صورتی که اگر نظرات و دلایل همان کارشناس خود را می‌شنیدند چنین مسئله‌ای پدید نمی‌آمد و ویروس گسترش نمی‌یافت. از سال ۹۱ حدود ۶۰ درصد مزارع پرورش ماهی ما به دلیل ورود بیماری نابود شد و در حال حاضر هم نمی‌توانند این مسئله را پایان دهند.

چه راهکاری برای پایان دادن به این مشکلات در حوزه واردات تخم ماهی و سایر مسائل صنعت آبزی پروری وجود دارد؟

راهکار بسیار ساده است و ما از حدود دو سال قبل مسیر را برای اصلاح سیستم آغاز کرده‌ایم؛ از سال ۹۱ به بعد ۶۰ درصد بدنه صنعت نیز از دست رفت یعنی قبل از ۹۱ با تولید ماهیان بومی خودمان ۱۷۰ هزار تن در کشور تولید ماهی قزل‌آلا داشتیم که بعد از بیماریها تولید به ۵۲ هزار تن رسید. آیا ماهی‌های تلف شده در بازار کشورمان فروش می‌رود؟: خیر، تلفات ماهیها

فروش نمی‌رود حتی اگر عملیات انجماد هم بر روی ماهی‌های تلف شده مولد هم صورت گیرد و بخواهند آن را به بازار بفروشند این کار عملیاتی نمی‌شود چراکه بازاریها متوجه مسئله می‌شوند. مرده بودن، منجمد بودن و... ماهیهای مولد قابل تشخیص است و می‌توان آن را از نحوه جدا شدن استخوانهای درون شکمش تشخیص داد بنابراین نمی‌توانند در حوزه تلفات تخلف کنند و تاجرهای بزرگ یا بازاریها به سرعت متوجه خواهند شد.

ضمن اینکه می‌توانند همان باقیمانده‌ها را تبدیل به پودر ماهی کنند که البته ویروس منتقل نمی‌شود و فقط قیمت بسیار اندکی را نصیب آنها می‌کند؛ قیمت پودر ماهی حدود ۲ هزار تومان به‌فروش می‌رسد در صورتی که قیمت خود ماهی ۱۵ هزار تومان تمام می‌شود و این موضوع تبدیل ماهیها به پودر رقم بسیار اندکی را شامل می‌شود. لازم به ذکر است یاد آوری کنم این بیماریها به انسان آسیب نمی‌زند و به انسان منتقل نمی‌شود و فقط به ماهی آسیب زده و باعث تلفات در آنها خواهد شد.

اما در مورد تولید تخم ماهی و میزان نیازهای کشور باید گفت که تولید تخم با ۱۲۷ مزرعه‌ای که در داخل کشور وجود داشت به اندازه‌ای انجام می‌گرفت که همه برنامه‌ها متعادل پیش می‌رفت و با توجه به نیازها همه چیز مشخص بود اما بعد از واردات و سیر صعودی آن ما از ۸۰۰ کیلو واردات تخم ماهی در سال ۸۳ به حدود ۲۷ تن در سال ۹۵ رسیدیم.

ضمن اینکه نحوه واردات تخم و تولید آن نشان می‌دهد تلفات تخمها و بچه‌ماهیهای وارداتی به لحاظ بیماری حادث شده است؛ وقتی تخم ماهی در کشور مبدا خارجی کمتر از ۵۰ تومان



خریداری و در کشور از ۱۱۰ تا ۱۳۰ تومان قیمت رسمی و قیمت غیر رسمی تا ۲۵۰ تومان به فروش می‌رسد، این فجایع و مشکلات مطرح شده نیز حاصل می‌شود.

نحوه واردات تخم ماهی به گونه‌ای بود که در ابتدا حدود ۵ میلیون تخم ماهی وارد کشور می‌شد اما بعد از آن و در سال ۹۵ این رقم به ۴۰۰ میلیون تخم ماهی رسید که البته این واردات نیز رسمی و قانونی انجام می‌گیرد! البته شایعاتی مطرح است که با توجه به سود بالای واردات تخم ماهی، این محصول به صورت قاچاق نیز از مبادی ورودی قانونی و بعضاً غیر قانونی وارد کشور می‌شود که آنها از نظارت موجود دامپزشکی هم خارج است.

### تخم ماهی‌های ریز را به کشور وارد می‌کنند

واردات تخم ماهی به صورت کیلویی است اما آن را به صورت دانه‌ای به فروش می‌رسانند؛ به عنوان مثال با احتساب برنامه‌ریزی‌ها، در یک گرم باید تعداد ۱۰ عدد تخم وجود داشته باشد اما واردکنندگان از یک گرم ۱۵ عدد تخم وارد می‌کنند یعنی تخمهای ریز را به کشور می‌آورند. با این حجم واردات انبوه اگر ما تولید واقعی ماهی قزل آلا در کشور را ۸۰ هزار تن در نظر بگیریم، نیاز کشور ۱۶۰ میلیون تخم ماهی است اما اکنون حدود ۴۰۰ میلیون تخم ماهی وارد می‌شود!! یعنی می‌گوییم ۸۰ هزار تن گوشت مد نظر است و نیاز کشور ۱۶۰ میلیون تخم است اما در حال حاضر واردات قانونی ۴۰۰ میلیون تن است ضمن اینکه ما هم تولیدکنندگان واقعی محسوب می‌شویم و ۲۵۰ میلیون تخم هم تولید کرده‌ایم که با این احتساب رقم تخمها ۶۵۰ میلیون تخم می‌شود. در حال حاضر نیز شاهد مسائل مختلف در این حوزه هستیم؛ هم اکنون به دلیل بیماری، برخی تخمها از بین رفته‌اند و از طرفی تولید روی دست مردم مانده و

در حال حاضر هیچ کس بچه ماهی را از مزارع خریداری نمی کند که اینها بخشی از مشکلات محسوب می شود.

### علت واردات ۴۰۰ میلیون تخم ماهی چیست؟

ما به این روند از برنامه ها به طور جدی اعتراض داریم و می گوییم سازمان شیلات اگر درباره تولید کشور اطلاعاتی ندارد بهتر است کنار برود و اگر با تولید آشنا هستید چرا ۴۰۰ میلیون تخم ماهی وارد می کنید؛ تولید ما روی دستمان می ماند به عنوان مثال بنده حدود ۱۵ میلیون تخم دارم اما هنوز نمی دانم که آیا توانایی فروش آنها را دارم یا نمی توانم آنها را به فروش برسانم.

متأسفانه واردکنندگان در فصل تولید ما، مجوز واردات را دریافت می کنند که امیدواریم به این مسئله و همچنین مدت زمان سه ساله به تخم رسیدن ماهی های بالغ توجه شود. سال ۸۳ که حدود ۸۱۰ کیلو تخم ماهی وارد کردند تولید گوشت ماهی در کشور ۲۷ هزار تن بوده است؛ سال ۹۵ حدود ۴۰۰ میلیون تخم وارد شده که حدود ۹۰ هزار تن تولید شده یعنی حدود ۳۰ برابر افزایش واردات تخم ماهی داشته ایم اما فقط حدود سه برابر افزایش تولید انجام گرفت.

پاسخ سازمان شیلات در قبال این نوع عملکرد در واردات تخم و تولید ماهی چیست؟

شیلات در برابر مسائل مطرح شده ما می گوید، مزارع آلوده است اما تخم ماهی آلوده نیست!! ما هم پاسخ داده ایم که قبل از واردات تخم ها این نسبتها وجود نداشته است؛ چرا ۴۰۰ میلیون تخم با سه برابر افزایش تولید انجام گرفته و شیلات نمی خواهد از خواب بیدار شود.

درباره واردات تخم ماهی هم این محصول در مبدا دانه ای ۵۰ تومان خریداری می شود و هزینه های گمرکی و حمل و نقل هم به ۲۵ تومان نمی رسد اما قیمت گذاری در کشور بر مبنای توافق ۵ نفره واردکنندگان که با شیلات انجام داده اند ۱۲۵ تومان در نظر گرفته شده است که البته این واردکنندگان سرمایه گذاری در این حوزه هم ندارند چرا که ابتدا پول تخم ماهی وارداتی را از شما دریافت می کنند.

متأسفانه اتحادیه دقیقاً در اینجا آلوده می شود؛ دو نفر از اعضای هیئت مدیره اتحادیه، خودشان واردکننده رسمی تخم ماهی قزل آلا شده اند و حتی یکی از آنها وارد کننده تخمها با عنوان یک شرکت فرانسوی است و البته نماینده کل صنعت در دامپزشکی هم محسوب می شود!!! متأسفانه متولیان امر استراتژی و آمایش سرزمین ندارند که باید به این مهم توجه شود.

سال گذشته اعتراضات خود را به نمایندگان مجلس ارجاع دادیم و آنها را نیز به خانه ملت کشانیدیم که در هر حال با عدم واردات در طول یک ماه موافقت شد اما این مهم عملیاتی نشد و واردات به صورت غیر قانونی انجام گرفت.



**حقیقت تخلف است**

**کتمان**

پس از وقوع حاشیه های از پنهانکاری مدیران استانی محیط زیست، مدیر کل بازرسی این سازمان به مدیران استان درباره کتمان حقیقت هشدار داد.

مرتضی فرید مدیر کل دفتر بازرسی، ارزیابی عملکرد و پاسخگویی به شکایات سازمان حفاظت محیط زیست گفت: به مدیران کل محیط زیست استان ها اعلام شده که در اعلام خبر و ارسال گزارش ضمن توجه به طبقه بندی موضوعات هر گونه کتمان حقیقت تخلف محسوب می شود و مطابق ضوابط، برخورد لازم به عمل می آید.

فرید افزود: ضروری است مدیران کل حفاظت محیط زیست استان ها ضمن اتخاذ راهبردهای اجرائی مناسب در هنگام بروز حوادث و رخ دادهای مهم و مرتبط با سازمان و نیز بحران های محیط زیستی با توجه به دستورالعمل های اجرایی و سیاست های ابلاغی و استفاده از توان و

پتانسیل موجود نسبت به مدیریت موضوع و صحت گزارش ها و اخبار اهتمام جدی داشته باشند. مدیرکل دفتر بازرسی، ارزیابی عملکرد و پاسخگویی به شکایات سازمان حفاظت محیط زیست خاطرنشان کرد: لازم است مدیران کل حفاظت محیط زیست استان ها به منظور پیشگیری

از هر گونه شائبه و جریان سازی و همچنین ضرورت استحضار و تصمیم گیری مدیریت کلان سازمان، اخبار مرتبط با موضوعات مهمی از جمله حوادث غیر مترقبه، آتش سوزی، آلودگی گسترده منابع آب و خاک، تخریب زیستگاه ها، اتلاف و زنده گیری گونه های حائز اهمیت و نیز درگیری و حوادث حین کار همکاران و مواردی که منجر به احضار همکاران از جانب مقام قضائی می شود را در اسرع وقت به دفتر بازرسی اطلاع دهند.

وی تاکید کرد: ضروری است ادارات کل استان ها به منظور جلوگیری از هرگونه شائبه، اخبار و گزارش های خود را به صورت کامل، جامع و دقیق تنظیم و ارسال نمایند و البته بروز یک اشتباه، قصور و یا تخلف از سوی یک یا چند نفر در یک اداره کل نباید دست آویزی برای زیر سوال بردن زحمات صادقانه و شبانه روزی سایر کارکنان و محیط بانان و بی انگیزگی و دلسردی آن ها شود. به گفته فرید، استفاده از ظرفیت مردم و گروه های مردم نهاد در امر اطلاع رسانی و گزارش تخلفات و حفاظت از محیط زیست از دیگر اقدام های ضروری است که باید متناسب با شرایط استان و ظرفیت های گروه های فعال استانی در دستور کار ادارات کل حفاظت محیط زیست استان ها قرار گیرد.

## عرضه غیر قانونی پرندگان مهاجر در بازار لنگرود

موسم ورود پرندگان مهاجر به شمال کشور آغاز شده و با بارش های پاییزی نخستین گروه از پرندگان به تالاب ها و آبندهای استان های شمالی وارد شده اند.



در این میان همچون سال های گذشته به دلیل کمبود نیروی انسانی و در نتیجه عدم پایش مناسب زیستگاه های پرندگان مهاجر عده ای از فرصت استفاده کرده و دست به شکار انبوه پرندگان می زنند. این درحالیست که سازمان حفاظت محیط زیست تا این لحظه هیچ گونه پروانه ای را جهت صید و شکار پرندگان مهاجر صادر نکرده، بنابراین بر اساس مفاد قانون ادارات کل این سازمان در استان ها با استفاده از نیروهای یگان محیط زیست با هرگونه تخلف در این رابطه برخورد نمایند تا از کشتار رو به فزونی مهمانان تالاب های ایران در روزهای پیش رو جلوگیری نماید. در بازدیدی که ظهر امروز (شنبه ۱۵ مهرماه ۱۳۹۶) یکی از فعالان محیط زیست گیلان از بازار روز لنگرود بعمل آورده لاشه بیش از یکصد عدد انواع پرنده وحشی از جمله خوتکا، فیلوش، اردک های سر سبز، ارده ای و پرندگان زنده گیری شده ای چون ابیا، پاشلک بزرگ، گیلانشاه حنایی و غیره در این بازار مشاهده شده که بدون هیچگونه نگرانی به فروش می رسند. این بازار در راسته ماهی فروشان لنگرود واقع شده و در آن حتی برخی از

مغازه ها نیز در کنار افراد دست فروش اقدام به خرید و فروش پرندگان مهاجر می کنند. تصاویر این گزارش در روز شنبه ۱۵ مهرماه سال جاری از بازار لنگرود تهیه شده است.

## قاچاق خاک ایران

۶۰۰ سال زمان نیاز است تا یک سانتی متر خاک تولید شود و ایران به عنوان پرچمدار حاصلخیزی در خاورمیانه محسوب می شود، گزارش هایی وجود دارد که از قاچاق خاک ایران به کشورهای عربی پرده برمی دارد. خاکی که یا به صورت کیسه ای و غیررسمی از مرزها خارج می شود یا به صورت گلدانی و کاملاً رسمی از درگاه های خروجی به دست گلخانه داران عرب امارات و کشورهای حاشیه خلیج فارس می رسد. خاک به عنوان یکی از منابع ارزشمند محسوب می شود که متأسفانه در کشور ایران نیز طی سال های اخیر در ردیف بی توجهی همچون هوا و آب قرار گرفته است، اگرچه در قانون برنامه چهارم توسعه به صراحت به ممنوعیت فروش خاک کشاورزی اشاره شده است، اما شاید خلأهای قانونی موجود در این زمینه دلیل افزایش قاچاق خاک شده است.



بازار خاک از پرسودترین بازارهای دنیا است که برخی ارزش آن را بیش از هر کالای اقتصادی می‌دانند اما بشنوید از اینکه این طلای سیاه که تولید یک سانتی‌متر مربع آن، بیش از ۵۰۰ سال زمان می‌برد، در بازار منطقه خاورمیانه مشتریان بسیار زیادی به خصوص برای کشورهای عرب منطقه دارد.

## **معضل ریزگردها، خشک شدن تالابها و نابودی جنگلهای زاگرس نشانه بی**

### **کفایتی و نالایقی مسئولین حفاظت از محیط زیست در ایران**

متأسفانه روز به روز خطر خشکیدن خلیج گرگان و هجوم ریزگرد ها به شمال ایران در حال افزایش است. خلیج گرگاندر سال ۱۳۵۴ به همراه تالاب میانکاله و لپوی زاغمرز (در استانهای گلستان و مازندران) به عنوان نخستین مجموعه تالاب بین‌المللی جهان در فهرست تالابهای کنوانسیون رامسر به ثبت رسید تا ثابت شود نه فقط این خلیج، بلکه نواحی اطراف آن شامل شبه جزیره میانکاله (پناهگاه حیات وحش) و تالاب بین‌المللی گُمیشان یک مجموعه ارزشمند زیست‌محیطی است. در این منطقه کم شیب پسروی ۵۰۰ متری دریا گردشگری و صیادی را از رونق انداخته و اکنون سواحل استان گلستان به جای اینکه مکانی برای گردشگری، آبتنی تابستانی و صید ماهی زمستانی باشد، به محلی برای رویش بوته های صحرایی تبدیل شده است و اگر جلوی این روند گرفته نشود مناطق شمالی ایران نیز با معضل ریزگرد ها مواجه



خواهند شد. تالابهای کشور به علت تغییرات اقلیمی و دخالت های انسانی در وضعیت قرمز قرار دارند. بر طبق کنوانسیون رامسر که در سال ۱۹۷۵ جنبه قانونی یافت

در مجموع ۳۵ تالاب در قالب ۲۴ عنوان ثبت شده در کنوانسیون رامسر وجود دارد که متأسفانه حال و روز چندان خوبی ندارند. در حال حاضر به علت خشکسالی های طولانی و عدم مدیریت صحیح و از طرفی دیگر دخالت های نابخردانه انسان ها مثل سد سازی های فله ای باعث شده است که تالاب های کشور حال و روز خوبی نداشته باشند و با ادامه این روند تا چند سال آینده هیچ اثری از این تالاب های زیبا در جغرافیای کشورمان نیست.

در اینجا باید به نابودی بیش از ۶ میلیون هکتار از جنگل های زاگرس و از بین رفتن بیش از ۱۸ میلیون درخت بلوط در ۲ سال گذشته اشاره کنیم. جنگلهای زاگرس در غرب کشور، جزو اکوسیستمهای طبیعی با ارزشی هستند که در آنها تنوع بالایی از گونه های گیاهی و جانوری وجود دارد. متأسفانه این اکوسیستم ها، به دلایل مختلفی از جمله تبدیل اراضی، بهره برداری های بی رویه، چرای دام، آتش سوزی، برداشت چوب و غیره در معرض خطر تخریب قرار گرفته و روز به روز از تعداد و کیفیت گونه های گیاهی و جانوری آن کاسته میشود. به طوریکه بر اساس منابع موجود امروزه جنگلهای زاگرس و پوشش گیاهی آن که بسیاری از گونه های آن نایاب هم هستند در معرض خطر نابودی قرار گرفته است. حوزه زاگرس در گذشته ۱۲ میلیون هکتار جنگل داشت که هم اینک حدود پنج میلیون و ۵۰۰ هزار هکتار آن باقی مانده است که خود نشانه ای از یک فاجعه زیست محیطی را به همراه دارد.



### **تالاب انزلی قربانی تل بلند زباله**

۹۰ متر، اندکی بیشتر یا کمتر؛ فرقی در اصل ماجرا نمی‌کند. جایی در میانه یک جنگل زیبا تل بلندی از زباله جا خوش کرده و طی سه دهه هر سال هم بلند قامت‌تر و قطورتر شده است. کارگرها در حال سم‌پاشی‌اند. برخی ماسک بر صورت دارند و برخی ماسک‌شان را روی سینه‌شان گذاشته‌اند.



برخی دستکش دارند و برخی نه. لودرها هم هر چند دقیقه یک بار زباله‌ها را زیر و رو و با خاک مخلوط می‌کنند. هر روز نزدیک به هزار تن زباله برای دفن به این محوطه ۱۶ هکتاری آورده می‌شود. یعنی نیمی از زباله‌ای که هر روز در استان گیلان تولید می‌شود. نام اینجا برای فعالان محیط زیست و مردم رشت آشناست؛ «سایت دفن زباله سراوان»؛ همان جایی که سال گذشته فعالان زیست‌محیطی رشت و ساکنان روستای سراوان در اطراف آن با تشکیل زنجیره انسانی اعتراض‌شان را به دفن زباله در این محل اعلام کرده بودند. مشکلات متعدد سایت دفن زباله سراوان در کلاف موانع پیچیده شده است به طوری که تشکیل زنجیره انسانی و اعتراض مدنی راه به جایی نبرد. از سایت زباله سراوان تا محل زندگی ۴۰۰ خانوار روستایی یک و نیم کیلومتر فاصله است. این فاصله نزدیک برای خبرنگاران عجیب است اما برای یک مقام مسوول در شهرداری رشت عجیب نیست. او می‌گوید: «روزی که شهرداری اینجا شروع کرده به دفن زباله، روستا تا اینجا فاصله‌اش زیاد بوده آنها به علم به اینکه اینجا محل دفن زباله است آمدند زمین‌های ارزان قیمت خریدند تا صاحب خانه شوند.

از ۴ تا ۱۸ لیتر در ثانیه؛ شیرابه ورودی به منابع آب حالا اما رویکرد مسوولان شهرداری رشت و اداره کل محیط زیست گیلان در سال‌های اخیر قدری با گذشته تفاوت کرده است. آنها از

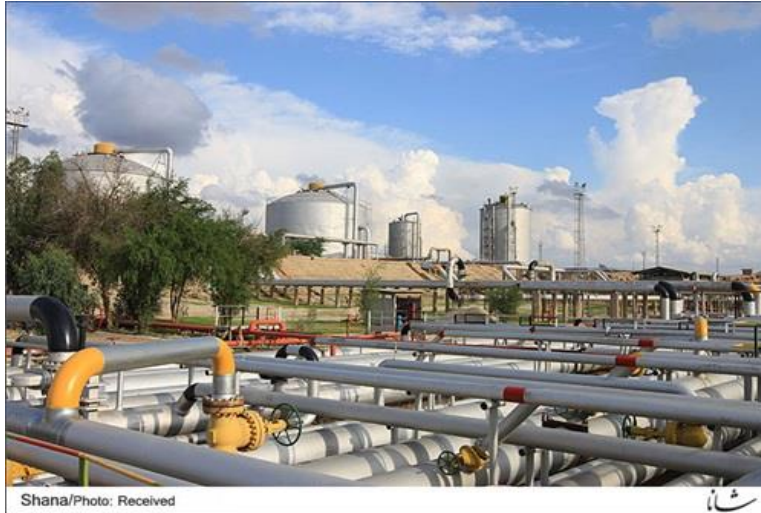
مرحله انکار عبور کرده‌اند و در دو سال اخیر با پذیرش بحرانی بودن وضعیت محل دفن زباله‌های شهرستان رشت در پی یافتن چاره‌ای برای خروج از وضع موجود هستند. وضعیتی که تداوم آن می‌تواند موجب پیامدهای ناگوار زیست محیطی و بهداشتی شود. به گفته «قربانعلی محمدپور»، مدیرکل حفاظت محیط زیست استان گیلان وضعیت پسماند در هیچ یک از شهرهای این استان خوب نیست. یکی از مهم‌ترین سایت‌های دفن زباله، سایت سراوان است که نیمی از زباله دو هزار تنی تولیدی استان گیلان هر روز به این محل آورده می‌شود. شیرابه ناشی از تلنبار زباله در این محل هر روز وارد منابع آبی استان می‌شود و تا انتهای قصه روشن است که تالاب انزلی با چه تهدیدی روبه‌روست. محمدپور درباره میزان ورود شیرابه به تالاب انزلی می‌گوید: «در روزهای عادی تقریباً چهار لیتر در ثانیه شیرابه به رودخانه زرجوب وارد می‌شود و از آنجا به سمت تالاب انزلی می‌رود.» اما وضعیت ورود شیرابه در روزهای بارانی بحرانی‌تر است: «اگر باران بیاید بین ۱۶ تا ۱۸ لیتر شیرابه وارد منابع آبی می‌شود. خب خیلی از روزهای سال هم بارانی است.» پرسش این است حالا که مسوولان از این مصیبت زیست‌محیطی باخبرند چرا کاری نمی‌کنند؟ آنها چند سالی است که نسبت به این مساله حساسیت بیشتری نشان داده‌اند اما تصمیم‌گیری دستگاه‌های دولتی و بروکراسی حاکم بر آنها موجب شده تا سرعت این اقدامات چندان سریع نباشد. احداث نیروگاه زباله‌سوز و تصفیه‌خانه در انتظار اجرا- به گفته علیرضا حاجی‌پور، مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند شهرداری رشت یک زمین در محدوده مجاورت همین سایت دفن زباله برای ایجاد تصفیه‌خانه شیرابه‌ها شناسایی شده و شهرداری منتظر است تا سازمان منابع طبیعی مجوز قطع درختان این محل را بدهد تا ساخت تصفیه‌خانه شروع شود. به گفته او مشکل استان‌های شمالی این است که با

کمبود زمین برای دفن زباله روبه‌رو هستند: «زباله از دیرباز به طور سنتی اینجا دفن می‌شده و ما هم ادامه داده‌ایم. البته در مجاور همین زمین یک زمین دیگر را شناسایی کرده‌ایم تا یک «لند فیل» (گورستان پسماند) با طراحی‌های علمی ایجاد کنیم. اما اعتبارات مخصوص به خودش را نیاز دارد. حاجی‌پور می‌گوید یک سال و نیم است که مجموعه‌ای از تصمیمات اتخاذ شده تا از شدت این بحران کاسته شود. به گفته او احداث یک واحد نیروگاه زباله‌سوز از جمله این تصمیمات بوده است: «ارزیابی زیست محیطی نیروگاه صادر شده و قرار است به روش bot (ساخت، تولید، بهره‌برداری) احداث شود. ظرفیت نیروگاه ۶۰۰ تن در روز پیش‌بینی شده است.» در کنار این قرار است ظرفیت تولید کمپوست از زباله‌های تر هم در کارخانه شهرستان رشت افزایش یابد. اما اجرای طرح افزایش ظرفیت تولید کمپوست به ۶۰ میلیارد تومان پول نیاز دارد و احداث نیروگاه ابنیه و تاسیسات، ۲۰۰ میلیارد تومان پول می‌خواهد. بودجه‌ای که از نظر پویا شهشهانی، مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند شهرداری‌های تابعه استانداری گیلان اگر جذب شود می‌توان امیدوار بود ظرف مدت ۵ سال مشکلات حل و فصل شوند. او می‌گوید: «زنجیره‌ای از اتفاقات شروع شده که اگر ادامه یابد می‌توانیم امیدوار باشیم به یک نقطه مطلوب برسیم و مثلاً ۵ سال دیگر بیاییم در همین زمین گلف بازی کنیم.» شهشهانی می‌گوید استان گیلان به هفت قسمت تقسیم‌بندی شده تا طرح جامعی برای مدیریت پسماند استان انجام شود اما این اقدامات همه نیازمند تامین اعتبار و صدور مجوزهای لازم است که زمانبر است. به گفته او آرایه آمار درباره تبعات زیست محیطی دفن غیراستاندارد زباله کار آسانی نیست و برای همین از آرایه آمار پرهیز می‌کند چون: «تخمین این آمارها برای ۵۲ شهر و ۲ هزار روستا کار دشواری است که نیازمند اندازه‌گیری‌های دقیق است.» حالا که دستگاه‌های

دولتی هم از تبعات دفن زباله در این محل آگاهند، برای آنکه طرح‌های روی کاغذشان به نتیجه برسد چه اتفاقی باید بیفتد؟ شهشهانی پاسخ روشنی دارد: «گام اول این بود که همه این واقعیت را بپذیرند که پذیرفته‌اند. در این مدت هم کارهای خوبی انجام شده است. اما واقعیت این است تا پول نباشد کار پیش نمی‌رود. بودجه‌های جاری شهرداری‌ها هم جوابگو نیست. دولتمردان باید برای اینجا اعتبار ویژه اختصاص دهند.» تالاب انزلی هر روز بیش از گذشته به شیرابه‌های زباله آلوده می‌شود و معلوم نیست که در وضع نه چندان مناسب کشور در بخش تخصیص بودجه، نجات این تالاب و نجات محیط زیست گیلان در اولویت چندم مسوولانی قرار بگیرند که تقسیم بودجه دست آنهاست.

### **بررسی مشکلات زیست محیطی شرکت نفت و گاز مارون**

در نشست مشترک مدیرکل حفاظت محیط زیست خوزستان و مدیرعامل شرکت نفت و گاز مارون مشکلات زیست محیطی این شرکت مورد بررسی قرار گرفت.



احمدرضا لاهیجان زاده مدیرکل حفاظت محیط زیست خوزستان، آلودگی نفتی را یکی از عمده‌ترین معضلات زیست محیطی استان دانست و گفت: فلرهای نفتی در سراسر استان وجود دارند و بیشترین حجم آلودگی های هوا ناشی از فعالیت های این فلرها می باشد. لاهیجان زاده افزود: جمع آوری فلرهای نفتی و جلوگیری از سوزاندن آنها، نیازمند عزم ملی و همکاری از سوی وزارت نفت می باشد و گازهایی که در فلرها سوزانده می شود، سرمایه های ملی هستند و باید بعد از فرآورش آنها تبدیل به سرمایه شود و جلوی سوزاندن این سرمایه ها گرفته شود. وی از مسئولین نفت خواست تا تلاش جدی خود را برای کاهش آلودگی های زیست محیطی بیشتر نمایند و اعلام داشت: در محیط زیست سلامت مردم در اولویت برنامه ها قرار دارد و در این راستا از هر کار و برنامه ای که در کاهش آلودگی هوا و زیست محیطی باشد، حمایت می کنیم و در صورت کوتاهی از انجام وظایف از اهرم های قانونی استفاده خواهیم کرد.

مدیرکل حفاظت محیط زیست خوزستان برگسترش و توسعه فضای سبز محیط های صنعتی و روستاهای همجوار تاسیسات تاکید کرد و خواستار مشارکت بیشتر مجموعه نفت در اینگونه فعالیت های زیست محیطی شد.

در این دیدار جهانگیر پورهنگ مدیرعامل شرکت نفت و گاز مارون نیز درخصوص برنامه‌ها و مشکلات زیست محیطی شرکت مطالبی بیان نمود و گفت: برنامه‌های مدیریت شرکت در کاهش آلودگی های زیست محیطی در سه بخش کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت پیش بینی شده است که در بخش های نفت و گاز به منظور کاهش آلودگی و جلوگیری از سوزاندن نفت گودالی، زائدسوز و جمع آوری فلرها انجام می شود که نیازمند اعتبار لازم برای اجرای آن هستیم.

وی از انجام پروژه هایی که در برنامه کوتاه مدت پیش بینی شده است به کاهش سوزاندن مواد نفتی در گودال های زائد از سال ۹۴ اشاره کرد و گفت: نزدیک به ۵۱ هزار بشکه از مواد زائد نفتی در گودال های نفتی می سوخت که امروزه با استفاده از دستگاه های فرآورش سیار ( MOS و MOT ) به ۵ هزار بشکه در سال ۹۵ و ۹۶ کاهش یافته است. وی همچنین از اجرای آزمایشی بازیافت مواد نفتی در مجموعه مارون ۳ خبر داد و گفت: در این روش به جای سوزاندن بعد از جمع آوری مواد نفتی آنها را جهت فرآورش به سیستم بازگردانده می شود.

پورهنگ ضمن استقبال از نظرات کارشناسی محیط زیست اعلام داشت: این مجموعه آماده است تا در راستای بهبود وضعیت زیست محیطی از راهنمایی و نظر کارشناسی مجموعه محیط زیست استان استفاده کنند و گام های مهمی در کاهش آلودگی ها بردارند. برنامه های زیست محیطی در صدر برنامه های مجموعه این شرکت تعریف و پیگیری می شود.

**تعریف الگوی مصرف منابع آبی بر اساس منابع دینی**



معاون محیط زیست دریایی سازمان حفاظت محیط زیست بر اهمیت حفظ منابع آبی و دریایی تأکید کرد و گفت: اگر اصول و الگوی مصرف منابع طبیعی ما بر مبنای الگوی دینی شکل گیرد می‌تواند به حفظ منابع آبی کمک کند.



پروین فرشچی، معاون محیط زیست دریایی سازمان حفاظت از محیط زیست ضمن انتقاد از وضعیت طبیعت دریایی و منابع آبی کشور اظهار کرد: اصول قانون اساسی به ویژه اصل ۵۰ وظایفی را بر عهده ما می‌گذارد که یکی از آن‌ها رفتار مناسب با طبیعت است؛ این علاوه بر دستورات دینی است که از سوی قرآن، سنت پیامبر(ص) و عترت ائمه اطهار(ع) است که رفتار مناسب با طبیعت را به ما آموزش می‌دهند. وی تصریح کرد: در قرآن کریم بر اهمیت دریاها و منابع آبی که زندگی و روزی انسان‌ها به آن وابسته است بارها تأکید شده است؛ علاوه بر آن دریاها جنبه‌های دیگری مانند طبیعت گردی داشته که می‌تواند زیرساخت مناسبی برای گردشگری حلال در کشور ما باشد. فرشچی بیان کرد: متأسفانه در ایران به مسائل محیط زیستی و از جمله حفظ دریاها و دیگر منابع آبی توجه نشده است؛ این بی‌اعتنایی موجب شده که ما به عنوان یک کشور دریایی محسوب نشویم، نه تکنولوژی‌های ضروری به کشور ما آمده‌اند و نه بهره‌برداری پایدار را توانستیم در آن‌ها توسعه دهیم. وی افزود: توسعه ما در دریاها تنها شامل استخراج نفت و گاز بوده است؛ در حالیکه می‌بایست بیشتر از این‌ها به منابع دریایی

خود توجه نشان داده و بهره برداری پایدارى داشته باشند. فرشچی با اشاره به سیاست‌های کلی محیط زیست ابلاغی از سوی رهبر انقلاب عنوان کرد: با توجه به رویکردی که رهبری به نسبت به محیط زیست دارند و توجهی که دولت نسبت به توسعه پایدار دارند این امید وجود دارد که بتوان غفلت‌های گذشته را جبران کرد. وی با بیان اینکه ۶۵ درصد برنامه‌های ششم توسعه به دلایل اقتصادی و امنیتی بر دریاها تمرکز دارند تصریح کرد: باید برنامه‌ریزی علمی برای اینکار داشته باشیم، نمی‌توان، چون توسعه پایدار است در آن شتاب به خرج دهیم و یکسری اصل دیگر را نیز فدا کرد بلکه نخست باید دید که چگونه این توسعه باید اتفاق افتاده و از منابع آبرزی بهره برد. معاون محیط زیست دریایی سازمان حفاظت محیط زیست با تأکید بر اینکه وضعیت خشکی به گونه‌ای که در چند صد سال آینده دریاها تنها مأمّن انسان‌ها هستند گفت: بر همین اساس حفظ زیستگاه‌های دریایی برای حفظ حقوق نسل‌های آینده باید در اولویت باشد، خوشبختانه بسیاری از زیستگاه‌های دریایی ما به دلیل اینکه جزء مناطق چهارگانه بوده‌اند و دسترسی به آن‌ها وجود نداشته توانسته‌اند حفظ شوند. فرشچی یادآور شد: همانگونه که عنوان شد منابع دینی و اصول قانون اساسی یکسری وظایف را بر عهده در حفظ محیط زیست و به ویژه منابع آبی گذاشته است، اگر اصول و الگوی مصرف منابع طبیعی ما بر مبنای الگوی دینی شکل گیرد می‌تواند به حفظ منابع آبی کمک کند. وی افزود: منابع دینی به ما می‌گویند که نباید اسراف کرد، این درحالی‌ست که بسیاری از منابع طبیعی ما در اثر اسراف در حال از بین رفتن هستند، وقتی منابع از بین بروند به سختی جبران می‌شود.

**تولید سالانه یک میلیارد متر مکعب پساب**

مدیرکل دفتر نظارت بر بهره برداری فاضلاب شرکت مهندسی آبفای کشور گفت: سالانه یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون متر مکعب پساب در کشور تولید می شود.



بهمن وکیلی با بیان اینکه تا نیمه اول سالجاری حدود ۱۸۴ تصفیه خانه فاضلاب شهری در مدار بهره برداری است که با فرآیندهای ساده و پیچیده مختلفی در امر تصفیه فاضلاب به فعالیت مشغول هستند، افزود: این ۱۸۴ تصفیه خانه سالانه حدود یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون متر مکعب پساب تصفیه شده تولید می کنند. آمارها نشان از آن دارد که تا پایان شهریورماه سال ۹۶ حدود ۴۷,۶ درصد جمعیت شهری کشور تحت پوشش تاسیسات فاضلاب هستند.

وکیلی با اشاره به اینکه تعداد تصفیه خانه ها و جمعیت تحت پوشش تصفیه خانه های فاضلاب کمتر از جمعیت تحت پوشش تاسیسات فاضلاب هستند، اظهار داشت: تاسیسات شامل حالت کلی شبکه و تصفیه خانه می شود، لذا تصفیه خانه ها حدود ۱۸,۵ میلیون نفر از جمعیت کشور را پوشش می دهند یعنی حدود ۳۱ تا ۳۲ درصد جمعیت شهری تحت پوشش تصفیه خانه های فاضلاب هستند. وی ادامه داد: حجم پساب تولیدی یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون متر مکعبی سالانه، متعلق به جمعیت تحت پوشش تصفیه خانه ها است که پس از تصفیه وارد چرخه مصرف می شود. مدیرکل دفتر نظارت بر بهره برداری فاضلاب شرکت مهندسی آب و

فاضلاب کشور با بیان اینکه این تعداد تصفیه خانه و تاسیسات فاضلاب را اگر بخواهیم به شهرهای کشور تعمیم دهیم حدود ۲۹۵ شهر را شامل می شود، افزود: در ۲۹۵ شهر کشور تصفیه خانه و تاسیسات فاضلاب داریم ولی در روستاها این رقم بسیار کمتر است، زیرا احداث سامانه های فاضلاب در روستاها دیرتر آغاز شده و اجرای آن نسبت به شهرها عقب تر است و جمعیت روستایی برخوردار از تاسیسات فاضلاب در مقایسه با جمعیت شهری برخوردار از این سامانه به کمتر از نیم درصد می رسد.

این مقام مسوول با بیان این مطلب که رشد سامانه های فاضلاب در شهرها بیشتر بوده است، افزود: برخی از شهرهای کشورمان مانند اصفهان و تهران از دهه ۴۰ دارای تصفیه خانه و شبکه های فاضلاب بودند ولی در سال های اخیر رشد برخورداری بسیار سریعتر بوده و تعداد شهرهای بیشتری را تحت پوشش تاسیسات فاضلاب قرار داده است.

وکیلی با بیان اینکه پساب های تصفیه شده در بخش های کشاورزی، صنعت، آبیاری فضای سبز و تغذیه سفره های آب زیرزمینی و آبخوان ها مصرف می شوند، افزود: در کشور ما بیشترین سهم استفاده از پساب در بخش کشاورزی به میزان ۵۷ درصد پساب تولیدی است و پس از آن تخلیه به آب های پذیرنده سطحی مانند رودخانه ها قرار دارد و مابقی به بخش صنعت، تغذیه آب خوان ها، آبیاری فضای سبز و سفره های زیرزمینی تعلق دارد. از کل آبی که در منازل استفاده می کنیم، بطور میانگین ۷۰ درصد آن تبدیل به فاضلاب می شود.

**تولید سالانه ۸ میلیون تن پسماند خطرناک**

علیزاده کارشناس محیط زیست و مدیر گروه پسماند آب و خاک سازمان محیط زیست گفت: سال ۸۹ طرح جامع مدیریت پسماند اجرا و از همه دستگاه های اجرایی از جمله وزارت نیرو، نفت، کشور، بهداشت، صنعت، معدن و تجارت، جهاد کشاورزی و سازمان ملی استاندارد خواسته شد برنامه های خود را در قالب یک طرح جامع ارائه دهند.



وی افزود: بعد از مدتی این طرح تصویب و اجرا اما با تغییر و تحول مدیریتی همه چیز منحل شد و به راحتی سلامت عزیزانمان را هدف قرار داده ایم. علیزاده ادامه داد: کارهایی از سال ۸۴ تا نون روی زمین مانده است. ماده ۱۱۰ قانون مدیریت پسماند می گوید باید برای پسماند در همه بخش ها شیوه نامه مدیریتی تدوین شود. در بیش از ۷۰ درصد از این موارد چنین اتفاقی رخ نداده است. قانون و آیین نامه هست اما ضوابط نیست. به دلیل سوء مدیریت استانداردها در حوزه مدیریتی و فرآیندی تدوین نشده است. علیزاده افزود: مسئولان محلی باید بر اساس منطقه، امکانات، اقلیم و ... برای پسماندهای خود طرح ارائه کنند اما همه طرح ها کپی است و چند تکه کاغذ بیشتر نیست. طرح جایگزینی پلاستیک های زیست تخریب پذیر در سال ۹۲ تهیه شده است که آن هم عملی نشد. کارشناس محیط زیست بیان کرد: روغنی به نام آسکارل از پسماندهای خطرناک به جا می ماند که بسیار خطرناک است و اگر کسی با آن تماس داشته باشد باید قرنطینه شود. همه این ها آب، خاک و محصولات کشاورزی را آلوده می کند.

وی خاطر نشان کرد: هم مراکز مجاز بازیافت داریم و هم مراکز غیرمجاز. اما فشارها بیشتر بر روی مراکز مجاز است و کاری با مراکز غیر مجاز نداریم اما خطر زباله ها بیشتر از جنگ است. علیزده اظهار کرد: سازمان محیط زیست می تواند مدیریت پسماند را با نقش هدایتی که شامل معرفی تکنولوژی و نقشه راه است، حمایت و نظارت کند و آموزش عمومی دهد اما همه این موارد نیازمند برنامه است.

## خشک شدن ۹۰ درصد دریاچه ارومیه

مدیر گروه آب و هواشناسی و استاد اقلیم‌شناسی دانشگاه تبریز گفت که بیش از ۹۰ درصد دریاچه‌ی ارومیه خشک شده است. بهروز ساری صراف «با بیان این مطلب اظهار کرد: «طبق آمار منتشر شده در سایت شرکت آب منطقه‌ای استان در ۲۴ آذر ماه، حجم آب موجود در دریاچه برابر با یک میلیارد و ۶۶ میلیون متر مکعب بوده و این در حالی است که طبق میانگین دراز مدت ۳۰ ساله، میزان آب موجود در دریاچه باید برابر با ۱۶ میلیارد متر مکعب باشد!»



وی افزود: «اعداد را بیش از حد برجسته نکنیم. دریاچه ارومیه از فرم دریاچه خارج و تبدیل به بستر نمکی یا پلایا شده است. همه تلاش‌ها نیز برای جلوگیری از خیزش نمک است. ثابت نگه داشتن تراز دریاچه آن هم زیر حد نرمال افتخار بزرگی نیست.»

مدیر گروه آب و هواشناسی و استاد اقلیم‌شناسی دانشگاه تبریز با بیان این‌که ۱۵ سال پیش برخی هشدار محققان و دانشگاهیان مبنی بر خشکی دریاچه‌ی ارومیه را سیاه‌نمایی خواندند، اظهار کرد: «بی‌توجهی به هشدارها، نبود منشور محیط‌زیست، جای خالی کرسی‌های آزاداندیشی در مسائل زیست محیطی، نبود حمایت ملی از محیط زیست و اجرایی نشدن قوانین و حمایت از برخی کارخانجات آلاینده به بهانه‌ی حمایت از تولید و اشتغال نتیجه‌ای جز تخریب محیط زیست ندارد.»

### **قانون‌گذاران و مسئولان ما بحران خشکی دریاچه‌ی ارومیه را جدی نگرفته‌اند**

عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز در ادامه گفت: «بی‌توجهی مسئولان ذی‌ربط نسبت به بحران خشکی دریاچه‌ی ارومیه و نبود قوانین مصوب برای کشاورزان و مردم، باعث شده است تا مردم خشکی دریاچه را یک بازی خبری تلقی کنند.»

وی ادامه داد: «مسئولان به مردم نیاز دارند، از این‌رو می‌کوشند مردم را ناراحت نکنند. هیچ هشدار جدی و قانون تصویب شده‌ای در این‌باره وجود ندارد. علاقه‌ی مردم ما هم در شعار خلاصه شده و هیچ تغییر مثبت و موثری در مصرف آب و الگوی کشت توسط مردم و مسئولان دیده نمی‌شود!»

## منابع آبی ما قانونی به هدر می‌روند

وی با اشاره به برخی سیاست‌گذاری‌های نادرست حوزه‌ی کشاورزی در برنامه‌ی ششم توسعه تصریح کرد: “تولید سالانه‌ی یک میلیون و ۲۰۰ هزار تن چغندر و تبدیل ۵۰۰ هزار هکتار از اراضی شیب‌دار به باغ از جمله سیاست‌های مدون در برنامه‌ی توسعه‌ی ششم است که بدون توجه به میزان آب مورد نیاز به احداث باغ و کشت چغندر تدوین شده و با توجه به این‌که اراضی موجود در حاشیه‌ی دریاچه‌ی ارومیه یکی از کانون‌های اصلی کشت چغندر با نیاز آبی فراوان است، اجرای این طرح، بحران خشکی را تشدید خواهد کرد. منابع آبی ما قانونی به هدر می‌روند.”

ساری صراف افزود: “تا زمانی که بحران دریاچه‌ی ارومیه و کم‌آبی از سوی مسئولان جدی گرفته نشود، نمی‌توان از مردم انتظار داشت. با وجود چنین طرح‌هایی در برنامه‌ی ششم توسعه مردم نیز بحران آب را جدی نمی‌گیرند و اگر محصولاتی با نیاز آبی زیاد کشت کنند، کار غیرقانونی انجام نداده‌اند، چون مجوز آن در برنامه‌ی توسعه‌ی کشور و از سوی مسئولان صادر شده است. مردم زمانی خود را موظف به اجرای قوانین می‌دانند که مسئولان را جدی و صادق ببینند.”

وی با اشاره به نادیده گرفته شدن منابع انرژی، توصیه به استفاده از کودهای شیمیایی و تشویق به سدسازی در برنامه‌ی ششم توسعه گفت: “با وجود منابع آبی محدود و بحران خشکی دریاچه، نمایندگان هم وعده‌ی سدسازی به مردم می‌دهند. مردم این مغایرت در بیانات و قوانین مصوب را به وجود اهداف پنهان و سیاسی تعبیر می‌کنند.”



وی ادامه داد: “تکنوکرات‌ها و بازرگانان ما باید چاره‌ای بیندیشند و به جای وارد کردن کالای درجه سه‌ی چینی، تکنولوژی‌های روز برای کاهش آلودگی هوا را وارد کنند. امروزه در سطح دنیا از فیلترهای تصفیه‌کننده هوا و دستگاه‌های دودخور استفاده می‌کنند که ضمن پاکسازی هوا کربن اتمسفر را به الماس مصنوعی تبدیل می‌کند.”

ساری صراف در ادامه با تأیید وجود رابطه‌ی معنی‌دار میان آلودگی هوای شهرهای هم‌جوار و خشکی دریاچه ارومیه ادامه داد: “طبق مطالعات و مستندات علمی، بحران ریزگردها و خیزش نمکی علاوه بر استان‌ها، کشورهای هم‌جوار را نیز تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. ریزگردها با ورود به لایه‌های فوقانی جو از طریق کانال هوایی تروپوسفر به استان‌های مجاور و حتی کشورهای هم‌جوار و مناطق دور دست نیز منتقل شده و می‌تواند تبدیل به یک بحران بین‌المللی شود.”

### **ناباروری ابرها ناشی از وجود گاز متان موجود در دریاچه ثابت نشده است**

استاد اقلیم‌شناسی دانشگاه تبریز در پاسخ به درستی تئوری ناباروری ابرها ناشی از گاز متان موجود گفت: “گازهای گلخانه‌ای سبب گرمایش زمین و کاهش بارندگی می‌شوند و گاز متان نیز یکی از گازهای گلخانه‌ای است که تراکم ابرها را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. این گاز که به گاز مرداب و باتلاق نیز معروف است در میان بقایای گیاهان نیز وجود دارد.”

وی افزود: “۵۲۰۰ کیلومتر از حاشیه‌ی دریاچه‌ی ارومیه در گذشته جزو پهنه‌ی آبی دریاچه بود که امروزه پهنه‌ی خشک و نمکی، جای پهنه آبی را گرفته است و باتلاق، مرداب و بقایای گیاهی در این منطقه دیده نمی‌شود که بتواند ساطع شدن گاز متان در سطح کلان منطقه را ثابت کند.” وی تصریح کرد: “بحران خشکی دریاچه به اندازه‌ی کافی مردم را نگران کرده و بهتر

است تا ثابت نشدن و تحقق اندازه‌گیری میزان متان و تأثیر آن بر باروری ابرها، تنش ایجاد نشود.

استاد دانشگاه تبریز در ادامه با تأکید بر نقش عوامل انسانی در خشکی دریاچه‌ی ارومیه و لزوم مداخله‌ی زودهنگام گفت: "با در نظر گرفتن دخالت نامناسب بشر در طبیعت، هیچ بلا و خطری دور از انتظار نیست. در همه بحران‌های زیست محیطی به اقدامات اورژانسی نیاز است. برای احیای دریاچه‌ای مثل دریاچه‌ی ارومیه در دنیا حدود ۲۵ سال زمان لازم است. امیدواریم حداقل نوادگان و نسل‌های آینده‌ی ما یک قرن دیگر احیای دریاچه را ببینند!"

وی با اشاره به نقش خشکی دریاچه در گرم شدن هوا اظهار کرد: "پهنه‌ی آبی دریاچه در گذشته نقش موثری در تعدیل هوای شهرهای حاشیه دریاچه داشت. اما امروزه با توجه به وجود پهنه خشکی در سطح وسیع و خاصیت خشکی‌ها شاهد گرم شدن هوا حتی در فصول سرد سال هستیم."

ساری صراف علاوه بر نقش گرمایش جهانی و تغییر اقلیم، نقش عوامل انسانی اعم از فرهنگ و عملکرد مردم و مدیران، نبود مقررات و قوانین جدی زیست محیطی و فقدان معیشت جایگزین، الگوی کشت نامناسب و آبیاری اراضی زراعی با شیوه غرقابی و همچنین برنامه‌های ناکارآمد در زمینه آب و خاک را از علل خشکی ارومیه برشمرد.



## مصرف ۱۲ میلیون لیتر بنزین روزانه در تهران

محمد حسین بازگیر در یک برنامه رادیویی در خصوص آلودگی هوا گفت: در اردیبهشت سال ۵۸ سند توسعه جمهوری اسلامی ایران توسط نخست وزیر وقت منتشر شد. ۲۴۰ نفر از اساتید دانشگاهی و متخصصان، بخش‌های مطالعاتی را انجام دادند. این مطالعات تحت عنوان سیاست‌های توسعه و تکامل جمهوری اسلامی ایران منتشر شده است. حرف‌هایی که امروز درباره آلودگی و اثرات آن بر مرگ و میر مردم می‌زنیم در همین سند مشاهده می‌کنیم و برنامه‌ها نیز مشابه همین برنامه‌های امروز است بنابراین آلودگی هوا یک پدیده جدید و ناشناخته نیست.



وی خاطرنشان کرد: این مطالعات نشان می‌داد آلودگی هوای تهران در همان زمان نگران‌کننده بود که علت آن بافت شهری نامناسب و نارسا و تراکم جمعیت، وسائل نقلیه موتوری و صنعت است که با غلظت‌های نامناسب، سلامت قریب به ۵ میلیون نفر را به مخاطره انداخته است؛ به نحوی که سهم هر تهرانی روزانه نیم کیلو مواد سمی است. در حقیقت از همان اول مشکل و ریشه آن را می‌شناختیم و می‌دانستیم منابع ثابت و متحرک ریشه آلودگی هوا هستند. در آن سند اشاره شده که خودروهای وارداتی، مشابه خودروهای اصلی در کارخانه‌ها نیستند همچنین در این سند به بافت نارسای شهر و بارگذاری جمعیت و البته روش ساخت و ساز به عنوان پارامترهای آلودگی هوا اشاره شده است.

رئیس محیط زیست شهر تهران با بیان اینکه در خودروهای استاندارد با سوخت استاندارد نیز باز هم درصدی آلودگی ایجاد می‌شود، اظهار کرد: حقیقت آن است که سبک زندگی امروز ایرانیان در افزایش آلودگی هوا اثرگذار است. میزان مصرف سوخت در تهران با حداقل ۱۰ استان دیگر برابری می‌کند همچنین تهرانی‌ها به اندازه کشور ۴۰ میلیون نفری لهستان بنزین مصرف می‌کنند.

بر اساس قانون در ایران عدد اکتان بنزین معمولی ۸۷ و برای بنزین سوپر ۹۵ است، اما متأسفانه به دلیل استفاده از روش غیرعلمی ترکیب انواع بنزین برای بالابردن اکتان به جای افزایش کیفیت بنزین تولیدی و همچنین کیفیت فوق‌العاده پائین بنزین تولید شده در برخی از پالایشگاه‌های کشور اخبار متعدد از عرضه بنزین معمولی با اکتان ۸۰-۸۵ در شهرستانها و بنزین سوپر با اکتان متغیر ۹۰-۹۲ بسته به موقعیت جغرافیایی جایگاه عرضه، حکایت دارد.

در حالیکه سازمان حفاظت از محیط زیست بارها نسبت به مخاطرات ناشی از آلاینده‌گی بنزین با اکتان پائین تر از ۹۰ هشدار داده است.

در کشوری مانند لبنان علی‌رغم مشکلات فراوان استقرار سیستم مدیریت سوخت، جنگ‌های داخلی و حملات نظامی به زیر ساخت‌های پخش انرژی در حال حاضر بنزین معمولی با اکتان بالاتر از ۹۲ و بنزین سوپر با اکتان ۹۷ توزیع می‌گردد اما در پایتخت یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان مواد نفتی کیفیت پائین بنزین موجب ایجاد مشکلات فراوان برای خودروها می‌گردد.

## بخش پنجم



**بررسی زیست محیطی طرح انتقال آب دریای خزر و خلیج فارس به**

**فلات مرکزی ایران**

دکتر زهرا ارزجانی

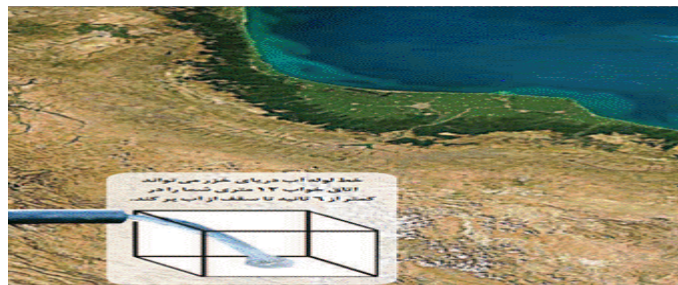
فلات ایران از نظر اقلیمی در منطقه خشک و کم‌باران قرار دارد به طوری که میانگین بارش در ایران حدود ۲۵۰ میلی‌متر است در حالی که میانگین بارش جهانی حدود ۸۵۰ میلی‌متر است که بیش از سه برابر میزان بارش در ایران است با وجود این کم‌آبی، مصرف آب در کشور ۲ برابر استانداردهای تعریف شده جهانی است و از سوی دیگر هنوز کشور از نظر جمع‌آوری آب‌های سطحی با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می‌کند.

براساس پیش بینی های ناسا، ایران طی ۴۰ سال آینده، خشک ترین دوران تاریخی خود را تجربه خواهد کرد و بر اساس گزارش های متخصصین داخلی، بیلان منفی منابع آب های زیر زمینی کشور به رقم ۱۱ میلیارد متر مکعب نزدیک شده است در صورتی که ساختار طبیعت و اقلیم کشور دیگر یارای جایگزین کردن این حجم آب را ندارد. در نتیجه ، حتی اگر اقلیم کشور تغییر کند هم، دیگر آبخوان های این سرزمین احیا نخواهند شد و تنها سیلاب های خانمان سوز ره آورد بارندگی های شدید خواهند بود.

طبق پیش بینی‌های جهانی سال ۱۴۰۰ سرانه آب در ایران به کمتر از هزار و ۴۰۰ مترمکعب برای هر فرد در سال خواهد رسید و این به معنی ورود به بحران آبی است. طبق آمارهای رسمی و به اعتقاد کارشناسان، ایران در آستانه بحران آب به سر می‌برد و طی سال‌های آینده تامین آب به یکی از بزرگ ترین چالش‌های کشور در بسیاری از استان‌ها، شهرها و مناطق تبدیل خواهد شد.

به همین جهت راهکارهایی برای رفع مشکل کم آبی کشور که اخیراً و احتمالاً توسط افراد غیر کارشناس و کارشناس مطرح گردیده ، انتقال آب از خلیج فارس یا دریای مازندران به فلات

مرکزی و اصفهان می باشد. در این مقاله به ارزیابی طرح انتقال از منظر موافقان و مخالفان پرداخته شده است.



از منظر مخالفان طرح انتقال آب- این طرح به صورت جدی در اواخر سال ۸۸ مطرح شده بود آن طرح انتقال آب را از مازندران به سمنان و سپس به قم و کاشان و اصفهان می برد و خط لوله دیگری برای سبزوار و بیرجند و خراسان جنوبی و یزد است بخش دیگر این پروژه بزرگ انتقال آب دریای عمان از بندرعباس به گل گهر بود. معصومه ابتکار ، مقام مسئول حفاظت از محیط زیست ایران قاطعانه با طرح انتقال آب خزر به فلات مرکزی مخالفت کرده است وی معتقد است که به جای طرح انتقال باید الگوی مصرف آب را اصلاح کرد و در بحث فاضلاب ها موفق بودند. مخالفان طرح معتقدند به لحاظ زیست محیطی این طرح صد درصد باطل است. آنها دو دلیل عمده را برای باطل بودن این طرح عنوان می کنند: وقتی حجم زیادی از آب از یک اکوسیستم خارج شود برای آن اکوسیستم مخاطرات اکولوژیکی ایجاد می شود. دریای خزر اکنون به اندازه کافی دارای مشکلات حاد است و اگر فشار بیشتری به آن وارد شود آینده ای بدتر از دریاچه ارومیه در انتظارش خواهد بود. معضل نمک های به جا مانده از شیرین کردن آب معضل بزرگی است که می تواند تیر خلاص را به دریای پرمشکل خزر شلیک کند. دلیل دیگر این است که دریای خزر حتی پایین تر از سطح دریای آزاد است و انتقال این



آب در مسیر مشکل است. آب دریای خزر به هر نقطه ایران که انتقال داده شود مستلزم تخریب بسیار وسیع در مسیر و صرف بسیار زیاد انرژی است که هر دوی اینها با توجه به شرایط خاص محیط زیستی شدنی نیست و فکر نکنیم هیچ گونه ارزیابی زیست محیطی هم این عمل را تایید کند. چون انرژی زیادی برای پمپاژ آب لازم است و همچنین محیط زیست مسیر انتقال اعم از جنگل و درخت و کوه تخریب می شود که اصلا جبران پذیر نیست. همچنین نزدیک به نیم قرن است که دولتمردان می خواهند از دریای خزر و خلیج فارس آب به کویر منتقل کنند و همواره هم متخصصین گفته اند که چه به لحاظ علمی و چه به لحاظ اقتصادی این امر مطلوب به فایده نیست. اما متاسفانه یکسری جریانات موجود هستند که از زمان توقف سدسازی ها ، الان به دنبال انتقال آب هستند. به عبارتی این داستان بیشتر به خاطر منافع شرکت ها و جریاناتی است که در پروژه های این چنینی ذینفع هستند و گرنه انتقال آب شور دریای خزر و شیرین کردن آن ، آنقدر پرهزینه است که صلاح نیست انجام شود و پول بیت المال صرف چنین پروژه های غیرعلمی با مخاطرات زیاد زیست محیطی گردد. عده ای از منتقدین گفته اند حدود ۲۰ سال پیش و حتی در دوران جنگ مطالعاتی برای اجرای طرح های انتقال آبی با نام کوهرنگ برای انتقال آب به دشت مرکزی ایران از سرشاخه های کارون انجام شد. براین اساس طرح انتقال آب از طریق تونل شماره یک و دو کوهرنگ حدود ۱۰ سال پیش به بهره برداری رسید؛ در حال حاضر نیز آب از طریق این تونل ها انتقال داده می شود. و همچنین کار ساخت سومین تونل کوهرنگ نیز حدود ۱۰ سال پیش در زمان دولت هشتم آغاز شد ولی تاکنون به بهره برداری نرسیده است. اما متاسفانه امروزه میزان متوسط بارندگی خوزستان کمتر از گذشته شده و با توجه به افزایش جمعیت و همچنین نیاز روزافزون کشور به تولید برق از

طریق سدهای مهم استان نیاز امروز خوزستان بیش از گذشته شده و این موضوع نشان دهنده لزوم تنظیم هرچه بیشتر آب رودخانه‌های خوزستان برای جبران افزایش نیاز است. حال اگر آب خوزستان از سرشاخه‌ها به دشت مرکزی کشور انتقال داده‌شود، دیگر از نیروگاه‌ها عبور نمی‌کند از این طریق نه تنها آب کشاورزی و شیلات محدود می‌شود بلکه از تولید برق هم به نوعی محروم خواهد شد. این امر نه تنها توجیه فنی و اقتصادی بلکه توجیه اجتماعی نیز ندارد.

**از منظر موافقان طرح انتقال** - آب طرح بزرگ انتقال آب از خلیج فارس یا دریای مازندران به فلات مرکزی و اصفهان هنوز در هزارتوی قانونی و جدل بین مخالفین و موافقین گیر کرده است. از یک سو نیاز ساکنین یک کشور خشک چشم را به شیرین کردن آب های شور جلب می کند و از سوی دیگر خاطره تلخ دریاچه ارومیه ترس را در دل دوستداران محیط زیست این مرز و بوم انداخته است. انتقال آب در بین فعالان و کارشناسان محیط زیست با اکثریت مخالف روبرو است و اقلیت موافق در بین مدیران اما تمایل بیشتری برای اجرای این طرح وجود دارد. موافقین طرح انتقال آب را آخرین راه حل می دانند وقتی منبعی برای تامین آب بشریت نداریم ، وقتی رودخانه ای در کشور باقی نمانده است ، وقتی که هیچ کس صرفه جویی نمی کند ، آب بازچرخه نمی شود ، الگوی مصرف اصلاح نمی شود دیگر چاره ای نمی ماند که آب دریاهایمان را شیرین کنیم. موافقین طرح انتقال آب معتقدند درباره مشکل تخریب محیط زیست در مسیر لوله کشی ، بایستی لوله کشی از کنار جاده ها کشیده شود که تبعات محیط زیستی ندارد. حتی اگر قرار باشد یک کریدور جدید برای انتقال لوله آب احداث شود باید و حتما باید براساس معیارهای زیست محیطی باشد. درباره مساله خطر نمک هم، آب باید در کنار دریا شیرین شود نه اینکه آب شور را ببرند و در منطقه محل انتقال شیرین کنند. اینکه

می گویند دریای خزر صدمه می بیند بایدگفت که دریای خزر همین الان با پساب های فاضلاب و کارخانجات از بین رفته است اما مطمئن باشید که با این طرح از بین نمی رود چون نمک برجا مانده اختلاطش با آب کم است و به عمق آب می رود و نیز انتخاب آب شیرین کن ها می بایست با دقت و حساسیت زیادی انجام شود. یعنی باید در جایی که کمترین حساسیت را دارد دستگاه ها را مستقر کرد. در عین حال سطح آب دریای خزر در حال بالا آمدن است. با ذوب شدن برف ها و گرم شدن زمین هم آب دریای خزر بالاتر می آید. حال این بالا آمدن آب باید کنترل شود. آیا بهتر است میلیاردها تومان هزینه کنیم و جلوی پیشروی آب دریای خزر را با دیوار کشی بگیریم یا آب اضافی را برای ۵۰ سال آینده شیرین کنیم. کاری که شاید فقط ۵۰ سانتی متر از سطح دریای خزر را پایین ببرد. موافقین طرح همچنین درباره مخالفت شدید اکثریت فعالان محیط زیست خاطرنشان می کنند: «الان جوی در کشور ایجاد شده که اکثرا بدون مطالعه با انتقال آب مخالفت می کنند. اما اگر آب دریای خزر را با مطالعه دقیق و رعایت تمام جوانب محیط زیستی به مناطق خشک و کویری انتقال دهیم بحران کم آبی را تا حدودی حل خواهیم کرد. نه تنها دریای خزر که آب دریای عمان هم برای این کار مناسب است. به یاد داشته باشیم که عربستان سعودی اکنون آب دریایش را شیرین می کند و با آن آب ، محصولات کشاورزی تولید می کند و به ایران صادر می کند و ما هم چند سال است که خیار و گوجه عربستان را وارد می کنیم. اما یکی از دغدغه های انتقال آب از دریای خزر این است که این دریا بین ۵ کشور روسیه، قزاقستان، ترکمنستان، ایران و آذربایجان مشترک می باشد و به گفته برخی کارشناسان انتقال آب این دریا توسط یکی از این کشورها می تواند با اعتراض کشورهای دیگر روبه رو شود. در این زمینه برخی نیز نگران لاینحل ماندن رژیم حقوقی دریای

خزر هستند. ولی مهندس «علی خیاط خلقی» طراح طرح انتقال آب دریای خزر به کویرهای ایران می‌گوید: با اتفاقی که برای دریای خزر در حال وقوع است و سطح آب آن در حال بالا رفتن است، خیلی از کشورهای همسایه باید به فکر تخلیه آب باشند. وی می‌افزاید: عواملی چون گرم شدن کره زمین به دلیل تخریب لایه ازن و افزایش گازهای گلخانه‌ای سبب شده است توده‌های یخی قطب شمال و اقیانوس منجمد شمالی شروع به ذوب شدن کند؛ از این رو حجم ورودی آب به دریای خزر در حال افزایش است و این امر ممکن است خطراتی را برای این کشورهای حوزه دریای خزر ایجاد کند. لذا آن‌ها هم در تلاش هستند تا آب‌های سرریز را به نحوی منتقل کنند.

#### نتیجه‌گیری

داشتن آب و خاک سالم مهم‌ترین شاخص محیط زیست رو به کیفیت، و از پر اهمیت‌ترین منابع پایه کشاورزی محسوب می‌شود که زیست‌مندان ادوار کهن فلات ایران به درستی پی به مواهب آن برده و با انجام کشت دیم و ایجاد سیستم قنات و آبخوان داری و... بهترین مدیریت منابع آب را در سرزمین‌های خشک ایران اعمال می‌کردند، اما حالا از این شیوه مدیریت حفاظتی منابع آب سالهاست که دور مانده ایم و کشور را تبدیل به یکی از بحرانی‌ترین مناطق در خصوص منابع آب و خاک در زیست‌کره کرده ایم. بنابراین متولیان و مدیران منابع پایه کشور و همچنین مردم، برای برون رفت از بحران کم‌آبی، چاره‌ای جز شناخت پیشینه تجارب مدیریت منابع آب و خاک کشور که توسط گذشتگان و با تکیه بر دانش اکولوژی اعمال شده ندارند تا شاید با بکار بستن این روش‌ها بتوان تا حدودی کمیت و کیفیت منابع آب کشور را در این شرایط بحرانی کنترل کرد. لذا باید در چنین شرایطی به فکر فرهنگ‌سازی بود و این

موضوع تنها راهکار حل بحران آبی است. در خصوص فرهنگ سازی در بحث آب باید گفت که هیچ کار ضرب الاجلی نمی توان انجام داد و تعجیل در امور به ما ضربه خواهد زد لذا باید برای تمام کارها بررسی های لازم صورت بگیرد و تمام ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی لحاظ شود.

## منابع:

۱. بررسی یک رویای ملی طرح اتصال دریای خزر به خلیج فارس، ناصر حاجیان، ۱۳۹۲
۲. شور و شیرین طرح انتقال آب خزر به کویر مرکزی، خراسان روزنامه صبح ایران، ۱۳۹۳
۳. قطره ای از دریا در کام، جام جم، ۱۳۹۱

## رابطه محیط زیست و حقوق بشر

### دکتر زهرالرزجانی

طبیعت رو به پیشرفت مسائل بین المللی، اقتضا می کند که حفاظت از محیط زیست برای انسان امروز و نسلهای آینده، مورد توجه جدی همگان قرار گیرد؛ یکی از اموری که می تواند در حفظ محیط زیست مؤثر باشد، ایجاد رابطه بین محیط زیست و حقوق بشر است؛ زیرا حمایت قانونی از حقوق بشر می تواند وسیله ای جهت رسیدن به حفاظت از محیط زیست باشد. حقوقی مثل حق حیات، آزادی بیان، مشارکت سیاسی، برابری و... شامل ابزارهای

قانونی بین‌المللی هستند که حفاظت بیشتر از محیط زیست را می‌طلبند. به همین جهت، برای برخورد با مسائلی که از طریق نابودی تدریجی محیط زیست گریبان‌گیر بشر می‌شود، حق جدیدی در چارچوب حقوق بشر، مبنی بر "حق بر محیط زیست" یا "حق بهره‌مندی از محیط زیست شایسته"، سالم و امن شناسایی شود. این حق، ضمن این که، داشتن محیط زیستی امن و سالم را برای همگان تضمین می‌کند، وظیفه خودداری از فعالیتهایی را که به محیط زیست صدمه می‌زند، بر افراد، سازمانها، شرکتها و دولت‌ها تحمیلی کند. حق دسترسی به اطلاعات زیست محیطی، از یک طرف به حق افراد در کسب اطلاعات زیست محیطی بدون هیچ محدودیتی اشاره دارد و از طرف دیگر اشاره به تکالیف دولت‌ها در واگذاری ایناطلاعات به افراد جامعه دارد. نکته مهم آن است که دسترسی به اطلاعات زیست محیطی شرط لازم برای تحقق حق افراد، برای مشارکت در اتخاذ تصمیمات زیست محیطی است؛ زیرا آگاهی یافتن از آثار و پیامدهای عواملی که بر محیط زیست تأثیر گذارند، وابسته به دسترسی افراد به اطلاعات زیست محیطی است. پس از این مرحله است که افراد با آگاهی کامل می‌توانند در اتخاذ تصمیمات زیست محیطی مشارکت داشته باشند. ، زمین و محیط زیست آن، حق همگانی است و همه حق دارند از آن بهره‌مند شوند. بنابراین، استفاده از این حق، باید به گونه‌ای باشد که امکان استفاده و بهره‌برداری از آن، برای نسل حاضر و نسل‌های آینده حفظ شود. نکته‌ای که باید بدان توجه داشت ایناست که، هرگاه حقی برای انسان نسبت به چیزی پدید آید، در مقابل آن تکلیفی نیز خودنمایی خواهد کرد. به عبارت دیگر حق و تکلیف، دو روی یک سکه‌اند. اگر

استفاده و بهره‌برداری از طبیعت و محیط زیست برای انسان به رسمیت شناخته شده؛ این حق ، تکلیفی نیز ایجاد می‌کند و آن این است که انسان، وظیفه دارد به گونه‌ای از حق خود استفاده کند که به حقوق دیگران لطمه‌ای وارد نکند. بر همین اساس، اگر انسان از محیط زیست استفاده می‌کند، باید استفاده او، به گونه‌ای باشد که به حقوق دیگران در استفاده از آن خدشه ای وارد نشود. انسان به عنوان موجودی مختار، باید به این واقعیت تن دهد، که زمین همان‌گونه که محل رشد تکوینی و جسمی اوست، باید محیط تکامل روحی و معنوی او نیز باشد؛ و چون اسباب و مقدمات تکامل روحی‌اش، ارادی و اختیاری است، پس باید به شیوه‌ای عالمانه و مدبرانه از محیط زیست، برای این هدف متعالی استفاده کند؛ زیرا رسیدن به تکامل روحی و معنوی بدون بهره‌مندی از محیط زیستی امن و سالم امکان‌پذیر نخواهد بود.

## **زنان کارآفرین و بازار مردانه ی کار**

### **دکتر زهرا ارزجانی**

بازار کار ایران مردانه است و نرخ مشارکت اقتصادی زنان در ایران ۱۷ درصد و این نرخ برای مردان ۶۳ درصد بوده است چرا زنان با نرخ بالای تحصیل در حاشیه قرار دارند؟ نرخ مشارکت زنان حتی در مقایسه با خاورمیانه بسیار پایین است در سطح جهان نشان می‌دهد که در کارآفرینی، استراتژی زنان و مردان متفاوت است. زنان برای کسب و کار و ورود به بازار کار و بقا در آن اهداف متفاوتی را دنبال می‌کنند. مطالعات انجام شده در سطح جهان نشان می‌دهد در بیشتر موارد، زنان رضایتمندی درونی را بر سودآوری ترجیح می‌دهند و کمتر به توسعه کسب و کار خود علاقه مندند. علاوه بر چالش‌های جهانی که زنان برای کارآفرینی و

راه اندازی کسب و کار برای خود و دیگران با آن روبرو هستند زنان ایرانی با موانع فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مواجه می‌شوند. عمده ترین موانع اشتغال و مدیریت زنان در ایران مشکلات ناشی از حاکمیت تفکر مردسالاری فقدان برنامه ریزی منسجم و مدون برای اشتغال زنان، مشکل فرهنگی، مخالفت مردان با اشتغال زنان و عدم همکاری آنان با زنان شاغل، دستمزد پائین زنان نسبت به مردان، عدم استفاده از تخصص زنان، عدم تمایل کارفرمایان به پوشش بیمه ای زنان، رقابتهای کاذب در برخی محیطهای کاری، هزینه زیاد مهدکودک و فقدان تشکلهای دولتی و خصوصی مناسب برای خود اشتغالی زنان. بازار کار ایران با مشکلات عدیده ای مواجه است که از نبود فرصت های شغلی برای جوانان به ویژه زنان تا کمی دستمزد و نبود فرصت های شغلی برای زنان و در نهایت انبوه جمعیت فارغ التحصیل ازدانشگاه های کشور که بتدریج وارد بازار کار کشور می شوند، شامل می شود. نیازهای بازار کار ایران هیچگونه مطابقتی با آموزش هایی که در دانشگاه های کشور انجام می شود، ندارد مطابق آمار، شانس زنان برای ورود به بازار کار بسیار کمتر از مردان است و در صورت ادامه چنین وضعیتی نه تنها احتمال نزدیک شدن آنها به هم بعید به نظر می رسد بلکه شکاف عمیق تر می شود. این شکاف پیامدهای منفی در حوزه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خواهد داشت. از ۲۷ میلیون زن ایرانی در سن کار، فقط ۳ میلیون نفر کار می کنند. با این حال تمامی زنان جامعه چه آنهایی موفق شده اند در بازار کار شغلی داشته باشند، چه آنهایی که موفق نشده اند، چه افرادی که خانه نشین شده و یا به شاغلین غیر رسمی پیوسته اند و چه زنانی که به دلایل مختلف، کار در خانه را به عنوان یک شغل در پیش گرفته اند، با مشکلاتی روبرو هستند که باعث می شود نرخ مشارکت زنان در عرصه های اقتصادی کشور ما تا این اندازه کاهش داشته باشد به طور ذاتی



زنان در عرصه کارآفرینی برتری‌هایی نسبت به مردان دارند که به آن‌ها کمک می‌کند شانس بالاتری برای موفقیت داشته باشند .

۱. حس حمایت‌گری زنان بیش از مردان است . در اجتماع زنان رکن اصلی خانواده هستند و حضور آن‌ها از لحاظ حمایت عاطفی که ارائه می‌دهند ضروری است. این حس حمایت‌گری در امور تجاری نیز دیده می‌شود و تحقیقات نشان می‌دهد حس همکاری و کمک در زنان کارآفرین قوی‌تر از مردان است

۲. زنان در زمینه شناخت دیگران، درک رفتارها و قضاوت سریع بسیار تواناتر از مردان هستند. همواره به این پرسش فکر می‌کنیم که چرا دیگران چنین رفتاری دارند و این‌گونه سخن می‌گویند. مردان اغلب توجهی به زبان بدن ندارند در حالی که زنان در این امور بسیار دقیق هستند. در تجارت بین‌المللی هنگامی که با فرهنگ طرف مقابل آشنا نیستید، همین توجه به رفتارها راه‌گشای شما در تصمیم‌گیری صحیح است

۳. صبر زنان و ظرفیت بخشش آن‌ها بسیار بالاست. دنیای تجارت بین‌المللی به کسانی تعلق دارد که به دیگران اجازه می‌دهند شک کنند و دچار سوء تفاهم شوند. در این جهان رفتارهای تجاری گاه بسیار ناراحت‌کننده است و برنده نهایی کسی است که لبخند می‌زند و با حوصله به رفع مشکلات می‌پردازد. در این حوزه بدون شک زنان از مردان موفق‌تر هستند

۴. رفتار اجتماعی زنان به سبب دقت آن‌ها در درک موقعیت‌های گوناگون، مناسب‌تر است. درک آداب و رسوم و فرهنگ‌های خارجی برای موفقیت ضروری است در این زمینه هوش اجتماعی زنان بالاتر است. از سوی دیگر چون تعداد کارآفرین‌های زن نسبت به مردان کارآفرین کم‌تر است، توجهات بیشتر به آن‌ها جلب می‌شود. به این ترتیب سده بیست‌ویکم، سده رشد

سریع کارآفرینی زنان محسوب می‌شود و این امر نویدبخش رشد اقتصادی بالا برای تقریباً تمام کشورها به خصوص کشورهایی است که زمینه را از هر جهت برای ارتقای سطح زندگی زنان فراهم می‌کنند.

## **آلودگی های زیست محیطی ناشی از پیشروی پساب نیشکر در زمین های**

### **کشاورزی خرمشهر**

دکتر زهرا ارزجانی

با توجه به اینکه فرآیندهای استخراج شکر از نیشکر دارای حجم بالای پساب است که این پساب ها دارای مقدار زیادی مواد آلی هستند که دفع آنها در محیط زیست و رودخانه ها موجب آلودگی و ایجاد بوی تعفن در محیط اطراف آنها می شود. لذا تصفیه پساب این واحدها برای جلوگیری از آلودگی محیط زیست ضروری است. متأسفانه در حال حاضر در اکثر کارخانجات تولید نیشکر در ایران هیچگونه عملیاتی بر روی پساب خروجی انجام نمی گیرد و این پساب آلوده وارد محیط زیست می شود. چون فکر اصولی و منطقی در مورد پساب های تولیدی به عنوان مهم ترین آلاینده نیشکر و تاثیرگذارترین بخش روی محیط اطرافش نشده بود. در ابتدای امر، پساب ها به رودخانه کارون تخلیه می شد. بعد از بحرانی شدن وضعیت رودخانه به دلیل کم آبی و به خاطر بالا رفتن EC کارون تصمیم گرفته شد این زه آب ها در اراضی پست کارون تخلیه شوند و در نهایت در سال ۷۷ این زهاب ها به زمین های پست کارون که آبگیر خطی بود تخلیه شدند. هم اکنون واحد شعبیه (امام خمینی) به رودخانه کارون، واحد دهخدا به تالاب هورالعظیم و

واحدهای شرق کارون (دعبل خزاعی، سلمان فارسی و فارابی) به تالاب شادگان تخلیه می شوند. واحدهای غرب کارون (میرزا کوچک خان و امیرکبیر) در اراضی شمال شرق خرمشهر تحت عنوان حوضچه های تبخیری رها می شوند که معروف شده به تالاب نیشکر. شوری این پساب ها بین چهار هزار میکروموس تا ۱۶ هزار میکروموس است آب تالاب ها و رودخانه های ما شیرین است، نمی توانیم پسابی که شوری آن ۱۰ هزار میکروموس است را در تالابی بریزیم که شوری آن دو هزار میکروموس است.



اگر این کار را بکنیم می تواند به این رودخانه شوک وارد کند و اکوسیستم آن را از بین خواهیم برد. حتی ماهی های آبگیر نیشکر ، هم برای صید مناسب نیست . و باید این ماهی ها ، از نظر سموم و فلزات سنگین بررسی شوند . که متأسفانه این کار انجام نمی گیرد. برطبق اصل ۵۰ قانون اساسی ایران «در جمهوری اسلامی ایران حفاظت از محیط زیست که نسل امروز و نسل های بعدی باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشد وظیفه عمومی تلقی می گردد. از این رو فعالیت های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است. ما در این راستا می توانیم از تجربیات کشورهای دیگر استفاده کنیم ما اولین کشوری نیستیم که نیشکر می کاریم، در جاهای مختلف دنیا این کار انجام شده است . کشورهای آفریقایی، آمریکای جنوبی، کوبا و چین و هند خیلی قبل از ما آن

هم در ابعاد وسیع تر کار کردند و روش های مدیریتی خیلی خوب برای این کار پیدا کردند. آنها مثل ما نیشکر دارند اما توانسته اند رودخانه ها و تالاب هایشان را حفظ کنند. مثلاً در استرالیا سیستم های خیلی خوبی پیاده کرده اند. از گونه های گیاهی مناسبی که شوری آب را تا ۶۰ هزار میکروموس تحمل و جذب می کند و کاهش می دهد، استفاده می کنند. کاهش حجم پساب با مدیریت در مزرعه و مدیریت خارج از مزرعه یکی از مواردی است که باید به سرعت آن را اجرا کنیم. در دنیا سیستم های مدیریت زیست محیطی پساب به سمت «تخلیه صفر» می رود. یعنی کاری می کنند که تخلیه پساب خود را به صفر برسانند. بنابراین واقعا با مدیریت و بررسی پساب می توان مشکل را کاهش داد و پساب های نیشکر را که تهدیدی است برای محیط زیست، باید به فرصت تبدیل کرد. با مدیریت پساب می توان تا بیش از ۲۰ درصد در مصرف آب صرفه جویی کرد.

## **تحلیلی بر بحران های زیست محیطی استان خوزستان**

دکتر زهرارزجانی

از کرخه تا کارون، از دز تا مارون همه داغدار از دست رفتن تدریجی خوزستان هستند. ریزگردها مدتهاست نه تنها خوزستانی ها را از حق تنفس محروم کرده بلکه تیشه به ریشه زیر ساخت های اقتصادی و صنایع این استان زده است. خوزستان نفس هایش به شماره افتاده است. ریزگردها خسارت زیادی به صنایع، سیستم تهویه کارخانه ها ، بخش بهداشت و... در مجموع زندگی را مشکل کرده است. به رغم شرایط بحرانی ، تا به حال خسارت وارد شده ناشی از ریزگردها بر استان خوزستان از طرف مرجع مستقل و غیر سیاسی عنوان نشده است. برخی نمایندگان مجلس خسارت سالانه از ریزگردها را ۹۰۰ میلیارد تومان برآورد کردند در حالیکه

مدیریت بحران استان خوزستان ۱۳۰۰ میلیارد تومان می دانند همین رقم ۲/۵ برابر بودجه ای است که برای آبادانی استان تخصیص داده شده است. این پدیده با اختلال در زندگی انسان باعث کاهش تقاضای فعالیت سرمایه گذاری، مسکن، خدمات و همه آنچه که چرخ این استان را می گرداند و همچنین مهاجرت ۳ هزار نفر نخبه خوزستانی بخاطر ریزگردها آینده این استان را تیره و تار می کند. متأسفانه سلامت شهروندان در نگاه تصمیم گیران تاکنون امری ضروری نبوده و در نتیجه اقدامی عاجل برای حل مشکل زیست محیطی استان صورت نگرفته است در زمینه جایگاه و اهمیت اقتصادی استان خوزستان برای ایران باید گفت: به عنوان مهمترین تولید نفت و گاز و پتروشیمی، دومین جایگاه در تولید فولاد، ۳۹۹ میلیارد تومان درآمد مالیاتی دولت از این استان کسر میشود، ۲ میلیون تن تولید سالانه شکر، ۱۲۰ هزار تن خرما مرغوب، ۸٪ خطوط راه آهن کشور، بندر معروف امام با ۲ فرودگاه بین المللی می باشد.

داستان تلخ خوزستان برای استان های سیستان و بلوچستان، بوشهر، ایلام و کرمان هم صدق می کند. نشینیدن صدای شهروندان ایرانی از زیر خروارهای خاک می تواند علاوه بر خسارت اقتصادی، هزینه های اجتماعی و سیاسی در پی داشته باشد



## علل خشکسالی و گسترش بیابان

خشکسالی ها یکی از تغییرات معمولا اقلیمی میباشند که بسیاری از مناطق خشک و نیمه خشک دنیا را با شدت های زیاد هر چند سال یکبار در بر می گیرد. در بسیاری از سالها هم رخداد خشکسالی برای مدتی مشخص نیست از این رو شناسائی خشکسالی خود یافته ای ارزشمند برای مدیریت منابع آبی مناطقی چون ایران که بخش اعظم آنرا مناطق خشک و نیمه خشک تشکیل می دهد محسوب خواهد شد. و چشم انداز ایران را به طور کلی دگرگون خواهد کرد. ۱۰ کشوری که به عنوان بدبخت ترین در میان کشورهای جهان شناخته می شوند، کشورهای بدون آب و اسیر خشکسالی اند و ما در حال وارد شدن به این ۱۰ کشور هستیم. در میان ۴۵ کشوری که ناسا در گزارش خود از آن ها به عنوان کشورهای در خطر خشکسالی شدید نام برده بود، ایران در جایگاه چهارم قرار داشت.



معضل خشکسالی تنها مختص ایران نیست و این بحران هم اکنون دامنگیر تعدادی از ایالت های غربی آمریکا بخصوص کالیفرنیا شده است تا سال ۲۰۵۰ میلادی، خشکسالی کشور ۱۱ برابر شرایط فعلی خواهد شد و نزولات جوی هم کاهش خواهد یافت. این شرایط منجر به نگرانی عمیق در خصوص آینده ایران، منطقه و جهان می شود. طبیعت ایران وارد مرحله تغییر فاز شده است. از حالا به بعد ما دائم غافلگیر خواهیم شد. چه کسی فکر می کرد زاینده رود کاملا خشک شود؟ یا دشت ها کاملا خشک شود؟ الان از جنوب البرز و شرق زاگرس تا مرزهای جنوب

شرقی کشور در معرض تهدید کمی آب است. ما ۵۰۰ میلیارد مترمکعب آب استاتیک داشتیم از میلیون‌ها سال قبل در زیر زمین. در ۳۰-۳۵ سال گذشته ۱۵۰ میلیارد مترمکعب از آن را استفاده کرده‌ایم. باقیمانده آن هم شور است. الان هم داریم از سفره‌های زیرزمینی استفاده می‌کنیم. ما در حال از دست دادن با سرعت میراث طبیعی خود هستیم؛ به خصوص این که وارد دوره‌ی خشک‌سالی هم شدیم و این دوره‌ی خشک‌سالی به معنای این است که آب‌شخورها و پوشش گیاهی در حال از بین رفتن است، فرسایش خاک شدت پیدا می‌کند و آن کاری که انسان‌ها نتوانستند انجام دهند، طبیعت این دفعه انجام خواهد داد! سومالی‌زاسیون یا تبدیل شدن طبیعت ایران به سومالی، سه مرحله دارد. اول به صورت بلعیدن طبیعت خود را نشان می‌دهد، به این ترتیب که طبیعت را برای پیشرفت می‌بلعند. این روند، آغاز شده و اثرش را کامل گذاشته است. در نتیجه آن می‌بینیم که دریاچه‌ها و رودخانه‌ها خشک شده است و ما ۹۰ درصد حیات وحش را از دست داده‌ایم. در مرحله بعدی سومالی‌زاسیون، کشاورزی بلعیده می‌شود. یعنی منابع آب کم و گران‌تر می‌شود، طوری که کشاورزی و دامداری نمی‌صرفد. همین الان اگر بخواهیم به تجارت آزاد روی بیاوریم، می‌توان اغلب چیزهایی را که در ایران تولید می‌شود، ارزان‌تر از خارج وارد کرد. در مرحله بعدی سومالی‌زاسیون، هیولای کم‌آبی به شهرها حمله می‌کند؛ یعنی به آب مصرفی انسان‌ها که در واقع به کمترین میزان مصرف یعنی دو تا چهار درصد می‌رسد. بحران آب فعلی در ایران از تقریباً ده سال پیش شروع شد. مدیریت ناصحیح ما موجب خشک شدن تالاب‌ها و هدر رفتن آب‌های سطحی و زیر سطحی شد. بیست سال پیش دریاچه ارومیه با وسعت ۵۲۰۰ کیلومتر مربع هنوز به بحران آب و توفان نمک نرسیده بود و ۹۵ درصد آب‌های خود را از دست نداده بود، پانزده سال پیش دریاچه هامون

۴۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت داشت و به سه تکه کوچک تبدیل نشده بود، پانزده سال پیش بختگان، پریشان و تالاب‌های فارس خشک نشده بودند. ۱۰ سال پیش آب زاینده‌رود علی‌رغم کاهش در تابستان، واقعیت داشت و سی و سه پل اصفهان را تا تالاب مرکزی «گاوخونی» وصل می‌کرد. باید توجه داشت که این بحران آب و گسترش خشکی و بیابانزایی و ریزگردها در بخش‌های مختلف ایران، به‌طور مستقیم بر اقتصاد محلی کشاورزان، وضعیت خانواده‌ها، شرایط شغلی و وضع روانی و اجتماعی انسان‌ها و بالاخره سلامتی و بهداشت شهروندان، اثرات شکننده و منفی گذاشته است. به‌علاوه این بحران سرسخت منجر به تلاشی زندگی جمعیت انبوهی از مردم شده و مهاجرت‌های اقلیمی را گسترش خواهد داد.

## **شرح ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر و مطابقت آن با قانون اساسی**

### **جمهوری اسلامی ایران**

#### **دکتر زهرا ارزجانی**

آموزش و پرورش از مسائل بسیار اساسی در یک جامعه است. اهمیت آموزش و پرورش در جوامع امروزی امری انکارناپذیر است. امروزه بر اساس شاخصهای ارائه شده از سوی بانک جهانی، آموزش و پرورش از معیارهای توسعه پایدار است. این مسئله علاوه بر آن که از بعد حقوق داخلی حائز اهمیت است از بعد بین‌المللی نیز شایان توجه است، به نحوی که میتوان گفت اقدامات بین‌المللی در راستای حمایت از حق آموزش و تحقق آزادی آموزش چشمگیر میباشد. اقدامات بین‌المللی جنبه‌ی دولتها به دالیل مختلف سیاسی، فرهنگی و اجتماعی حمایتی صرف دارند و معمول حق و آزادی آموزش را به طور کامل به رسمیت نمیشناسند.



میتوان گفت مسئله‌ی آزادی آموزش و پرورش از مباحث میان رشته‌های است که در فلسفه، جامعه‌شناسی و حقوق مورد توجه قرار می‌گیرد. از بعد جامعه‌شناسی هدف افراد از یادگیری رسیدن به منافع مختلف است. بیشتر مردم معتقدند که بدون آموزش، جهان آنها به لحاظ اقتصادی، فکری، فرهنگی، اجتماعی و یا حتی اخلاقی غنی نیست. این احساس ناشی از یک لفاظی سیاسی نیست بلکه مبتنی بر تجارب مستقیم است.

## ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر

۱. آموزش و پرورش میبایست، دست کم در دروه‌های ابتدایی و پایه، رایگان در اختیار همگان قرار گیرد. آموزش ابتدایی می‌بایست اجباری باشد. آموزش فنی و حرفه‌ای نیز می‌بایست قابل دسترس برای همه مردم بوده و دستیابی به آموزش عالی به شکلی برابر برای تمامی افراد و بر پایه شایستگی‌های فردی صورت پذیرد.

۲. آموزش و پرورش می‌بایست در جهت رشد همه جانبه‌ی شخصیت انسان و تقویت رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی باشد. آموزش و پرورش باید به گسترش حسن تفاهم، دگرپذیری [تسامح] و دوستی میان تمامی ملت‌ها و گروه‌های نژادی یا دینی و نیز به برنامه‌های «ملل متحد» در راه حفظ صلح یاری رساند. ۳. پدر و مادر در انتخاب نوع آموزش و پرورش برای فرزندان خود برتری دارند. حق آموزش رایگان و همگانی جز حقوق بنیادین شهروندان است که هم قانون اساسی ایران و هم قوانین اساسی سایر کشورها براساس توافقات بین‌المللی بر آن تأکید دارند و به گونه‌ای این امر شکل اجماعی یافته است لیکن لازمه برخورداری از آموزش رایگان و همگانی در دسترس قرار داشتن آن برای همگان از جمله روستائیان و عشایر و سایر گروه‌های اجتماعی است. بند اول ماده‌ی ۲۶ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر در این ارتباط

بیان داشته است: هر کسی حق تحصیل دارد، تحصیل حداقل در مراحل ابتدایی باید رایگان باشد. همچنین تحصیلات ابتدایی باید اجباری شده و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نیز در دسترس عموم قرار گیرد. آموزش عالی هم باید برای همه و بر اساس شایستگی در دسترس باشد. حق آموزش به این معناست که اعضای یک جامعه حق دارند از امکانات آموزشی برخوردار شوند.

این حق دارای ویژگیهایی است:

۱. اجباری بودن: به این معنا که حق آموزش و پرورش ایجاب میکند که اولیاء اطفال الزاماً نوباوگان خود را از سنین معین و برای مدت مشخص به مدرسه بسپارند. اجباری بودن حق مذکور نیز خود محل مناقشه است. مخالفان چنین استدلال میکنند که اجباری دانستن این حق خود مغایر با حقوق و آزادیهای فردی است.

۲. رایگان بودن: آموزش و پرورش تا سطوح مشخصی باید رایگان باشد. رایگان بودن آموزش و حق اعضای جامعه در برخورداری از امکانات آموزشی این تکلیف را برای دولت به همراه دارد که آموزشی مناسب، با کیفیت و رایگان برای اعضای جامعه ارائه دهد.

ماده‌ی ۱۳ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی همین مضامین از جمله اجباری و رایگان بودن آموزش ابتدایی، تعمیم آموزش و پرورش متوسطه، حرکت به سمت مجانی کردن آموزش متوسطه، و ... را بیان کرده و در بند " ج " اعلام داشته: آموزش و پرورش عالی باید به کلیه‌ی وسایل مقتضی به ویژه به وسیله‌ی معمول کردن تدریجی آموزش و پرورش مجانی به تساوی کامل بر اساس استعداد هر کس در دسترس عموم قرار گیرد. مفاهیم و مضامین فوق

در مواد یک و چهار کنوانسیون مبارزه با تبعیض در آموزش مصوب ۱۴ دسامبر ۱۹۶۰ یونسکو نیز

مورد تصریح و تاکید قرار گرفته است. همچنین این مسأله در میثاق حقوق مدنی و سیاسی، اعلامیه‌ی آمریکایی حقوق بشر، پروتکل اول کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و منشور آفریقایی حقوق بشر ذکر شده است. لذا یکی از وظایف اساسی دولت با توجه به بند سه اصل سوم قانون اساسی این قرار گرفته که آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان را برای همه در تمام سطوح مهیا سازد و آموزش عالی را تسهیل و تعمیم نماید. به کارگیری عبارت «برای همه» در بند سه اصل سوم و «برای همه‌ی ملت» در اصل سی‌ام، ذهن را به این سو متمایل می‌کند که قانون اساسی به حق آموزش و پرورش برای همه‌ی اتباع کشور معتقد است و تبعیض در میان اتباع کشور را روا نمی‌دارد. هر چند افراد نیز هر کدام بر حسب استعدادها و شایستگی‌های خود به میزان‌های متفاوتی از این امکان بهره‌مند می‌شوند.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر آموزش و پرورش رایگان تأکیدی جدی دارد و این امر را در اصول متعددی نظیر بند سوم اصل سوم، اصل بیستم، اصل سی‌ام، بند نخست اصل چهل و سوم بیان میکند. اصل نوزدهم قانون اساسی ایران می‌گوید: «مردم ایران از هر قوم و قبیله‌ای که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ و نژاد و زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.» همچنین اصل بیستم قانون اساسی مقرر می‌دارد: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی سیاسی اقتصادی اجتماعی و فرهنگی برخوردارند.»

اصل سی‌ام قانون اساسی به صراحت اعلام داشته که: دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه‌ی ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.

از دلایلی که قانون آموزش عالی را همچون ابتدایی اجباری اعلام نکرده این است که با فراگیری رشته‌های دانشگاهی، افراد قادر به تصدی مشاغل پیچیده و تخصصی خواهند بود. لذا به این علت که نمی‌توان آموزش عالی را، همانند آموزش ابتدایی تا متوسطه، یک نیاز عام و فراگیر دانست اجباری کردن آن نیز ضرورتی نداشته است.

مطابق اصل چهاردهم قانون اساسی: دولت جمهوری اسلامی و مسلمانان موظف هستند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را از جمله حق آموزش- رعایت نمایند و هر مصوبه یا قانونی که خلاف این امر را مقرر بدارد خلاف قانون اساسی و ناقض آن ارزیابی می‌شود. مطابق اصل ۷۲ قانون اساسی از آنجا که قانون اساسی هر کشور- که میثاق مشترک یک ملت محسوب می‌شود- در رأس هرم قوانین قرار می‌گیرد و هیچ قانون یا مصوبه‌ای نمی‌تواند خلاف قانون اساسی باشد. بند ۱ از اصل چهل و سوم نیز، آموزش و پرورش را جزء نیازهای اساسی بشر دانسته و یکی از نتایج پایداری اقتصاد در کشور را تأمین مناسب آموزش و پرورش برای همگان، معرفی کرده است. همچنین اشاره‌ی کلی قانون اساسی به آزادی‌های اجتماعی و فرهنگی در مواد مختلف نیز قطعاً حق بر آموزش و پرورش را در بر می‌گیرد. از دیگر الزامات دولت ایران به رعایت حق آموزش و پرورش، عضویتش در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و کنوانسیون مبارزه با تبعیض در آموزش یونسکو است که به طور طبیعی التزام به این امر را برای دولت به همراه دارد. از جمله

وظایف اساسی دولت طبق بند دو اصل سوم عبارت است از بالابردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه‌ی زمینه‌ها با استفاده‌ی صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر، و طبق بند چهار همان اصل: «تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی و فنی و فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان». البته این مهم در صورتی محقق خواهد شد که نظام آموزشی از شیوه‌ی کاملاً یکنواخت بیان امور علمی صرف و تفکرات محض فلسفی عبور کرده و تئوری‌های خود را در میدان عمل به واقعیات نزدیک‌تر نماید. از ملاحظه‌ی بندها و موادی که در قانون اساسی نسبت به آموزش و پرورش بیان شده است نکاتی چند قابل استخراج است که دولت اسلامی باید نسبت به آنها توجه نماید.

● در ضمن اینکه وسایل و محیط آموزشی رایگان باید توسط دولت مهیا شود، شرایط باید به گونه‌ای باشد که هیچ کس از هیچ قشری به دلیل فقر و نداری از نعمت دانش-اندوزی بی‌بهره نماند. دولت باید برای حمایت از اقشار ضعیفی که توان پرداخت هزینه‌های مدارس خصوصی را ندارند امکان تحصیل رایگان را فراهم آورد. از سوی دیگر این فضاهای آموزشی باید دارای شرایط صحیح ایمنی، بهداشتی و استانداردهای پذیرفته شده باشند.

● مربیان و معلمان که با این مراکز مرتبطند باید از حد اعلا‌ی صلاحیت‌های علمی، اخلاقی و دیگر استانداردها برخوردار باشند.

● محتوای آموزشی باید با اهداف عالی‌ی اسلامی و قانون اساسی کاملاً منطبق باشد.

● همچنین دولت موظف است که فضای آموزشی لازم و سایر امکانات، نظیر استاد، آزمایشگاه، منابع تحقیقات و ... را برای سطوح آموزش عالی فراهم نماید تا هر کس

که مستعد برای حضور در مقاطع بالاتر و تحصیل مراتب علمی ویژه است بتواند به این مرتبه دست یابد. و دولت نیز از دانش این فرد در راستای خودکفایی کشور استفاده نماید.

نگاهی به وضعیت آموزش و پرورش در جامعه نشان میدهد که متأسفانه وضعیت آموزش و پرورش ایران چندان مطلوب نیست با توجه به آشکار شدن جایگاه و نقش آموزش و پرورش در ارتقا و پیشرفت کشورها ولی در کشور ایران بهای چندان بی‌اهمیتی به این مساله داده نمی‌شود و نگرشی علمی و مدرنی نسبت به مساله تعلیم و تربیت در ایران وجود ندارد. تقریباً روال کارها بر اساس اصول چند دهه پیش، انجام می‌شود. سیستم شناسایی، ناکارآمد است.

وقتی معاون وزیر آموزش و پرورش از صفر بودن آمار کودکان بازمانده از تحصیل سخن می‌گوید و خطاهای احتمالی در ارائه این آمار را به کودکان بی‌سوادی اختصاص می‌دهد که هستند؛ اما هنوز شناسایی نشده‌اند، تنها قضاوتی که می‌توان داشت ناکارآمدی سیستم شناسایی کودکان جامانده از تحصیل است. حضور کودکانی که همزمان در ساعات مدرسه در گوشه‌ای از خیابان مشغول دستفروشی‌اند یا آنها که شغل دائمی‌شان گدایی از رهگذران است یا آنهایی که در کارگاه‌های تولیدی و مراکز خدماتی به صورت پنهانی کسب درآمد می‌کنند، حضوری آنچنان پررنگ دارد که محال است به چشم مردم حتی مسئولان آموزش و پرورش نیامده باشد. این کودکان در همه جای کشور وجود دارند؛ مثل کودکان لازم‌التعلیمی که هنوز در برخی مناطق به خاطر فقر والدین، امکان تحصیل را از دست می‌دهند و از سنین پایین به دست راست و چپ خانواده برای امرار معاش تبدیل می‌شوند. اما اگر وزارت آموزش و پرورش اصرار دارد این حقایق را نادیده بگیرد و در آمارها، عدد صفر را مقابل این موضوع بنویسد. نمی‌

توان به درستی گفت که این رفتار ناشی از سیاستی است که به دنبال ارائه آمارهای نگران کننده نمی‌گردد یا ثمره سیستمی ناکارآمد است که نمی‌داند چطور باید کودکان بازمانده از تحصیل را شناسایی کند.

با وجود این، علت نهفته پشت این آمارها هر چه که باشد؛ مهم به پایان رساندن نقطه ضعف‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بوده که خروجی آن تولید کودکان بی‌سواد است؛ همان وضعیتی که اگر ادامه پیدا کند آموزش و پرورش همچنان سیستمی خواهد بود که نمی‌تواند جلوی تولید بی‌سوادی در کشور را بگیرد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که، حق تحصیل و آموزش بخشی از حقوق بشر است که به صورت بین‌المللی و در اسناد متعدد حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است. احترام به حق تحصیل و آموزش برای همه شهروندان فارغ از اعتقادات مذهبی، سیاسی، جنسیتی و نژادی از نشانه‌های بارز پایبندی حکومت‌ها به یکی از جنبه‌های مهم حقوق بشر در سطح جهان است. این حق باید بدون هرگونه تبعیض و در راستای کرامت انسانی برای همه افراد فراهم گردد و دولت‌ها مکلف‌اند با بهره‌گیری از همه منابع در دسترس، زمینه را برای بهره‌مندی شهروندان از آموزش فراهم کنند.

## منابع

۱. ارجمند، اردشیر ۱۳۸۶، مجموعه‌ی اسناد بین‌المللی حقوق بشر، قسمت اول، تهران :

انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ دوم

۲. تاجیک اسماعیلی، عزیزالله ۱۳۸۹، آموزش و پرورش، جامعه‌ی مدنی، حقوق و تربیت

شهروندی، نشریه‌ی آیین، آبان، شماره‌ی ۳۲ و ۳۳.

۳. توحیدی، احمدرضا ۱۳۸۶، تأملی در اصول کلی نظام، حقوق و آزادیهای مردم در قانون

اساسی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات دفتر نشر معارف، چاپ دوم، تابستان ۴.

۴. حقوق بشر و آزادیهای بنیادین، ۱۳۹۰ نشر دادگستر، چاپ اول ۹.

۵. -قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل ۱۳۶۸، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، نشر میزان،

چاپ دوم

۶. حسین رحمت‌اللهی، زهرا دانش ناری ۱۳۹۳، حق و آزادی آموزش و پرورش، فصلنامه

مطالعات حقوق بشر اسلامی

## **فقر و نابرابری جغرافیای اقتصادی ایران**

دکتر زهرا ارزجانی

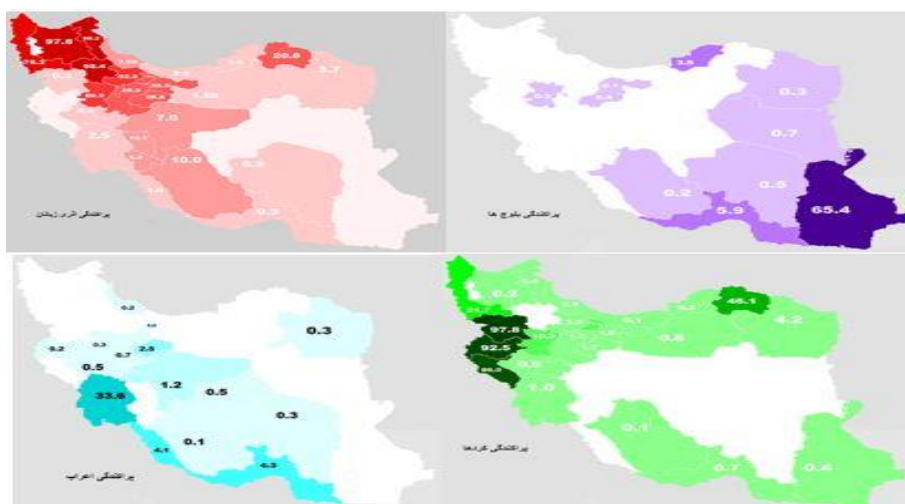
فقر و نابرابری پدیده‌ای پیچیده و چند بعدی که از جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی قابل بررسی است. علیرغم ۵۰ سال تلاش رسمی جهان برای توسعه و پیشرفتهای عظیم در علوم و فناوری، ما هنوز در قرن بیست و یکم شاهد نابرابری فزاینده میان مردم کشورهای مختلف هستیم و تقریباً یک سوم از جمعیت جهان زیر خط فقر قرار دارند. فقر به عنوان یک تهدید مستقیم امنیت انسانی مطرح است و زمینه‌ساز دیگر تهدیدهایی است که بخشی از آن دامن نظام اقتصادی و نظام سیاسی کشور را نیز خواهد گرفت. همچنین در بعد سیاسی، ماحصل افزایش فقر و نابرابری در جامعه، به طور مستقیم امنیت نظام سیاسی را به مخاطره می‌اندازد. نابرابری که میتوان آن را به معنای ساده عدم دسترسی مساوی به منابع و فرصتهای یکسان تعریف کرد. فضاهای نابرابر جغرافیایی که درصد وسیعی از کشور را به



خود اختصاص داده است بی شک ناشی از توسعه نابرابر و نامتوازن است که ریشه در توزیع ناعادلانه امکانات دارد. امروزه شوربختانه ۱۲ میلیون نفر زیر خط فقر مطلق قرار دارند و ۲۵ تا ۳۰ میلیون تن، زیر خط نسبی فقر بسر می‌برند که ۷۰ درصد درآمد کشور در اختیار چیزی نزدیک به ۳۰ درصد از اقشار مرفه جامعه است و ۳۰ درصد باقیمانده را ۷۰ درصد از اقشار متوسط و پایین جامعه در اختیار دارند اما با وجود رشد فزاینده درآمدهای نفتی آمارهای رفاهی در این دولت تحول چندانی به خود ندید به طوری که اشتغال زایی مطلوبی شکل نگرفت و وضعیت فقر و نابرابری نیز سیر صعودی را طی کرد. و کلا وارد شدن نفت به صحنه ی اقتصادی کشور، نقش خاصی به دولت داده است. چنانچه از آن به عنوان «استبداد نفتی می توان یاد کرد. آمارها نشان می دهد که در ایران فقر درآمدی بیشتر از فقر قابلیتی است. به این معنا که دولت ها موفق شده اند که در بسیاری از نقاط کشور زیرساخت های ضروری را ایجاد کنند، اما این زیرساخت ها منجر به درآمدزایی نشده است. البته در مناطقی چون سیستان و بلوچستان، هرمزگان، گلستان، کردستان، ایلام و لرستان هنوز هم فقر قابلیتی یا فقر چند بعدی بالاست و همین امر روند مهاجرت از روستا به شهر و شهری شدن فقر و گسترش حاشیه نشینی در اطراف کلانشهرها را موجب شده است. در یک دهه گذشته که مصادف با روی کار بودن دولت های نهم و دهم بود، با وجود اینکه شعارها و جهت گیری کلی مبتنی بر استقرار عدالت اجتماعی و فقرزدایی بود و کشور نیز با رشد بی سابقه درآمد سرانه به واسطه گران شدن نفت مواجه شد، اما در روندی معکوس شاهد رشد فقر در کشور بوده ایم. در این دوره در مجموع ۷۲۰ میلیارد دلار درآمد نفتی نصیب کشور شد که این رقم از مجموع درآمدهای نفتی همه دولت های گذشته بیشتر بوده است. کل درآمدهای سه دولت قبلی روی هم برابر ۴۳۲ میلیارد

دلار بود یعنی شش دولت قبلی روی هم تنها نزدیک به ۷۵ درصد دوره های نهم و دهم ریاست جمهوری، درآمدهای نفتی داشتند. اقدامات دولت های نهم و دهم در یک دهه گذشته به جای اینکه طبقه فقیر و متوسط را از لحاظ شاخص های رفاهی به طبقه بالا و مرفه نزدیک سازد، طبقه فقیر را فقیرتر و طبقه متوسط را به طبقه فقیر نزدیک تر ساخته و سبب ریزش هر چه بیشتر این طبقه به سوی طبقه فقیر شده است. گسترش فقر و نابرابری در جامعه می باید به عنوان یک اولویت ملی مورد توجه قرار گیرد؛ چرا که فقر از یک سو زاینده طیف وسیعی از آسیب های اجتماعی و از سوی دیگر بسترساز ظرفیتی برای عصیان و شورش عمومی است. بنابراین، بی توجهی به آن امنیت اجتماعی و امنیت ملی کشور را به شدت تهدید می کند. از نظر توزیع جغرافیایی فقر در کشور باید متذکر شد، که استان های مرزی گرفتار فقر بیشتری بوده و در نقاط حاشیه ای کشور میزان فقر بیشتر و توزیع آن نا متوازن تر است. تمرکز مراکز صنعتی و تولیدی و زیرساختهای عمده ی اقتصادی در برخی از استانهای کشور، توزیع نابرابر خدمات رفاهی و آموزشی، افزایش اختلاف شاخصهای رفاه در بین استانهای محروم نسبت به استانهای برخوردار، تقسیم ناعادلانه ی فرصتهای مدیریتی و سهم نابرابر مناطق محروم در مشارکتهای سیاسی، از جمله عواملی هستند که به تشدید فقر و محرومیت در مناطق محروم و مرزی و افزایش مهاجرتها منجر میگردد شوربختانه آمار رسمی و دولتی دقیق در این زمینه وجود ندارد برای نشان دادن این نابرابری نیاز به آمار جمعیت اقوام است و این آمار غیر رسمی چنین است. تمرکز مراکز صنعتی و تولیدی و زیرساختهای عمده ی اقتصادی در برخی از استانهای کشور، توزیع نابرابر خدمات رفاهی و آموزشی، افزایش اختلاف شاخصهای رفاه در بین استانهای محروم نسبت به استانهای برخوردار، تقسیم ناعادلانه ی فرصتهای مدیریتی و

سهم نابرابر مناطق محروم در مشارکتهای سیاسی، از جمله عواملی هستند که به تشدید فقر و محرومیت در مناطق محروم و مرزی و افزایش مهاجرتها منجر میگردد شوربختانه آمار رسمی و دولتی دقیق در این زمینه وجود ندارد برای نشان دادن این نابرابری نیاز به آمار جمعیت اقوام است و این آمار غیر رسمی چنین است



در نهایت عوامل اقتصاد سیاسی و نظام برنامه ریزی و سیاستهای کلان نقش بیشتری نسبت به سایر عوامل در تکوین و تشدید نابرابری در نقاط شهری استانهای ایران داشته اند. اصل بیستم، تصریح میکند، همه ی افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند، و از همه ی حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی برخوردارند. بنابراین می توان گفت که با چنین روند و برنامه ریزیهایی در آینده استانهای محروم با محدودیت های بیش تری در دستیابی به توسعه مواجه خواهند بود. چنانچه اگر نابرابریهای ناحیه های با روند فعلی تداوم یابد به تضعیف وحدت و حاکمیت ملی میانجامد و در آینده نابسامانیهای بیش تر بویژه در نواحی محروم دور از انتظار نخواهد بود..

## دلایل گسترش حاشیه نشینی در ایران

دکتر زهرا ارزجانی

حاشیه نشینی (Marginalization) یک پدیده جهانی واز پیامدهای رشد سریع و ناهماهنگ برنامه های اقتصادی و افزایش دوگانگی های اجتماعی - اقتصادی است . حاشیه نشینی زندگی در مناطقی که سکونت در آن به صورت غیر رسمی و غیر قانونی ست و ساخت و ساز در آنها با قوانین و ضوابط شهرسازی هم خوانی ندارد. در واقع حاشیه نشینی نوعی سکونت است که در آن افراد در مناطق مجاور شهر یا کلانشهری اقامت دارند و از امکانات و خدماتی به مراتب کمتر و ناچیزتر از شهر مرکزی بهره مند هستند و از نظروضعیت فرهنگی و اقتصادی نیز با آنان تفاوت های آشکاری دارند؛ بنابراین تضمین امنیت در حاشیه شهرها یا شهرهای حاشیه های کلانشهرها دغدغه و عاملی مهم در سلامت اجتماعی، اخلاقی و اقتصادی شهرها و به تبع آن کشور است. شروع این پدیده در ایران تقریباً به دهه ۴۰ و بخصوص پس از اصلاحات ارضی باز می گردد که سبب شد مهاجرت روستا - شهری افزایش یابد. گسترش شهرنشینی و رابطه آن با آسیب های اجتماعی و اقتصادی از مشخصه های اصلی الگوی توسعه شهری کشور در چند دهه اخیر است و رشد و توسعه شتابان و توزیع نامتعادل شهرنشینی در دوره جدید که موجب شکل گیری حاشیه ها و محلات اسکان غیررسمی در اطراف شهرها شده، خود یکی از عوامل اصلی

بروز آسیب‌های اجتماعی است. طی ۱۰، ۱۵ سال اخیر جامعه روستایی کشور زیرساخت‌های خود را از دست داده است، به عنوان مثال شبکه‌های لوله‌کشی آب در این مناطق پس از حذف جهاد سازندگی پوسیده شده و بسیاری از منابع معیشتی روستاها از دست رفته است. بنابراین براساس شاخص‌های رسمی موجود در کشور بیش از ۱۲ میلیون حاشیه‌نشین در کشور داریم که این تعداد دایماً در حال افزایش است.



دلایل شکل‌گیری پدیده حاشیه‌نشینی متنوع و متعدد است. پایین بودن درآمد در روستاها و نبودن فرصت‌های اشتغال، کمبود مسکن در شهرها، تفاوت‌های نژادی که موجب رانده شدن گروه‌های خاص می‌شود، گرانی غیرمعارف زمین در کلانشهرها، نگاه تمرکزگرای دولتی و افزایش بیشتر امکانات مادی و اقتصادی در شهرهای بزرگ، گسترش شکاف طبقاتی و بی‌دقتی دولت‌ها در مکان‌یابی صنعتی برای سکونت کارگران ساده از مهم‌ترین این دلایل است. مناطقی که حاشیه‌نشینان امروز در آن سکونت می‌کنند از نظر جغرافیایی با تراکم بالای جمعیت، بیکاری گسترده یا مشاغل غیررسمی و موقتی و کاذب، میانگین پایین سطح آموزش و درآمد، فقر و استاندارد پایین زندگی، الونک یا کپر و حلبی‌آبادنشینی یا کیفیت پایین مسکن، و سرانه بالای بزه‌کاری و جرم از سایر نقاط شهری متمایز می‌شوند. مناطقی همچون نعمت‌آباد، پاکدشت، قیام‌دشت (تهران)، زورآباد (کرج)، اخماقیه و کشتارگاه (تبریز)، خواجه

ربیع (مشهد)، زورآباد، حاجی آباد و عباس آباد (سنندج)، شیرآباد، قریب آباد (زاهدان)، خضر و سنگ سفید (همدان)، نمونه‌های حاشیه نشینی جغرافی به شمار می‌آیند. همزمان باید تاکید کرد که حاشیه نشینی

تقریباً در غالب شهرهای ایران کم یا بیش قابل مشاهده است و منحصر به مناطقی که یاد شد نیست. در نتیجه میتوان گفت حاشیه نشینی معضلی است خود ساخته که انسان با بی برنامه‌گی، بی عدالتی و عدم توجه به کرامت انسانی آن را ایجاد کرده است و امنیت و حاشیه نشینی رابطه ای معکوس دارند و با افزایش حاشیه نشینی امنیت اجتماعی بیشتر تهدید میشود. چنانچه حاشیه‌نشینی در اطراف کلانشهرتهران افزایش یابد، میزان آسیب‌پذیری امنیتی در سطح شهر و استان تهران نیزافزایش خواهد یافت. بنابراین مهاجرت و حاشیه نشینی به دلیل تاثیرات عدیده از آن دسته موضوعات اجتماعی است که هیچوقت تاریخ مصرف کنکاش در باره آنها پایان نمی پذیرد.

## **علل ازدواج زودهنگام کودکان در خراسان شمالی و رضوی**

### **دکترزهرارزجانی**

کودک همسری یک مسئله ی جهانی است که می تواند در هر گوشه ی دنیا، از خاورمیانه گرفته تا آمریکای لاتین، آسیای جنوبی و اروپا یافت شود. تحقیقات نشان می دهند این امر نه تنها در بسیاری نواحی دنیا رخ می دهد، بلکه افرادی که آن را اعمال می کنند با روی گشاده و رضایت قلبی انجام می دهند زیرا چنین رسومی جایگاهی اجتماعاً پذیرفته شده دارند. ازدواج

اجباری، سنتی ظالمانه است که تحت نام مذهب، فرهنگ، مشکلات اقتصادی و سیاسی و قواعد حقوقی توجیه می شود. قربانیان بیشتر ازدواج های اجباری، دختران، و در موارد کمتری پسران زیر ۱ سال هستند. گزارشگر سازمان ملل متحد درباره بردگی، ازدواج اجباری را یکی از اشکال بردگی مدرن اعالم کرده است. آثارها نشان می دهد که در هر دقیقه در دنیا، حداقل دختر به زور، شوهر داده می شوند. در ایران چیزی به عنوان سن قانونی ازدواج وجود ندارد زیرا با وجود اینکه شرع مقدس، سن بلوغ دختران را ۹ سال قمری دانسته است و دختری که به سن ۱۳ سال برسد باید بدانیم که این دختر از نظر جسمی و ذهنی توانایی تشکیل زندگی را دارد یا خیر؟ ازدواج زودهنگام یکی از معضلات زیان بار جامعه محسوب می شود و آسیب های بسیاری را برای امنیت و سلامت جامعه به همراه دارد و از مهمترین آسیب های ازدواج زودهنگام، مشکلات روحی و روانی زنان است. زن به عنوان عامل ایجاد محیط آرام در خانه باید از لحاظ روحی و روانی شرایط ایده آل و مناسبی داشته باشد اما با ازدواج های زودهنگام دختران در سن پایین، در حد یک کالای جنسی از آنها استفاده می شود و این کودک معصوم باید بار سنگین زندگی مشترک را به تنهایی به دوش بکشد؛ دختری که با سن پایین مجبور به فرزندآوری و پذیرش مسئولیت تربیت فرزند می شود پس از گذشت چند سال و رسیدن به بلوغ جسمی و فکری و کامل شدن شخصیت، متوجه خواهد شد که فرصت های آموزشی، آزادی انتخاب و حق دوستی و تعامل با هم سن و سالان را از دست داده است، در این سال ها زنی اقدام به طلاق می کند و یا دچار افسردگی می شود. زیرا کودک با ازدواج وارد چرخه ای می شود که از نظر فردی، کودکی و شادی او را از بین می برد و این به پیری جسمی، جنسی،

روحي و رواني مي انجامد: با ازدواج زودرس، گسترش ابعاد آسيب‌هاي اجتماعي رخ مي‌دهد که از جمله آن مي‌توان به اعتياد و طلاق کودکان اشاره کرد.



فقر اقتصادي و فرهنگي عامل ترک تحصيل دانش‌آموزان در استان خراسان شمالي و رضوي است. وضع مالي برخي افراد در خراسان شمالي و رضوي نابسامان است که اين موضوع دغدغه‌اي براي آموزش و پرورش محسوب مي‌شود. هم‌اکنون ۳۸۹۰ دانش‌آموز به سبب وضع مالي نامناسب در معرض ترک تحصيل قرار دارند. از اين رو دستگاه‌هاي تأثيرگذار در اين حوزه، بايد براي جلوگيري از ترک تحصيل اين تعداد دانش‌آموز در استان اقدام کنند تا دغدغه ترک تحصيل اين دانش‌آموزان برطرف شود. با پايان دوره ابتدائي ترک تحصيل دخترها و پسرها در دوره متوسطه افزايش مي‌يابد و دليل آن دربارۀ دخترها ازدواج زود هنگام و در مورد پسرها جستجوي کار شغل است. اغلب دانش‌آموزاني که از تحصيل بازمانده‌اند روستائي هستند و در نقاط محروم زندگي مي‌کنند و يکي ديگر از علل ترک تحصيل دختران در روستاها وجود معلمان مرد است که برخي خانواده‌هاي روستائي تمايل چنداني به فرستادن دخترانشان به اين مدارس ندارند. شوربختانه در معضل ازدواج زود هنگام، دختران بيش از پسران در معرض خطر مي‌باشند، زيرا اين نوع ازدواج بيشتر به شکل اجباري انجام شده و بدون در نظر گرفتن نظرات و عقايد دختران صورت مي‌گيرد و در اين مسير آمار قرباني شدن دختران بيش از پسران است



اینکه دختران و پسران دبیرستانی را از پشت نیمکت بیرون بکشانیم و سر سفره عقد ببریم اقدامی صحیح نیست. دختر و پسر که به بلوغ اجتماعی نرسیده‌اند نمی‌توانند زندگی را بچرخانند و به نظر می‌رسد هم‌اکنون و در جامعه امروزی شرایط برای ازدواج دختران دبیرستانی مهیا نیست و این آمادگی نه‌تنها در دختران بلکه در پسران هم وجود ندارد. الزامات ازدواج در سنین پایین اغلب منجر به جدایی از خانواده، دوستان و تعلقات، از دست دادن تعامل با همسالان و فرصت‌های آموزشی می‌شود. ازدواج زودهنگام در تمام دنیا در میان دختران بیشتر مشاهده می‌شود و در بیشتر موارد ازدواج و بارداری‌های مکرر منجر به دوری زنان از فضای تحصیل و آموزش خواهد شد. دختران کمتر از ۱۵ سال بیش از پسران قربانی فقر فرهنگی و حتی فقر مالی خانواده‌های خود می‌شوند. دختر ۱۵ ساله امروزی چه بینشی نسبت به ازدواج دارد و ما چه مهارت‌های زندگی را به او آموخته‌ایم. در بخش فقر فرهنگی خانواده به دلیل حفظ برخی شئونات و بالا نرفتن سن ازدواج اقدام به ازدواج زودهنگام دختران خود کرده و با این تفکر که بعد از ازدواج دختر در سن پایین، آنها از امنیت اجتماعی برخوردار می‌شوند خود را قانع می‌کنند. وقتی در جامعه‌ای از رشد اجتماعی و فرهنگی کودکان جلوگیری شود، ارزش‌ها، استعدادها و توانمندی‌های جامعه سرکوب شده و جامعه از مسیر توسعه و تعالی خارج می‌شود و رشد اجتماعی معنای خود را از دست می‌دهد و خواسته‌های متعالی و توسعه‌پذیر کم‌رنگ شده و کم‌کم از بین خواهد رفت. با توجه به اینکه هر آیین و فرقه‌ای ازدواج قوانین مخصوص به خود را دارد اما مهمترین ویژگی یک ازدواج درست، موفق و صحیح، ازدواج بر اساس یک انتخاب آزاد است. ازدواج و پیامدهای آن یک مسئله شخصی و خانوادگی نیست یک مسئله کاملاً اجتماعی است و مهم‌ترین مشخصه برای ازدواج، رشد شخصیت افراد است، رشد

شخصیت برای دختران ۲۲ سال است. در سن ۲۲ سالگی معیارها و علائم شخصیتی دختران کامل می‌شود، باید خانواده‌ها آگاه باشند که زمانی یک ازدواج موفق انجام می‌شود که به موقع صورت بگیرد.

یک عامل تأثیرگذار دیگر در ازدواج زودهنگام در این منطقه، مالکیت آب است. در استان خراسان رضوی با اقلیم خشکش، کم‌آبی مانع رشد کشاورزی است. دسترسی به زمین‌هایی که دارای قنات‌های آبی هستند، یک امتیاز ویژه به شمار می‌رود. این امتیاز زیست‌محیطی نقش مهمی در شکل دادن هنجارهای اجتماعی ایفا می‌کند. مثلاً در منطقه خیرآباد، جایی که بیشتر افراد مالک قنات‌ها هستند، ازدواج زودهنگام در میان خانواده‌ها رایج است تا به این وسیله، سلسه مراتبی را که از قبل موجود است، حفظ شوند، مصاحبه با ساکنان این منطقه نشان داد که مهریه ممکن است براساس سن عروس متفاوت باشد، به این معنا که هرچقدر عروس جوان‌تر باشد، مهریه بالاتر است. دختر و پسر در سنین پایین هیچ درکی از زندگی و روابط زناشویی ندارند و مطرح‌کنندگان ازدواج دبیرستانی فقط در پی برطرف کردن میل جنسی در این سن و سال هستند. در دنیای امروز که شاهد تحولات اجتماعی زنان هستیم و زنان می‌خواهند در مقاطع عالی تحصیلی درس بخوانند این گونه حرف‌ها به نظر کارشناسانه نمی‌آید.



با توجه به اینکه ایران امضا کننده دو میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و حقوق سیاسی و مدنی است که هر دو صراحتاً مقرر می دارند: " ازدواج باید با رضایت آزادانه طرفین که قصد آن را دارند واقع شود ". ایران همچنین عضو کنوانسیون حقوق کودک است که حداقل سن قانونی برای ازدواج را ۱ سال تعیین کرده است. به علاوه، ایران متعهد به اجرای مفاد کنوانسیون تکمیلی بردگی و مبارزه با رویه های مشابه بردگی است که ازدواج اجباری براساس آن ممنوع شده است. با وجود تمامی این تعهدات بین المللی، جمهوری اسلامی همواره به بهانه اجرای مقررات شریعت، اجازه داده است که تعداد ازدواج های اجباری افزایش یابد و تاثیرات سوء خود را در محرومیت از آموزش، تجاوز در چارچوب زناشویی، خشونت فیزیکی و روانی و همینطور، محرومیت های اقتصادی جمعیت بزرگی از دختر بچه ها در ایران بگذارد.

از راهکارهای جلوگیری از انجام ازدواج زودهنگام که در طی سالهای اخیر رو به افزایش بوده است، اطلاع رسانی و آموزش مهارت های زندگی به والدین، آگاه سازی خانواده ها در زمینه عوارض و عواقب جبران ناپذیر ازدواج های زودهنگام در دوران کودکی و ارائه پیشنهادات کاربردی و تخصصی در راستای اصلاح ساختارهای اجرایی و سنت ها را باید در دستور کار قرار داد. که با توجه به فرهنگ ها و خرده فرهنگ های هر منطقه باید انجام شود که در این راستا سازمان هایی چون آموزش و پرورش و مراکز بهداشت ...دخیل هستند و می توانند با آموزش و فرهنگ سازی صحیح بسترهای لازم را برای آگاهی خانواده ها فراهم کنند.

# بحران آب و سراب مدیریت

دکتر زهرا ارزجانی

بحران آب در ایران، بیشتر ریشه در مدیریت آن دارد. تنش یا بحران آب، طبق تعریف جهانی به معنی عدم توان پاسخگویی منابع آب به تقاضای انسانی و زیست‌محیطی است بحران آب، بیش‌تر از آن‌که تابع میزان ذخایر آب باشد، به مدیریت آب بستگی دارد، چراکه کشوری مثل آلمان، با ذخیره ۱۳۲۶ متر مکعب، که بسیار کم‌تر از ذخایر ایران است، با یک مدیریت بهینه، کمبود آب ندارد. از ۴۲۴ میلیارد متر مکعب آب ورودی به کشور، ۲۹۴ میلیارد متر مکعب تبخیر شده، و فقط ۱۳۰ میلیارد متر مکعب از آن وارد چرخه بهره‌برداری انسان و طبیعت می‌شود که مهم‌ترین علت این اتلاف، عدم توجه به آب‌خیزداری و شیوه غلط و منسوخ ذخیره آب در پشت سد است، زیرا در یک اقلیم گرم و خشک، نگهداری آب در برابر وزش باد و تابش آفتاب، باعث تبخیر و اتلاف آن می‌شود که متأسفانه این اتفاق در مسیر انتقال آب به مزارع کشاورزی از طریق بستر رودخانه‌ها و زه‌کشی‌های روباز توسط مدیران بخش آب تکرار می‌شود کشور ایران نیز بر اساس پیش‌بینی‌های انجام شده تا سال ۲۰۲۵ به لیست کشورهای بی‌وضعیت کمبود آب مواجه هستند، اضافه خواهد شد. یکی از عوامل مهم تغییرات اقلیمی در دهه‌های اخیر افزایش فشار فعالیت‌های انسانی بر محیط زیست کره زمین است که برای رفع این امر کشورهای مختلف برنامه‌های متفاوتی را در دستور کار خود قرار داده‌اند. این در حالی است که به دلیل کاهش بارندگی‌ها برداشت‌ها از منابع آب زیر زمینی افزایش یافته است در صورت ادامه این روند خاک تهران در آینده نه چندان دور ناپایدار خواهد شد در حالی که در بیشتر کشورهای دنیا تلاش می‌شود که دمای زمین تا سال ۲۰۳۰ بیشتر از ۱٫۵ درجه گرم‌تر

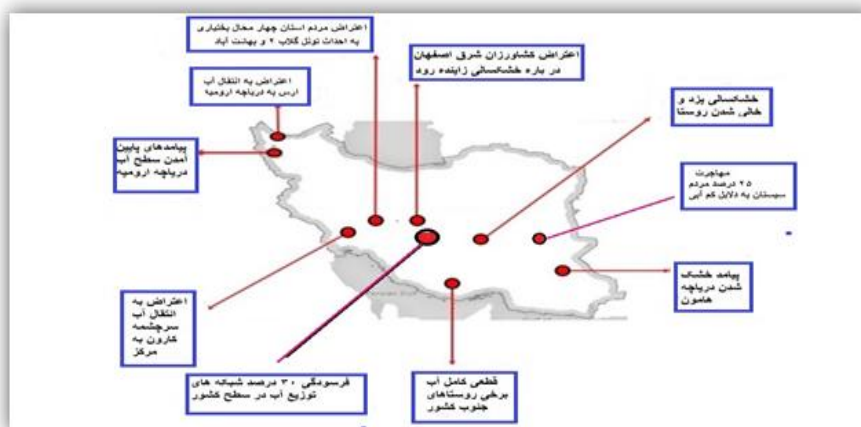
نشود، ایران جزء کشورهای است که دمای آن تا ۲,۵ درجه گرم تر شده است که به این ترتیب ایران به سمت خشکی بیشتر در پیش است. ایران باید خود را با شرایط خشکی منطبق کند. بر اساس الگوی «انطباق» در ایران از اصفهان تا جنوب کشور دچار خشکی شدید خواهند شد، به گونه‌ای که در تابستان ساعات بیشتری از کولر و سیستم‌های خنک کننده استفاده می‌شود. در چنین شرایطی، کشاورزی در برخی از مناطق به غیر از کشت گلخانه‌ای منطقی نخواهد بود، استان‌هایی چون سیستان و بلوچستان، فارس و کرمان از لحاظ شرایط آبی در وضعیت بدتری قرار خواهند گرفت؛ چراکه میزان بارش در این استان‌ها کاهش و میزان دما در آن‌ها افزایش می‌یابد ضمن آنکه رودهایی چون زاینده رود با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌شوند. ایران برای مواجهه با چنین وضعیتی در آینده باید خود را آماده کند و با طبیعت نمی‌توانیم مبارزه کنیم، بلکه باید در زمینه‌هایی چون کاهش تولید گازهای گلخانه‌ای اقدام کنیم. این همان اقدامی است که در همه کشورها اجرای آن آغاز شده است. ما نباید از اعماق زمین بی‌رویه آب برداشت می‌کردیم؛ چراکه ادامه این روند موجب شده که هر هفته شاهد ۲ تا ۳ فرونشست باشیم. ما که تاکنون به آب‌های زیر زمینی توجهی نداشتیم، باید به این مقوله بیشتر توجه کنیم. ایجاد حفره بزرگ در بزرگراه آزادگان ناشی از عبور خودروهای سنگین نبود، بلکه به دلیل برداشت منابع آب‌های زیر زمینی، حفره بزرگی در زمین ایجاد شد. اجرای طرح جمع‌آوری فاضلاب در تهران هر چند که با رویکرد مثبتی اجرا شد، ولی اگر این آب به آب‌های زیرزمینی برنگردد، در آینده نه چندان دور شاهد فرونشست‌های بیشتری خواهیم بود. سرانه مصرف آب در ایران ۴۷ در صد بیش تر از استاندارد جهانی است. مصرف سرانه آب برای هر نفر ۱۵۰ لیتر در شبانه روز است که این رقم توسط شهروندان ایران ۲۲۰ لیتر است. آب تجدید شونده که

قبلا به میزان ۱۳۰ میلیارد متر مکعب بود به طور متوسط به ۱۱۶ میلیارد مترمکعب رسیده و در سال هایی حتی تا ۱۱۴ میلیارد مترمکعب هم کاهش داشته است طبق آماروزارت نیرو حاکی از آن است که در استان های فارس، خراسان جنوبی و اصفهان نه تنها سفره های زیرزمینی آب تهی شده اند که ذخایر سدها نیز کاهش ۲۵ تا ۵۰ درصدی را نسبت به سال گذشته تجربه می کنند. و در حالی که دوسوم منابع آب کشور در استان های غربی وجود دارد اما مردم این منطقه بویژه استان خوزستان با مشکلات عدیده ای در خصوص آب شرب روبرو هستند. و در سیستان و بلوچستان که همواره جزو کم بارش ترین استان های کشور بوده و از این منظر استانی کم آب محسوب می شود، بیلان منفی در دشت های این استان، بیش از یک و نیم میلیارد متر مکعب در سال است، از طرفی نیاز آب شرب و صنعت این استان های شرقی تا افق سال ۱۴۲۰ به حدود هزار و ۷۵۰ میلیون متر مکعب می رسد و با توجه به منابع تأمین فعلی آب، استان های شرقی کشور در سال ۱۴۲۰ با کمبودی معادل ۸۵۰ میلیون مترمکعب مواجه خواهند شد در سه سال اخیر حدود ۲۵ درصد مردم سیستان به دلایل مرتبط با کم آبی و مشکلات اقتصادی مهاجرت کرده و به حاشیه نشینی در دیگر شهرها روی آورده اند. متاسفانه ۱۲ میلیون روستایی در ایران آب شرب پایدار ندارند. به نظر می رسد با توجه به وضعیت منابع آب کشور می توان پیش از حادث شدن شرایط، به فکر اصلاح و تطبیق با شرایط موجود بود. بنابراین برای حل موضوع بحران آب، ضروری است از آب های نامتعارف مانند آب های شور، فاضلاب های شهری و صنعتی، منبعی با ارزش در راستای افزایش میزان تولیدات بخش کشاورزی محسوب شود. استفاده کرد. . پساب و فاضلاب از جمله مسائل مهم در مدیریت آب است و واژه پساب به معنی آب خروجی از هرگونه فرآیندی است . این فرآیند میتواند یک

فرآیند صنعتی یا فرآیند تصفیه باشد. بنابراین گاهی «پساب فاضلاب» به معنی فاضلاب تصفیه شده بکار می رود تاکنون در کشور ما پژوهشهای اندکی در زمینه اثرات کاربرد فاضلابها و پسابها در آبیاری زمینهای کشاورزی و تدوین استانداردهای کیفی استفاده از فاضلاب تصفیه شده یا انواع دیگر پساب در آبیاری انجام گرفته است. بنابراین کمبود اینگونه استانداردها همواره برای استفاده کنندگان، برنامه ریزان و کارشناسان محسوس می باشد. اگر فاضلاب بدون تصفیه رها شود، موجب آلودگی محیط و به خطر افتادن سلامت جامعه می شود زیرا فاضلاب رها شده چهار برابر میزان خود، منابع آب را آلوده می کند. در حالیکه سالانه قریب به ۳۲ میلیارد متر مکعب فاضلاب در ایران تولید می شود که از این میزان ۵ میلیارد متر مکعب فاضلاب شهری و ۲۸ میلیارد متر مکعب زهاب کشاورزی است حدوداً ۴۲,۴ درصد از جمعیت کل شهری کشور تحت پوشش شبکه فاضلاب قرار دارد اما هنوز تا رسیدن به نقطه مطلوب راهی طولانی در پیش است و همچنین ۱۸۶ روستا در اولویت احداث شبکه فاضلاب قرار دارد که از این تعداد ۱۱۱ روستا با استفاده از وام بانک توسعه اسلامی در حال انجام اقدامات لازم در این زمینه است. بنابراین نجات دادن آب از آلوده شدن بستگی به اجرای شبکه های فاضلاب داشته و پساب حاصل از تصفیه فاضلاب برای مصارف مختلف مثلاً؛ از پساب تصفیه شده برای سرد و گرم کردن و از آب باران جمع آوری شده شیروانی ها در سیفون دستشویی، شستشوی ماشین و آبیاری قابلیت استفاده دارد بر پایه استانداردهای جهانی، تمام شهرهایی که بالای ۵۰ هزار نفر جمعیت دارند باید به شبکه های جمع آوری و تصفیه فاضلاب و پساب مجهز باشند. به این ترتیب حداقل ۱۵۰۰ شهر در ایران باید به چنین ساختارها و تأسیساتی مجهز شوند. و در ایران ۸۰ درصد فاضلابها تصفیه نمی شوند در صورتی که شروط استفاده از پسابها اعم از پساب

فاضلاب و صنعتی رعایت نشود آسیب های جدی به طبیعت و جوامع انسانی وارد می شود. ، با توجه به کمبود منابع آب در بسیاری از مناطق کشور و افزایش حجم فاضلابهای شهری، استفاده مجدد از آنها اجتناب ناپذیر است. بنابراین نیاز است دیدگاه ما نسبت به پساب تغییر نماید و به آن به عنوان یک منبع و نه ماده‌ای دور ریختنی نگاه شود. بحران کم آبی و خشکسالی کار را به جایی رسانده است که اکنون هر تکنیک و راهکاری پیشنهاد می شود تا شاید از وضعیت بحرانی سال های پیش رو کاسته شود.

## گزارش بحران آب در ایران به روش سناریوپردازی در سال ۱۳۹۶



## بحران آب و بیکاری ، مهاجرت

دکتر زهرا ارزجانی

از سال ۹۰ مهاجرت روستاییان و از بین رفتن سکونتگاه های روستایی که باعث افزایش جمعیت حاشیه نشین شهری شده است موضوعی است که ابعاد دیگری به خشکسالی داده



است. در حال حاضر آب آشامیدنی دو میلیون و ۶۰۰ هزار نفر در ۶۸۰۰ نقطه از ایران با تانکر تامین می‌شود. بر اساس آمارهای ارائه شده تهران، البرز، خراسان رضوی، آذربایجان شرقی و خوزستان بیشترین جمعیت حاشیه‌نشین را دارند. از سال ۹۰ تا ۹۵ حدود ۲۰ هزار نفر از جمعیت شادگان، در خوزستان کاهش پیدا کرده است، در سال‌های اخیر در بحث تالاب شادگان و وضعیت کشاورزی شهرستان به وجود آمد باعث شد تا نرخ بیکاری در شادگان افزایش پیدا کند و بسیاری از مردم این شهرستان مهاجرت کنند. سیستم فاضلاب شهرستان شادگان یک سیستم بسیار قدیمی است که بعد از شهرهای آبادان و اهواز اجرایی شده و سال‌های بسیار زیادی است که از آن استفاده می‌شود و اکنون بسیار فرسوده شده است. معمولاً در فصل زمستان و در زمان‌هایی که بارندگی در شهرستان اتفاق می‌افتد، شاهد بروز مشکلاتی در زمینه فاضلاب وجود دارد که این مساله در بسیاری از شهرهای استان نیز اتفاق می‌افتد زیرا وقتی بارندگی بیش از حد طبیعی و پیش‌بینی شده باشد، سیستم فاضلاب دچار مشکل می‌شود. شادگان کانال دفع آب‌های سطحی ندارد- علت این‌که در زمستان‌ها شاهد بروز مشکلاتی در بحث گرفتگی شبکه‌های فاضلاب آن است که شهرستان شادگان کانال‌های دفع آب سطحی ندارد. اگر این شهرستان کانال‌های دفع آب سطحی داشت شاید در زمان بارندگی مشکلی برای فاضلاب‌های شهرستان نیز به وجود نمی‌آمد و مردم نیز با مشکلات کمتری در این زمینه مواجه بودند. مشکل اصلی نبود کانال‌های دفع آب سطحی است که باید برای حل این مشکل اعتباراتی در نظر گرفته شود. یکی از مسایل مهم در شهرستان شادگان بحث آب شرب و آب موردنیاز برای کشاورزی است، یک طرح آبرسانی برای شادگان و روستاهای اطراف در حال اجرا است. در گذشته لوله‌های بسیار قدیمی آب موردنیاز شادگان را تامین می‌کردند که از

عمر این لوله‌ها حدود ۵۰ تا ۶۰ سال می‌گذرد و بسیار فرسوده شده‌اند." این طرح آبرسانی حدود ۳۰ درصد پیشرفت فیزیکی دارد و اکنون نیز پروژه در حال اجرا است تا آب موردنیاز را از دارخوین به شهرستان شادگان انتقال دهد. با احداث این خط لوله، سیستم قدیم و فرسوده آبرسانی حذف و سیستم آبرسانی جدید جایگزین آن می‌شود. خطوط لوله سیستم قدیمی آبرسانی به شادگان دچار گرفتگی و به نوعی غیر قابل استفاده هستند و باید خطوط جدید جایگزین آن‌ها شوند." "خط لوله‌ای که قرار است آب موردنیاز شادگان و روستاهای اطراف را از دارخوین به شادگان انتقال دهد، ۵۰ اینچی است در حالی خط لوله قبلی حدود ۴۰ اینچ است. با احداث این خط، آبرسانی راحت‌تر اتفاق می‌افتد و مشکلات مردم در شهرستان و روستاها نیز در بحث تامین آب حل خواهد شد. نرخ بیکاری در شادگان حدود ۴۰ درصد است "زمانی که وضعیت کشاورزی در شادگان خوب بود و آب موردنیاز کشاورزان تامین می‌شد، انواع کشت‌ها در فصل‌های مختلف در شهرستان توسط کشاورزان انجام می‌گرفت اما اکنون به دلیل کمبود شدید آب در شادگان بسیاری از کشت‌ها انجام نمی‌شود و این مساله یکی از دلایل افزایش نرخ بیکاری در شادگان است." "حدود ۶۰ تا ۷۰ درصد مردم شادگان در بحث کشاورزی و دامپروری مشغول به کار هستند اما اکنون به علت کم‌آبی در شادگان و نبود آب موردنیاز برای کشاورزی در فصل‌های مختلف، کشاورزان نمی‌توانند در هر فصلی اقدام به کشت کنند و این مساله تاثیر بسیاری در بحث اشتغال شهرستان دارد." نبود آب به خصوص در فصل تابستان باعث می‌شود تا کشت‌های تابستانه در شهرستان انجام نشود و به نوعی نیروهای کار در فصل تابستان بیکار هستند. در این زمینه حتی در فصل زمستان نیز در برخی از نقاط کشت‌هایی که باید انجام بگیرد به دلیل بحث کمبود آب انجام نمی‌شود." در ۱۰ سال گذشته، به دلیل وجود

آب مناسب در شهرستان و وضعیت مناسب تالاب شادگان حدود ۲۰ هزار نفر مشغول به کار بودند اما اکنون این جمعیت به حدود ۵۰ تا ۶۰ نفر رسیده و وضعیت اصلا وضعیت خوبی برای شادگان نیست. مشکلاتی که در سال‌های اخیر در بحث تالاب شادگان و وضعیت کشاورزی شهرستان به وجود آمد باعث شد تا نرخ بیکاری شادگان افزایش پیدا کند و بسیاری از مردم از این شهرستان مهاجرت کنند." در مقایسه آمار سال ۹۰ تا سال ۹۵ حدود ۲۰ هزار نفر از جمعیت شهرستان شادگان کاهش پیدا کرده است." "این وضعیت به دلیل نبود امکانات مناسب در شهرستان، وضعیت نامناسب آب و هوا، نبود شغل و کمبود آب موردنیاز جهت کشاورزی در شادگان به وجود آمده است که باید برای آن چاره‌اندیشی شود زیرا این مساله یک واقعیت است که به دلیل مشکلات موجود در شادگان به وجود آمده است." در بحث کشاورزی طرح‌هایی در خصوص اصلاح الگوی کشت کشاورزی در شادگان اجرایی می‌شود زیرا اگر بتوانیم اصلاح الگوی کشت زراعی را در شادگان انجام دهیم، می‌توانیم با بی‌آبی نیز مقابله کنیم. متأسفانه آبرسانی و کشت انجام گرفته در شهرستان سنتی است و زمانی که کشت سنتی باشد، شاهد هدر رفتن ۵۰ درصدی آب هستیم." در حال حاضر آبی که از کارون برای کشت موردنیاز کشاورزان تامین می‌شود، از طریق نهرهای سنتی انجام می‌گیرد و این امر باعث هدر رفتن بخش بسیار زیادی از آب می‌شود. اگر از رودخانه کارون و جراحی برای انتقال آب اقدام به احداث کانال شود، در جلوگیری از هدر رفتن آب کمک شایانی می‌کند؛ این کار به رونق کشاورزی در شهرستان کمک خواهد کرد." "در شادگان نباید نخل‌ها به روش سنتی آبیاری شوند، زیرا آب در شهرستان بسیار کم است و باید از طرح‌های جدید مکانیزه کشاورزی در بحث کشت و آبیاری نخیلات استفاده کرد تا مشکلات در این زمینه کاهش یابد." "احداث

کارخانه فولاد شادگان به اشتغال در این شهرستان کمک کرد زیرا در این کارخانه حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد کارکنان آن بومی هستند. وجود صنایع نیشکر در شهرستان نیز باعث شده تا عده کمی از مردم شادگان در آن صنایع مشغول بکار شوند." باید به دنبال فراهم‌سازی زمینه‌ای برای تشویق سرمایه‌گذاران به منظور سرمایه‌گذاری در شادگان بودو "اگر سرمایه‌گذاری به شهرستان مراجعه کند، با استفاده از وام‌هایی که در بحث کشاورزی، بسته‌بندی خرما، صنایع تبدیلی کشاورزی و وجود داردمی‌تواند نسبت به سرمایه‌گذاران اقدام کند." شادگان ظرفیت بسیار خوبی در بحث صنایع تبدیلی دارد که سرمایه‌گذاران با حضور در این شهرستان و استفاده از ظرفیت‌های موجود به خصوص در بحث صنایع تبدیلی می‌توانند به رونق و ایجاد اشتغال در شهرستان کمک کنند. زمینه برای حضور سرمایه‌گذاران در شادگان فراهم است و "بازارچه‌های ساماندهی کالاهای همراه ملوان مصوبه مجلس است تا کالاهایی که از مرز وارد می‌شوند را در بازارچه‌ای ساماندهی کرد. در این زمینه در حال احداث بازارچه‌هایی در شادگان هستند که با افتتاح سه بازارچه موردنظر در شهرستان شاهد اشتغال حدود ۷۰۰ تا ۸۰۰ نفر از جوانان شادگان در این بازارچه‌ها امکان پذیر است. با احداث این بازارچه‌ها مردم شهرستان از گمرک شادگان که حدود سه سال است به بهره‌برداری رسیده استفاده خواهند کرد. در این سال‌ها به غیر از حدود ۵۰۰ نفر کارگری که در گمرک شادگان مشغول بکار هستند، مردم شهرستان از گمرک شادگان استفاده و بهره‌ای نبرده‌اند." ایجاد اسکله صیادی در شهرستان شادگان یکی دیگر از اقدامات به منظور ایجاد اشتغال در شهرستان است زیرا اگر اسکله صیادی در شادگان احداث شود. این اسکله در ساحل شادگان در حال احداث است و حدود ۱۰ درصد پیشرفت فیزیکی دارد. شهرستان شادگان محرومیت دارد اما چون ظرفیت و پتانسیل‌های فراوانی را در

زمینه‌های مختلف دارد، می‌توان شاهد رونق آن بود. در این زمینه هر سرمایه‌گذاری به شهرستان مراجعه کند، راحت‌ترین و سریع‌ترین سرمایه‌گذاری را می‌تواند انجام دهد زیرا شرایط برای سرمایه‌گذاران فراهم شده و آمادگی لازم در این خصوص در شهرستان وجود دارد.

## **شرح ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر و مطابقت آن با قانون اساسی**

### **جمهوری اسلامی ایران**

دکتر زهرا ارزجانی

ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر تصریح می‌کند که هر انسانی حق دارد کار کند و کار خود را آزادانه انتخاب کند. شرایط منصفانه و رضایت بخشی برای کار خود خواستار باشد و در مقابل بیکاری مورد حمایت قرار گیرد. این ماده شامل چهار بند است که به کار برابر در برابر مزد برابر، دریافت پاداش منصفانه و تشکیل اتحادیه‌های صنفی تاکید می‌کند. دولت ایران به اعلامیه جهانی حقوق بشر، رای موافق داده و به میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر ملحق گردیده است.

بنابراین، مبانی حقوق بشر به نحوی که در اعلامیه و میثاقها بیان شده مورد تایید دولت ایران قرار گرفته و پایبندی به آن را تعهد نموده است. علاوه بر آن جزء کشورهای است که بیشترین قطعنامه ها را در مورد نقض حقوق بشر از طرف مجمع عمومی سازمان ملل در ۳۹ سال اخیر دریافت کرده است. در بند یک ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است: هر انسانی حق دارد که صاحب شغل بوده و آزادانه شغل خویش را انتخاب کند، شرایط کاری منصفانه مورد رضایت خویش را دارا باشد و سزاوار حمایت در برابر بیکاری است. دولت جمهوری اسلامی ایران بنا بر ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی ایران، مردان می توانند مانع کار همسرانی شوند که اشتغالی برخلاف مصالح و شئون خانوادگی دارند و این قانون بر خلاف بند ۱ ماده ۲۳ قانون بین المللی کار استضعف قوانین ایران در باره سوء استفاده جنسی در محل کار، امکان سوء استفاده جنسی از زنان در محل کار را بالا

برده و در مواردی هم که اتفاق می افتاد آن ها از ترس آبروی خود کمتر حاضر به شکایت می شوند تعریف کودک در سامانه حقوقی ایران کاملا منطبق با گزاره های شرعی است که با نظام حقوق بشر تفاوت بنیادی دارد. قانون کار ایران گرچه کار برای کودکان زیر ۱۵ سال را ممنوع کرده است ولی هزاران کودک زیر ۱۵ سال به کارهای سخت مانند ساختمانی و قالیبافی اشتغال دارند.



در مورد کارگری که از کار محروم می‌شود یا بهاییانی که به زور مغازه‌شان را می‌بندند، هیچ‌کدام از این اقدام‌ها با فلسفه ای که قانون‌گذار مدنظر داشته همخوانی ندارد. در بند دوم و سوم ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است: هر انسانی سزاوار است تا بدون رواداشت هیچ تبعیضی برای کار برابر، مزد برابر دریافت کند. «هر کسی که کار می‌کند سزاوار دریافت پاداشی منصفانه و مطلوب برای تأمین خویش و خانواده‌ی خویش موافق با حیثیت و کرامت انسانی بوده و نیز می‌بایست در صورت نیاز از پشتیبانی‌های اجتماعی تکمیلی برخوردار گردد. ماده ۴۱ قانون کار می‌گوید که حداقل دستمزد سالانه کارگران و مشمولان قانون کار باید براساس نرخ تورم اعلام شده از طرف بانک مرکزی و تامین حداقل معیشت خانوار باشد و اساساً شورای عالی کار باید در تعیین مزد سالانه این دو موضوع را بررسی و نسبت به افزایش دستمزدها اقدام کند. این ماده به نوعی از نظر قانونی با بند دوم ماده ۲۳ اعلامیه حقوق بشر همخوانی دارد. داشتن حقوق مناسب یکی دیگر از دغدغه‌های جامعه کارگری ایران است که این مشکل نیز با اجرای صحیح قانون کار رفع خواهد شد. جامعه کارگری کشور امروز به شدت از حیث معیشت و تامین مایحتاج اصلی خود با مشکلات بسیار زیادی دست و پنجه نرم می‌کنند. فاصله حداقل دستمزد کارگران با نرخ رشد تورم در ۲۰ سال گذشته نشان می‌دهد که در این بازه زمانی برای هفت سال نرخ تورم و حداقل دستمزد اختلاف منفی داشته‌اند و در سال‌های دیگر هم دستمزد و تورم فاصله بسیار کمی را تجربه کرده‌اند. این در حالی است که حداقل دستمزد در ۳۸ سال گذشته هیچ‌وقت نتوانسته است با هزینه‌های خانوار چهار نفره برابری کند و همیشه حداقل دستمزد اختلاف بسیاری با هزینه‌های خانوار کارگری داشته است. دریافت نکردن

دستمزد منصفانه دامن فعالان مدنی و سیاسی را که از مشاغل خود بازنشسته شده اند نیز گرفته استطبق نظر دبیر کانون انجمن های صنفی کارگران بیش از ۷ میلیون کارگر کمتر از ۸۱۲ هزار تومان حقوق می گیرند، و با عدم اجرای تبصره ۲ ماده ۷ قانون کار شاهد رشد اشتغال غیر رسمی همراه با دستمزد اندک و عدم پوشش بیمه ای هستیم. درمورد تعیین حداقل دستمزد ظاهرا با توجه به رهنمود سه جانبه گرایی سازمان بین المللی کار عمل می شود و نمایندگان دولت، کارفرمایان و کارگران در آن شرکت دارند ولی نماینده کارگران را شورای اسلامی کار معرفی می کند که عمل جزو تشکیلات صنفی کارگران محسوب نمی شود و به این ترتیب نماینده کارگران در این گروه شرکت ندارد. تبصره ۲ ماده ۷ قانون کار می گوید که دولت بایستی کارهای دائم و غیر دائم را مشخص کند زیرا اثبات شغلی یکی از اولویت های اصلی جامعه کارگری کشور است متاسفانه کارگران زحمتکش این مرزو بوم امروز از نبود ثبات شغلی دررنج و مشقت هستند. ثبات شغلی لازمه کیفیت بخشی به روند کار، تولید، رشد اقتصادی و رفاه اجتماعی است. در بند چهارم ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر بیان شده است: هر شخصی حق دارد که برای حفاظت از منافع خود اتحادیه صنفی تشکیل دهد و یا به اتحادیه های صنفی بپیوندد. اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایجاد تشکل ها را آزاد دانسته ولی با افزودن جمله ” نقض نکردن موازین اسلامی.... ” عملیاً آزادی تشکلها را بی اثر ساختهاست- فصل ششم قانون کار ایران نیز به تشکل های کارگری و صنفی اختصاص دارد، ولی آزادی کارگران را به سه نوع انجمن که عبارتند از: شورای اسلامی، صنفی و یا نماینده کارگران محدود ساخته و تازه اختیارات همین آزادی نیم بند را که شامل چگونگی تشکیل تنظیم اساسنامه و حتی نحوه عملکرد



آن می شود به شورای عالی کار و هیات وزیران سپرده است-با آن که اعتصاب جزء حق مسلم کارگران است، جمهوری اسلامی با خشونت زیاد با آن برخورد کرده و آن را سرکوب می نماید - بیش از ۵۰۰ مورد اعتصاب، تظاهرات و اعتراضهای دیگر در سال ۱۳۹۵ در مخالفت با اخراج یا درخواست دریافت به موقع دستمزد، افزایش دستمزد و بهبود در شرایط کار رخ داده است. فعالان سندیکایی در این موارد اغلب به اتهامهایی مثل «اقدام علیه امنیت ملی»، «تبلیغ علیه نظام»، «اهاانت به رهبر» و دیگر اتهام های مبهم متهم میشوند. بنابراین، می توان نتیجه گرفت که بخش بزرگی از نیروی کار، و شاید بیش از نیمی از آن، از بهره گیری از بخش مهمی از مقررات قانون کار محروم شده است. قانون اساسی و قوانین جمهوری اسلامی ایران در زمینه کار، بر پایه دین، قومیت و عقیده سیاسی به شدت تبعیض آمیز است. این قوانین تبعیض فراگیری را علیه زنان قایل می شوند. اتحادیه های مستقل کارگری ممنوع هستند و دولت کنترل شدیدی را بر تمام نهادهای قانونی - که ظاهرا باید نماینده کارگران باشند - اعمال می کند. اعتصاب ها با خشونت سرکوب می شوند. فعالان مستقل سندیکایی بیش از پیش می کوشند اتحادیه های کارگری خود را به دور از مداخله دولت تشکیل دهند. اما بسیاری از این فعالان سندیکایی بهای گزافی را با اخراج از کار، تحمل آزار و تعقیب و زندان، می پردازند.

## **فرصتها و چالش های دریانوردی در ایران**

دکتر زهرا ارزجانی

سازمان جهانی دریانوردی هفته آخر سپتامبر یا همان هفت روز اول مهر را هفته دریانوردی اعلام کرده و از همه کشورهای عضو درخواست کرده است روز چهارم تیرماه هر سال به عنوان

"روز دریانورد" تعیین و نامگذاری شد. انتخاب این روز به پاس قدردانی و سپاس از زحمات دریانوردان در حمل و نقل بین‌المللی دریایی و خدمات آنها در دریا و با هدف جلب توجه بیشتر به نحوه زندگی، معیشت و اقتصاد این قشر از جامعه انجام گرفته است. زندگی یک دریانورد امروزی می‌تواند خطرناک باشد و در تنهایی سپری شود. آنها ممکن است تا یک سال از خانه و خانواده خود و نیز همسر خود دور بوده و با خطرات و مشکلاتی نظیر دوری و تنهایی مواجه شوند. خلیج فارس یک آبراه ارزشمند از ابتدای تاریخ و به عنوان نقطه تلاقی شرق باستان با تمدن‌های بزرگ جهان و دارای یک سابقه چند میلیون ساله بوده که قرن‌ها پیش عیلامی‌ها از بندر بوشهر و جزیره خارک برای سکونت و حمل و نقل و با حاکمیت بر سواحل خلیج فارس جهت معامله با دنیای غرب و دره نیل استفاده می‌کردند کشتی‌سازی و دریانوردی در ایران و خلیج فارس سابقه طولانی و در تاریخ باستان ایران - خلیج فارس اولین دریایی است، که انسانها روی آن با قایق بحر پیمایی کردند. بقایای ویران‌گورهای دیرین در بحرین و ایلام و کاوش‌های مقدماتی دیرین‌شناسی که پیرامون بوشهر به عمل آمده، ثابت می‌کند که در آن جا بیش از هزار سال پیش از میلاد تأسیسات کشتیرانی وجود داشته است. بنا به سروده حکیم ابوالقاسم فردوسی در شاهنامه، نخستین کسی که به ساختن کشتی دست زد، جمشید جم از سلسله پیشدادیان بود، به فرموده شاعر بلند پایه ایران جمشید با کشتی بر آبها و دریاها گذر کرد، و از کشوری به کشور دیگر رفت. در تاریخ ایرانیان به علت داشتن سابقه طولانی دریا نوردی و نیز مسافرت‌های مدام دریایی در خلیج فارس و دریای مکران موفق به کشف و ابتکارهای مهمی در زمینه دریا و دریا نوردی شده‌اند. اختراع فانوس و علائم دریایی، قطب‌نماز بدو ورود استعمارگران در قرن ۱۶ میلادی به خلیج فارس و دریای مکران، دریا نوردی ایرانیها

رو به ضعف گذاشت، و روز به روز ایرانی ها بیشتر از دریا فاصله ذهنی گرفتند. نخستین زن دریانورد آرتمیس نخستین زن دریانورد ایرانی است که حدود ۲۴۸۰ سال پیش فرمان دریاسالاری خویش را از سوی خشایارشا هخامنشی دریافت کرد و اولین بانویی است که در تاریخ دریانوردی جهان در جایگاه فرماندهی دریایی قرار گرفته است.



حمل و نقل بیش از ۹۰ درصد از کالاها در جهان، از راه دریا صورت میپذیرد و این، یعنی آن که اقتصاد جهانی، متأثر از دریاست قرار گرفتن ایران در کریدور شمال - جنوب و همچنین، در آبراه مهم تنگهی هرمز، علاوه بر اینکه موقعیت کشور ما را در زمینه ی تجارت دریایی ارتقا بخشیده است . بابیان اینکه ۲۰ کشور توسعه یافته نخست جهان در کنار دریاها استقرار دارند، ولی آبادترین شهرهای ایران برخلاف دنیا در وسط کشور واقع شده اند. بنابراین اگر سر ریز جمعیت کشور به سمت سواحل ایران هدایت شود موجب آبادانی و امنیت بیشتر در سواحل خواهد شد بنادر در ساختار جمعیتی سواحل بسیار نقش آفرین هستند که امروزه پرجمعیت ترین شهرهای دنیا در سواحل سکنی دارند که متأسفانه ایران از این امر غافل مانده است. درحالیکه سهم دریا از تولید ناخالص داخلی در کشورهای ساحلی پیشرفته مثل اتحادیه اروپا ۵۹ درصد است، اما این رقم در کشور ایران باوجود بیش از سه هزار کیلومتر نوار ساحلی فقط ۲ درصد است. صنعت حمل و نقل دریایی، به عنوان موتور محرکه ی تجارت جهانی نقش بسیار مهمی در رفاه اجتماعی و زندگی روزمرهی انسان ها عهده دار است. با نگاهی گذرا به

وضعیت اقتصادی کشورها میتوان دریافت، کشورهایی که دارای مرز آبی هستند، از رفاه اجتماعی نسبتاً بالاتر، استانداردهای زندگی بهتر و رونق اقتصادی بیش تری در مقایسه با سایر کشورها برخوردارند؛ چرا که این صنعت، همراه خود، مشاغل دیگری از جمله ساخت و تعمیر کشتی، خدمات دریایی و تامین نیازهای دریانوردان را پدیدمیآورد و راه اندازی شرکت ها و خدمات حمل و نقلی، ارتباطات، خدمات فوروردی، لجستیکی، خدمات گمرکی و بسیاری از زمینه های اقتصادی دیگر را موجب میشود. میزان برداشت ذخایر خاویار ایران از ۳۵۰ تن در سال ۶۴ با کاهش چشمگیر به میزان تن در حال حاضر رسیده است. بر اثر عواملی نظیر فروپاشی شوری سابق، ورود آلایندهها به دریاچه خزر و از بین رفتن بستر طبیعی تخمیریزی ماهیان خاویاری، ذخایر ماهیان در خطر کاهش قرار گرفت به طوری که در حال حاضر به سه تن رسیده است. امروزه کشورهای اروپایی، چین، آمریکا، اسرائیل، کشورهای منطقه کارائیب نظیر اروگوئه و کشورهای عربی بویژه امارات متحده عربی و... سرمایهگذاریهای هنگفتی را در زمینپرورش و تولید خاویار پرورشی با هدف جایگزینی و حذف برند خاویار ایرانی و در دست گرفتن بازار جهانی خاویار با ورود حجم عظیم خاویار پرورشی در آینده بسیار نزدیک، به انجام رساندهاند. گردشگری دریایی در کشور ما فعال نیست. با وجود دارا بودن ظرفیتهای بسیار در سواحل شمال و جنوب کشور، گردشگری دریایی کشور چنانکه باید فعال نشده است. تالابها، دریاچهها، رودخانهها و سواحل دریایی کشور هرکدام ظرفیتهای بسیاری دارند که در صورت استفاده از آنها هم گردشگری کشور رشد می کند و هم اقتصاد بومی مناطق مختلف تقویت می شود. گردشگران خارجی به خوبی می دانند هنگام سفر به ایران باید به فرهنگ و عرف این کشور احترام گذاشته و براساس موازین موجود رفتار کنند. فعال کردن گردشگری دریایی نیز

موجب نمی‌شود قوانین و عرف جامعه نادیده گرفته شوند. صنعت دریانوردی با بحران تامین نیروی انسانی کارآمد روبروست زیرا فرآیند تربیت نیروی دریایی زمان‌بر است چنانچه خواهیم ریشه‌ای به مشکل تامین نیروی انسانی دریایی کشورمان پردازیم به نقش ناکارآمد مشاوران آموزشی در دوره دبیرستان برمی‌خوریم که هیچگاه برگزیدن چنین حرفه‌ای را به جوانان مستعد توصیه نمی‌کنند. شاید دریانوردی را جزو مشاغل سخت و طاقت‌فرسا می‌پندارند و ترجیح می‌دهند به طور سنتی جوانان را به رشته‌های اسم و رسم‌داری چون مهندسی و پزشکی و علوم انسانی سوق دهند که طی بیش از سه دهه گذشته، این گزینش رشته‌ها هیچ ارتباط منطقی با بازار کار هم نداشته‌است. دریانوردی می‌تواند حرفه مشقت‌باری نباشد چنانکه جنبه‌های جذاب و منطبق با استانداردهای امروزی را برای آن در نظر بگیریم. متأسفانه کم‌توجهی به سواحل گسترده در شمال و جنوب و نیز فضای نامطلوب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی نتوانسته جوانان را قانع کنند تا به این حرفه گرایش یابند. ضمن اینکه حرفه دریانوردی از اساس ماهیت بین‌المللی دارد و با توجه به نیاز وافر جهان خارج از مرزهای ما به دریانوردان و افسران قابل، می‌توان از سرمایه‌گذاری در این خصوص بهره کافی برد. صنعت لایروبی در کشور ما که دارای گستره وسیعی از سواحل و مرزهای آبی در شمال و جنوب آن می‌باشد از جایگاه و اهمیت بسیار ویژه‌ای برخوردار است. شرط اصلی پذیرش کشتیها، مخصوصاً آنهایی که از ابعاد و آب‌خور بیشتری برخوردارند، افزایش ظرفیت پذیرش بنادر و بویژه از نظر عمق پای اسکله‌ها، حوضچه‌های مانور و چرخش و کانالها و آبراههای منتهی به آنها است. بعلاوه حفظ اعماق ایجاد شده از اهمیت به مراتب بالاتری نسبت به اصل ایجاد برخوردار است. بنابراین نیاز به لایروبی مستمر و اصولی از نیازهای هر بندری می‌باشد و حیات هر بندر در

گروه لایروبی آن بندر می باشد. چالشها اغلب ما را مجبور میکنند که به دنبال راهکار باشیم و تصمیمهای درستی اتخاذ کنیم.

## وضعیت زندگی و مشکلات محیط بانان

دکتر زهرا ارزجانی

نخستین احکام قانونی در زمینه شکار در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ۱۳۰۷ تدوین و تصویب شده است و در ۱۴ اسفند ۱۳۳۵ مقررات مستقل و جامعی در زمینه حفاظت از حیات وحش به تصویب مجلس وقت رسید و کانون شکار و صید تشکیل شد که اعضای آن را تعدادی از افراد علاقه‌مند به شکار و صید تشکیل می‌دادند که به منظور اجرای قوانین تدوین شده؛ وزیر کشور و رئیس ستاد ارتش وقت نیز به عضویت این کانون در آمدند. در تاریخ ۱۶ خرداد سال ۱۳۴۶ سازمان شکاربانی و نظارت بر صید، جایگزین کانون شکار شد و این سازمان به صورت رسمی به عنوان یک دستگاه مستقل دولتی فعالیت خود را با آموزش شکاربانان در سطح کشور آغاز و مناطق را نیز به عنوان پارک وحش مورد حفاظت قرار داد.

در سال ۱۳۵۰ با مطرح شدن مسائل زیست محیطی در سطح جهان، این سازمان با تغییر عنوان به نام سازمان حفاظت محیط زیست، عهده‌دار مسایل محیط زیست کشور شد و همکاری خود را با سازمان‌های بین‌المللی ادامه داد. محیط بانان افرادی هستند که تحت استخدام سازمان حفاظت محیط زیست به امور حفاظت و کنترل عرصه‌های طبیعی و حیات وحش کشور مشغول هستند و از نظر قوانین استخدامی، کارمند دولتی محسوب می‌شوند اما باتوجه به شرایط کاری؛ وضعیتی شبیه نیروهای انتظامی یا شبه نظامی دارند. در طول این

سال ها متاسفانه ۱۱۹ محیط بان در برخورد با شکارچیان غیر مجاز جان خود را از دست داده و ۳۶۰ نفر نیز با صدمات ناشی از برخورد با شکارچیان دست و پنجه نرم می کنند.



به واقع، محیط بانی از مشاغلی است که به ویژه با لحاظ اهمیت محیط زیست ملی و حفاظت از آن، توجه بیشتری را می طلبد؛ در کشور ۲۸ پارک ملی، ۳۵ اثر طبیعی ملی، ۴۳ پناهگاه حیات وحش و ۱۷۲ منطقه حفاظت شده وجود دارد که در مجموع ۲۷۸ منطقه تحت مدیریت سازمان محیط زیست قرار دارند که جزو مناطق چهارگانه به حساب می آیند و بر اساس قانون باید از آنها محافظت شود. علاوه بر مناطق حفاظت شده، ۱۴۹ منطقه شکار ممنوع هم به عنوان مناطق پشتیبان وجود دارند که در آینده به سطح یکی از مناطق حفاظت شده یا پناهگاه ها اضافه می شوند؛ علاوه بر این، مجموع مناطق چهارگانه ۱۷ میلیون هکتار و مجموع مناطق شکار ممنوع حدود شش میلیون هکتار است که در مجموع می شود ۲۳ میلیون هکتار، در حالی که در خوشبینانه ترین حالت سه هزار محیط بان در کشور وجود دارد.

از جمله مهمترین مشکلات محیط بانان می توان به سخت و زیان آور بودن شغل اشاره کرد به طوری که هر محیط بان در ماه بین ۸ تا ۱۸ روز را در مناطق حفاظت شده در مأموریت به سر می برند. محیط بان روزهای متمادی و ساعات طولانی را در کوه ها و مناطق حفاظت شده به سر می برند و به سبب وجود حیوانات وحشی و شکارچیان غیر مجاز، امنیت جانی ندارند و هر

لحظه ممکن است مورد حمله حیوانات قرار گرفته و یا از سوی شکارچیان مورد اصابت گلوله قرار گیرند. متأسفانه محیط بانی درآمد پایینی دارد و توجهی به این شغل سخت نمی شود. سازمان حفاظت از محیط زیست نیز امکانات مناسبی در اختیار محیط بانان قرار نمی دهد و به دلیل کمبود امکانات و نیروی انسانی هنگام وقوع حادثه عملیات امداد و نجات با سختی فراوانی انجام می شود به این دلیل جان و سلامت محیط بانان در معرض خطر است. به گفته بسیاری از محیط بانان با توجه به شرایط سختی کار، شرایط اقلیمی و وضعیت نامناسب زندگی محیط بان نمی تواند بیشتر از ۱۵ سال کار کند و بازنشستگی ۳۰ ساله برای محیط بانان طولانی است.

یکی دیگر از مشکلات جدی محیط بانان این است که بسیاری از ارگان ها و دستگاه های دولتی و غیر دولتی به محیط زیست توجهی نمی کنند و متأسفانه قانون نیز از نظر مسائل حقوقی از محیط زیست و شغل محیط بانی حمایت نمی کند. محیط بانان همواره با خطرهای زیادی مانند درگیری مسلحانه، عبور از مسیرهای سخت، زندگی در مناطق بیابانی، کوهستانی، مواجهه با مواد سمی، تله های انفجاری و آتش سر و کار دارند. محیط بانان در بسیاری مواقع هنگام رویارویی با شکارچیان غیرمجاز، با خطر درگیری، زخمی شدن و مرگ مواجه هستند و متأسفانه به دلیل خلاء های قانونی اگر در درگیری با شکارچیان غیر مجازی که به روی آنها اسلحه بکشند، اقدام به شلیک کرده و شکارچی کشته شود به جرم قتل زندانی می شوند و ممکن است حتی اعدام شوند نقش محیط بانان مانند افراد نیروی انتظامی است اما آنان قادر به دفاع از خود نیستند. سازمان حفاظت محیط زیست طبق استانداردهای بین المللی مناطقی را تحت عنوان مناطق چهارگانه مورد حفاظت قرار داده که هر یک از مناطق دارای شرایط و



مقررات خاص است. در طول این سال ها متاسفانه حمایت های قانونی مناسبی از محیط بانان نشده و این عزیزان با وجود انجام ماموریت های سخت و طاقت فرسا با مشکلات مختلفی مواجه هستند.. بنابراین، حمایت از آن ها باید در اولویت برنامه های اصلی دولت قرار گیرد.

## **ارزیابی عملکرد و معضل خرید و فروش پایان نامه در دانشگاه آزاد**

### **اسلامی**

#### **دکتر زهرا ارزجانی**

فروش پایان نامه در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و حتی دکتری، از بزرگ ترین معضلات دانشگاه های ایران است. موضوع خیلی تازه نیست. زیرا چندسالی است که معضل خرید و فروش پایان نامه و مقاله تبدیل به چالشی جدی برای جامعه علمی و پژوهشی کشور شده است. خرید و فروش پایان نامه که تحت عنوان نوعی از سرقت ادبی می توان از آن یاد کرد، در قوانین ما جرم انگاری شده است این موضوع را باید به علت حاکمیت مدارک و به تعبیر بهتر مدرک گرایی دانست. دانشجویانی که از پشتوانه علمی کافی برخوردار نیستند با تکیه بر کدام توان علمی می خواهند در اقتصاد، صنعت، سیاست و ... ایفای نقش کنند. بدین لحاظ باید گفت امروزه به لحاظ فساد علمی که در کشور در حال انجام است، حال یا به واسطه خرید و فروش پایان نامه های پروپوزال تز دکتری یا حتی خرید و فروش مدرک دانشگاهی نمی توان آینده خوبی را متصور بود. فروش علنی پایان نامه در همه حوزه های علوم، مهندسی و حتی پزشکی وجود دارد و حتی فروشندگان پایان نامه نیازی به کار زیرزمینی هم نمی بینند. اگرچه برخورد با این پدیده ضروری است اما برخورد با فروشندگان پایان نامه لزوماً مشکل دانشگاه ها را

حل نمی‌کند و صرفاً آن را به شغلی زیرزمینی تبدیل می‌کند. تغییر رویه پایان‌نامه فروشی بیشتر از هر جایی نیازمند تلاش دانشگاه‌ها است. در مهندسی، اگر مهندس مربوطه سواد کافی نداشته باشد، ساختمانی، پلی و یا سدی خراب می‌شود، و تعدادی کشته می‌شوند، و در پزشکی هم این گونه، تعدادی کشته می‌شوند، اما در بخش تاریخ کشور و تمام مردم از دست می‌روند.

در سال‌های گذشته و پیش از روی کار آمدن دولت یازدهم، همزمان با ورود آسان به دانشگاه و پذیرش انواع دانشجویان به عنوان روزانه، شبانه، الکترونیکی، آزاد، دولتی، پیام نور، پردیس و...، همچنین پولی شدن درس خواندن و شدت یافتن روحیه مدرک‌گرایی، وضعیت نامتعارفی از توسعه نامتوازن در سطح دانشگاه‌های کشور به وجود آمد که نه تنها به بالا رفتن ارزش علم و افزایش سطح دانش نینجامید که حتی برای جامعه علمی کشور ارمغانی به جز نگرانی نداشته و اکنون کسب درآمد بالاتر با استفاده از مدارک دانشگاهی، به یکی از مشکل‌های جامعه تبدیل شده است. بیکاری، مدرک‌گرایی و گسترش بی‌رویه دانشگاه‌ها، دلایل اصلی مشکلات مقاله‌نویسی در ایران هستند هنوز برخی از متخلفان پایان‌نامه‌نویسی نمی‌دانند کارشان جرم است کمیته‌های اخلاق راهی برای برخورد با پایان‌نامه‌نویسی است. گفته شده که در برخی سازمان‌های علمی بین‌المللی و در برخی کشورهای توسعه‌یافته، کمیته‌ای به نام COPE وجود دارد که در حقیقت کمیته اخلاقی نشر در جهان است. مجلات و دانشگاه‌ها عضو این کمیته می‌شوند و اگر هرگونه خطای علمی اتفاق بیفتد، به این کمیته گزارش می‌شود و کمیته آن را بررسی می‌کند. پایان‌نامه‌ها به هیچ وجه ما را به سامان و تولید فکر، خلاقیت و نوع‌آوری نمی‌کشاند. دانشجویان ما در کار علمی پرورده نمی‌شوند. خود استادان باید به دانشجویان

آگاهی دهند که کار درست پژوهشی در واقع شایسته اوست و اگر سوء استفاده ای صورت گیرد گناه است. اگر پایان نامه را با پول بخرد یا از جایی بردارد کار زشتی کرده است. بزرگترین خطر برای آموزش عالی این است که مدرک دانشگاهی بی اعتبار شود و اعتماد به مدرک دانشگاهی از بین برود بخصوص در کشور ما که بنیان اشتغال و کسب و کار و درآمد براساس مدرک دانشگاهی استوار است. در حالی که در کشورهای توسعه یافته و پیشرفته شایستگی افراد نه با مدرک تحصیلی، بلکه با توانایی های افراد سنجیده می شود. طراحی یک سامانه تشابه یاب است که مجهز به موتور جست و جوست که بتواند در منابع مختلف جست و جو کند تا اگر احیانا مشابهتی میان متن پایان نامه ها وجود داشت، آن را تشخیص دهد و به مسئولان ذی ربط اعلام کند. اما کارایی این سامانه مشروط بر این است که ما یک پایگاه اطلاعاتی جامع در سطح کشور داشته باشیم که در این ارتباط با پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات وزارت علوم در حال رایزنی هستیم که اطلاعات جامع را چگونه می شود در سطح کشور فراهم کرد که این موتور جست و جو بتواند به فعالیت خود ادامه دهد و با تشخیص موارد مشابه، آن را اعلام کند. پژوهشگاه ایران داک می تواند با بررسی همه پایان نامه ها، دستیار دانشگاه و استاد شود و در آن زمان می توانیم قضاوت کنیم که آیا یک پایان نامه سرقت علمی بوده یا خیر! ، البته برخی دانشگاه ها متن کامل پایان نامه ها و مقالات را در اختیار ما قرار نمی دهند به طوری که از ۶۰ هزار پایان نامه که در کشور دفاع می شود حدود ۴۵ هزار پایان نامه را در این پژوهشگاه دریافت می شود. برای بهبود کیفیت سیستم آموزشی و بالا بردن توان علمی دانشجویان نهاد آموزش کشور و وزارت علوم و فناوری وظیفه خطیری را برعهده دارند و در این راستا اساتید دانشگاه ها باید با دانشجویان همکاری بیشتری کرده و موضوعات را برای آنها تبیین کنند تا

آنها راحت‌ترین راه و سرقت آثار علمی و خرید و فروش پایانه‌نامه‌ها را انتخاب نکنند. شاید بتوان گفت انجام اقدامات فرهنگی و آگاه‌کردن دانشجویان از عواقب کار نیز در این زمینه مثرتر خواهد بود. بی‌شک با فرهنگ‌سازی و آگاه‌کردن از عواقب اجتماعی و کیفری این سوءرفتارها بتوان بستری را آماده کرد که در آن شاهد هرچه کم‌رنگ‌شدن این اقدامات باشیم.

## **زن؛ خیابان؛ دستفروشی**

### **دکتر زهرا ارزجانی**

دستفروشی پدیده‌ای است که اغلب جوامع شهری در دنیای امروز به نوعی با آن روبرو هستند و در برخی موارد از این پدیده با نام یک معضل اجتماعی یاد می‌شود. دستفروشی تا چند سال پیش یک شغل مردانه بود. حال اما اوضاع فرق کرده هر طرف که سر بچرخانی، زنان دستفروشی را می‌بینید که در گوشه و کنار شهر، نان شبشان را از دل همین کار پرمشقت درمی‌آورند. در گذشته تعداد انگشت‌شماری بانوی دستفروش در خیابان‌های تهران دیده می‌شد و اگر هم بانویی به این کار مشغول بود، اغلب خانم‌های مسن و سال خورده بودند، اما متأسفانه در سال‌های اخیر به دلیل افزایش روز افزون مشکلات اقتصادی، زنان جوان زیادی به قشر فروشندگان دستفروش پیوسته‌اند و برای گذران زندگی در زمستان و تابستان زیر برف و باران و آفتاب تابستان دستفروشی می‌کنند. افزایش روز افزون دستفروشان در مناطق مختلف شهر اعم از پیاده‌روها و میادین و مترو نه تنها نشانه‌ای از اوضاع بد اقتصادی است، بلکه از آن جهت که بانوان زیادی به این کار گرایش یافته‌اند، هم جای بسی تأمل دارد. معضلی که به عقیده برخی جامعه‌شناسان و مدیران مدیریت شهری، برای رفع آن باید راهکارهایی

مناسب و کارآمد از سوی سیاستگذاران اقتصادی و اجتماعی در نظر گرفته شود. فقر، بیکاری، گره های کور کارگاه های کارآفرینی که در نتیجه عدم حمایت از تولیدات داخلی به وجود آمده است، نبود نظارت مستمر بر اجرای برنامه های تدوین شده در حوزه اشتغال، فشارهای اقتصادی که بر قشر ضعیف و متوسط جامعه در تامین معاش وارد می شود، همه و همه از جمله عواملی هستند که موجب گسترش و توسعه معضل دستفروشی می شود.



اما هر روزه بر تعداد دستفروشان اضافه می شود. در چنین شرایطی سیاستگذاران رفاهی، اقتصادی و مدیران مدیریت شهری باید طی یک برنامه ریزی دقیق نسبت به شناسایی و ساماندهی به هنگام دستفروشان نیازمند اقدام کنند، زیرا دست به دست دادن دیگر آسیب ها و معضلات شهری با معضل دستفروشی هر روز بر وقوع اتفاقات تلخ و درگیری های مداوم میان دستفروشان و ماموران سدمعبر و کسبه مغازه دار دامن خواهد زد. تصمیم گیری ها در خصوص ساماندهی دستفروشان باید طوری باشد که نان ۴۰ درصد بساط گستران که جزء نیازمندان محسوب می شوند، آجر نشود و به عبارتی برنامه ریزی های حل این معضل به ضرر آن ها تمام نشود. درگیری دستفروش ها با یکدیگر بر سر جای بساط در برخی موارد قربانی می گیرد و در این زمینه می توان به درگیری دستفروشان شهرستان **ماهشهر** اشاره کرد. در این حادثه که به دلیل اختلاف در محل بساط گستری میان دستفروشان رخ داد، یکی از رهگذران و همچنین

یکی از طرفین درگیری بر اثر اصابت گلوله جان خود را از دست دادند زنان دستفروش همانند مردان، ناخواسته به مبارزه‌ای یک‌تنه با مأموران در خیابان‌های سطح تهران تن می‌دهند. گاهی نیز این پیکار فردی در میدان‌های پررهگذر شهر حمایت همگانی عابران را برمی‌انگیزد و سرآخر به رویارویی خشونت‌بار گروهی با مأموران می‌انجامد. همچنان که مستندات انکار ناپذیر این درگیری‌ها و خشونت‌های خیابانی کم و بیش در شبکه‌های اجتماعی هم انعکاس می‌یابد. گروه‌هایی از زنان هم هنر خود را در خیابان‌های شهر برای عابران و رهگذران به نمایش می‌گذارند. خانمی در مترو با نواختن ویولون خویش خاطره‌ای را از آهنگی خوش در ذهن مردم زنده می‌کند. دخترکی دانشجو بر سنگ‌فرش کتاب‌فروشی‌های رو به روی دانشگاه می‌نشیند و برای رهگذران سنتور می‌نوازد. دختر دیگری با ساز دهنی خود در بوستانی از شهر سرخوشی و شادمانگی را بر دل شنوندگان می‌نشانند. به هر حال هزینه‌های زندگی باید از جایی تأمین شود؛ چه شهریه دانشگاه باشد چه نان خشکیده‌ای بر سفره شام شب‌ده‌ای نواختن زنان در خیابان و معابر را امری سیاسی می‌بینند که گویا به طور مستقیم بی‌فرهنگی و بی‌هویتی حکومت اسلامی را نشانه می‌گیرد. به هر حال شکی نیست به همه آنانی که در خیابان‌های تهران برای تأمین گذران خویش کار می‌کنند، خواسته و ناخواسته مبارزه‌ای سیاسی نیز تحمیل می‌شود. زیرا آنها همواره روزگار خود را در رویارویی و چالش با مأموران شهرداری می‌گذرانند. گروه‌های پرشماری از مردم نیز هنوز نمی‌توانند بین تکدی‌گری و ول‌گردی با کار دست‌فروشی آبرومندانه‌ی زنان فرق و فاصله‌ای بگذارند. آنها هم با نگاهی سنتی و دولتی به قضاوت پدیده‌های خیابانی می‌نشینند. دولت نیز چنین دیدگاهی را در رسانه‌های تصویری، صوتی و نوشتاری خویش تبلیغ می‌کند تا گناه بی‌کفایتی خود را در اداره جامعه به پای

توده‌های مردم بنویسد..باید دانست بیکاری گسترده و بحران اقتصادی و مدیریتی زمینه‌ساز گسترش دست‌فروشی هستند.



دولت همسو با کارگزاران حکومتی به جای درافتادن با علت، با معلول درمی‌افتند. از این روست که حکومت فکر می‌کند با جمع‌آوری دست‌فروشان از سطح شهر خواهد توانست حضور آشکار و لجام‌گسیخته فقر و بیکاری را از سیمای زنگار گرفته تهران و دیگر شهرها محو کند. به یاد داشته باشیم که دستفروشی معلول است، نه علت. به دستفروشان می‌توان به دید کسانی نگریست که برای خود درآمدی دارند و سعی می‌کنند، خرج خود و افراد کم‌بضاعت اطرافشان را در آورند. چه بهتر که این نوع فعالیت به رسمیت شناخته شود و چارچوبی برای ارزش‌آفرینی بیشتر آن صورت گیرد.

**جنگل خواری بجای جنگل کاری**

## دکتر زهرا ارزجانی

یکی از مشکلات عصر حاضر کشور، مسأله جنگل خواری است که در اقتصاد کشور بی نظمی ایجاد کرده و به سرعت در حال پیشروی است. در ایران، طی دوره‌های تاریخی مساحت جنگل‌ها بسیار بیشتر از امروز بوده است. تخریب جنگل‌های شمال کشور که امروز به عنوان یک معضل اقتصادی و اجتماعی در جامعه مطرح شده است. جنگلی ایران 18 میلیون هکتار و از این میزان 3/7 میلیون هکتار سهم جنگل‌های هیرکانی (شمال) بوده است. اما هم اکنون کل پوشش جنگلی ایران 12/4 میلیون هکتار است که 1/7 میلیون هکتار آن در محدوده جنگل‌های هیرکانی (شمال کشور) قرار دارد. بنابراین 6 میلیون هکتار از اراضی جنگلی کشور در 44 سال اخیر از بین رفته که آمار بسیار نگران کننده است بدیهی است که سطح جنگل‌های ما طی حدود نیم قرن، تخریبی به اندازه یکسوم وسعت خود را تجربه کرده است روزی خواهد رسید که به هر ایرانی حتی چند درخت هم نخواهد رسید. اما همیشه به خاطر داشته باشید که یک درخت متوسط، قادر خواهد بود تا اکسیژن مورد نیاز سه نفر را تأمین کند. جنگل‌ها به عنوان ریه‌های تنفسی کره زمین محسوب شده و وظیفه ارزشمند پالایش آلاینده‌ها، ایجاد تعادل در گازهای مختلف جو و مهمتر از همه تولید اکسیژن مورد نیاز را بر عهده دارند. جنگل‌ها با نقش حیاتی خود در ذخیره‌سازی منابع آبی، ممانعت از بروز سیلاب‌های ویرانگر و ایجاد سپر محافظتی در برابر طوفانها و شرایط نامساعد تأمین کننده شرایط مناسب زیست در مناطق اطراف خود هستند و حفظ خاک‌های کشاورزی و میکروارگانیسم‌های خاکی و همچنین جلوگیری از فرسایش خاک را به عهده دارند. در جنگل‌های آرسباران واقع در استان آذربایجان شرقی، در 100 متر مربع حداقل 20 گونه



گیاهی چوبی وجود دارد ولی در جنگل های آلمان، در همین مساحت، بلکه در کیلومترها، سه چهار گونه چوبی بیشتر دیده نمی شود و تنوع گونه ای جنگل های ما خیلی بیشتر از جنگل های اروپا است. آتش سوزی، جنگل خواری و رها شدن زباله ها سه ضلع مثلث نابودی جنگل ها است. در سال گذشته، یک هزار و ۲۱۱ فقره آتش سوزی در کشور رخ داده است که ۵۵ درصد آن در حوزه زاگرس بوده و ۱۵ درصد در جنگل های شمال رخ داده است و ۳۰ درصد دیگر نیز در سایر مناطق و اراضی طبیعی کشور روی داده است. جنگل خواری اصطلاحی است که چند سال اخیر به علت سوءاستفاده های مختلف و کثرت کلاهبرداریها در املاک و اراضی رواج یافته است و در قوانین عنوان خاصی تحت نام زمین خواری وجود ندارد. اما حقیقت این است که شرایطی که حتی تعریف مشخصی از این جرم ارائه نشده عزم عمومی مشخصی برای مبارزه با آن مشاهده نمی شود. متأسفانه پدیده زمین خواری محدود به محله، شهر، روستا، استان یا بخش خاصی نیست و در سراسر کشور به اشکال مختلف پراکنده شده است.



عنوان یکی از قطب های منطقه مورد توجه مردم،

جنگل امیرآباد به مهم گردشگری

ایرانگردان و جهانگردان بوده است، متأسفانه مدت زیادی است... جنگل امیرآباد جهت تبدیل به زمین زراعی به صورت گسترده قلع و قمع شده و به آتش کشیده می شود تا تبدیل به زمین زراعی شود کاهش پنجاه درصدی جنگل های هیرکانی طی نیم قرن اخیر در سطح و عمق،

آمارى بود كه چدى پيش از سوى موسسه تحقيقات جنگل ها و مراتع كشور منتشر شد. علت اصلى اين كاهش، الگوى توسعه ناپايدارى است كه به نام پيشرفت مناطق و ايجاد اشتغال كلید مى خورد؛ يادآورى نمونه اى از جنگل خوارى در نور و محمودآباد استحدود ۱۰ سال گذشته رئيس سازمان جنگل ها و مراتع وقت به راحتى ۱۱۰ هكتار زمين منابع طبيعى را به نام يك نفر سند زد، يعنى زمين اجاره اى ۹۹ ساله طى ۱۰ الی ۱۵ سال در اختيار اين فرد قرار گرفت. اين موضوع نشانه اين است كه مسئولان كشورى، استانى و محلى سازمان جنگل ها و مراتع، زمينه ساز جنگل خوارى شده اند بنابر اين در اين زمينه بايد عملکرد مسئولان امر را زيرسوال برد و با آنها برخورد كرد. براى مثال، اكنون، در ارتفاعات اربكله رامسر بنايى را به اسم بيمارستان ساختند اما در حالى كه مردم از ساخت اين بيمارستان خوش حال بودند، با خبر شدیم كه آن ساختمان تبديل به ۶۰۰ واحد مسكونى شده است. بيش از ۱۰ هزار هكتار تغيير كاربرى در كشور به صورت رسمى صورت مى گيرد. وقتى فرمانده اى در مكان و زمان نامناسب به نام برگزاري مانور نظامى سالهاى پياپى دهها هكتار جنگل را خاكستر مى كند و كسى... وقتى جوانى براى كشتن سنجابى درختى را آتش مى زند و عامل سوختن دهها هكتار جنگل مى شود و حتى در روستاى خود هم مورد مؤاخذه مردم قرار نمى گيرد. وقتى زمين خواران جنگل خوار مى شوند و جنگلهاى حاشيه شهرها را به آتش مى كشند و با بولدوزر درختان را از ريشه در مى آورند، زمين آن را تفكيك كرده و شهركهاى با قطعات كوچك با كوچههاى چهارم تری روی نقشه ترسيم مى كنند. وقتى جنگل خواران نقشه‌ی شهرهايمان را ترسيم مى كنند و كسى با آنها كارى ندارد! جنگل نتيجه و ثمره دهه ها و سده ها و شايد قرن هاى بسيار است و چه بسيار منابع و انرژى كه براى آن هزينه شده تا امروز اينچنين سبز و

خرم خودنمایی کند. نابودی جنگل، یعنی نابودی حیات، نابودی محیط زیست، در هر صورت، انتظار می‌رود مسئولین اجرایی و قضایی کشور به موضوع تغییر کاربری‌های زمین‌های کشاورزی به صورت قانونی یا غیر قانونی ورود جدی داشته باشند و صدور مجوزهای برخورداری از خدمات را بر احراز مالکیت از طریق اسناد رسمی منوط کنند. در این صورت، سد محکمی در برابر افرادی که به دنبال زمین خواری قانونی از طریق تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی هستند، ایجاد خواهد شد امید است که جنگل کاری بجای جنگل خواری قرار بگیرد.

## **بررسی وضعیت رفاهی، فرهنگی و اجتماعی دانشجویان**

### **دکترزها ارزجانی**

اگر دانشجویان را به عنوان مشتریان کلیدی دانشگاه نام میبرد ارزیابی رضایت دانشجویان از خدمات آموزش عالی به منظور بهبود مداوم برنامه های درسی، تدریس، کارکنان، و امکانات یک امر ضروری است باید توجه داشت در صورتی که کیفیت مراکز آموزش عالی خوب نباشد، آینده علمی و فنی کشور اطمینانبخش نخواهد بود. کیفیت پایین آموزش به فقر نیروی انسانی متخصص و ماهر میانجامد و در نتیجه اهداف برنامه های رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی کشور با مشکلات عمدهای مواجه میشود و این امر دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کشور را زیر سؤال میبرد، چرا که نقش اساسی دانشگاهها همان اتخاذ راهبردی سنجیده برای توسعه و تربیت نیروی انسانی متخصص و ماهر در راه رشد و توسعه کشور است. امروزه دانشجویان یکی از گروههای مهم در تمام کشورها محسوب می‌شوند و علت این مسئله نقشی است که آنان در آینده کشور ایفا می‌نمایند. پرورش استعدادها و قابلیت‌های دانشجو هماهنگ با

نیازها و تحولات جامعه می‌تواند زمینه تحقق اهداف تعریف شده آرمان‌های یک ملت را فراهم سازد.



به استناد اصل ۳۰ قانون اساسی دولت موظف است وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد. به منظور توسعه دسترسی به آموزش عالی و حمایت از اقشار کم درآمد برای ادامه تحصیل و افزایش توان علمی مبتنی بر دیدگاه عدالت اجتماعی، دولت موظف شده است. شوربختانه رضایت دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران از وضعیت رفاهی در دانشگاه‌ها پایینتر از حد متوسط است. کمبود خوابگاه‌های دانشجویی، پایین بودن کیفیت تغذیه دانشجویی، امکانات ورزشی، تفریحی، و اردویی را میتوان به‌عنوان نمونه‌هایی از پایین بودن کیفیت خدمات رفاهی دانشگاه‌ها ذکر کرد. به سبب افزایش میزان دانشجویان دختر از سال ۱۳۷۸ تاکنون و ادامه این روند، مسئله خوابگاه‌های دختران هم به لحاظ کمی و هم به لحاظ کیفی مورد توجه خاص قرار گرفته است. خوابگاه‌های دانشجویان علیرغم اهمیت بالایی که در نظام آموزش عالی به خود اختصاص داده است، همچنین به عنوان یکی از نمونه‌های حوزه رفاه و نیازهای دانشجویان نیز تلقی می‌گردد که دولت باید به طور مستقیم و گسترده در ساختن خوابگاه‌ها، واگذار کردن و مدیریت، و نظارت بر آن به شیوه‌های گوناگون شرکت داشته باشد، به ویژه تعهد دولت در بخش رفاه

دانشجویان بر این امر خواهد بود که هر دانشجویی که خارج از محل سکونت خانوادگیاش تحصیل میکند، از حق داشتن سرپناهی با کیفیت زندگی مطلوب برخوردار شود. شاید بزرگترین مزیت زندگی در خوابگاه برای دانشجویان تجربه یک زندگی متفاوت و دستیافتن به استقلالی باشد که، دستیافتن به آن در کنار خانواده بسیار مشکل است. زندگی در یک شهر غیر بومی و دور از خانواده و انجام امورات شخصی، خود بدون کمک دیگران، تجربه‌های با ارزشی هستند که به راحتی برای هر کسی دست نمیدهد، آنچه مهم است، در این روند، جوانان تجربه میکنند و فرصت تمرین زندگی مییابند و خود را برای زندگی آینده میسازند. در سال ۹۴، تنها حدود ۴ درصد خوابگاه‌های دانشگاه‌ها در رتبه اول قرار داشتند و ۳۸ درصد خوابگاه‌ها در رتبه‌های ۴ و ۵ قرار داشتند. در سال ۹۴، تعداد ۶۴ خوابگاه رتبه ۵ داشتیم که تمامی آنها ارتقاء یافته‌اند. به عنوان نمونه از دانشجویان دختر دانشگاه علوم پزشکی شهرستان شهرکرد به نشانه اعتراض به مرگ دانشجوی ترم ۹ علوم پزشکی دانشگاه شهرکرد بنام زهره قاسمی که روز ۱۴ مهرماه در حین استحمام دچار حادثه شد و جان خود را از دست داد، می‌توان اشاره نمود. دانشگاه آزاد واحد دماوند، با وجود کشتارگاه در کنار دانشگاه را معضلی اساسی است و گذشته از بوی آزاردهنده کشتارگاه بسیاری از حیوانات نیز به دلیل وجود این مکان در اطراف دانشگاه وجود دارد. حدود دو ماه پیش، صدای اعتراض دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز بلند بود. دانشجویان دختر مجتمع خوابگاهی حضرت معصومه(س) دانشگاه شهید چمران اهواز با مراجعه به مسئولان، خواستار رسیدگی به وضع سیستم‌های تهویه سرمایشی بلوک‌های این مجتمع خوابگاهی با توجه به روند افزایش دمای هوا شدند. دانشگاه اهواز یک دانشگاه بسیار قدیمی است و بیش از

۶۰ سال قدمت دارد و همان‌طور که می‌دانید در زمان جنگ هم یکی از مقرهای اصلی پشتیبانی جنگ بوده و بر همین اساس، مقداری بیش از سایر اماکن تحت تأثیر جنگ قرار گرفته است. بعد از جنگ هم چندان مورد توجه قرار نگرفت و دچار یک‌سری عقب‌افتادگی‌هایی در دانشگاه شد. مثلاً پایه بودجه دانشگاه از چیزی که در سال‌های جنگ برایش در نظر گرفته شده بود، افزایش نداشته و آن توجهات لازم هم در بازسازی و تکمیل و ترمیم زیرساخت‌ها انجام نمی‌گردد این مشکلات در حالی است که شهریه دانشجویان تمام کمال دریافت می‌شود و چنانچه تاخیری در پرداخت داشته باشند از انتخاب واحد، حذف اضافه و دریافت کارت ورود به جلسه امتحان محروم می‌شوند، ای کاش در برابر این همه نارسایی‌های موجود کسی بود که جوابگو بود تا دانشجویانی که قرار است با تحصیل علم فردای جامعه اسلامی را بسازند آزار نمی‌دادند. از دیگر مشکلات نظام‌های آموزشی هر کشور افت تحصیلی است. شکست یا افت تحصیلی عبارت است از ترک تحصیل زودرس و تکرار پایه تحصیلی در نظام آموزش و پرورش یک کشور. یک نظام آموزشی کارآمد کمترین افت تحصیلی و بالاترین بازدهی را دارد. افت تحصیلی سبب می‌شود که هر ساله میلیاردها تومان از بودجه کشور به هدر رود و نیز تعداد کثیری از نیروهای بالقوه انسانی از پرورش و تربیت صحیح بازمانند. بیکاری و عدم اشتغال نیروی انسانی فعال یکی از مشکلاتی است که اکثر جوامع را درگیر خود کرده است. اما در این بین بیکاری افراد تحصیل کرده، به عنوان نیروی انسانی فعالی که از تخصص آکادمیک برخوردارند، چالش جدی و مهم تری است که مسئولان باید در جهت رفع آن برآیند. نرخ بیکاری فارغ التحصیلان ۱۸٫۹ درصد و بالاتر از متوسط کشوری است و نیمی از دانشجویان و فارغ التحصیلان نقشی در تولید و ارزش افزوده کشور ندارند. دانشگاهها

محلی برای پژوهش و تولید به شمار میروند که توجه به پژوهش و توسعه و کاربردی کردن آن در دانشگاهها بهعنوان یکی از کارکردهای اصلی دانشگاهها باشد اما به نظر میرسد در این زمینه نیز دانشگاهها نتوانستهاند انتظارات دانشجویان را برآورده سازند هرچند که ما در عصر فناوری زندگی میکنیم اما در همین دوره نیز بسیاری از دانشجویان برای دسترسی به پایگاههای استنادی منابع به -روز و معتبر، آزمایشگاههای مجهز، و بسیاری از زیرساختهای مربوط دچار مشکل هستند. ارتباط ضعیف دانشگاه با جامعه، بازار، و صنعت موجب شده تا تحقیقاتی که هر ساله در دانشگاهها در قالب پایاننامه ها و رساله ها، طرحهای تحقیقاتی، و مقالات انجام میشود قابلیت کاربردی نداشته باشند. متأسفانه دانشگاهیان ما پژوهش را بدون در نظر گرفتن نیازهای منطقه ای و ملی و صرفاً برای ارتقا اداری و افزایش مقالات خویش انجام می دهند. مقالات بسیار خوبی را در بهترین ژورنالهای دنیا چاپ می کنند بدون اینکه این مقالات تاثیر گذاری چندانی در بهبود وضعیت کنونی جامعه داشته باشند. نکته اینجاست در کشورهای پیشرفته مقالات اکثراً نتایج تحقیقاتی هستند که قبلاً عملی، اقتصادی و صنعتی شده است ولی در ایران اکثر مقالات فقط در رزومه افراد بایگانی می شود. گنجاندن کارورزی اجباری و هدف دار در صنعت برای دانشجویان تمامی رشته های مختلف تا جوانان از نزدیک با مشکلات و توانایی های محیط بازار آشنا گردند. متأسفانه کارورزی که بعضاً در تعدادی دروس اجرا می گردد عملاً بی فایده بوده و فقط منجر به امضای گواهی پایان دوره می گردد. فراهم آوردن سیاستهای تشویقی و مالیاتی به صنایع، کارخانجات و موسساتی است که به شکل سیستماتیک از محققین دانشگاهی به عنوان سهامدار یا بخشی از پروژه استفاده می کنند.

## نگاهی به خشونت زنان

### دکتر زهرا ارزجانی

از ۲۵ نوامبر تا ۱۰ دسامبر (۵ تا ۲۰ آذر)، با هدف ارتقای سطح آگاهی عمومی و بسیج مردم سراسر دنیا برای ایجاد اتحاد در این خصوص، همهی مردم را دعوت به نارنجی کردن جهان کرده است تا این رنگ به عنوان نمادی از آینده‌ی بهتر و بدون خشونت باشد. خشونت علیه زنان همچنان یک معضل جهانی است هدفشان این بود که نگرش جهانی را به مبارزه با خشونت علیه زنان جذب کنند. خی از مردم گمان می‌کنند خشونت علیه زنان تنها از سوی مردان بروز می‌کند. آمارهای جهانی نشان می‌دهد بخشی از خشونت علیه زنان توسط زنان دیگر رخ می‌دهد. اما بخش بزرگی از خشونت علیه زنان توسط مردان رخ می‌دهد. خشونت علیه زنان، تجاوز به حقوق بشر است خشونت علیه زنان از پیامدهای تبعیض علیه زنان و پافشاری بر عدم برابری میان زنان و مردان است. خشونت علیه زنان مانع پیشرفت در ریشه‌کنی فقر، مبارزه با ایدز و صلح و امنیت در بسیاری از نقاط دنیا شده است. خشونت نوعی رفتار است که به صورت فیزیکی یا غیرفیزیکی به منظور آزار دادن و آسیب رساندن رخ می‌دهد. نمونه‌هایی از خشونت علیه زنان: کتک زدن زن، تجاوز جنسی به زنان، فروش زنان و برده‌داری، جدا کردن مادر از کودک به زور، آزار جنسی در خیابان: متلک و دستمالی و الفاظ زننده، آزار جنسی در محل کار: در پارلمان کشورهای پیشرفته، از سوی رییس جمهوری‌ها و مقامات ارشد، بازیگران



و کارگردان‌های مشهور و در پستوی خانه‌ها: از سوی پدر و برادر و همسر و اعضای فامیل. حتی اخیراً نوع خاصی از موارد اعمال خشونت علیه زنان با ظهور جهان مجازی و تاثیر آن بر بازیگران این جهان که کمتر از تاثیر آن در جهان واقعی نیست انجام گیرد. شکل مدرن زن آزاری را در وبلاگها و وب سایت های اینترنتی میتوان دید. از زنان وبلاگ نویس اگر بپرسید حتما به شما خواهند گفت که حداقل یکبار ایمیلی با مضمون توهین جنسی دریافت کرده اند.



اولین خشونت در جامعه انسانی را شاید کشته شدن هابیل به دست برادر خود قابیل دانست. و در طی عصرها و قرن‌ها در تمدن‌ها گوناگون پدیده خشونت با توجه به فرهنگها و شرایط زمان خاص آن زمان به صور مختلف دیده می‌شود در جوامع امروزی نیز شاهد تنوع این خشونت‌ها علیه زنان می‌باشیم یک از این نمونه‌ها «خشونت خانگی می‌باشد. خشونت علیه زنان، ریشه در فرهنگ اجتماعی و قوانین حقوقی دارد؛ قوانینی که فرصت بیشتر را در اختیار مردان قرار داده‌اند تا زنان. در این‌باره نمونه‌های متعددی از قوانین مربوط به خانواده، بحث ازدواج، ارث تا مسئولیت‌های مادری وجود دارد. بعضا دیده می‌شود که در دعاوی مطرح شده، جانبداری عمدتاً به سمت مردان هست تا زنان. مسئله دیگری که منجر شده تا ما در آن به نوعی با خشونت علیه زنان روبرو باشیم، مبحث حجاب و عفاف است؛ در جامعه ما، هنگامی که سخن از حجاب و عفاف می‌آید، بلافاصله اذهان سیاست‌گذاران را به سمت زنان معطوف می‌کند. در

این باره هیچ‌گاه از حجاب و عفاف مردان سخن به میان نمی‌آید. از هر سه زن در جهان یکی قربانی خشونت خانگی (خشونت جسمی یا جنسی شریک زندگی خود) است بنا بر آخرین آمار سازمان ملل، ۳۵ درصد از زنان و دختران در سراسر جهان به نوعی خشونت فیزیکی یا جنسی را در طول عمر خود تجربه کرده‌اند. علاوه بر این، تخمین زده می‌شود که ۳۰ میلیون دختر زیر ۱۵ سال در معرض خطر ختنه یا ناقص‌سازی جنسی قرار دارند و ۱۳۰ میلیون دختر و زن نیز در سراسر جهان مورد ناقص‌سازی جنسی قرار گرفته‌اند. همچنین ۲۵۰ میلیون زن در جهان قبل از سن پانزده سالگی و به عنوان کودک ازدواج کرده‌اند در همین ارتباط سازمان بهداشت جهانی در نخستین مطالعه جهانی خود درباره خشونت علیه زنان به این نتیجه رسید که در هر ۱۸ ثانیه، یک زن مورد حمله یا بدرفتاری قرار می‌گیرد، حتی باردار بودن، زنان را از خشونت مردان مصون نمی‌دارد. مهم‌ترین عاملی که زنی نمی‌تواند با خشونت علیه خودش مبارزه کند این است که از حمایت کافی برخوردار نیست. عدم توانایی حل مسئله، نداشتن اعتماد به نفس، ترس از تغییر زندگی، مشکلات مالی و ... نیز می‌تواند زن را وادار به تحمل خشونت کند. در چنین شرایطی زنان نمی‌توانند جلوی خشونت بایستند و هر روز رنج و آزار را تحمل می‌کنند زنان گاهی خشونت‌های جسمی ملایم‌تر را بخشی از زندگی روزمره و سرنوشتشان می‌دانند در مقابل رفتارهای همسرشان سکوت کنند؛ چه این رفتارها درست باشد و چه نادرست نباید به بیرون درز کنند می‌داند و سعی می‌کند آن را نوعاً طبیعی و عادی توجیه کرده و به زنان می‌قبولاند که زن با لباس سفید به خانه بخت می‌رود و هرچه بر سرش آید، باید با کفن سفید از آن بیرون بیاید! خشونت علیه زنان جا و مکان خاصی ندارد! خانواده‌درمانی، ایجاد خانه‌های امن و سرای ویژه زنان، حمایت‌های قانونی از زنان مورد خشونت، شرکت در کلاس‌های آموزشی

قبل از ازدواج، مشاوره ازدواج، افزایش آگاهی مردان و زنان از طریق جلسات آموزشی در پیشگیری از خشونت علیه زنان موثر است.

## چالش آینده، امنیت غذایی

### دکتر زهرا ارزجانی

امنیت غذایی و ایمنی غذا از واژه‌هایی مهم و کاربردی است امنیت غذایی به دسترسی همه افراد یک جامعه، در تمام ادوار عمر به غذای کافی و سالم برای داشتن زندگی سالم و فعال گفته می‌شود و درآمد خانوار از عوامل مهم در تأمین امنیت غذایی در یک نظام اجتماعی می‌باشد. به گفته یونسکو تا سال ۲۰۲۵ دو سوم مردم جهان دچار بحران کم‌آبی خواهند شد و همچنین تا سال ۲۰۵۰ نیمی از مردم جهان به سوء تغذیه دچار می‌شوند و ۲۵ میلیون کودک به شمار کودکانی که از سوء تغذیه رنج می‌برند اضافه می‌شود. امنیت غذایی ممکن نیست مگر از طریق مقابله با فقر و حفظ محیط زیست. در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که مصرف حرف اول و آخر را می‌زند. تنوع کالاها و افزایش کمی آنها اگرچه بر آزادی انتخاب افزوده، اما لزوماً به معنای بهبود کیفیت زندگی نیست. این رابطه اتفاقاً معکوس است، به ویژه در رابطه با تولید مواد غذایی. بنابر آمارها جمعیت جهان تا سال ۲۰۴۰ به بیش از ۹ میلیارد نفر می‌رسد. هم‌زمان تغییر قابل توجهی در عادات غذایی در کشورهای در حال توسعه دیده می‌شود. در این کشورها بخش بزرگ‌تری از جمعیت به تغذیه با کیفیت‌تر روی می‌آورند. اما این همه واقعیت نیست.

گسترش مراکز عرضه مواد غذایی در سراسر جهان، با خود سلسله‌ای از تغییرات را به همراه آورده است؛ تغییراتی که الگوی مصرف را نیز تحت تاثیر قرار داده است. این الگو در عین حال متاثر از رشد اقتصادی یک جامعه نیز هست. اهداف کشاورزی، زیست محیطی و سیاست تغذیه نه فقط در کشورهای پیشرفته، که در سراسر جهان در حال تغییر است. هم‌زمان این دست‌اندرکاران مبادله و تجارت مواد غذایی هستند که به شدت بر الگوی مصرف تاثیر می‌گذارند.

در دنیایی زندگی می‌کنیم که در آن با افزایش مصنوعی سطح نیازها که به تبلیغات هر روزه متکی‌اند، روبرو هستیم. البته صنعت تولید مواد غذایی با تکنولوژی پیشرفته می‌تواند به نیازهای ایجاد شده پاسخ دهد، اما هم‌زمان به نابودی بخش‌هایی از منابع طبیعی منجر می‌شود. نابودی محیط زیست و طبیعت از جمله چالش‌های فراروی امنیت غذایی در جهان امروزه به شمار می‌رود. این درحالیست که به باور عموم متخصصان زیست محیطی، وقتی به محیط زیست می‌رسیم باید بدانیم پیشگیری بهتر از درمان است شاید هیچ وقت فرصت درمان وجود نداشته باشد یا هزینه‌های غیر قابل جبرانی نیاز باشد. تجارت مواد غذایی در جهان امروز بر پایه افزایش تولید با تشدید بهره‌برداری از زمین، کاهش منابع طبیعی مانند فسفر و استفاده از مواد شیمیایی و آلوده کننده است؛ روندی که به گفته محققان محیط زیست باید متوقف شود و جای خود را به روش‌هایی دهد که بر پایه تضمین پایداری محیط زیست و امنیت غذایی با استفاده از روش بوم‌شناسی استوارند و به بهره‌برداری موثر از آب روی آورده‌اند. اگر به کشاورزی پایدار، تغییر روش در تولید مواد غذایی و نیز تغییر عادات غذایی‌مان روی نیاوریم، به دشواری بتوانیم چشم‌انداز آینده را متحول کنیم

سیاستهای غلط توسعه‌ای و مدیریت نا کارآمد موجب شده که میراث ۱۱ هزار ساله کشاورزی در ایران طی شصت سال گذشته، به موجودی «نیم زنده - نیم مرده» تبدیل شود. اگر کشاورزی با سیستم آبیاری پیشرفته رونق داشت، روستایی سنت و آداب و اصالتش را راحت رها نمی‌کند و مهاجرت کند. این هجوم است؛ هجوم ناشی از فقر تدریجی؛ مرگ تدریجی؛ انتخاب بین فقر در روستا و یا ذلت شهرنشینی. خیلی از کشاورزها در شهر کپرنشین و زاغه‌نشین شدند. این داستان کشاورزی در ایران است. این تفکر حاکم بود که به اسم صنعتی شدن، کشاورزی را از بین برد. حاصل این شد که صنعتی نشدیم و کشاورزیمان را هم از دست دادیم متأسفانه هرچه دولت به دولت دیگر پیش آمده‌ایم، در نابودی کشاورزی رقابت کردند؛ اما طوری شده که چه در این دولت، چه دولتهای قبلی قسمت اعظم کالاهای اساسیمان وارداتی شده است؛ ۹۵٪ چای، ۹۸٪ روغن نباتی، نیمی از برنج، بخش زیادی از گندم، گوشت و پروتئین یخ‌زده، شکر و حتی میوه، وارداتی است. باید بدانیم غذا در حال تبدیل شدن به یک پدیده نگران‌کننده است. اقلیمها به هم ریخته؛ سیلی که می‌آید؛ تخریبهایی که اتفاق افتاده؛ جنگلها از بین رفته؛ زمینهای زراعی آسیب دیده؛ سطح زیر کشت پایین آمده؛ در کنارش تحولات تکنولوژیک؛ بایو تکنولوژی که به اصلاح بذرها می‌پردازد و ... این شرایط باعث شده کلیت موضوع غذا به یک مقوله نگران‌کننده در امنیت جهانی تبدیل شده است. خیلی از کشورها و شرکتهای قدرتمند دنیا، برنامه‌ریزی کرده‌اند و روی مناطقی از جهان که غذا تولید می‌کنند تسلط پیدا کرده‌اند تا بتوانند در دنیا قدرت داشته باشند. رشد پایدار در بخش کشاورزی، عاملی حیاتی برای تغذیه جهان در دهه‌های آتی است.

## آلودگی هوای تهران، مرگ تدریجی حیات شهروندان

### دکتر زهرا ارزجانی

یکی از عوامل اساسی و مهم حیات انسان و موجودات زنده، هوا است که بدون آن زندگی غیر ممکن مینماید. اهمیت هوا تا جایی است که بدون وجود آن، هستی موجودات زنده ممکن نخواهد بود. اهمیت دیگر آن در حفظ انسانها، گیاهان و حیوانات در برابر خطرات زیان بار اشعه های مختلف خورشید میباشد یعنی هوا وسیله ای است که کمیت و کیفیت تابش انرژی خورشیدی بر زمین را تعیین میکند. آثار آلودگی هوا بر انسان بسیار خطرناک و هشدار دهنده است. امروزه در اثر آلودگی هوا، نشاط و تندرستی و حتی شادی در مردم کمتر دیده میشود. عده ی زیادی از مردم خسته و فرسوده هستند و از دردهای مختلف رنج میبرند. در بسیاری از شهرهای پر جمعیت جهان که همواره با مسئلهی ترافیک و آلودگی هوا دست و پنجه نرم میکنند، یکی از مشکلات و بیماریها کمبود اکسیژن در بافتها است که از گاز منو اکسید کربن ناشی از موتورهای اتومبیل، سوختن گاز و دود سیگار تولید میشود. این گاز با هموگلوبین خون ترکیب شده و بیماریهای عدیده ای ایجاد میکند. بروز بیماریهای قلبی و ریوی، برونشیت مزمن، آسم، آمفیزیوم ریوی، تشدید بیماری سرماخوردگی، کاهش دید، سردرد، سوزش، اشک ریزش، تحریک چشم به صورت خارش، تأثیر منفی بر سیستم گردش خون و سرطان ریه از شایع ترین بیماریهایی هستند که به سبب این نوع آلودگی حاصل میشوند. از ویژگیهای مهم این نوع آلودگی آن است که آلودگی هوایی ایجاد شده در یک کشور منحصر و محدود به آن کشور نخواهد بود، بلکه میتواند کشورهای همجوار را نیز تحت تأثیر قرار دهد. بدین دلیل برای جلوگیری از آلودگیهای مرزگذر در ۱۹۷۹ کنوانسیون راجع به آثار برون مرزی دوربرد آلودگی

هوا به تصویب رسید که در سال ۱۹۸۳ لازم الاجرا شد. آلودگی هوا از راههای گوناگونی مانند دود ناشی از سوخت وسایل حمل و نقل زمینی، ریل، هوایی و دریایی، دود ناشی از سوخت کارگاهها و کارخانههای صنعتی و تولیدی، سوزاندن زباله ها، سوخت منازل و مغازهها، آتش سوزیها ممکن است حاصل شود. یکی از گازهایی که از سوختههای صنعتی حاصل میشود، گاز کربنیک یا دی اکسید کربن میباشد که از سوزاندن کربن با اکسیژن بوجود میآید. این گاز زمانی که از سوزاندن سوختههای فسیلی ایجاد شود؛ باعث افزایش آلودگی هوا میگردد.



دقیق شدن به این موضوع که شاخص اعلام شده در هر روز، میانگین شاخص اندازه گیری شده در ایستگاه های مختلف است. به این معنی که برخی ایستگاه ها آلودگی شدیدتری را به ثبت می رسانند و بعضی دیگر از ایستگاه ها که در مناطق کمتر آلوده قرار دارند، آلودگی کمتری را ثبت می کنند. این به آن معناست که امروز اهالی برخی مناطق تهران در روزهایی مانند روزهای اخیر، هوای کمتر آلوده ای را نفس کشیده اند و بعضی از مردم که در مناطق آلوده تر ساکنند یا تردد می کنند، هوای آلوده تری را تنفس کرده و به همین قرینه، بیشتر آسیب دیده اند. اینجاست که می توان پرسید آیا تعطیل نکردن ادارات که اغلب شان در مناطق آلوده تر شهر قرار دارند، ظلم در حق برخی شهروندان نیست؟ موضوعی که از دیرباز مغفول واقع شده و موجب شده مرگ تدریجی شماری از شهروندان که یا ساکن مناطق آلوده تر شهر هستند یا

مجبورند به دلایل مختلف از جمله حضور در محل کار، سفر روزانه داشته باشند، به چشم هیچ کسی نیاید و از این رو، کارایی نشست های کمیته اضطرار و تصمیمات شان به شدت زیر سوال باشد. تصمیماتی که هر چه باشند، مشمول شمار زیادی از شهروندان که جمعیتشان نیز بسیار زیاد است، نخواهد شد. عامل اصلی آلودگی هوای تهران مثل همیشه منابع متحرک و در رأس آنها خودروهای دیزلی، کاربراتوری و موتورسیکلت ها هستند؛ اما عامل مکمل آن در روزهای اخیر که به تشدید آلودگی و ثبت هفت روز پیاپی آلوده اعم از روزهای «ناسالم برای گروه های حساس» و «ناسالم» با شاخص کیفیت بیش از ۱۰۰ و کمتر از ۲۰۰ واحد منجر شده، سکون نسبی هوا تحت تاثیر کاهش قابل توجه سرعت باد بوده است. در حالی که سرعت باد موثر در تهران برای انتقال آلودگی ها به بیرون شهر دست کم ۵ متر بر ثانیه است، در اغلب روزهای هفته، زیر ۲ متر بر ثانیه بوده و در برخی ساعات به یک متر بر ثانیه نیز تنزل یافته است. استزمستان و سردتر شدن هوا، احتمال تشدید آلودگی هوا تحت تاثیر بروز پدیده وارونگی هوا در تهران و دیگر کلان شهرها را افزایش خواهد داد. مرگومیر منتسب به ذرات معلق در تهران سالانه ۶ هزار نفر عنوان شده که نزدیک ۱۱ درصد از مرگومیرهای سالانه این کلان شهر را شامل می شود. این رقم در سال های ۹۲ و ۹۳، حدود سه تا چهار هزار نفر بوده است. مرگومیر سالانه ۳۰ هزار نفر در ایران نیز منتسب به آلودگی هوا شناخته می شود که حدود ۱۰ درصد از کل آمار مرگومیر سالانه کشور است. شاخص آلاینده های کلان شهر تهران از مرز هشدار گذشته، به مرحله خطرناک رسیده و در جدول رتبه بندی حد فاصل ۱۰۰ تا ۲۵۰ PSI (شاخص استاندارد آلودگی هوا)، بر روی عدد ۱۵۷ PSI یعنی محله هشدار و خطرناک قرار گرفته است. هر فردی به طور متوسط روزانه ۲۰ هزار لیتر هوا تنفس می کند که روند تنفس هر تهرانی به



علت وجود آلاینده‌های هوا به طور عکس عمل می‌کند یعنی روزانه همین مقدار گازهای سمی وارد ریه‌های خود می‌کند. در این روند دم و بازدم، ذرات درشت دود در قسمت‌های فوقانی دستگاه تنفسی تجمع می‌کند و سبب بروز اختلالات در ترشحات بینی و سینوس‌ها می‌شود و ذرات ریز در راه‌های عمیق‌تر ریه‌ها جمع می‌شوند. از این نکات اگر صرف نظر کنیم، و به بیرون جغرافیای تهران مربوط می‌شود و برای دیدنش می‌بایست به شهرهای آلوده دیگر سر کشید. به امثال اصفهان و تبریز یا دیگر شهرهای آلوده که روند اندازه‌گیری آلاینده‌ها در آنها گاه بسیار غیرشفاف و ترسناک است، به گونه‌ای که گاه شمار ایستگاه‌های سنجش آلودگی هوا و نتایج روزانه‌شان برای عموم نامعلوم است و شائبه‌های دستکاری در آنها از دیرباز مطرح بوده است. وضعیتی که اگر ندیده گرفتن سلامت شهروندان تفسیر نشود، دست کم بی‌توجهی به الزامات اولیه مقابله با آلودگی هوا و پایش مدام و لحظه‌ای آن است. باید بدانیم که حق محیط‌زیست سالم و توسعه پایدار» بیست و یکمین بند از منشور حقوق شهروندی است که پس از دو بند «حق دسترسی و مشارکت فرهنگی» و «حق آموزش و پژوهش» آمده است.

محتوای بند اول منشور به شرح زیر است:

**ماده ۱-** شهروندان از حق حیات برخوردارند. این حق را نمی‌توان از آنها سلب کرد مگر به موجب قانون.

**ماده ۲-** شهروندان از حق زندگی شایسته و لوازم آن همچون آب بهداشتی، غذای مناسب، ارتقای سلامت، بهداشت محیط، درمان مناسب، دسترسی به دارو، تجهیزات، کالاها و خدمات

پزشکی، درمانی و بهداشتی منطبق با معیارهای دانش روز و استانداردهای ملی، شرایط محیط زیستی سالم و مطلوب برای ادامه زندگی برخوردارند.



حق بر محیط زیست به عنوان یکی از اقلام حقوق بشر، یعنی داشتن محیط زیستی سالم همچون آزادی و برابری از حقوق بنیادین انسان ها محسوب می شود وحق داشتن محیط زیست سالم جزء مقوله سوم حقوق بشر(حقوق همبستگی) تلقی گردیده است. بدین ترتیب، آلوده نمودن هوای تهران و نبود کنترل و نظارت جدی بر آن نقض حقوق شهروندان تهرانی تلقی می شود. در هر حال به مفهوم حقوق بشر زیست محیطی جلوه الزام آور حقوقی داده اند. حفاظت، بهسازی و زیباسازی محیط زیست و گسترش فرهنگ حمایت از محیط زیست حق شهروندان دولت این حق را در برنامه ها، تصمیمات و اقدام های توسعه ای، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، دفاعی و امنیتی مدنظر قرار می دهد و با آلودگی و تخریب محیط زیست مقابله می کند.

**تخریب بناهای تاریخی و مدیریت ناکارآمد**  
دکتر زهرا ارزجانی

این داستان غم‌انگیز مبنی بر تخریب آثار باستانی، ساخت‌وساز در حریم بناهای تاریخی، حفاری در حریم حفاظت آثار تاریخی و سرقت کاشی‌های بناهای باستانی هر روز به گوش می‌رسد، اما شوربختانه با متخلفان برخورد جدی نمی‌شود. در حالیکه ایران در ۵ کنوانسیون بین‌المللی مهم دنیا عضو شده و براساس قانون کشورمان، مصوبه‌ها و قوانین این کنوانسیون‌ها ضمانت اجرایی دارند. براساس اصل ۷۲ قانون اساسی ایران در کنوانسیون عضو شده یا آن را بپذیرد، کنوانسیون یادشده به یکی از قوانین کشور تبدیل می‌شود، و همچنین ماده ۹ قانون مدنی ایران نیز اشاره دارد به آنکه اگر ایران کنوانسیون را پذیرفت، قاضی مکلف است براساس آن رای صادر کرده و محکمه نیز باید براساس آن عمل کند. در سال ۱۳۰۱ قانونی درباره حفظ آثار باستانی ملی به تصویب رسید که در ماده ۶ آن به جرائم تخریب و انهدام در محوطه آثار تاریخی یا تخریب آثار باستانی می‌پردازد. در آن زمان تنها مجازات جزای نقدی بود و قانون‌گذار در آن دوران تخریب میراث‌فرهنگی را جرم چندان سنگینی به شمار نمی‌آورد. در سال ۱۳۵۲ که قانون ثبت آثار ملی به تصویب مجلس وقت رسید، قوانین درباره تخریب میراث‌فرهنگی شدت بیشتری پیدا کرده و مجازات‌های سنگین‌تری برای تخریب آثار باستانی وضع شد. در سال ۱۳۵۸ لایحه قانونی جلوگیری از انجام حفاری‌های غیرمجاز به تصویب رسید. در این قانون مجازات سنگین‌تری در نظر گرفته شد. در قسمت تعزیرات قانون مجازات اسلامی قوانین مفصلی درباره میراث‌فرهنگی وجود دارند که از ماده ۵۵۸ تا ۵۶۹ را شامل می‌شود. مجازات‌های شدیدی نیز برای مجرمان در نظر گرفته شده و اگر بر اثر دستور یک شهردار یا مقام دولتی تخریب میراث‌فرهنگی به وقوع بپیوندد باز هم براساس قانون یک تا ۱۰ سال حبس و جزای نقدی شامل حال این متخلفان می‌شود. اما با این وجود تخریب بناهای

تاریخی به دلیل سوء مدیریت در حال افزایش است. ایران در کنوانسیون‌های بسیار زیادی عضو شده و در زمینه قوانین کم و کاستی در کشور وجود ندارد. منشور مدیریت بین‌المللی میراث باستانی نیز یکی دیگر از کنوانسیون‌های بین‌المللی است که ایران یکی از اعضای آن است. منشور محافظت از شهرها و محوطه‌های تاریخی به منشور ایکوموس معروف است. این منشور رویکرد سه‌گانه پیشگیری، آموزش و اطلاع‌رسانی و اعلام وقوع جرم به دادستان‌ها و قضات محلی را در پیش گرفته است در ایران مسئله آموزش درباره محافظت و نگهداری بناهای تاریخی و میراث فرهنگی بسیار ضعیف عمل می‌شود. زیرا بودجه میراث فرهنگی به اندازه‌ای محدود است که نه می‌تواند از آثار باستانی و محوطه‌های تاریخی به خوبی نگهداری کند و نه می‌تواند پیگیری حقوقی مناسبی در زمینه تخریب میراث فرهنگی کشور داشته باشد. برخی از آثار ملی ایران که به طور رسمی به ثبت رسیده اند، به دلایل مختلف در طول تاریخ تخریب شده و از میان رفته اند. بعنوان نمونه کلیسای کرمان مربوط به اوایل سلطنت دوره پهلوی اول در کرمان، دبیرستان خیام در نیشابور، یا سرای دلگشا در محله منیریه تهران، حجاری‌های برم دلك در شیراز، مسجد سلیمان در تهران، حمام خسروآقا در اصفهان، قلعه سموران در کرمان، تخریب کاخ کوروش بزرگ در برازجان، نابودی تپه باستانی ۶۰۰۰ ساله «گونسپان» ملایر با آبگیری سد کلان، ساخت سد گتوند و نابودی شیرهای سنگی باستانی، شهر تاریخی ماسوله: بر اثر تخریب جنگل در اطراف آن و بی توجهی در خطر نابودی بر اثر جابجایی و ریزش کوه قرار گرفته است، تخریب خانه تاریخی حاج باشی در اراک ..... تملک و آزادسازی و احیای خانه های کهنسال شبیه این خانه در مناطق مرکزی شهر اراک با تعیین تکلیف ورثه و جلب رضایت آنها از اهمیت بالایی برخوردار است که باید در اولویت کار دستگاه

های اجرایی مرتبط و متولیان امر قرار گیرد طبق اعلام نظر سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری محدوده تاریخی شهر تهران در حدود دوهزار و ۲۵۰ هکتار است. دو هزار و ۴۰۰ اثر واجد شرایط تاریخی در تهران شناسایی شده که از این تعداد تنها ۳۰۰ اثر به ثبت ملی رسیده است؛ و حدود ۸۰۰ اثر که این تعداد در حدود ۳۰ درصد کل آثار تاریخی پایتخت است در سال‌های اخیر تخریب شده که متأسفانه تخریب‌های این سال‌ها با مجوز قانونی صورت گرفته است. این آمار تنها بخش اندکی از محوطه‌ها و آثار تاریخی است که در این مدت یا از پیش از آن تخریب شده است



در یک نگاه کلی می‌توان گفت تخریب میراث فرهنگی به این علل بوده و هست: جهل و بی‌توجهی، زدودن خاطره بانیان و پدیدآوردگان، دشمنی‌های نژادی و سیاسی، اختلافات مذهبی، خرافات، تخریب برای استفاده از مصالح، توسعه و عملیات عمرانی .

امروزه ما به واسطه آثاری که از گذشته بر جای مانده است، از احوال و روش و منش گذشتگان آگاه می‌شویم و از تجارب و اندوخته‌هایشان بهره برمی‌گیریم. میراث فرهنگی در واقع همین آثار و تجارب گذشتگان است که می‌تواند پایه توسعه و ترقی درست در زمان حال و آینده باشد. زمان آن رسیده معاونت میراث فرهنگی رویکرد خود را در زمینه میراث فرهنگی کشور تغییر داده و با پذیرش وظایف خود درباره تمامی آثار تاریخی و بناهای باستانی کشور، از این

پس رویکرد جدی و مسئولانه در پیش بگیرد.